



مجلس شورای اسلامی

مرطالعانه

فصلنامه
علمی - پژوهشی

۵۶

سال چهاردهم / شماره ۴ / ۱۳۹۲

مقالات

- از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه) (۳) / سید مجید امامی
- رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان (۳۵) / علیرضا بخشایش
- مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی (۵۱) / عزت‌اله کیشانی فراهانی / محسن فرمهینی فراهانی / اکبر رهنما
- کارکردهای هویتی پیشداوری و تصورات قالبی دانشجویان دانشگاه تهران (۷۵) / علی‌اشرف نظری / محسن نظری‌مجد
- هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (۹۵) / میثم بلباسی / شهرام اسفندیار
- تصاویر کتاب‌های درسی و رابطه آنها با هویت ملی و دینی (۱۲۱) / سعید زاویه / سیده مهدیه عزیزی
- شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان (۱۴۱) / صمد عدلی‌پور / وحید قاسمی / مسعود کیانپور
- چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر (۱۶۵) / روح‌الله قاسمی

مقالات

- از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه): نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت ملی (۳) / سیدمجید امامی
- رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان (۳۵) / علیرضا بخشایش
- مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی (۵۱) / عزت‌اله کیشانی فراهانی / محسن فرمپینی فراهانی / اکبر رهنما
- کارکردهای هویتی پیشداوری و تصورات قالبی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران (۷۵) / علی‌اشرف نظری / محسن نظری‌مجد
- هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) (۹۵) / میثم بلباسی / شهرام اسفندیار
- تصاویر کتاب‌های درسی و رابطه آنها با هویت ملی و دینی مطالعه کتاب‌های اول و دوم دبستان (۱۲۱) / سعید زاویه / سیده مهدیه عزیزی
- شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان (۱۴۱) / صمد عدلی‌پور / وحید قاسمی / مسعود کیانپور
- چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر (۱۶۵) / روح‌الله قاسمی

درجه علمی - پژوهشی فصلنامه مطالعات ملی توسط کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی نامه‌های شماره ۳/۷۱۳۳ تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳؛ شماره ۸۹/۳/۱۱/۲۲۰۱۷ تاریخ ۱۳۸۹/۷/۶ و شماره ۹۱/۳/۱۸/۲۰۸۱۱۹ تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ صادر و تمدید گردیده است.

این فصلنامه در پایگاه ISC و SID نمایه می‌شود.

صاحب امتیاز: مؤسسه مطالعات ملی
مدیر مسئول: دکتر علی کریمی
سر دبیر: دکتر ابراهیم برزگر
دستیار سر دبیر: دکتر علی اشرف نظری
دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران
استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

اعضای تحریریه:

علی بیگدلی	استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی
محمد رضا حافظ‌نیا	استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
محمد باقر خرمشاد	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
احمد ساعی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
سید محمد کاظم سجادی پور	دانشیار روابط بین الملل دانشکده روابط بین الملل
علی کریمی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران
میر جلال‌الدین کزازی	استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی
حسین گودرزی	استادیار جامعه‌شناسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی، اجتماعی
مجتبی مقصودی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)
داود میرمحمدی	مدرس جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور
سیدضیاء هاشمی	استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۴۳، ص. پ ۹۱۹-۱۳۱۴۵
کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۵۷۱۵ پست الکترونیک: motaleatmeli@yahoo.com , info@rinsweb.ir
نشانی تارنمای مؤسسه: www.rinsweb.org / www.rinsweb.ir نشانی تارنمای فصلنامه: www.rjnsq.org
دورنما: ۶۶۴۱۵۴۶۷ تلفن: ۶۶۴۱۵۴۸۸-۶۶۴۱۵۷۰۸-۶۶۴۹۹۹۱۶

- * مطالب مندرج در فصلنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های مؤسسه مطالعات ملی نیست.
- * مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود و فصلنامه در ویراستاری، رد یا قبول مقالات آزاد است.
- * نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

قیمت ۴۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقالات

- از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه)؛ نقش پارادایم ماهیت‌گرا
در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت ملی / سیدمجید امامی ۲
- رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان / علیرضا
بخشایش ۳۵
- مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی / عزت‌اله کیشانی فراهانی / محسن
فرمهبینی فراهانی / اکبر رهنما ۵۱
- کارکردهای هویتی پیشداوری و تصورات قالبی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران /
علی اشرف نظری / محسن نظری مجد ۷۵
- هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی
ایران) / میثم بلباسی / شهرام اسفندیار ۹۵
- تصاویر کتاب‌های درسی و رابطه آنها با هویت ملی و دینی مطالعه کتاب‌های اول و دوم
دبستان / سعید زاویه / سیده مهدیه عزیزی ۱۲۱
- شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان / صمد عدلی پور / وحید قاسمی / مسعود کیانپور
۱۴۱ ۱۶۵
- چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر / روح‌الله قاسمی ۱۶۵

اسامی داوران مقالات این شماره:

محمد آرمند، ابراهیم برزگر، ابراهیم حاجیانی، بهاره سازمند، ابراهیم صالحی عمران،
احمد غیاثوند، یعقوب فروتن، مراد کاویانی‌راد، علی کریمی، داود میرمحمدی،
سید محمود نجاتی حسینی، علی یوسفی

حروفچین: محمود قره‌داغلی
امور مشترکین: فاطمه تکلوییغش

ویراستار: کاظم فیروزمند
دفتر فصلنامه: فائزه محبی
تعداد صفحات: ۱۹۸

راهنمای تنظیم مقاله

فصلنامه مطالعات ملی به منظور تولید دانش درباره هويت ایرانی، وفاق ملی، همبستگی اجتماعی و انتشار اندیشه صاحب نظران در حوزه مطالعات ایرانی، مقالات را با شرایط ذیل پذیرش و چاپ می نماید:

- ۱- برآمده از یک کار اصیل پژوهشی و دارای ویژگی دانش افزایی باشد. ۲- واجد معیارها و ضوابط علمی تحقیق به ویژه از بُعد روشی و نظری باشد. ۳- قبلاً در نشریات یا مجموعه مقالات، سمینارها و مجامع علمی دیگر چاپ نشده باشد. ۴- مقالات برگرفته از پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری به شرط قید نام استاد راهنما در کنار نام نویسنده قابل چاپ است.

چگونگی تدوین مقالات

صفحه اول: ۱- عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، رتبه علمی دانشگاهی، محل کار یا تدریس و آدرس پست الکترونیکی نویسنده یا نویسندگان. ۲- چکیده فارسی حداکثر در ۱۵۰ کلمه، ۳- کلیدواژه (بین ۳ تا ۵ کلمه). ۴- در صورتی که مقاله برگرفته از پایان نامه باشد یا سازمان یا نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده باشند، مراتب در پاورقی صفحه اول درج گردد.

صفحات دوم و بعد از آن: ۱- مقدمه و طرح مسأله ۲- سؤال یا سؤال های تحقیق ۳- چارچوب نظری یا مفهومی (تعریف مفاهیم، فرضیه ها، تئوری های تبیین کننده موضوع، مدل نظری) ۴- روش تحقیق ۵- یافته های تحقیق ۶- تکنیک گردآوری اطلاعات، حوزه تحقیق، سال انجام تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه ۷- خلاصه و نتیجه گیری ۸- یادداشت ها ۹- منابع ۱۰- خلاصه انگلیسی مطابق صفحه اول.

ویژگی های شکلی مقاله

- ۱- مقاله، با نرم افزار Word حروف چینی شده و حداکثر ۲۰ صفحه از طریق ایمیل ارسال گردد.
- ۲- ارجاعات در داخل متن درج شود (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: صفحه یا صفحات)
- ۳- کلمات غیرفارسی در داخل متن شماره گذاری (توک) و معادل لاتین آن در پایین صفحه درج شود.
- ۴- پی نوشت ها به آخر مقاله و قبل از منابع منتقل شود. ۵- منابع در انتهای مقاله به ترتیب حروف الفبا به تفکیک منابع فارسی و غیرفارسی ذکر شود. ۶- فهرست منابع و مآخذ به روش زیر تدوین و در پایان مقاله اضافه شود:

الف) کتاب ها: نام خانوادگی، نام (سال انتشار): عنوان کتاب، مترجم: جلد. محل نشر: ناشر.

ب) مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار): «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره، شماره نشریه، مکان نشر: صفحاتی که مقاله به خود اختصاص داده است.

ج) منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام (تاریخ مراجعه به سایت یا وبلاگ): عنوان مقاله یا نوشته؛ آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD، ...)

د) پایان نامه ها: نام خانوادگی، نام (سال تحصیلی که رساله دفاع شده است): عنوان کامل رساله، نام استاد راهنما و مشاوران، شهر محل استقرار دانشکده یا دانشگاه: نام دانشگاه، (منتشر نشده).

ه) سایر منابع: پیروی از الگوهای متداول در مجلات علمی معتبر.

از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه)؛ نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت ملی

سیدمجید امامی*

E-mail: sm.emami@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۱

چکیده

«جامعه‌شناسی تاریخی هویت و تمدن‌پژوهی» از حوزه‌های مهم مطالعات «هویت»، «تاریخ» و «تمدن» است که در ترتیبی منظم، از ذهنیت تا عینیت، خودآگاهی جمعی را سامان می‌دهد و موضوع اصلی این مقاله نیز در این حوزه قرار می‌گیرد. هویت تاریخی و تمدنی ایران، از پیش از اسلام تا دوره معاصر، همواره از منظرهای مختلف موضوع مطالعه اندیشمندان اجتماعی داخلی و ایران‌شناسان غربی بوده است. در این مقاله پس از معرفی سه رویکرد کلی به هویت تاریخی و تمدنی ایران یعنی رویکرد انحطاط‌گرا، رویکرد چندپاره‌انگار و رویکرد ماهیت‌گرا و ثمره نگاه هر یک درخصوص آینده و الگوی پیشرفت در ایران، الزامات مأخوذ از هویت تاریخی و تمدنی ایران برای الگوی نظری پیشرفت براساس رویکرد ماهیت‌گرا در هفت مؤلفه ماهیتی شامل: «روح معنویت، تعبد، توحید»، «اسلام اصیل»، «ولایت‌مداری»، «سرزمین و موطن»، «زبان و خط پارسی»، «تمدن تاریخی» و «رسالت تاریخی و موعودگرایی» (مبتنی بر سند مؤلفه‌های هویت ملی ایران، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی کشور) تشریح و واکاوی خواهد شد.

مسئله اصلی در این مقاله بررسی «انواع رویکردها به هویت تاریخی ایران و نگاه‌هایی است که به الگوی کلی پیشرفت و تغییرات تمدنی در این سرزمین می‌توان داشت» و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد به لحاظ روش تحلیل و داوری، از جامعه‌شناسی تاریخی مبتنی بر چارچوب مفهومی معرفی شده تبعیت می‌کند.

کلید واژه‌ها: هویت تاریخی، تمدن ایرانی، رویکرد ذات‌گرا، الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت، سیاست هویت ملی، رویکرد کثرت‌گرا.

مقدمه

تاریخ، راه روشن همهٔ اجتماعات و تمدن‌های پیشرو و زاینده است و از همین روست که تمدن‌های مختلف در معرفی و قضاوت در باب «خود» و «دیگری»، متفاوت از هم ظاهر شده‌اند. آنچه که گزارش‌ها و توصیفات غربیان را از فرهنگ و هویت و تمدن آسیا در گفتمان شرق‌شناسی سویه‌دار و غیرمطابق با واقع می‌ساخت، کمبود روابط یا فقدان منابع از شرق نبود بلکه به نظر «سعید» (۱۹۳۵-۲۰۰۳) و متفکران مکتب پسااستعمارگرا نوعی تاریخی‌نگری خاص غربیان عصر جدید بود که همزمان مصرف و ثمرات داخلی و خارجی در برداشت. این بدین معناست که اولاً گفتمان‌های هویتی را تاریخ، تاریخ‌نگاری و تاریخی‌نگری‌های هر قوم می‌سازد و ثانیاً عزم و وافق تمدنی و جهش‌های اجتماعی، مسبوق به بازسازی و بازنگری جدی در ریشه‌های هویتی و غیریتی یک جامعه می‌باشد. بدین معنی که ما «کیستیم و که نیستیم» از این منظر هر طرح و الگویی برای پیشرفت و حرکت رو به جلو، مستلزم دقت در هویت تاریخی و تمدنی جامعه است.

انقلاب‌های بزرگ و جریان‌های اصلاحی حرکت‌ساز پیش از هر چیز با معماری و رواج یک هویت برساخته از افق‌ها، آرمان‌ها و مشترکات ذهنی ظهور کرده‌اند و حتی حرکت واقعاً تمدن‌سازانه «تقلیدی» هم منوط به اشراف جامعهٔ مقلد به موقف و هویت جمعی است، تا چه رسد به حرکت‌های مستقل و آزاد تمدن‌سازانه‌ای چون انقلاب اسلامی که هر چند «به تبع» تمدن با شکوه و افتخارآمیز مسلمین در قرون گذشته حرکت می‌کند اما الگو و نسخهٔ ویژه‌ای برای ادامهٔ حرکت دارد؛ اساساً گفته‌اند که ایدهٔ تمدن، مرهون فهمی تاریخی است (راندول و منل، ۱۹۹۸: ۵).

تبیین مسأله

در جستجوی الگویی پاسخگو و کارآمد برای بررسی مناقشهٔ هویت ملی در ایران معاصر، توجه به مفهوم نظریهٔ سیاستی (یا همان دکترین و البته همان الگو در کاربست مقام معظم رهبری) که مأخوذ از نظریه‌های محض و فلسفه‌هاست، توجه نگارنده را به خود جلب کرد. جالب اینجاست که ویژگی پارادایمیک، هم در این مبانی (فلسفه) و هم دکترین‌ها مشترک است و هر دو در طول زمان و در مقام عینیت اجتماعی دستخوش انواعی از تحول و تبدل می‌شوند. دکترین‌ها را رهبران جوامع جدید به یاری نخبگان اجتماعی و در نسبتی دو سویه با جامعه ارائه و قاب‌بندی می‌نمایند که بدین

ترتیب گفتمان جاری و حاکم شده‌ای را پاسخ دهند و از آن و بهره‌برداری کنند. ماهیت پارادایمیک دکترین‌ها باعث می‌شود با چرخه‌هایی فعال مشتمل بر سیاست‌ها و نظریه‌های مسلط و رقیب مواجه باشیم که در عرصه عمومی ظهور می‌کند. (۱) در واقع همواره دکترین‌ها (مانند پارادایم‌های علمی تامس کوهن که تالی تلو بحث ماست) ابداع می‌شوند و در خود بذر عدم صلاحیت‌های آتی را نهفته دارند، این رقیبان بالاخره از رخوت دکترین مسلط بهره‌برداری کرده و به گرد او رسیده و از آن پیشی می‌گیرند (۲) (شفریتز، ۱۳۹۰: ۳۰۵).

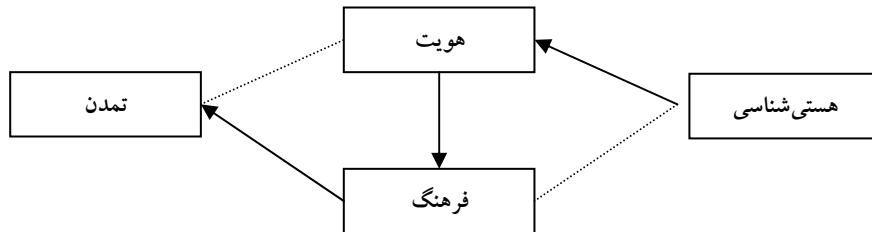
بر همین اساس مسأله مقاله حاضر جستجوی دوگانه «پارادایم مطلوب» انقلاب اسلامی از بین مهم‌ترین و مؤثرترین پارادایم‌های هویت ملی در ایران معاصر و متقابلاً تحلیل «دکترین ممکن» مد نظر ج.ا.ا در سیاستگذاری آینده هویتی جامعه ایرانی است که به مدد گفتارپژوهی رهبران و سندپژوهی (قانون اساسی و یک مصوبه فرهنگی) در پی آن خواهیم بود.

چارچوب مفهومی

هستی هویت

فرهنگ و تمدن در هر جامعه رو به پیشرفت و حرکت، از مواضع و موضوعات اصلی تغییر هستند اما صعوبت فهم و درک این تغییر و تحول متأثر از نوع نگاه به این دو مسأله است. یکی از معضلات و مشکلات پایدار در میان فرهنگ‌شناسان و جامعه‌شناسان مسأله «لموس بودن یا نبودن» و «محسوس یا نامحسوس انگاشتن» مفهوم فرهنگ است. این پرسش که «اگر فرهنگ، همان «عناصر مادی» حیات مردمان است - خصوصاً رفتارها -، پس تمدن چیست؟» از جدی‌ترین ابهام‌های مطالعاتی این حوزه محسوب می‌گردد. علی‌رغم نظر نویسندگان دوره جدید، به نظر می‌رسد فرهنگ از آنجا که نظام‌بخش رفتارها و گفتارهای مردم و منطق و الگوی زندگی است، نمی‌تواند کاملاً مادی تعریف شود. این «عناصر نظام بخش»، معمولاً از چشم احساس ما پوشیده می‌ماند و به آسانی در دسترس تصرف و تغییر قرار نمی‌گیرد. البته قبلاً گفتیم منظور این نیست که فرهنگ در طی زمان، ثابت می‌ماند و در آن هیچ تغییری روی نمی‌دهد. (۳) طبعاً یک فرهنگ رو به رشد پس از تکمیل و تعالی، خود را در هیأت یک تمدن باز خواهد شناخت. نمی‌توان فرهنگ را با هویت یکی دانست و آن را یکسر پدیده‌ای ذهنی یا بین‌الذهانی دانست. فرهنگ شامل تجلیاتی هر چند معنوی است که بر چشم و گوش و

دل و جان مردمان نقش می‌بندد. از سوی دیگر، مرحله و مفهومی مکنون‌تر از فرهنگ، و در واقع باطن فرهنگ یعنی «هستی‌شناسی و تفکر» (۴)، هم نیاز به ظهور عینی دارد و هم ظهور ذهنی. مفهوم «فرهنگ» که از آن یاد کردیم، بیان‌کننده ظهور «عینی» هستی‌شناسی انسان‌هاست، اما ظهور ذهنی این هستی‌شناسی، خود را در مفهوم مهم «هویت» نشان می‌دهد. البته از همین‌روست که معمولاً هویت را نه به‌عنوان پدیده یا وضعی یا واژه‌ای مستقل و خودبنیاد، بلکه وابسته و تبعی تعریف کرده‌اند. لذا اساسی‌ترین مسأله‌ای که در مفهوم هویت مطرح است، مسأله خودشناسی می‌باشد و از آنجا که هویت انسانی شامل حقیقت شخصی است که همه صفات جوهری او را دربرمی‌گیرد و نیز خودشناسی، چون به معنی شناخت صفات جوهری و ویژگی‌های اختصاصی است، این مفهوم دارای اهمیت و رتبه می‌گردد (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۵: ۲۰). هویت در خود (فی‌نفسه) وجود ندارد و نه حتی منحصرأ برای خود. هویت همیشه رابطه‌ای است با دیگران. به عبارت دیگر، همانندی و ناهمانندی با یکدیگر همراه‌اند و در ارتباطی دیالکتیکی قرار دارند. همانندی و تمایزگذاری همیشه همراه یکدیگرند.



از آنجا که ذهنیت، مقدم بر عینیت است، ظهور تفکر و هستی در قالب هویت نیز مقدم بر تکوین فرهنگ است. هویت پدیده‌ای است که در گرو تحرکات اجتماعی است. همه گروه‌ها از «توان تعیین هویت» یکسانی برخوردار نیستند و این به وضعیت گروه‌ها در نظام روابطی که آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، بستگی دارد. لذا همه گروه‌ها از اقتدار برابر برای تعریف خود و دیگران بهره‌مند نیستند. در کنار این نوع نگرش فلسفی به هویت، گروهی آن را ثابت و پایدار (جوهرگرا) می‌دانند و درمقابل گروهی دیگر آن را ساخته‌ای اجتماعی یا دستاورد گفتمان می‌دانند چرا که معتقدند نمی‌توان از عنصر ثابتی تحت عنوان هویت سخن گفت، این در حالی است که هویت را دستاورد گفتمان و واقعیات اجتماعی قلمداد می‌نمایند به گونه‌ای که تغییر و دگرگونی را نیز برای آن در نظر می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۱؛ تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۵).

چیستی هویت

«هویت» در *سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان* «تلقی از خود» یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر «دیگری» و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز «ما» از «دیگران» است و معرف مجموعه عناصر و ویژگی‌هایی است که «دیگران» فاقد و «ما» واجد آن می‌باشیم» (مقدمه سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۸۶/۱۲/۲۱) لذا هویت اساساً ذهنیتی است که در ربط با عالم و پیرامون، ایجاد می‌شود.

در نگاه دکتر شریعتی، هویت روحی است که وحدت؛ و زبانی است که ادراک و احساس مشترک می‌دهد. خصائلی است که طی روزگاران از جمعی از انسان‌ها موجودیتی معین و سیمایی مشخص ساخته است، آنچنان که بتواند بگوید و احساس کند که «من هستم» (شریعتی، ۱۳۷۶: ۸۵).

تأکید ادبیات هویت‌پژوهی بر این‌که مفهوم هویت در نسبت با «غیر» و «غیریت» بر ساخته می‌شود، بیانگر آن است که هویت، نوعی همانندجویی یا همانندگری است که به فرد یا جمع، توان‌بخشی و نیرودهی می‌کند. استقرار و تکوین هویت هم جایی است که ما، «ما» می‌شویم. داوری بر این عقیده است که هویت در فلسفه هگل از منطق به مابعدالطبیعه و سپس به تاریخ وارد می‌شود و فارابی و ابن باجه نیز به‌عنوان فلاسفه اسلامی به این امر پرداخته‌اند (داوری، ۱۳۷۲: ۹؛ به نقل از مروار، ۱۳۸۳: ۳۳). البته به نظر گیدنز، وجود «فرد» حتی کمتر از آن مفهوم «خود»، چیزی است که نمی‌توان آن را به‌عنوان ویژگی متمایز عصر تجدد ذکر کرد و «فردیت» به‌طور مسلم در تمام فرهنگ‌ها به درجات مختلف ارزشمند بوده و بر این اساس، پرورش استعدادهای فردی نیز به نحوی از آنجا صورت گرفته است» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

متفکران فرامدرن معتقدند که هویت از پیش وجود نداشته بلکه شکل می‌گیرد البته با این تفاوت که هویت متکثر می‌باشد و هویت جهان‌شمول و پایداری وجود ندارد. اگر «من» توانست «دیگری» بسازد، درواقع به خود هستی داده است و این همان «ذهن خود شیفته» دوره مدرن است که اصالت و توانمندی تام دارد (۵) (فورنس، ۱۳۹۵: ۲۲۴).

شایع‌ترین کاربرد هویت در بحث هویت ملی می‌باشد و به همین جهت در اندیشه‌های ناسیونالیستی بیشتر مورد توجه بوده است. هویت ملی هر فرد، به‌صورت بخشی از کل هویت‌اش در رابطه با جامعه‌ای که بدان تعلق دارد یا احساس می‌کند که تعلق دارد، شکل می‌گیرد (رواسانی، ۱۳۸۰: ۳۱؛ به نقل از مروار، ۱۳۸۳: ۳۲).

هویت، ترکیبی از جسم و روح تاریخی ماست که هر یک بدون دیگری امکان

تعیین نمی‌یابد. البته هویت ملی در نسبتی وثیق با ملت‌های همجوار و نیز هویت‌های فراملی قوام یافته و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با مردم کشورهای همسایه و نیز کشورهای جهان اسلام فرصت‌های هویتی مغتنمی برای اعتلا و همگرایی فرهنگی فراهم آورده است» (مقدمه سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۸۶/۱۲/۲۱).

هویت را می‌توان به نوعی ناسیونالیسم تلقی کرد، منتها ناسیونالیسم «مدنی» که در تلاش است تا با تأکید بر اشتراکات فرهنگی اعضای اجتماع، اهمیت تلاش نژاد، اقوام، محور قرار ندادن دینی خاص به‌عنوان هویت انحصاری، و اهمیت اجماع و اراده، گروه‌های قومی متعددی را در درون خود جمع کند علاوه بر این، این نوع از ناسیونالیسم مدعی است که در عین توجه به مؤلفه‌ها و موارث تاریخی به‌عنوان میراث مشترک همه گروه‌های فرهنگی، هویت را امری متحول و در عین حال ثابت می‌پندارند (رضایی، ۱۳۸۸: ۵۹) در تحقیق از عناصر و تکوین هویت ملی در ایران و آینده آن دیدگاه‌های مختلفی در دو سده گذشته تولید شده که طبقه‌بندی آنها، نسبت و مدلول تمدنی آنها را مشخص می‌سازد.

پارادایم‌های کلان در تبیین و ترسیم هویت ملی ایران پارادایم انحطاط‌گرا

رویکرد اصلی اغلب جامعه‌شناسان کلاسیک و حتی سفرنامه‌نویسان در مضمون گزارش یا قضاوت در مورد شرق و نه صرفاً ایران، حاوی نوعی انحطاط‌گرایی است. این جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان از امتناع هرگونه ساحت عمل اجتماعی در شرق و امتناع فرهنگ و هویت سخن گفته‌اند. اگر هم تمدن و سازه‌هایی عینی وجود دارد، محصول واکنش‌های غریزی به تحولات طبیعی و مهم‌تر از همه محصول استبداد بوده است. مونتسکیو در قرن هجده و لنین در قرن بیستم را می‌توان دو مثل اعلاای این قضاوت و منشاء القای نظریه‌هایی از این دست در اروپا و نیز در ایران دانست که از منابع پر ارجاع و متواتر نگاه به تاریخ و هویت ایرانی و شرقی هستند.

مثال وارده غربی

مونتسکیو یکی از متفکران سیاسی فرانسه در عصر روشنگری بود. از کتاب‌های اثرگذار وی نامه‌های ایرانی است.

قرن ۱۷ قرن عدم تساهل و تجدیدنظرطلبی روشنفکران در اروپاست لذا مونتسکیو به سمت سفرنامه‌های شرقی تمایل پیدا کرد، به آثاری از دلاواره، تاورنیه و شاردن که

سبک مونتسکیو بسیار از ایشان متأثر است (شبانہ، ۱۳۸۲: ۶۵) اما شاردن مهم‌ترین عامل الهام‌بخش نامه‌های ایرانی بوده است (۶) (عشقی، ۲۷۶).

اما این سفرنامه‌ها، تنها منابع مونتسکیو نیستند. چراکه در دوره مونتسکیو «قرآن» و «هزار و یک شب» هم به فرانسه ترجمه می‌شوند. بنابراین آنچه ما در این کتاب مونتسکیو می‌بینیم بررسی همه‌جانبه‌ای است از ایران. مضمون این کتاب، نامه‌هایی فرضی است که در اواخر سلطنت لویی چهاردهم، بین سال‌های ۱۷۱۱ تا ۱۷۲۰ میلادی نوشته شده‌اند. مونتسکیو این نامه‌ها را از زبان دو ایرانی ثروتمند به نام‌های «ازبک» و «ریکا» که در مدت مسافرت خود به اروپا، برای مدتی طولانی در فرانسه اقامت گزیده‌اند، نوشته است. این کتاب پایه فکری اثر بعدی مونتسکیو یعنی روح‌القوانین است. سبک دلنشین نگارش نامه‌های ایرانی که خواننده را مجذوب می‌کند، گزارشی است همراه با نگاهی طنزگونه از آداب و رسوم رایج در پاریس و اروپا. در پشت این طنز هنرمندانه، مونتسکیو به مثابه آموزگار جدی اخلاق قرار دارد تا شرایطی را نقد کند که هیأت حاکمه آن، با قدرت نامحدود، حق حیات را از ملت سلب کرده است.

اما روح‌القوانین (۱۷۴۵) معروف‌ترین اثر مونتسکیو بوده که باعث شهرت در اندیشه اجتماعی دوره مدرن گشته است. منابع مورد مراجعه مونتسکیو در ارتباط با تاریخ باستان این کتاب، مورخان و نویسندگان یونان و روم بوده‌اند که اگر نگاهشان نسبت به تاریخ ایران و شرق غرض‌آلود نباشد، با بی‌طرفی همراه نیست. آنها شرق و به‌ویژه ایران را مرکز و مظهر بربریت و استبداد می‌دانستند و یونان و تمدن آن را مظهر آزادی و روح دموکراسی به شمار می‌آوردند (شبانہ، ۱۳۸۲: ۶۵). اطلاعات مونتسکیو از تاریخ ایران مستقیم نبوده، بلکه به‌طور غیرمستقیم و از روی قضاوت دیگران به زندگانی و آداب و رسوم ایرانیان و مسلمانان نگریسته است. بنابراین اطلاعات او در کتاب روح‌القوانین درباره ایران، بیشتر سطحی و کلی است. نگاه او به تاریخ ایران همان نگاه مورخان و نویسندگان غربی و اروپایی به تاریخ شرق و ایران است که بیشتر با نظر تحقیر به شرق و تمدن آن نگریسته‌اند (شبانہ، ۱۳۸۲: ۶۷). مونتسکیو در کتاب روح‌القوانین، شرق را مظهر استبداد و مطلق‌گرایی می‌داند.

او به تمدن و فرهنگ روم و یونان عشق می‌ورزد و مدینه فاضله خود را در آن فرهنگ و تمدن می‌بیند، از این‌رو راه و رسم شرقیان را نمی‌پذیرد. مونتسکیو برای نظریه استبداد شرقی اهمیت زیادی قایل بود؛ وی روح اروپا را با استبداد و مظالم رایج در آسیا ناسازگار می‌دید و غالباً در تبیین تئوری استبداد شرقی بارها به کشورهای اسلامی

اشاره می‌کند و درحالی‌که مذهب اروپایی مسیح را نسبت به خودکامگی بیگانه می‌پندارد، شیوه‌های حکومتی مسلمانان را لزوماً با بی‌رحمی و آدم‌کشی همراه می‌بیند (مونتسکیو، ۱۳۸۷). او در آثار خود و به‌ویژه در روح‌القوانین بر آن است تا نشان دهد که احکام و قوانین اسلامی از علل عقب‌ماندگی مسلمانان به شمار می‌رود (مونتسکیو، ۱۳۹۱) و موضوعاتی چون پیشرفت ایران و مذهب زرتشت و در طرف دیگر، عقب‌ماندگی ایرانیان و آیین اسلام در کنار یکدیگر مطرح می‌شوند و این از نگاه سطحی وی پیرامون اسلام نشئت می‌گیرد (مددپور، ۱۳۸۴: ۲۸۸). خوانش مکرر مونتسکیو در غرب و هم‌چنین در ایران (دهها چاپ از زمان ترجمه) به شدت بر نگاه‌های تاریخی به هویت و موجودیت ملی در ایران مؤثر بوده است. براساس کنایه‌های مونتسکیو می‌توان او را مثال واره این رویکرد دانست که اساساً در شرق و البته ایران چیزی به‌عنوان روح ملی که در موقعیت‌های مختلف کنش مؤثر و معطوف به هدفی از آن سر زده باشد، وجود ندارد و اگر هم تمدن‌ها حکومت‌هایی هستند، محصول جبر محیط، استبداد (به‌عنوان نقطه مقابل ساحت عمل اجتماعی) و واکنش‌های غریزی منظمانه و غافلانه است. مونتسکیو و ادامه‌دهندگان مشی انحطاط‌گرا، حتی به تفاوت‌های بی‌شمار حیات فرهنگی و تمدنی ایران پس از اسلام هیچ وقعی نمی‌نهند. «مددپور» ضمن واکاوی اندیشه اجتماعی مونتسکیو ابراز می‌دارد که «چگونه می‌توان ایران عصر اسلامی را که با رونق و پیشرفت فرهنگی روبروست با ایران قبل از اسلام که قدرت نظامی برتر به‌شمار می‌رود اما از حیث فرهنگی و اجتماعی منحط‌ترین صور و ظالمانه‌ترین روابط و مناسبات انسانی را تجربه می‌کند، عقب افتاده تلقی کرد، مگر این‌که اساساً با تفکر اسلامی احساس ستیز و مقابله کرد» (۷) (مددپور، ۱۳۸۴: ۲۹۵).

مثال واره ایرانی

در بین اندیشه‌گران ایرانی، این پرسش مبهم و غلط که هویت ما مذهبی یا ملی است و این‌که تا چه حد فرهنگ اسلامی یا ایرانی در هویت ملی اثرگذار بوده است؛ سبب گردیده به بحث‌های بسیاری دامن زده شود و ایرانیانی باشند که منکر ایران به مثابه امکان تاریخی باشند. لذا شاهد انحطاط‌گرایانی، منکر ساحت تمدنی مستقلی برای ایران هستیم (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۰) تعداد زیادی از روشنفکران عهد قاجار و پهلوی در نسبت با هویت تاریخی ایران و شرق، قائل به رکود مطلق و انحطاط به مثابه یک وضعیت تام تاریخی هستند.

در دوره مشروطه، متفکران ایرانی به اندیشه‌های منتسکیو به‌ویژه درباره قانون نظر داشتند؛ بنابراین سعی نمودند این اندیشه‌ها را در تفکر مشروطه‌خواهی خود جای دهند. ایرانیان در تحلیل عقب‌ماندگی خود به افکار منتسکیو استناد می‌کردند (شبان، ۱۳۸۲: ۶۷).

روشنفکران دوره مشروطه مانند ملک‌خان که بیش از همه ملهم از سنت فرانسوی هستند به‌طور طبیعی از دریچه امثال مونتسکیو با هویت تاریخی ایران مواجه می‌شدند. منادیان ایرانی انحطاط‌گرایی اگر هم گذشته تاریخی بسیار دوری از حیات اجتماعی در ایران را پر فروغ ببینند، نمی‌توانند بقا و تداوم آن پس از ورود اسلام به این سرزمین را تأیید نمایند. سیدجواد طباطبایی از روشنفکران نسل آخر دوره پهلوی است که انحطاط ایران را حتی قبل از ورود اسلام، به خاطر حاکم شدن دین و موبدان زردشتی گزارش کرده است. پس از آغاز این انحطاط هم اگر عمل اجتماعی و تلاش جمعی خاصی صورت گرفته صرفاً عنصر مقاومت بوده و نمی‌توان از آن به «هویت‌خواهی» یا «فرهنگ» تعبیر کرد.

مهم‌ترین مدعای طباطبایی پیرامون دو هویت ایرانی و هویت اسلامی در این است که «اگر بخواهیم از دو هویت مورد بحث، یکی را اصل و دیگری را طفیلی بدانیم، هویت ایران شهری، هویت اصیل و مادر، و هویت اسلامی طفیلی و حاشیه‌ای است» (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۴). هویت ایران‌شهری البته امروز فاقد هر گونه حیات و ظهور عینی است. طباطبایی معتقد است که ساختار عمومی فرمانروایی ایران زمین، شاهنشاهی بود، ... زیرا به اعتقاد وی قدرت پادشاه در ایران هخامنشی، اگر چه قدرتی مطلق بود؛ اما خودکامه، به معنای اصطلاحی آن، چنان که نظریه سلطنت در تحول آتی بود، نبود... در ایران دوره اسلامی، نظریه سلطنت در نخستین سده‌ها تجدید شد و در واقع بیشتر از آن که اسلامیت ملاک سلطنت قرار گیرد، سلطنت ملاک اسلامیت قرار گرفت و در واقع نظریه سلطنت، بازپرداختی از نظریه سیاسی ایران شهری بود (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۳۹؛ منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۳). طباطبایی قرون پیشین اسلامی — ایرانی را در دو مقطع مورد توجه قرار می‌دهد: مقطع اول که به قرون چهارم، پنجم و ششم قمری مربوط است و از آن به عصر زرین فرهنگ ایران یاد شده است. این دوره، دوره اوج شکوفایی و حضور ایران در صحنه جهانی، به‌عنوان یک قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این مقطع عصر خردگرایی و دریافت عقلی از دین است و ابن مسکویه‌ها... (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۸). اما در مقطع دیگری که از قرن ششم به بعد آغاز می‌گردد، یک جریان

خردستیز و بی‌توجه به مسایل اجتماعی و سیاسی و معارض با روابط و مناسبات مردم در جامعه، به تمامی ضوابط خردمندانانه پشت پا می‌زند. از طرف دیگر در کنار صوفیه کسانی را می‌یابیم که دریافت شان از شرع، برخلاف ابن‌سیناها و فارابی‌ها، دریافتی صرفاً شرعی است؛ یعنی، تنها به ظاهر احکام شریعت توجه دارند. تلاقی این دو عنصر، به اضافه عنصر سلطنت مطلقه، که خصوصاً در دوره صوفیه خیلی بارز است، اوج انحطاط ایران متأخر است. در این فاصله و به خصوص از آغاز صوفیه است که می‌بینیم ایران به‌طور کلی از حوزه تمدنی جهان خارج شده و آن قدرتی را که در طول تاریخ داشتیم در این زمان به‌طور کلی از دست دادیم (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۹).

در دوره‌ای فلسفه در ایران جایگاه خود را از دست داد و عرفان و تصوف حقیقت تشیع تلقی شد. و به گفته رضا داوری اردکانی «صوفیان به متفکران قوم» تبدیل شدند. در این بین «انحطاط تاریخی ایران با آغاز دوران جدید در تاریخ اروپا و صفویان در ایران» زمینه تدوین نظام فکری تجدد را فراهم آورد تعطیل شد، و پیوندی که ترکیب تصوف و تفسیر قشری دین با سیاست در دوره صفویان برقرار کرد ایران را به شوره‌زاری تبدیل کرد که جز خار مغیضان از آن بر نمی‌آمد (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۹۶).

با چیرگی ترکان بر ایران زمین و سیطره قشریت و اندیشه عرفانی، دوره حماسی به پایان رسید و روح آن از میان رفت، با این حال «پدیدار شدن صورت نویی از اندیشه ایران‌شهری در ادب فارسی و انحطاط ادب فارسی در سده‌های متاخر رویدادی مهم در تاریخ اندیشه در ایران است به نظر طباطبایی، شعر حافظ و جوهری از انحطاط ایران در دوره اسلامی بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۹۷). تا جایی که او شکاف میان نظر و عمل را عاملی در این میان می‌بیند. در تحلیل طباطبایی از انحطاط فرهنگ، عوامل بیگانه و مهم‌تر از همه استعمار و... جایی ندارند و حتی می‌گویند آنانی که به عوامل بیرونی توجه دارند و از تجاوز امپریالیسم و استعمار می‌گویند، کاملاً در خطایند و تا زمانی که کانون تحلیل در بیرون باشد و علت شکست ما، قوت دیگران باشد - و نه ضعف ما - در، بر همان پاشنه خواهد چرخید.

ما از یک طرف از سنت خودمان بیرون آمده‌ایم، هر قدر هم بگوییم ما ملتی سنتی هستیم و درون سنت می‌اندیشیم و بر پایه آن مسایل خود را مطرح می‌کنیم، ولی وجود این پرسش‌ها و این وسوسه‌های ما، نشان‌دهنده این است که ما به هر حال از سنت بیرون آمده‌ایم، یعنی از هویت دینی فاصله گرفته‌ایم. اما چرا نمی‌توانیم این مسأله را به‌طور درستی مطرح کرده و احتمالاً پاسخی برای آن پیدا

کنیم؟ چرا نمی‌توانیم حتی طرح سؤال و پرسش از این بحران هویت مان بکنیم؟ به نظر می‌رسد که علت آن باشد که غربی‌ها اگر از سنت فاصله‌گرفته‌اند و از سنت خارج شدند با تفکر و تأمل خارج شدند. ما فاصله گرفتیم بی آن که آگاهی درستی پیدا کنیم (طباطبایی، ۱۳۷۲: ب: ۱۴) «ما، علی‌رغم حضور در دوران جدید تاریخ جهانی، از نظر اندیشه از آن غایب بوده‌ایم» (طباطبایی، ۱۳۷۲: الف: ۲۶).

نظریه سیاستی انحطاط‌گرایان

سؤال طباطبایی و همفکران او مانند کاتوزیان اتفاقاً در این است که با این وضع ما چه نسبتی با توسعه داریم؟ و طبعاً با این ذهنیت، اصولاً توسعه برای ما امکان‌پذیر نیست (طباطبایی، ۱۳۷۳، فصل چهارم).

«طباطبایی، برای این پرسش که ما چگونه ما شدیم؟ یا به عبارت دیگر چه عواملی سبب عقب‌ماندگی ایران از تمدن جدید شده است؟ اولاً پاسخ واحد ندارد. گاه از صوفیه، نگاه‌های شریعتمدارانه به دین و سلطنت مطلقه می‌گوید و گاه چیرگی ترکان (غزنوی، سلجوقی و...) را به عوامل یاد شده می‌افزاید و گاه مجموعه عوامل انحطاط را در تنش‌های آیینی - فرهنگی، تنش میان فرمانروایی و فرهنگ ایرانی، تنش‌های میان ایران و انیران، تنش‌های میان فرهنگ ملی و آیین‌های بیگانه، تنش‌های سیاسی در نظام اقتصادی و تنش‌های میان ایرانیان و ایران، خلاصه و تجمیع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۵۲۰؛ به نقل از منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۹). به نظر وی راه برون‌رفت از این انحطاط دامنگیر، احیاء کامل هویت ایرانی‌شهری باستان است که عنصر اصلی آن خرد بشری است. برای احیاء این گوهر، چاره‌ای جز نوزایش از دریچه تمدن مدرن نیست. ماباید با پل غرب، از انحطاط هزار و پانصد ساله خویش بگذریم تا به اندیشه ایرانی‌شهری برسیم.

اگر نوزایش ایران را در کانون بنیادی‌ترین اندیشه‌ها قرار ندیم، بیم آن می‌رود که ایران زمین، واپسین فرصت‌ها را برای تجدید عظمت خود از دست بدهد و به عنوان سرزمینی زنده و زاینده برای همیشه از گردونه تاریخ جهانی خارج شود (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۲۸۷).

دین از نظر وی اساساً ساحت تمدنی ندارد و تمدن‌ها الزاماً محصول خرد بشری و اراده انسانی هستند. لذا در نظریه انحطاط «طباطبایی» در حال حاضر موجودیت مستقل و متعینی به نام ایرانی با عطف توجه به هویت، فرهنگ یا تمدنی خاص وجود ندارد و تنها راه نجات، پذیرش این انحطاط و امتناع تاریخی است، چرا که زمینه بازنگری و رجعت به میراث گذشته را فراهم می‌آورد. وی، ریشه آسیب‌پذیری هویت موجود ما را

در مقایسه با فرهنگ و تمدن غرب در درون می‌جوید و معتقد است که برای نقد سنت خودی می‌توان - و باید - از مفاهیم، مقولات و نظریه‌های متفکران غربی بهره گرفت؛ زیرا به جهت متصلب شدن سنت و هویت خودی، امکان طرح پرسش از آن، با مفاهیم و مقولات خودی امکان‌پذیر نیست (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۹).

البته باید به این نکته توجه داشت که در این نوع از نگاه، فرض این افراد بیشتر تاریخ‌سازی است تا تاریخ‌یابی، لذا با ایدئولوژیک کردن یک امر موهوم ذهنی روبرو هستیم چنانکه «به زور مسلمان شدن ایرانیان» نمونه بارزی از این موهومات به‌شمار می‌آید و در نهایت همان سخنان شرق‌شناسان را تکرار می‌کنند (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). وی و اقران او سنت گذشته را در اسلام نمی‌جویند، بلکه در ایران باستان می‌بینند و به تاریخ گذشته ایران رجوع می‌کنند؛ یعنی هویت باستانی را در این باب اصل می‌گیرند و روح هویت ایرانی و باستانی قبل از اسلام را ارجح می‌شمارند و سایر مقولاتی را که در دوران بعدی به آن وصل شده است، اضافی و بیگانه با روح ملی ایرانی می‌دانند. [اما] این طیف هرگز مشخص نکرده‌اند که این «روح ایران باستان» چیست؟ (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

پارادایم کثرت‌گرا

یکی از گرایش‌های شایع که در میان اغلب کارگزاران و طبقات متوسط فرهنگی ایران بدیهی شمرده می‌شود، دو یا چند پاره‌انگاری هویت و فرهنگ ایران است. مفروض پنهان این رویکرد حضور همزمان چند ساحت «عرضی و غیرمتوازن فرهنگی» در جامعه ایرانی است. جامعه و تاریخ ایران در این پارادایم کاملاً نامتقارن و چندلایه می‌باشد. قائلان این پارادایم روش‌های مفهومی مختلفی را برای توصیف کثرت هویتی ایران به کار برده‌اند. رویکرد سنت - تجدد (جریان نهضت آزادی و بازرگان)، رویکرد دوگان پنداری روستایی - شهری، رویکرد طبقاتی (چپ‌ها)، رویکرد کثرت مطلق (چهل‌تکه هویتی شایگان) و سه‌گان پنداری (رجایی، سروش، بشیریه و...) همگی بر این محور که گسست و پارگی ما بین اجزای هویتی ایرانیان امروز وجود دارد پافشاری می‌کنند. نظریات رودخانه‌ای و موزاییکی در باب هویت ایرانی جملگی در این زمره‌اند و البته درخصوص توفیق یا ناکارآمدی تاریخ اجتماعی معاصر ایران در هضم و ترکیب لایه‌های مختلف هویت تفاوت دارند. مثلاً سروش؛ اسلام، غرب و ایران را تشکیل دهنده هویت ایرانی می‌دانند و به نوعی سعی دارد تا بین اسلام و تجدد، نوعی رابطه و آشتی ایجاد کند (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۸). به اعتقاد آنان، ما هویت‌های متکثری داریم و در

این زمینه، تفاوتی میان ایران و غرب وجود ندارد و هر لحظه لایه‌ای به هویت ما اضافه شده و «روح ایرانی» هویت‌های مختلفی را پذیرفته است» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

مثال وارده ایرانی

فرهنگ رجایی در باب هویت ملی ایرانیان از الگوی نظری «هویت رودخانه‌ای» تبعیت می‌کند و به نظریه‌ای ترکیبی اعتقاد دارد که مبین لحاظ کردن توأمان چهار عنصر ایران، اسلام، سنت و تجدد است؛ مانند رودخانه‌ای که به جلو می‌رود و هر دفعه رسوباتی دارد. او می‌گوید که ایرانیان با اسلام کنار آمده‌اند و آن را به‌عنوان هویت اصلی خود پذیرفته‌اند؛

در دویست سیصد سال گذشته نه ما توانستیم تجدد را هضم کنیم، نه تجدد ما را هضم کرد، هنوز داریم با هم می‌جنگیم. اگر ما توانستیم تجدد را مثل فارابی بومی کنیم می‌شویم «مؤسس»، همان‌طور که فارابی مؤسس فلسفه اسلامی است، چون پدیده پیچیده‌ای مثل فلسفه را بومی کرد (رجایی، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

او متأسف است که چرا ایرانیان با تجدد کنار نیامده‌اند، درحالی‌که تجدد یکی از مؤلفه‌های هویت ملی آنان است، ولی مانند اسلام به «ذات ایرانی» راه نیافته و «بومی» نشده است. او در این زمینه معتقد است که «تجددستیزی» ایرانیان باعث شده است که از قافله تمدن کنار بمانند و بر همین اساس به سراغ بومی‌سازی تجدد فردی می‌روند» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۹). رجایی بر این نظر است که ما نباید به تقلید دست بزنیم و می‌بایست مولد باشیم این در حالی است که انقلاب ایران به رهبری امام خمینی (ره) توانست چارچوبی جدید را به‌عنوان نظریه‌ای سیاسی مطرح نماید که در تبع بقیه بود اما تقلید نبود. این در حالی است که صفویه این کار را انجام داد ولی نتوانستیم آن را با حمله مغول انجام دهیم. لذا یک دوره‌ای داریم که ایران دچار گجی است که تا انقلاب سال ۵۷ باقی می‌ماند (رجایی، ۱۳۸۰: ۲۳۱). به نظر وی ورود اسلام به ایران، چارچوب ذهنی و گفتمان فرهنگی جدیدی را معرفی کرد که نه تنها بر ساختار سیاسی و اقتصادی تأثیر گذاشت، بلکه اصولاً به‌زبان ابن‌خلدون، گویی خلقی تازه و آفرینشی نوین‌یاد و جهانی جدید پدید آمده است. دلیل این دگرگونی همه‌جانبه این بود که اسلام ادعا دارد که برنامه‌ای گسترده، کامل، جهان‌شمول و همیشگی ارائه کرده است، بی‌دلیل نبود که ایران به‌عنوان یک واحد مستقل سیاسی، هویت خویش را از دست داد و تا دورانی نزدیک به یک هزاره از هویت سیاسی مستقلی برخوردار نگردید» (رجایی، ۱۳۷۳: ۶۹). علی‌رغم آن‌که وی موفق می‌شود چارچوب‌های تحمیلی غرب در حوزه اندیشه اجتماعی را در هم بشکند و از منابع اصیل شرقی و شکل‌گیری اندیشه سیاسی در شرق

سخن بگوید و به عبارتی به احیای «داشته‌های» شرق پردازد، این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که در بسیاری موارد اساساً نیازی به حضور «اسلام» احساس نمی‌شود. به عبارت ساده‌تر، او در رجوع به میراث غنی ایران، به نقش سازنده «اسلام» آن‌گونه که شایسته و بایسته می‌نماید، نمی‌پردازد و چنان به تحلیل وقایع و موضع‌گیری اقدام می‌ورزد که گویی اسلام اساساً نقش فرعی داشته است» (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

از فروپاشی سامان سیاسی دولت - فرهنگی و از بین رفتن ساختار سیاسی دولت

- شاهی توسط پیام جدید و چالش سیاسی اسلام در ایران، تا تأسیس دولت

صفوی، عرصه عمومی ایران نتوانست تولید سیاست بنماید» (رجایی، ۱۳۷۳: ۷).

لذا شاهدیم که سخنی از اسلام در تکوین هویت ایرانی نمی‌آورد. و این بروز حتی در تبیینی که از انقلاب ایران نیز دارد، روی می‌نمایند. به نظر رجایی انقلاب اسلامی ایران، کوششی بود در راه بازبازی هویت گمشده و شأن و مقام ملی (رجایی، ۱۳۷۳: ۲۲۸).

مثال وارۀ غربی

برخی از ایران‌شناسان بدون آن که مستقیماً وارد مباحث تاریخی شده باشند، چنین پارادایمی را تقویت و بسط داده‌اند. اهمیت این نویسندگان غربی از آن‌روست که مرجع نظری امروز روشنفکران ایرانی هم هستند. ادوارد براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲ میلادی) از ایران‌شناسان بنام انگلیسی و مؤلف «تاریخ ادبیات ایران» است.

کتاب «یکسال در میان ایرانیان» حاصل سفر براون است که در سال ۱۸۸۷ یعنی حدود ۹ سال پیش از انقلاب مشروطه به ایران آمده بود. طبق گفته خودش پیش از این سفر، فارسی را خیلی خوب صحبت می‌کرده و شرح گفتگویی‌ها را هم که در این سفرنامه نوشته معلوم می‌کند شناخت او از زبان ما خیلی بیشتر از گفتگوهای روزمره بوده است. براون یکی از پیشگامان رد و نفی صفویه می‌باشد که توانسته بودند ترکیبی معنوی میان هویت ایرانی و شیعی برقرار کنند چراکه به لایه‌های مختلفی برای هویت ایرانی قائل است. و البته متأثر از این آثار، نوعی صفویه‌ستیزی در ایران باب شد. این رویه را در نامه‌های ادوارد براون به علامه قزوینی مشاهده می‌کنیم. (۸)

نظریه سیاستی کثرت‌گرایان

توصیه سیاستگذارانه کثرت‌گرایان کنار هم نشان دادن و تلفیق و ترکیب مؤلفه‌های مختلف غربی و اسلامی و ایرانی حتی در صورت تعارض‌های محتوایی است. این تلفیق سعی

می‌کند هر یک از بخش‌ها و اجزای هویت را با مذاق همان بخش در جامعه ایران بازسازی کند و نگاهی اثبات‌گرایانه به جامعه و تحولات هویتی آن دارند. اکثر نظریه‌هایی که بین اسلام، ایران و غرب، به نوعی هویت موزاییکی یا «رودخانه‌ای» قائل می‌شوند، بر این باورند که اسلام‌گرایی نمی‌تواند هویت قومی، مذهبی و ملی مردم ایران را پوشش دهد و برای هویت‌یابی مجدد باید با مشارکت سیاسی جناح‌های مختلف، به سمت نوعی «پلورالیسم» حرکت کرد» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). دکترین تکثرگرایی در ظاهر تنوع زبان‌ها و اقوام ایرانی را هدف توسعه سیاسی و اجتماعی اعلام می‌کند لیکن این تکثر صرفاً به هویت‌های فراملی ختم نمی‌شود و اینان ناگزیرند هویت‌های فراملی و هویت جهانی شده غرب را نیز در کانون سیاست‌گذاری باز تعریف نمایند غافل از آن‌که بخش غربی هویت ملی، اگر چنین ادعایی ممکن باشد، بخش‌های دیگر را در خویش هضم می‌کند و همزیستی و همجواری میان این بخش‌ها به سادگی میسر نیست.

پارادایم ماهیت‌گرا

در نظر گرفتن ذات و ماهیت مرکزی تحت عنوان «روح ملی»، «مای تاریخی»، «ملت ایران» و... که در درازای تاریخ و پیچ و تاب روزگار حرکتی متعین و پر از بیم و امید دارد، از گرایش‌های مهم در تبیین هویت ملی در ایران است که هر چه به اواخر دوره پهلوی نزدیکتر می‌شویم، پررنگ‌تر به صحنه اندیشه اجتماعی ایران می‌آید. به نظر نگارنده، در دوران پیش از انقلاب اسلامی، شریعتی و مطهری علی‌رغم سایر اختلافات، و پس از انقلاب اسلامی، داوری و موسی نجفی حاملان و مروجان این پارادایم در نظریات و آثارشان بوده‌اند.

مثال وارۀ قبل از انقلاب اسلامی

علی شریعتی، که هویت را شناسنامه تاریخی و ملی یک مجموعه انسانی می‌داند، پس از طرح مشکل بی‌کفایتی و نژادگرایی «ساسانیان» قبل از اسلام و ضمن طرح این سؤال که آیا ایران برای پذیرفتن اسلام آماده بود یا نه، می‌گوید: «در چنان وضعی، «ایران» از آنچه که داشته بیزار بوده و می‌گریخته است، می‌کوشیده است که خود را عوض کند و به دنبال گمشده معنوی بزرگ و یک فکر نجات‌بخش بوده است» (شریعتی، ۱۳۷۶: ۱۳). وی دوره ورود اسلام به ایران را مصداق بارز یک دوره گذار و انتقال از منظر

جامعه‌شناسی تاریخی می‌داند (شریعتی، ۱۳۷۶: ۱۴). وی در تمام لحظات سعی می‌کند از یک ایران و ایرانی سخن بگوید که روزی در حال تبدیل از ایرانی باستانی، به ایرانی اسلامی است و در روزی دیگر، از اسلام اولیه به اسلام ثانویه (شریعتی، ۱۳۷۶: ۲۹).

شریعتی ضمن شناسایی «ملیت ایرانی» حتی پس از ورود اسلام و توانایی اجتماعی و نظری ایرانیان برای جدا دانستن «اسلام» از «غرب»، این روح ملی را پس از صفویه هم پابرجا و مانا می‌داند و معتقد است ظهور صفویه که با نهضت شیعی‌گری به متن جریان سیاست و اجتماع آمد هم «ایرانی‌گری خود آگاهانه» است:

همان‌طور که به مذهب شیعه تکیه می‌کند با همان اراده و خودآگاهی به ملیت

تکیه می‌کند (شریعتی، ۱۳۷۶: ۷۳).

البته نهضت و حرکت تشیع در ایران مدت‌ها پیش از صفویه ایران به راه افتاد و شریعتی ضمن اشاره به این مطلب، از مدافعان این فرضیه است که ایرانیان از این پایگاه (تشیع) در مقابل خلافت و مغول از خود دفاع و با کسب روح انقلابی از آن، مبارزه می‌کرده‌اند (شریعتی، ۱۳۷۶: ۷۵) و این در حالی است که این روح ملی در دوران معاصر دچار انحطاط شده است (شریعتی، ۱۳۷۶: ۷۷). شریعتی در شرح عوامل این موجودیت تاریخی - اجتماعی انحطاط‌گونه، آنگاه که به استعمار فرهنگی و نگاه سوژه‌مدار غرب اشاره می‌کند، می‌گوید: نهضت تشبه به غربی، در جهان بخصوص آسیا و آفریقا آغاز گردید که همچون طوفانی وزیدن گرفت و برج و باروی «تعصب» را که بزرگترین و قوی‌ترین حفاظ‌های وجودی ملت‌ها و فرهنگ بود، فروریخت (شریعتی، ۱۳۷۶: ۸۵).

به نظر شریعتی گوهر مشترکی در ایران وجود دارد که منجر به هم‌آمیزی و هم‌آرایی اسلام و ملیت شده است.

در طی چهارده قرن همراهی تاریخ ایران و اسلام، فرهنگ غنی و گسترده‌ای

پدید آمده است که در آن، هیچ یک را نمی‌توان از دیگری بازشناخت. فرهنگ

ایرانی بدون اسلام جستن، به همان اندازه محال است و غیرقابل تصور که فرهنگ

اسلام را بدون ایران دیدن (شریعتی، ۱۳۶۱: ۷۲).

مثال واردهای پس از انقلاب اسلامی

الف) رضادآوری اردکانی

هویت ایرانی از آن جهت موضوع اندیشه‌ی داوری است که به نسبت (نفی، اثبات یا...) میان ایران و انقلاب اسلامی با مدرنیته به مثابه تقرر تاریخی زمانه ما، می‌اندیشد. داوری در بحث خویش پیرامون هویت آن را با هویت نوعی انسان آغاز می‌کند از نظر او

«آدمی در عالم خود مثل ماهی در دریاست؛ وقتی از عالم خود جدا ماند، آن را طلب می‌کند و از آن می‌پرسد. تا آدمیان احساس بیگانگی نکنند از وحدت و هویت نمی‌پرسند؛ اما چون دچار تفرقه شدیم درصدد آنیم که بدانیم اساس وحدت ما در چیست؟ آغاز ما کجا بود؟ ما به کجا برمی‌گردیم؟ و به چه حبل‌متینی باید دست بیازیم» (داوری، ۱۳۷۹: ۶۱؛ به نقل از مروار، ۱۳۸۳: ۳۵).

داوری زمان تماس ما با غرب را در دوره ضعف تمدنی می‌داند درحالی‌که تماس ما با اسلام در دوره‌ای بوده است که از نظر تفکر در اوج بودیم و به خاطر این وضع در دوران اسلامی در اوج قرار گرفتیم (داوری، ۱۳۷۴: ۴۱؛ به نقل از مروار، ۱۳۸۳: ۴۳). به واسطه انقلاب اسلامی «مای تاریخی» مد نظر او به «تجدید عهد» پرداخته است. در بحث مرتبط با هویت ایرانی داوری به نظریه خویش با عنوان «نظریه سه فرهنگ» تأکید می‌ورزد یعنی هویت ایرانی (به‌عنوان یک کلی) تحت تأثیر سه فرهنگ ایران، اسلام و غرب بوده است (مروار، ۱۳۸۳: ۳۴). با رشد نسبی دین زرتشت و زبان پهلوی در دوره اشکانی زمینه شکل‌گیری هویت ایرانی فراهم شد. با تشکیل حکومت ساسانی و ایجاد دین رسمی، ایرانیان در صدد حل بحران هویتی خود بر آمدند و با رسمی کردن آیین زرتشت به هویتی نوین دست یافتند و با ایجاد مفهوم ایران‌شهر در اواسط دوره ساسانی، مرزهای سیاسی هویت ایرانی ترسیم شد و مفهوم ایرانی به‌عنوان یک انگاره سیاسی و مذهبی و قومی تشکل یافت.

به نظر وی با ورود اسلام به ایران هویت ایرانی در دو قرن اول هجری از دو آیین زرتشت و اسلام مایه گرفت و آموزه‌های مذهب اسلام جای فرّه ایزدی باستانی را گرفت اما با ایجاد چالشی طولانی ناشی از ورود عناصر غیرایرانی ترک و مغول و چالش‌های دیرنده‌ای در هویت ایرانی ایجاد شد که فردوسی برای حل آن به تألیف شاهنامه اقدام کرد. از این پس، دوره نقش‌آفرینی عنصر زبان و فرهنگ در بقا و پایداری هویت ایرانی آغاز می‌شود. با تشکیل سلسله صفوی و دولت ملی هم‌زیستی ایرانیت و اسلامیت، در قالبی جدید، تحت عنوان تشیع، شکل تازه‌ای به خود گرفت و هویت ملی ایرانی، که تشیع نقش عمده‌ای در همبسته کردن اجزای پراکنده آن ایفا می‌کرد، تجلی یافت (مروار، ۱۳۸۳: ۳۴).

داوری تأکید دارد که به سلسله‌های تاریخی که از پی یکدیگر می‌آیند و می‌روند، نباید نگاه کرد بلکه نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که گرچه برخی از آنها ایرانی نبودند اما آداب و نحوه حکومتشان ایرانی است یعنی این صورت‌ها هستند که تغییر می‌یابند اما ماده که همان ایرانیت است ثابت و باقی است (داوری، ۱۳۷۹: ۶۰).

داوری با رد دو تعبیر لایه عربی (اسلام) و لایه ایرانی (تشیع) در خصوص هویت ملی، اسلامیت و ایرانیت را در برگیرنده یک هویت می‌داند و خدمات علمی و فرهنگی ایرانیان را در این زمینه برمی‌شمارد و خدمات متقابل ایران و اسلام را یادآور می‌شود» (مروار، ۱۳۸۳: ۴۵). نهایتاً آن‌که او انقلاب اسلامی را حاوی رویکرد هویتی می‌داند:

انقلاب اسلامی صرف احراز قدرت به وسیله جمعی مردم مسلمان نیست، بلکه تحقق صورت سیاسی توجه و تذکری است که مسلمانان به تجدید و احیاء اسلام و بازگشت به حقیقت آن برای رهایی از عالم استیلا و شرک و ستمگری و نفاق کنونی پیدا کرده‌اند (داوری اردکانی، ۱۳۸۷: ۲۹۵).

(ب) موسی نجفی

طبق «نظریه ذات و پیرامون» وی هر ملتی برای خود ذاتی دارد که حقیقتی را بیان می‌کند و این حقیقت می‌تواند روح ملی یک ملت را نشان دهد. بر این اساس، اسلام نزد ایرانیان با این ذات مساوی و هماهنگ شده است. این ذات برای ایرانیان نوعی «حقیقت خواهی و دینداری» است که با عنصر «تعالی خواهی» موجود در اسلام هماهنگ است. بنابراین اجزای این حقیقت ذاتی با هم تنافر ندارند بلکه بین این اجزای ذاتی هم حتی نوعی جذبه وجود دارد. بنابراین، گذشت زمان با گرایش ایرانیان به طرف اسلام و شکل‌گیری بیشتر این هویت همراه شده و همگام با آن، «تکاپوی شدن» در جوهر ملی ایرانی تکامل یافته است» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

دکتر نجفی در پاسخ به پرسش این‌که چرا در همان قرون اولیه اسلامی ملتی مستقل با حاکمیت سیاسی مستقل و جدا در ایران به وجود نیامد، «بروز بحران ناشی از تضاد به وجود آمده میان انتظارات ایرانیان از اسلام و عدالت‌خواهی اسلامی از یک‌سو و انحراف حکومت‌های عربی از سنت‌های اسلامی و نیز ستم‌هایی که آنان بر ایرانیان مسلمان شده وارد کردند را از دیگر سو، زمینه ساز جنبش‌هایی در میان ایرانیان می‌داند که در نهایت به شکل‌گیری یک جوهر در میان ایرانیان انجامیده است که وی از آن به عنوان «روح ملی» یاد می‌کند و بر این باور است که جوهره روح ایرانی در کنار «معنویت‌خواهی، حقیقت‌یابی و عدالت‌طلبی»، توانسته است آرام‌آرام بین اسلام و عروبت تفکیک قائل شود» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

نجفی نظریه ذات را مبنایی بر وارد کردن نقد بر انواع قالب‌ریزی‌های هویت ملی ایران نموده است و با این رویکرد است که لازمه ایجاد یک ملت (یعنی رسیدن به درد

مشترک، طلب مشترک، آرمان مشترک و احساس جمعی) را در توانایی افراد آن ملت برای احساس این مقوله‌ها در خویشتن خویش و رسیدن به حالت «آرمانی و تعالی» می‌داند لذا با این جهت، موجبات «تکامل دسته جمعی»، «فرهنگسازی» و «سنت‌آفرینی» در یک ملت را احساس مشترک یک ملت و عوامل جمع‌کننده این پایداری، مانند عدالت، حق‌پرستی و معنویت را در یک افق متعالی می‌داند. و در این بین چهار بحران پیش‌روی ایرانیان دو بحران عربی و بحران غربی را عاملی در راستای هویت‌سازی ایرانیان قلمداد نموده‌اند (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

انقلاب اسلامی و انتخاب نظریه سیاستی

انقلاب اسلامی ایران بی‌تردید به‌عنوان مهم‌ترین تحول و رویدادی اجتماعی که در ایران معاصر روی داد، موقف و موضعی فعال در باب هویت ملی داشته است. با توجه به تنوعی که برای بحث در این خصوص می‌توان داشت، ما مختصر و البته مفیدترین روش را برمی‌گزینیم که در عین حال متقن‌ترین روش هم هست، یعنی مروری بر اندیشه امام خمینی(ره) در مورد هویت ملی و اشارات قانون اساسی به این مقوله، لذا تنها سند رسمی در خصوص «سیاست هویتی» جمهوری اسلامی که در این مقاله مورد واکاوی قرار گرفته است، نمی‌تواند با دیدگاه مختار انقلاب اسلامی در باب هویت ملی، فاصله‌ای داشته باشد. البته، پس از بررسی این دیدگاه می‌توان در باب نسبت آن را با هر یک از پارادایم‌های سه‌گانه مذکور، مقایسه نموده و سپس قضاوت کرد.

الف) امام خمینی

در گفتار پژوهی حضرت امام واژه‌هایی چون «هویت ایرانی - اسلامی»، «هویت اسلامی» در کنار اصطلاحاتی چون «شخصیت ایرانی اسلامی»، «انسان اسلامی»، «آدم اسلامی»، «موجود شرقی»، «مغز شرقی»، «انسان خودمانی»، «انسان ایرانی اسلامی»، «مغز اسلامی - انسانی» به کار رفته است که تلاش ایشان را برای شناساندن چنین هویتی که دارای ویژگی‌هایی چون شرقی، اسلامی، ایرانی و بومی است، نشان می‌دهد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۱۹۱). در کل اهمیت انسان و کنش‌های انسانی در حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی اندیشه ایشان می‌باشد:

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و

پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، به ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶۰).

در نوع نگاهی که امام خمینی (ره) پیرامون هویت طرح می‌کنند آن را تمایزگر و شناسنده خود از دیگری تلقی نموده‌اند، چنانچه که بیان می‌دارند:

ما باید در کارهایی که دشمنان ما می‌کنند دقت کنیم و تحلیل کنیم. از گفتار و کردار آنها که چه راهی را انتخاب کرده‌اند؟ هر راهی را که آنها انتخاب کرده‌اند، ما باید راه مقابله را انتخاب کنیم (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۷۷).

در بیان نسبت بین اسلام و ایران، وحدت‌گرایانه ایشان طرح می‌شود:

ما ملت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم و برای ملت همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام، نه این‌که همه‌اش ملیت، همه‌اش گیریت. ملت حدودش حدود اسلام است و اسلام هم تأیید می‌کند او را، ملیت اسلام را باید حفظ کرد دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است، نه این‌که ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم و فریاد ملت بزنیم و پان‌ایرانیست (صحیفه نور، ج ۹: ۲۰۳). «ما هم عربیت، و عجمیت ترکیب و همه نژادها را پذیرا هستیم» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۶۸).

ایشان «گرایش را که در صدد احیای نمادهای باستانی و نفی اسلام بود، نفی می‌کند و آنها را بعضاً افرادی می‌داند که خواسته و ناخواسته در خدمت اهداف استعمارگران هستند» (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۱۸۲). حضرت امام، از اسلام به‌عنوان عمود خیمه و ستون فقرات هویت ملی در ایران یاد می‌کنند و معتقدند که اسلام در کنار فرهنگ ایرانی، هویت و موجودیت جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهد. از تلفیق فرهنگ اصیل ایرانی و دین اسلام، فرهنگ ایرانی - اسلامی پدیدار می‌شود که جان مایه هویت ملی ایرانیان از آن نمودار می‌شود. ایشان برای کشیدن حصار میان این فرهنگ با دیگر فرهنگ‌ها، از آنها تحت عنوان فرهنگ استعماری و فرهنگ غربی یاد می‌کنند (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم، که ما هم هستیم در دنیا، که شرق هم یک جایی است که خزائنش بیشتر از همه جا و متفکرینش بیشتر از همه جا بوده... طب از شرق رفته به غرب، تمدن از شرق رفته به غرب، لکن تبلیغات چه بوده است که ما را به عقب زدند (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۹۳).

بر همین اساس اندیشه خودباوری که صورت تکامل یافته نظریه «بازگشت به

خویشتن» بود در گفتار امام (ره) موج می‌زند:

شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین، مترقی‌ترین فرهنگ است، با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش غرب دراز نکند (صحیفه نور، ج ۱۰: ۷۱).

مسلمین باید اسلام را پیدایش کنند. اسلام از دست‌رفته‌شان فرار کرده، ما الان اسلام را نمی‌دانیم چیست. این قدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایت‌کارها که اسلام را ما گمش کردیم. تا اسلام را پیدا نکنید، نمی‌توانید اصلاح بشوید (صحیفه نور، ج ۱۰: ۷۵).

امام خمینی (ره) در بحث‌های خود، احیای هویت فرهنگی را، که از آن تحت عنوان «هویت اسلامی - انسانی» یاد می‌کنند، مهم‌ترین راهکار حفظ و تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند. علاوه بر این، تأکید ایشان بر دو صفت «انسانی» و «اسلامی» به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های هویت فرهنگی کشور، در واقع تأکیدی بر بازگشت به هویت «انسانی - عقلانی» است و جوهره آموزه‌های قرائت عقل‌گرایانه و انسان‌گرایانه از اسلام است که توسط امام خمینی (ره) به‌عنوان یک فقیه عقل‌گرای (اصولی) شیعه مورد تأکید قرار می‌گیرد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

ب) قانون اساسی

«براساس اصول اول تا پنجم، یازدهم، نود و چهارم، یکصد و دهم، یکصد و هفتاد و ششم و... قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر بنیاد عقاید و باورهای اسلامی شکل گرفته همان‌گونه که می‌دانیم، اندیشه اسلامی بر ایده امت تأکید می‌کند، لذا ممکن است به نظر آید که هویت ملی قاعدتاً در آن جایی ندارد. در پاسخ به این شبهه باید گفت که نویسندگان قانون اساسی، مقتضیات عصر را نادیده نینگاشته و کوشیده‌اند آمیزه‌ای از نظریه دولت ملی و ملت اسلامی را پدید آورند؛ به عبارت دیگر، آنان در عین حال که توجهی به ایران و مقتضیات منافع و مصالح ملی دارند، آرمان‌های جهان‌شمول انسانی و اسلامی را نیز شالوده و زیرساخت آن قرار داده و پای‌بندی به آنها را الزامی می‌شمردند (رضایی، ۱۳۸۸: ۵۴). از آنجا که قانونگذار زیرساخت‌های اسلامی را به‌عنوان مؤلفه مهم هویت ایرانیان در نظر داشته است، در اصل دوازدهم شاهد هستیم که، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری اعلام شده است. در این اصل به مذاهب چهارگانه اهل سنت یعنی حنبلی، شافعی، ملکی، حنفی و مذهب زیدی احترام کامل گذاشته شده و به نوعی اصل مربوطه در صدد است تا برجستگی خاصی را به اسلام و

مذهب جعفری عطا کند و این خود از جایگاه والای اسلام و تشیع در هویت ملت ایران خبر می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۸: ۶۷). اصل شانزدهم قانون اساسی بر آمیختگی فرهنگ ایران و اسلام تأکید دارد «... از آنجا که زبان قرآن و علوم معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است».

در این بین نظر شهید مطهری (ره) پیرامون نقش زبان فارسی قابل تأمل است:
تا کسی اسلام و معارف اسلامی را نشناسد محال است ادبیات فارسی را بشناسد و بفهمد. چون ادبیات فارسی روح اسلام است که در قالب فارسی متجلی و منسجم شده است... این زبان به اسلام تعلق دارد: لا اقل ۹۵ درصد ادبیات فارسی روح اسلام است، اساساً ایران به اسلام تعلق دارد. بین ایران و اسلام جدایی وجود ندارد (به نقل از رضایی، ۱۳۸۸: ۶۹).

در کنار این مباحث اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان و خط فارسی را به رسمیت می‌شناسد و فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی را نیز مورد پذیرش قرار می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۸: ۶۹). این در حالی است که می‌توان ویژگی‌های گفتمانی هویت ملی در قانون اساسی را در موارد ذیل مطرح نمود:

- ۱- اسلام‌محوری (اصول یکم تا پنجم، یازده، دوازده و...)
- ۲- انسان‌گرایی (مقدمه قانون اساسی، اصل پنجاه و ششم و اصل یکصد و پنجاه و چهارم)
- ۳- عدالت‌طلبی (مقدمه و اصول یکم و دوم و بندهای نه و دوازده اصل سوم و...)
- ۴- ایران‌دوستی (مقدمه و اصول یکم، دوم، سوم، چهل و سوم، نهم و هفتاد و هشتم)
- ۵- تکثرگرایی (اصول دوازده، پانزده و نوزده)
- ۶- رسالت‌فراگیر (اصول پنج و شش و یکصد و پنجاه و چهارم)

میراث هویت تاریخی در آینه خط مشی ملی

برای استنباط نظریه سیاستی یا دکترین هویت ملی، نمی‌توان از سیاست‌پژوهی چشم پوشید. لذا «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» را که در تاریخ ۸۶/۱۲/۲۱ به تصویب نهایی رسید، محور قرار داده‌ایم چراکه طبعاً سیاستگذار به بهره‌ها و مبنای و مبادی هویت ملی از آن جهت که در سایر برنامه‌ریزی‌ها و ابعاد مدیریت اجتماعی باید لحاظ شوند، نظر می‌افکند. در این سند که تحت پارادایم سوم تنظیم شده است، پس از مقدمه‌ای مختصر که مبنای نظری آن، یعنی وحدت ساحت ایرانی و اسلامی هویت ملی (۹) را تصریح می‌کند، هفت مؤلفه اساسی شرح می‌شود. هر یک از پارادایم‌هایی که برشمردیم

هم‌نگاهی خاص و البته دارای اشتراکاتی، در باب مؤلفه‌ها دارند. شهید مطهری (ره) در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران از دو عامل ایرانیّت و اسلامیت نام برده است و یا شاهرخ مسکوب در کتاب ملیّت و زبان، هویت را در گرو زبان و تاریخ می‌داند و در کنار آنها فرهنگ رجایی، چهار عامل ایران، اسلام، تجدد و سنت را به‌عنوان شاکله هویت‌ساز ایرانیان، در کنار هم قرار می‌دهد. لذا در نگاهی می‌توان در استخراج و معرفی این مؤلفه‌ها تمامی این نوع نگاه‌ها را در کنار یکدیگر قرار داد (به نقل از جعفرپور، ۱۳۸۷: ۳۸).
طبعاً سیاست هویت ملی و نسخه‌های پیشرفت مبتنی بر آن با مؤلفه‌های ذیل نسبت مستقیم دارند:

۱- روح معنویت، تعبد و توحید

به نظر بسیاری از هویت‌اندیشان، هویت سلسله مراتبی دارد و در این سلسله مراتب، دین جزء لایه‌های عمیق آن است. البته زبان، فرهنگ و... نیز در سطوح دیگری از این سلسله مراتب قرار دارند. به‌طورکامل هویت هر جامعه‌ای نتیجه تاریخ آن است (مجتهدی، ۱۳۸۷: ۷). فارغ از تطور و تکامل معنوی و دینی، ایرانیان در طول ادوار حیات جمعی‌شان، متعبد و البته به نظر بسیاری موحد بوده‌اند. دین جزء همیشگی تاریخ ایرانیان بوده؛ در دوره‌ای با زرتشت این هویت رقم خورده و در دوره‌ای با ورود اسلام و مذهب تشیع متحول شده است. در این میان هر چند افراد و گروه‌های بسیاری زندگی کرده‌اند اما هویت این سرزمین را کسانی شکل خواهند داد که تأثیر بسزایی در تاریخ آن داشته باشند لذا جنبه محقق و بالفعل این هویت را باید همان هویت اسلامی و دینی دانست (کچویان، ۱۳۸۷: ۲۳). مؤلفه‌هایی چون توحید در تاریخ ایران باستان خود از عواملی است که ایرانیان را در آن دوره از سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها متمایز نموده است، چنان‌که به خداوند غیرجسمانی اعتقاد داشتند و «ایرانیان هرگز مانند یونانیان خصلت و شخصیت انسانی به خدایان خود نبخشیده‌اند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۹: ۴۹؛ به نقل از: فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۸۴). البته عواملی باعث وقوع تحریف در شریعت زرتشت شدند لذا در باب این آموزه جاودان هویتی ایرانیان که تداوم آن رمز توفیق الگوها و سرمشق‌های تحول و پیشرفت‌های آینده است، در سند چنین بیان شده است که:

*دینداری بر محور یکتاپرستی، در ایران سابقه‌ای به درازای این سرزمین دارد.
ایرانیان باستان، چه در دوران دینی و چه دوره اساطیری، موحد بوده‌اند و هیچ‌گاه
کثرت و تعدد مبدأ آفرینش را نپذیرفته‌اند، معنویت و عبادت رکن اصلی حیات
فردی و اجتماعی و عبادتگاه‌ها و مساجد، کانون انسجام بخش آنان بوده است. در*

انتقال به دوران اسلامی با توحید ناب منبعث از وحی خاتم رسل، این ظرفیت، تکامل و ظهور بیش از پیش یافت... ارکان فرهنگ ایرانیان همچون علم، عرفان، شعر و مظاهر آنها، خصوصاً در معماری و دیگر میراث فرهنگی و هنری نماد و نشانه‌ی تعالی روح پرستش توحیدی این ملت در طول تاریخ است (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).

۲- اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل بیت (ع)

با ورود اسلام اندیشه‌هایی چون اعتقاد به خدای یگانه و نزاع بین خدا و شیطان، اندیشه‌هایی آشنا در ایران بود و به نوعی مابعدالطبیعه و اشرافی‌گری ایرانی در اسلام مورد تأکید قرار گرفت و انحراف دین زرتشتی در دوران ساسانی با عدم سنخیت با فطرت ایرانیان برآمد و به نوعی آن را به سوی اسلام رهنمون ساخت (فوزی‌تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۹۴). در این بین، انقلاب اسلامی تشیع را عین اسلام قلمداد می‌نماید و این عقیده را که تشیع عکس‌العمل روح ایرانی در برابر روح عربی است را ساخته و پرداخته‌ی شرق‌شناسی و شرق‌شناسان می‌خواند (داوری، ۱۳۷۶: ۱۳؛ به نقل از مروار، ۱۳۸۳: ۴۸). در این باره، در سند چنین بیان می‌شود:

ایرانیان، آیین اسلام را چون گوهری گرانبه از جان و دل پذیرفتند و با آن درآمیختند. ایرانیان تعالیم قرآن را اخذ و مجدانه در نشر و تنظیم آن کوشیدند. آنان فارغ از علایق قومی و نژادی، علاقه و ارادت عمیقی نسبت به خاندان وحی پیدا کردند و پیروی دین حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) را پذیرفتند و خصوصاً چنگ در حبل‌المتین ولایت زدند... ایرانیان از همان سده اول گسترش اسلام این محبت عمیق را - پنهان و پیدا - احساس کردند و این احساس به بهترین وجه در لسان ادیبان و شاعران ظاهر شد (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).

۳- ولایت‌مداری

گفتمان و اندیشه اجتماعی و سیاسی ایرانیان از ابتدا تاکنون را که نقش برجسته‌ای بر هویت ملی آنان داشته است می‌توان التزام به سرپرستی اجتماعی نمایندگان و مقربان ساحت حقیقت و آفریدگاری دانست که به اذن خدا مردم را در مسیر بندگی او پیش می‌برند. در این مسیر محبت و انس اجتماعی میان مردم و والیان به جای ترس و هیمنه و طمع، حاکم است.

... نشانه این ولایت‌مداری آن است که حتی حاکمان مستبد و نامشروع، رمز بقا و استمرار حکومت خود را تثبیت و تظاهر به عناوین و نمادهای دینی و سستی می‌دانستند و رسماً از ظاهر دین عدول نمی‌کردند. هر چند در ایران دوره اسلامی، تحقق کامل رهبری و امامت اولیای حقیق خدا، از سوی ایرانیان معاصر حیات کوتاه معصومان، ممکن نگشت و دست مردم از ائمه کوتاه شد، لیکن در دوران غیبت با واسطه عالمان، فقیهان و جستجوگران علم و عمل اهل بیت، این امر میسر بود. لذا پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، این اندیشه، خود را در الگوی ممتاز ولایت فقیه بازیافت و این کشش هویتی ایرانیان را پاسخ داد (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).

در ویژگی‌های هویت ایرانیان به این مسأله می‌توان توجه داشت که پیوند شاه با اهورا به نوعی دین و سیاست را با هم پیوند داده بود و این موضوع با ورود اسلام به ایران نیز ابعادی جدیدتر را در قالب مؤلفه‌ای تحت عنوان ولایت حاصل نمود (عنایت، ۱۳۷۸: ۳۹). در مورد رابطه متقابل دین و حکومت در هویت تاریخی ایرانیان، این دو جمله در کتاب «عهد اردشیر» نقل شده که حاکی از روح سیاست دینی ساسانیان است: «دین و پادشاهی دو برادر همزادند که هیچ یک از آندو جز به دیگری قوام و استواری ندارد». و «پادشاهی و عدل دو برادرند که هیچ کدام از آن دو جای دیگری را نمی‌گیرد و آدمی را از آن بی‌نیاز نمی‌کند» (۱۰).

۴- سرزمین ایران

جغرافیای سیاسی فلات ایران را که در دوره‌های مختلف شاهد انقباض و انبساط و به نوعی قبض و بسط در محدوده قدرت بوده، می‌توان به‌عنوان عنصر ثابت هویت مطرح کرد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۷۳). این جغرافیای سیاسی منجر به تجربه فرهنگی مشترکی می‌شد که اهالی منطقه خاص جغرافیایی ایران داشتند. ژئوپلیتیک منطقه و قرار داشتن آن در همسایگی سه تمدن کهن جهان (بابل، مصر و هند) و قرار گرفتن بر سر تمدن بزرگ شرق و غرب و محاط بودن از جانب سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و ارتباط آن از طریق دریا به سراسر جهان، از جمله عوامل مؤثری هستند که هویت خاصی را برای مردم آن شکل می‌دهند و مردم این سرزمین را در مقابل دشمنان مشترکی قرار داده و آنها را در دفاع از منافع اقتصادی، فرهنگی، حفظ حیات و زندگی آنها متحد کرده است» (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۷۵). در باب مؤلفه و بهره «سرزمین» به‌عنوان مولد حس دلبستگی و التزام به «منافع ملی» در سند چنین بیان شده است:

ایران سرزمینی است که محل زندگی اقوام مختلف بوده است، که این اقوام در طی تاریخ با مجاهدت‌ها و تحمل رنج‌ها از نام و یاد و عظمت ایران پاسداری کرده‌اند... این سرزمین، معنایی فرهنگی و انسانی و نه جغرافیایی و مرزی است و مفهومی بسیار عمیق‌تر از مفهوم دولت - ملت مدرن را تداعی می‌کند. از آنجا که کشور ما در مقاطع تاریخی مورد یورش و تاخت و تاز قرار گرفته؛ دفاع از سرزمین به مثابه مظهر هویت و عزت ایرانی، عامل مهمی در تحکیم و تثبیت وحدت ملی بوده است (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).

واقع شدن در محیط جغرافیای خاص سرنوشت تاریخی مشترکی را برای ساکنانی با نیازها و مشکلات مشترک ایجاد نموده و توانسته هویتی را در تمامی دوره‌ها برای آنان فراهم سازد و این با تأمل در جغرافیای ایران که یک جغرافیای فرهنگی بوده و با مؤلفه‌هایی چون فرهنگ باستانی ایران و زبان و ادبیات فارسی، آداب و رسوم ایران قبل از اسلام نیز درآمیخته است، غلبه‌ای هویتی را بیش از پیش نمودار می‌سازد (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۵: ۷۶).

۵- زبان و خط فارسی

یکی از ارکان اصلی هویت، زبان قلمداد می‌گردد و رابطه تنگاتنگی با هویت آدمی برقرار می‌کند و جزء لاینفک آن محسوب می‌شود. ارتباط ما با سنت تنها از طریق زبان حاصل می‌گردد و آشفتگی در آن، ارتباط ما را قطع می‌نماید و به آشفتگی در وجود ما نیز می‌انجامد (داوری، ۱۳۸۲: ۷؛ مروار، ۱۳۸۳: ۳۷). این زبان چون با نظام معانی یک جمع، فرهنگ و ارزش‌های آنها پیوند خورده است، نقشی اساسی در هویت ایرانی ایفا کرده و می‌کند.

زبان به‌عنوان یک عنصر اصلی تمایز بخش، از مؤلفه‌های هویت ملی است. زبان فارسی دومین زبان اسلام، حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه‌سازی امین برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. خدمات متقابل زبان پارسی و عربی دوره اسلامی از اجزای این مؤلفه هویتی ماست چنان‌که تا پیش از ورود اسلام کمتر سراغ از زبان فارسی واحد، شفاف و یکپارچه‌ای داریم و از سوی دیگر اعتلا و گسترش ظرفیت درونی زبان عربی که بواسطه تدوین و تنظیم اصول و قواعد و دستور زبان عربی میسر گشت، مشتاقانه توسط ایرانیان فارسی زبان تحقق یافت (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).

لذا هر گاه سخن از صیانت و گسترش فرهنگ ایرانی می‌رود، زبان فارسی، پدیده برجسته فرهنگ ملت ایران، به‌عنوان عنصری مهم مطرح می‌گردد. این زبان در رویش و شکل‌گیری فرهنگ و تمدن ایران نقش چشمگیری دارد (رضایی، ۱۳۸۸: ۷۲).

زبان پارسی برخلاف آنچه گاهی گفته می‌شود، زبان یک قوم نیست. این زبان به منطقه‌ای از مناطق ایران تعلق ندارد بلکه زبانی است که در خراسان آغاز عهد اسلامی قوام یافته و زبان ایران و شرق عالم اسلام شده است. زبان پارسی در مقابل زبان عربی و هیچ زبان دیگری قرار ندارد و تاریخ و فرهنگی که با این زبان قوام یافته است به همه ایرانیان و اقوام ایرانی تعلق دارد (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان).

۶- تمدن و تاریخ

از نظر تدوین‌کنندگان «سند مؤلفه‌ها» حافظه تاریخی هر ملت راهنمای آینده اوست. طبعاً منظور از تاریخ و تمدن، به‌عنوان مؤلفه، آن معنای خاص یعنی خاطرات و حماسه‌ها و اسطوره‌ها و فراز و نشیب‌هایی است که به مثابه تجربه‌ای مشترک، ملتی با آن حس عاطفی و ربط ذهنی برقرار می‌کند و آلا تاریخ در معنای عام، نه صرف یک مؤلفه بلکه بستر تکوین هویت، می‌باشد.

تاریخ و تمدن ایران از دوره باستان تا پیش از اسلام (که خود کتاب مبسوطی از عبرت و شکوه تمدنی است) و در دوره اسلامی، آموزگاری امین برای پذیرش رسالت این ملت در برقراری حکومت عدل جهانی بوده است. ایران در طول تاریخ مهد شکوفایی و رونق فرهنگی و علمی و طبعاً تمدن‌سازی گردیده است، چه زمان تبادل فرهنگی با هند و یونان و چین و چه آن زمان که موجد شکوه وصف ناشدنی تمدن اسلامی و تولید و تألیف علوم قرآنی، فقه، فلسفه، کلام، نجوم، هندسه، ریاضیات، طب، شیمی، معماری و صنایع گوناگون و... در میان مسلمانان و سایر جهانیان گردیده است» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).

۷- انتظار و رسالت تاریخی

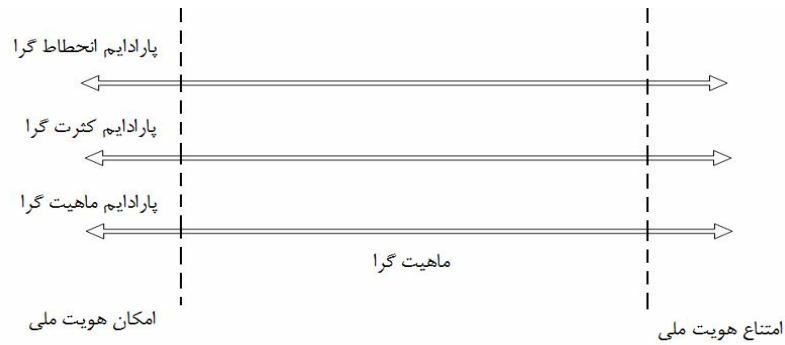
ضرورت رسالت تاریخی برای اقوام و گروه‌هایی که در صدد بسط و توسعه جهانی «دین» و فرهنگ عالمگیری هستند، مانند علتی غایی در رأس کنش‌ها و امکان‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. این رسالت تاریخی، تحت کلید واژه مهم «وراثت» برای بنی اسرائیل مورد تصریح قرآن است (قرآن کریم، سوره انبیاء، ۱۰۵). این وراثت، برای پیروان آیین خاتم در آیه پنج سوره قصص مورد تأکید قرار گرفته است. هم‌چنین در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور به صراحت این تمکن صالحان برای حاکمیت دین در سراسر

زمین تصریح شده است. اما فرج و رستاخیز صالحان، بدون مفهوم انتظار و آماده‌گری، نمی‌تواند هویت سازوکارآمد باشد، چه آن‌که بدون تجویز به حرکت و تذکر به رسالت؛ زمینه‌سازی، توهم و خیالی بیش نیست. لذا نوعی رسالت دادگری و حق‌پراکنی در خوی جمعی ایرانیان نهفته است که رمز تحرک اجتماعی این مردم هم بوده و نقش ایرانیان در قیام ابومسلم در قرن دوم هجری (هر چند به انحراف رفت) یکی از دهها شاهد این مدعاست. انقلاب اسلامی ایران برجسته‌ترین ظهور این رکن و مؤلفه هویتی ایرانیان است (۱۱) (کجویان، ۱۳۸۷) همان‌طور که قبلاً به این رسالت فراگیر نظام جمهوری اسلامی اشاره شد، بسط و تحقق و توسعه حق و عدالت در اصول پنجم، ششم و یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی هم اشاره شده است.

*آداب عمومی و حکمت تاریخی مردم ما به نحوی، کوشش مصرانه برای
بسترسازی ظهور و انتظار فعال در این عرصه است. الگوی کامل و جامع این
موعودگرایی در فرهنگ ناب شیعی و مهدویت به ایرانیان عرضه و بستر امید،
سازندگی و آینده‌گرایی آنان شد. قرائن تاریخی و ادله مختلف نشان می‌دهد که
برای ملت ایران، وظیفه مهم و خاصی در ارتباط با ظهور، مقدر گردیده است»
(سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مصوب ۸۶/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی).*

نتیجه‌گیری

هویت و بهره‌های مأخوذ از آن در حافظه و ارزش‌های اجتماعی، از لوازم و ممه‌دات اساسی پیشرفت و رشد است. هویت، انسجام و هماهنگی لازم برای نواخته شدن آهنگ رشد را فراهم می‌آورد، اما این به معنای نفی تنوع‌های فرهنگی نیست. اساساً هویت‌های فعال، فرهنگ‌ها و رنگ‌های متعدد را در عین انسجام بخشی دارا هستند. لذا در عصر ما و اساساً برای هر جامعه زنده، هویت باید به گونه‌ای تعریف گردد که در عصر کنونی، با بنیادهای هویتی در تعارض قرار نگیرد و در عین حال تنوع‌هایی هم داشته باشد (کجویان، ۱۳۸۷: ۲۳). هر یک از پارادایم‌های هویت ملی در ایران، در مقام عینی مؤید و مؤسس دکترینی هویتی هستند و این دکترین (نظریه سیاستی) را با امکان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی دنبال می‌نمایند. تاریخ معاصر ایران عرصه جولان این پارادایم‌ها و این دکترین‌ها به تناوب بوده است. البته می‌توان طیف پارادایم‌ها و دکترین‌های هویتی را در ایران با نگاهی جامعه‌شناختی - تاریخی، از امکان تا امتناع هویت ملی (وجود تاریخی) قرار داد که طبعاً نقاط فرضی بر این طیف می‌تواند دیگر دیدگاه‌های محتمل که شاید از دقت این مقاله دور مانده باشد را در نظر آورد.



نمودار (۱) طیف امکان تا امتناع هویت ملی

جامعه‌شناسی تاریخی دوره معاصر نشان می‌دهد که پهلوی‌ها در صدد احیای هویت ملی برآمدند اما نه تنها به این کار موفق نیامدند بلکه هویت ملی باستانی را نیز زایل نمودند و در برابر فرهنگ تجدد به فهمی ناقص به تقلید آن پرداختند و هویت دینی را به تحقیر کشاندند. این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران با نگرشی متفاوت سعی دارد تا با نگاهی فعال و بومی این فرهنگ‌های سه‌گانه را در جایگاه خویش همواره مورد تأکید و اهمیت قرار دهد (داوری، ۱۳۶۴: ۵۴). الگوی تحقق این مهم، به نظر نگارنده، الگوی ماهیت‌گرایی است که در این مقاله معرفی شد و پژوهش و غور در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و بنیادهای قانون اساسی نشان از آن دارد که این الگو مورد نظر انقلاب اسلامی بوده است. حال نوبت آن می‌رسد که صورت محقق و حاصل شده از این انقلاب (یعنی نظام جمهوری اسلامی) نسبت آینده و افق خود را با مقوله هویت ملی مشخص نماید. برای پاسخ به این سؤال، به سراغ تنها سند رسمی با موضوع «سیاست هویتی» در سه دهه اخیر رفته و براساس مؤلفه‌های مورد اجماع و مصوب در این سند، بهره‌های (نه نمادها و سمبل‌ها) هویت ملی مد نظر جمهوری اسلامی ایران در راستای مدیریت اجتماعی و تغییرات و توسعه تمدنی را معرفی کردیم.

یادداشت‌ها

- ۱- پارادایم در یکی از تعاریف؛ عبارت است از یک چهارچوب سازمان بخش عام، هم در نظریه و هم در تحقیق، که دربرگیرنده فرض‌های بنیادی، مسائل کلیدی، مدل‌های کیفیت بررسی و روش‌های دستیابی به پاسخ‌هاست. جایجایی پارادایمی از نظر کوهن (۱۹۶۰) عبارت است از: علم - آشفتنگی - بحران - انقلاب (و مجدداً علم). برای مطالعه بیشتر ن ک به: محمدپور، ۱۳۸۹، صص ۲۹-۸۶.
- ۲- در سیاست‌پژوهی از معرفت‌شناسی‌ها؛ به روش‌شناسی (مثلاً هنجاری یا گفتمانی یا نهادی یا عقلانی) می‌رسیم و از آنجا به نظریه‌های موضوعی (محض) (مثلاً نگاه اسلام به اوقات فراغت) نیاز پیدا می‌کنیم و سپس به نظریه سیاستی می‌رسیم.
- ۳- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۴)؛ *رساله در باب سنت و تجدد*، تهران: ساقی.
- ۴- یا همان برقراری نسبت با عالم و آدم و مبدأ (طبیعت‌شناسی، انسان‌شناسی و مبدأشناسی)
- ۵- در این باره ن.ک به: میلر، پیتر (۱۳۸۸)؛ *سوژه، استیلا و قدرت*، در *نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو*، ترجمه افشین جهانانیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- ۶- شاردن دایره‌المعارف ایران را در ۱۰ جلد می‌نویسد.
- ۷- برای مطالعه بیشتر به کتاب علم و مدرنیته ایرانی، تألیف تقی آزادارمکی مراجعه شود.
- ۸- برای مطالعه ن.ک. به:
 ۱. افشار، ایرج و عباس زریاب (۱۳۷۱)؛ *نامه‌های ادوارد براون به سیدحسن تقی‌زاده*، تهران: امیرکبیر.
 ۲. براون، ادوارد (۱۳۷۶)؛ *انقلاب ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کویر.
 ۳. براون، ادوارد (۱۳۷۵)؛ *تاریخ ادبیات ایران، از صفویه تا عصر حاضر*، ترجمه بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
 ۴. براون، ادوارد (۱۳۶۱)؛ *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
 ۵. براون، ادوارد (۱۳۸۱)؛ *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نشر ماه ریز.
 - ۹- رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی در جمع مردم همدان در این باره فرمودند: «هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست؛ بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیغمبر(ص) است. این جزو فرهنگ و هویتشان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه اینهاست؛ اینها را حفظ کنیم».
 - ۱۰- جهت مطالعه بیشتر ن.ک. به: شاکد، شائول (۱۳۸۱)؛ *از ایران زردشتی تا اسلام*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
 - ۱۱- در این باره ن.ک. به: شفیع، سروستانی (۱۳۸۱)؛ *استراتژی انتظار*، تهران: موعود.

منابع

- اسلامی‌ن‌دوشن، محمدعلی (۱۳۷۹)؛ *ایران چه حرفی برای گفتن دارد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- افتخاری، علی‌اصغر (۱۳۷۹)؛ نقد و بررسی کتاب «معرکه جهان‌بینی‌ها»، *مجله‌نامه علوم انسانی*، ش ۲.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «صراط، ضابطهٔ هویت در اندیشهٔ امام خمینی (ره)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۳۵-۱۵۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶)؛ «کلمه نهایی: شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران»، *فصلنامه پژوهش*، س ۲، ش ۷.
- جعفرپور، رشید (۱۳۸۷)؛ «توسعه و تمناهای هویتی»، *ماهنامه زمانه*، س ۷، ش ۶۷ و ۶۸.
- داوری، رضا (۱۳۶۴)؛ *حاکمیت ملی و استقلال*، اصفهان: پرستش.
- (۱۳۷۲)؛ «بحران، هویت، باطن بحران‌های معاصر»، *نامه فرهنگ*، س ۳، ش ۱.
- (۱۳۷۴)؛ *فارابی*، تهران: طرح نو.
- (۱۳۷۶)؛ «سرمقاله»، *نامه فرهنگ*، س ۷، ش ۱.
- (۱۳۷۹)؛ *درباره غرب*، تهران: هرمس.
- (۱۳۸۲)؛ «ریشه‌ای تاریخی در فضای متجدد»، *روزنامه جام‌جم*، ۲۷ و ۲۸/۹/۳۰.
- داوری‌اردکانی، رضا (۱۳۸۷)؛ *انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم*، تهران: مهر نیوشا.
- دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۸۶)؛ *سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان*، مصوب جلسه ۴۷۸ مورخ ۸۶/۱۲/۲۱.
- رجائی، فرهنگ (۱۳۷۳)؛ *معرکه جهان‌بینی‌ها*، تهران: شرکت انتشارات احیاء.
- (۱۳۸۰)؛ «روش‌شناسی در اندیشه سیاسی اسلام»، *مجله علوم سیاسی*، ش ۱۶.
- رضایی، محمد، محمدصادق جوکار (۱۳۸۸)؛ «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۴، صص ۵۳-۸۸.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰)؛ *زمینه‌های اجتماعی هویت ملی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- شبانہ، رحیم (۱۳۸۲)؛ «تاریخ ایران در روح القوانین منتسکیو»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱)؛ *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*، تهران: دفتر نشر آثار شریعتی.
- (۱۳۷۳)؛ *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*، تهران: الهام.
- شفریتز (۱۳۹۰)؛ سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده، ترجمهٔ ملک محمدی، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- طباطبایی، جواد؛ «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، *نامه فرهنگ*، ش ۵۲.
- (الف) (۱۳۷۲)؛ درآمدی فلسفی بر تاریخ‌اندیشهٔ سیاسی در ایران، تهران: کویر، چ ۲.
- (ب) (۱۳۷۲)؛ «بحران هویت»، *نامه فرهنگ*، س ۳، ش ۹.
- (۱۳۷۳)؛ *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: کویر.
- (۱۳۸۰)؛ *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- (۱۳۸۲)؛ «پروژه فکری من»، *روزنامه ایران*، ۷ و ۸ و ۱۳۸۲/۷/۹.
- عشقی، فاطمه؛ «ایران در نامه‌های ایرانی منتسکیو»، *بخارا*.
- عنایت، حمید (۱۳۷۸)؛ *نهادها و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: روزنه.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)؛ «تجلی هویتی انقلاب اسلامی»، *ماهنامه زمانه*، س ۷، ش ۶۷ و ۶۸.

- فوزی توپسرکائی، یحیی (۱۳۷۹): «امام خمینی(ره) و هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۴، صص ۶۳-۸۵.
- ----- (۱۳۸۵): *امام خمینی(ره) و هویت ملی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کجویان، حسین (۱۳۸۷): «هست‌ها و باید‌های هویت ما»، *ماهنامه زمانه*، س ۷، ش ۶۷ و ۶۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مجتهدی، کریم (۱۳۸۷): «رویش از ریشه»، *ماهنامه زمانه*، س ۷، ش ۶۷ و ۶۸.
- مددیپور، محمد (۱۳۸۴): *درآمدی بر سیر تفکر معاصر*، تهران: سوره مهر.
- مروار، محمد (۱۳۸۳): «هویت ایرانی در اندیشه رضا داوری اردکانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۴، صص ۳۱-۵۴.
- منتسکیو (۱۳۸۷): *نامه‌های ایرانی*، ترجمه محمد مجلسی، تهران: دنیای نو.
- ----- (۱۳۹۱): *روح‌القوانین*، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهتدی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد مددیپور، نوبت چاپ ۱۱، تهران: امیرکبیر.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴): «تأملی در نگاه دکتر جواد طباطبایی به هویت ایرانی در تعامل با هویت اسلامی و غربی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۴، صص ۹-۳۰.
- نجفی، موسی (۱۳۸۷): *انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی)*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- Fornas, Johan (1995); *Cultural theory and late modernity*, Sage.
- Rindell, John & Mannell, Stephen (1998); *Classical Readings in Culture and Civilization*, London, Rotlag.

رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان

علیرضا بخشایش*

E-mail: abakhshayesh@yazduni.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان انجام گرفته است. بدین منظور از میان دانش‌آموزان مقطع چهارم متوسطه شهرستان سیرجان ۳۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شده و پرسشنامه‌های استاندارد باورهای اساسی مذهبی، بحران هویت، و سبک‌های هویت را تکمیل نموده‌اند. طرح این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بوده است. داده‌ها با شاخص‌های آماری، چون همبستگی پیرسون و آزمون t برای نمونه‌های مستقل تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد که بین باورهای اساسی مذهبی و بحران هویت رابطه منفی معنادار ($r = -0/459$) وجود دارد و باورهای مذهبی با تمام سبک‌های هویت ارتباط معناداری داشته است. بحران هویت با تعهد هویت در افراد رابطه منفی معناداری نشان داد ($r = -0/433$, $p < 0/01$). دانش‌آموزان دختر و پسر در میزان باورهای مذهبی و بحران هویت از یکدیگر متفاوت نیستند.

کلید واژه‌ها: باورهای مذهبی، بحران هویت، سبک‌های هویت، دانش‌آموزان.

مقدمه و طرح مسأله

بر کسی پوشیده نیست که انسان فطرتاً خداجو آفریده شده است و میل و گرایش باطنی به خدا دارد. به عبارتی از آموزه‌های ذاتی مختص انسان که تعبیر به فطرت می‌شود در سه بعد معرفتی و شناختی، گرایشی و توانشی به ترتیب در انسان حس خدایابی و میل به خداگرایی و توانایی قرب الی‌الله وجود دارد که در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده است (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۱۹). چنان که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه: ۲۱). ای پیامبر یادآوری کن که تو تنها تذکار دهنده‌ای». این آیه صریحاً بیان می‌کند که انسان فطرتاً خداجوست و هویت هر فردی با دین و اعتقاد به خدا آمیخته است. البته این امر بالقوه بوده و نیاز به شکوفایی و فعلیت دارد. همان‌طور که بین خودشناسی و خداشناسی ملازمه وجود دارد، بین خودفراموشی و خدافراموشی هم ملازمه هست و این حاکی از شناخت فطری و علم حضوری به خداست. تفکر دینداری، تفکری است که مبتنی بر یک مذهب باشد. فرد مذهبی مطابق دستورات پیامبران و شرایع مذهبی به واجبات دینی عمل نموده و از محرّمات پرهیز می‌نماید. در بعد تعاملی، فرد دارای باورهای مذهبی، خدا را پناه خود دانسته و با او انس می‌گیرد، شادی‌هایش را موهبت او دانسته و در مشکلات و سختی‌ها از او مدد می‌جوید (عسگری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳).

اهمیت مسأله هویت از آنجا که یکی از عناصر لازم برای انسجام اجتماعی در جامعه است، بیشتر روشن می‌شود. در فرهنگ معین آمده است: «هویت یعنی: ۱- ذات باری تعالی، ۲- هستی، وجود؛ ۳- آن چه موجب شناسایی شخص باشد و ۴- حقیقت جزئی» یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ شود هویت گویند و گاه به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است (معین، ۱۳۸۱: ۵۲۲۸). در فرهنگ عمید هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، اشاره شده است. به یک معنا هویت عبارت است از آنچه سبب تشخیص و یا آنچه موجب شناسایی فرد می‌شود (عمید، ۱۳۷۴: ۱۲۶۵). اصطلاح هویت از دهه ۱۹۵۰ رایج شده است. هویت یک ساختار روانی - اجتماعی است که بذر شکل‌گیری آن در سال‌های پیش از نوجوانی پاشیده می‌شود. اریکسون و دیگر روان‌شناسان معتقدند، تمایل به هویت‌یابی از نوجوانی شروع می‌شود. از مشخصه‌های اصلی هویت، انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی است (بخشایش و رضایی

مقدم، ۱۳۹۰: ۱۱۷). یافته‌ها نشان می‌دهد رشد هویت را در حوزه تجربه دینی می‌توان روشن کرد (الیسات و پرات، ۲۰۱۲: ۲۹).

مذهب همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده است. به‌ویژه در بیش از دو دهه اخیر و با گسترش مباحث مربوط به روان‌شناسی، نقش سالم و رو به رشد مذهب، توجه بسیاری از روان‌شناسان را برانگیخته است (بارون، ۲۰۰۶: ۷۱۷). مناسک دینی از جمله مؤلفه‌های کلیدی هویت ملی است که هم توجیه معنوی و ذهنی دارد و هم جلوه بیرونی. معنای درونی و نمایش بیرونی مناسک دینی، هویت یک قوم را از دیگری متمایز می‌کند. کمتر مراسم و برنامه‌ای را می‌توان یافت که از نظر قدمت، حضور دل، همگانی بودن و هماهنگی بیرونی به پای مناسک و عبادات دینی برسد. در عبادات، عابدان خود را در پیشگاه موجودی ماورایی حس می‌کنند و مستقیم و غیرمستقیم با آن ارتباط برقرار می‌کنند (نصری، ۱۳۸۷: ۳۰). باورهای مذهبی و اعتقاد به وجود خدای یگانه در خودشناسی و شکل‌گیری یک دیدگاه واحد از خود نقش دارد. در همین زمینه تحقیقات نشان داده است که هویت افراد مذهبی تا حدی شکل گرفته است و اعضای گروه‌های مذهبی به یک تعریف روشن از خود رسیده‌اند (امبی یووا، ۲۰۱۰: ۴۲). به عبارتی تحولات اجتماعی و مذهبی نقش مهمی در هویت اساسی فرد دارند؛ دین و هویت دینی دژ محکمی در زندگی مردم و هویت آنان در اروپای مرکزی و شرقی است (تومکا، ۲۰۰۹: ۳۱).

در سوی دیگر مسأله بحران هویت مطرح می‌شود که ناشی از عوامل گوناگونی از جمله ضعف باورهای مذهبی است. در حوزه جامعه‌شناسی ریشه بحران هویت را در جامعه و ساختارهای فرهنگی و در حوزه روان‌شناسی ریشه آن را در امور فردی و روانی فرد جستجو می‌کنند (شرفی، ۱۳۸۷: ۸۰). انتخاب واژه «بحران هویت» برای انتقال از نوجوانی به بزرگسالی اشاره به حساسیت این دوران دارد، زیرا در این دوران است که فرد یا موفق به تعریفی مناسب و قابل قبول از خود می‌شود که با شرایط فردی و محیط اجتماعی او هماهنگ است و یا این‌که دچار سردرگمی شده و از نظر فردی رنج خواهد برد و تعریف او از خودش با معیارهای اجتماعی در تضاد خواهد بود. انتخاب واژه بحران همان وضعیت مرزی بین سردرگمی و کسب هویت، یکپارچگی و یا اغتشاش است (امیدیان، ۱۳۸۸: ۲۸). بحران هویت ممکن است در هر مرحله‌ای از زندگی انسان رخ دهد؛ در شرایط اضطراب‌انگیز و دشوار که هویت شکل یافته یارای کمک به سازگاری با شرایط جدید را ندارد، فرد دچار بحران هویت می‌شود.

از میان روان‌شناسان، اریکسون به مفهوم هویت، بحران هویت و آشفتگی هویت تأکید می‌کند. بحران هویت مفهومی است که او برای توصیف عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد، به کار می‌برد. این بحران بدان جهت جدی است که عدم موفقیت در رویارویی با آن پیامدهای وخیمی دارد. شخصی که فاقد یک هویت متشکل است، در خلال زندگی بزرگسالی‌اش با مشکلات متعددی مواجه خواهد شد. عدم موفقیت در شکل دادن به هویت فردی، خود بحرانی ایجاد می‌کند که بحران هویت نام دارد (شرفی، ۱۳۸۷: ۱۸). این حالت سبب می‌شود وی احساس کند منزوی، تهی، مضطرب و مردد شده است چنان که در طی آشفتگی هویت، فرد ممکن است احساس کند به جای آن‌که در حال پیشرفت باشد دچار پسروی است (شاملو، ۱۳۸۴: ۶۷). کل بحران هویت با نشانه‌های افسردگی، اضطراب و شک و تردید تعریف شده است (روسی و مبرت، ۲۰۱۱: ۱۴۱). با این اوصاف فرد برای خروج از این بحران بایستی در پی ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود باشد تا از درهم ریختگی هویت رها شود و هویت اصیل خویش را بازیابد، در پژوهشی نشان داده شد که فرآیند کسب هویت و داشتن ارزش‌ها و اهداف با هم روابط متقابل دارند (دوریز و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۳۵).

در مطالعه‌ای برای درمان نوجوانان مبتلا به سردرگمی هویت، روابطشان را با دوستان، والدین و معلمان بهبود داده‌اند و به آنها برای به دست آوردن اعتماد به نفس مثبت، روشن کردن اهداف زندگی و ایجاد یک هویت پایدار کمک کردند (فولش و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۱۸). پژوهش‌های گوناگونی در زمینه ارتباط باورهای مذهبی و بحران هویت صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در پژوهش آزادی (۱۳۸۹)، مهم‌ترین عامل مؤثر در بروز و ظهور بحران هویت در جوانان، میزان تحصیلات والدین و میزان پایبندی مذهبی و در مراتب بعدی پیروی از مد بود. به این معنا که هر چه تحصیلات و پایبندی مذهبی والدین بالاتر بود، میزان بحران هویت به شدت کاهش می‌یافت. در تحقیقی که رجایی و همکاران (۱۳۸۸) بر روی جوانان انجام دادند دریافتند که بین باورهای اساسی مذهبی با بحران هویت در جوانان ارتباط منفی معنادار وجود دارد ($r = -0.307$)، در تفسیر این یافته می‌توان گفت هر چه میزان باورهای مذهبی در جوانان بالاتر و قوی‌تر باشد میزان بحران هویت در آنان کمتر خواهد بود. هم‌چنین نتایج پژوهش دهشیری (۱۳۸۴) نشان داد که بین دین‌داری و بحران هویت و نیز بین پیشرفت تحصیلی و بحران هویت رابطه معکوس و

معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر هرچه باورهای مذهبی قوی‌تر بودند میزان بحران هویت کمتر مشاهده می‌شد و به تبع هرچه بحران هویت کمتر بود میزان پیشرفت تحصیلی افزایش می‌یافت.

رول (۲۰۰۸) با بررسی رشد معنوی در مدارس عمومی و مذهبی به ارتباط بین معنویت با عواملی مانند جامعه، هویت و شخصیت دست یافت. او معتقد است دانش‌آموزان دارای ابعاد دینی و معنوی متفاوتی هستند که باید رشد و پرورش یابند و این وظیفهٔ معلمان است که از طریق روش‌های تدریس خود این ابعاد را پرورش داده و سازمان‌دهی و به شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان کمک کنند. در پژوهش دیگری کیز و ریتزس (۲۰۰۷) نشان دادند هنگامی که هویت مذهبی افزایش می‌یابد، حرمت فردی افزایش و افسردگی کاهش می‌یابد.

برزونسکی یکی از نظریه‌پردازان فرآیند شکل‌گیری هویت است که با تلفیق جنبه‌های گوناگون هویت از قبیل فرآیند، ابعاد و محتوا سه سبک برای آن در نظر گرفت. در سبک هویت هنجاری، فرد ارزش‌های مراجع قدرت و والدین را می‌پذیرد. افراد دارای این سبک انعطاف‌ناپذیرند و هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می‌شود. در سبک هویت سردرگم - اجتنابی، فرد همواره به درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد. این گروه با تعلل و درنگ زیاد در تصمیم‌گیری برای مسایل شخصی و هویتی مشخص می‌شوند. سبک هویت اجتنابی به طور مثبت معنادار با ارزش‌هایی مانند لذت‌گرایی و قدرت که با علایق فرد سروکار دارد، همبستگی دارد. در سبک اطلاعاتی، فرد جستجوگر اطلاعات است، در مورد مفاهیم خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود پذیرا است و قبل از تصمیم‌گیری به پردازش و ارزیابی اطلاعات می‌پردازد. هم‌چنین تحقیقات متعددی مانند برزونسکی و همکاران (۲۰۱۱)، برزونسکی (۲۰۰۸) و برزونسکی و کوک (۲۰۰۵)، نشان داده‌اند که دانشجویان دارای هویت سبک اطلاعاتی، سطوح بالایی از استقلال تحصیلی را نشان می‌دهند، درک روشنی از اهداف آموزشی دارند، دارای مهارت بالای آموزشی هستند و گرایش به عملکرد تحصیلی سطح بالا دارند. به نظر برزونسکی تعهد یک عنصر اساسی در ساختار هویت است و به کمک تعهد است که چارچوبی برای ارزیابی و تنظیم رفتار فراهم می‌شود و به رفتار هدف و جهت داده می‌شود (امیدیان، ۱۳۸۸: ۳۶). متأسفانه هنوز پژوهشی در خصوص رابطه باورهای مذهبی و سبک‌های هویت صورت نگرفته است.

فرضیات تحقیق

از آنجا که باورهای مذهبی نقش بسیار تعیین کننده‌ای در بحران هویت دارد، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان سیرجان بود. لذا بنابر مبانی نظری و سوابق پژوهشی ذکر شده، فرضیه‌های زیر تدوین شدند و مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

- ۱- بین باورهای مذهبی و بحران هویت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین باورهای مذهبی و سبک‌های هویت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین بحران هویت و سبک‌های هویت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۴- میزان باورهای مذهبی در دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است.
- ۵- میزان بحران هویت در دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی است. در چنین تحقیقاتی، پژوهشگر در پی بررسی رابطه احتمالی و اندازه همبستگی بین متغیرهای ذکر شده در تحقیق است. از این رو، هدف، کشف رابطه علی نیست، بلکه تبیین رابطه برای ارتباط و معناداری آن می‌باشد. به‌طور کلی، رویدادها و عوامل گوناگونی می‌توانند با بحران هویت در ارتباط باشند، اما تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه احتمالی بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام گرفته است.

تکنیک گردآوری اطلاعات، حوزه تحقیق، سال انجام تحقیق، جامعه آماری و

حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع چهارم متوسطه شهرستان سیرجان (N= ۲۲۲۶) در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ تشکیل داده‌اند. نمونه آماری پژوهش با توجه به جدول کرجسی و مورگان شامل ۳۳۰ نفر از دانش‌آموزان (پسر= ۱۳۲ و دختر= ۱۹۸) مقطع چهارم متوسطه بوده که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. از بین مدارس متوسطه شهرستان سیرجان ۱۰ مدرسه، شامل ۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر مدرسه ۱ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. ابتدا تعداد دانش‌آموزان مدارس متوسطه دخترانه و پسرانه به تفکیک مشخص شد و سپس با محاسبه این که دانش‌آموزان دختر و پسر چه درصدی از کل

دانش آموزان را تشکیل می‌دادند، به همان نسبت تعداد دانش‌آموزان انتخابی به‌عنوان نمونه مشخص شد. بر این اساس مراحل نمونه‌گیری مذکور به این ترتیب بود:

- ۱- برآورد تعداد نمونه لازم برای بررسی.
 - ۲- تعیین درصد سهم و تعداد نمونه مورد نیاز در هر گروه جنسیتی.
 - ۳- انتخاب تصادفی تعداد نمونه برآورد شده از بین دانش‌آموزان.
- تکنیک گردآوری اطلاعات، استفاده از پرسشنامه استاندارد بود. در این پژوهش، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از پرسشنامه استاندارد باورهای مذهبی اساسی، پرسشنامه بحران هویت و پرسشنامه سبک هویت استفاده شده است.

الف) پرسشنامه باورهای مذهبی اساسی (BRBQ)

این پرسشنامه شامل ۵۰ سؤال است و در مجموع سه دسته باور مذهبی اساسی را در مورد خداوند، انسان و هستی، در قالب ۱۰ مؤلفه مورد بررسی قرار می‌دهد. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از: خداوند تنها مالک جهان و هستی است، خداوند دانا و توانا است، خداوند بخشنده و مهربان است، انسان عالی‌ترین موجود و نماینده خدا بر روی زمین است، انسان آفریده‌ای صاحب اراده و عقل است و... . نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می‌باشد. روایی آن توسط اساتید و متخصصان این زمینه مورد تأیید قرار گرفته است و ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل پرسشنامه ۰/۹۶ محاسبه شده که بیانگر همسانی درونی بالای این آزمون است (رجایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۷).

جدول شماره ۵: مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای مذهبی اساسی

شماره	مؤلفه
۱	خداوند تنها مالک جهان و هستی است.
۲	خداوند دانا و توانا است.
۳	خداوند بخشنده و مهربان است.
۴	انسان عالی‌ترین موجود و نماینده خدا بر روی زمین است.
۵	انسان آفریده‌ای صاحب اراده و عقل است.
۶	وظیفه انسان در جهان هستی رسیدن به تعالی و کمال است.
۷	زندگی انسان با مرگ فنا نمی‌پذیرد.

هستی با مقصود و هدف آفریده شده است.	۸
هستی با نظم و ترتیب و قانونمند است.	۹
هستی پیچیده و شگفت‌انگیز خلق شده است.	۱۰

ب) پرسشنامه بحران هویت (ICQ)

این پرسشنامه نیز شامل ۵۰ سؤال است که در مجموع ۱۰ نشانه بحران هویت را بر اساس نظریه درمان شناختی - هیجانی دینی که شامل: بی‌هدفی، پوچی، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، بی‌ارزشی، نارضایتی از زندگی، اضطراب، غمگینی، پرخاشگری و عصبانیت است را می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسشنامه نیز براساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می‌باشد و روایی آن توسط اساتید و متخصصان این زمینه مورد تأیید قرار گرفته است. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و برابر با ۰/۹۳ به دست آمد که بیانگر پایایی بالای این آزمون می‌باشد (رجایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۷).

ج) پرسشنامه سبک هویت (ISI)

پرسشنامه سبک هویت یک مقیاس ۴۰ سؤالی است که ۱۱ سؤال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال آن مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. پاسخ آزمودنی‌ها به سؤالات به شکل طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد که شامل کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ می‌باشد. برزونسکی (۱۹۹۲)، پایایی درونی را با ضریب آلفا برای مقیاس اطلاعاتی ۰/۶۲، مقیاس هنجاری ۰/۶۶ و مقیاس سردرگم اجتنابی ۰/۷۳ گزارش کرده است. این پرسشنامه از همسانی درونی خوبی برخوردار است و به وسیله اجرای همزمان آن با مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ نیز سنجیده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که پرسشنامه سبک هویت از اعتبار بالایی برخوردار است و در نتیجه می‌تواند ابزار مناسبی برای ارزیابی شکل‌گیری هویت از دیدگاه پردازش اطلاعات مربوط به خویشتن باشد (غضنفری، ۱۳۸۳: ۸۱).

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱: میزان فراوانی و درصد اعضای نمونه بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی

متغیرهای جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	پسر	۱۳۲
	دختر	۱۹۸
رشته تحصیلی	انسانی	۱۱۰
	تجربی	۱۱۰
	ریاضی	۱۱۰

جدول شماره ۲: داده‌های توصیفی مربوط به متغیرهای باورهای مذهبی،

بحران هویت و سبک‌های هویت

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار
باورهای مذهبی	۱۹۵/۸۳	۲۲/۰۳
بحران هویت	۱۱۴/۶۹	۲۷/۷۷
هویت اطلاعاتی	۴۰/۰۷	۶/۳۹
هویت هنجاری	۲۲/۲۷	۳/۳۷
هویت سردرگم - اجتنابی	۲۸/۰۸	۷/۲۸
تعهد هویت	۳۵/۹۸	۵/۷۰

به منظور بررسی رابطه بین باورهای مذهبی با بحران هویت و سبک‌های هویت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه بین نمرات باورهای مذهبی،

بحران هویت و سبک‌های هویت

متغیرها	بحران هویت	هویت اطلاعاتی	هویت هنجاری	هویت سردرگم - اجتنابی	تعهد هویت
باورهای مذهبی	-۰/۴۵۹**	۰/۳۷۳**	۰/۳۵۷**	-۰/۲۶۷**	۰/۶۳۱**
بحران هویت	۱	-۰/۳۲۱**	۰/۴۸۳**	۰/۰۴۷	-۰/۴۳۳**

$$P < ۰/۰۱**$$

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، رابطه منفی معناداری بین باورهای مذهبی و بحران هویت وجود دارد ($p < 0/01$). بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، با افزایش باورهای مذهبی، بحران هویت کاهش یافته است. بیشترین میزان همبستگی بین باورهای مذهبی و تعهد هویت مشاهده شده است ($r = 0/631$)، هر چه میزان باورهای مذهبی قوی‌تر باشد تعهد نسبت به هویت شکل گرفته بیشتر خواهد بود. به‌طورکلی باورهای مذهبی با تمام سبک‌های هویت رابطه مثبت و معناداری در سطح $0/01$ داشته است به جز سبک هویت سردرگم - اجتنابی که در آن هر چه باورهای مذهبی ضعیف‌تر باشد احتمال این‌که فرد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی باشد بیشتر خواهد بود ($p < 0/01$)، بدین ترتیب فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد. بحران هویت با سبک هویت اطلاعاتی و تعهد هویت ارتباط منفی معناداری دارد، بدین معنا که ارتباط معکوسی با هم دارند و با افزایش یکی دیگری کاهش می‌یابد و با سبک هویت هنجاری رابطه مثبت و معناداری دارد و با افزایش بحران هویت، هویت هنجاری نیز افزایش می‌یابد و این یافته‌ها فرضیه سوم تحقیق را تأیید می‌کنند.

برای بررسی فرضیه چهارم و پنجم مبنی بر وجود تفاوت در باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دختران و پسران از آزمون t استفاده گردید، نتایج آزمون‌ها نشان داد که تفاوت معناداری بین دختران و پسران در خصوص باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت وجود ندارد و بدین ترتیب فرضیه چهارم و پنجم پژوهش تأیید نگردید.

جدول شماره ۴: مقایسه دختران ($n=198$) و پسران ($n=132$) از نظر باورهای مذهبی،

بحران هویت و سبک‌های هویت

متغیر	دختران M (SD)	پسران M (SD)	t	p
باورهای مذهبی	۱۹۶/۰۲ (۲۳/۶۷)	۱۹۵/۵۸ (۱۹/۷۴)	-۰/۱۵۷	۰/۸۷۵
بحران هویت	۱۱۳/۴۲ (۲۷/۶۴)	۱۱۶/۵۳ (۲۷/۹۶)	۰/۹۴۷	۰/۳۴۵
هویت اطلاعاتی	۴۰/۳۴ (۶/۴۵)	۳۹/۶۷ (۶/۳۰)	-۰/۹۲۶	۰/۳۵۵
هویت هنجاری	۲۲/۲۵ (۳/۳۴)	۲۲/۳۰ (۳/۴۲)	۰/۱۳۸	۰/۸۹۱
هویت سردرگم - اجتنابی	۲۷/۵۰ (۷/۰۶)	۲۸/۹۷ (۷/۵۶)	۱/۷۵	۰/۰۸۱
تعهد هویت	۳۵/۸۹ (۵/۸)	۳۶/۱۱ (۵/۴)	۰/۷۴۲	۰/۳۳۰

خلاصه و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منفی معناداری بین باورهای مذهبی و بحران هویت وجود دارد؛ این بدان معناست که هرچه نمره‌های باورهای مذهبی افراد بالاتر باشد، نمره‌های بحران هویت آنها پایین‌تر است. به عبارت دیگر این دو متغیر رابطه معکوس با یکدیگر دارند. در تفسیر نتایج آن می‌توان گفت افرادی که باورهای مذهبی قوی‌تری دارند کمتر بحران هویت را تجربه می‌کنند و در عین حال افرادی که در شرایط بحران هویت قرار دارند باورهای مذهبی ضعیف‌تری دارند. یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر در این زمینه، با نتایج تحقیقات آزادی (۱۳۸۹)، رجایی و همکاران (۱۳۸۸)، دهشیری (۱۳۸۴)، دوریز و همکاران (۲۰۱۲)، رول (۲۰۰۸) و کیز و ریتزس (۲۰۰۷) همسو و هماهنگ است.

در پژوهشی که آزادی (۱۳۸۹) بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان با هدف بررسی عوامل مؤثر در بحران هویت انجام داد به این نتیجه رسید که باورهای مذهبی والدین با بحران هویت در دانشجویان رابطه منفی معنادار دارد و هرچه والدین مذهبی‌تر باشد احتمال وجود بحران هویت در فرزندانشان کاهش می‌یابد. در پژوهش دیگری که رجایی و همکاران (۱۳۸۸) بر روی جوانان انجام دادند، دریافتند که باورهای مذهبی جوانان تأثیر مستقیمی بر بحران هویت در آنان دارد و هرچه باورهای مذهبی در این گروه قوی‌تر باشد، احتمال ابتلا به بحران هویت در آنان کمتر خواهد بود. در پژوهشی که دهشیری (۱۳۸۴) با هدفی مشابه بر روی نمونه دانش‌آموزان انجام داد به نتایج مشابهی دست یافت و علاوه بر آن، یافته‌های این تحقیق ارتباط معناداری بین بحران هویت و پیشرفت تحصیلی نشان داد؛ دانش‌آموزانی که بحران هویت کمتری داشتند پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند.

دوریز و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود نشان دادند افرادی که دارای ارزش‌های مثبت و پایدار در مذهب خود هستند از درهم ریختگی هویت در امان خواهند بود و دارای هویت اصیل می‌باشند. رول (۲۰۰۸) در بررسی خود به این نتیجه رسید که معنویت با عوامل گوناگونی از جمله هویت در ارتباط است و با رشد و پرورش ابعاد معنویت در دانش‌آموزان می‌توان هویت آنان را انسجام بخشید و معلمان در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. کیز و ریتزس (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که با افزایش هویت مذهبی، حرمت فردی یا عزت نفس افراد افزایش می‌یابد. در مجموع، این یافته‌ها تأیید کننده این امر است که افرادی که باورهای مذهبی

استوارتری دارند، از لحاظ هویت در وضعیت بهتری قرار دارند و بحران هویت کمتر آنان را تهدید می‌نماید.

در این تحقیق رابطه مثبت معناداری بین باورهای مذهبی و سبک‌های هویت به جز سبک هویت سردرگم - اجتنابی مشاهده شد. همان‌طور که ذکر شد در سبک هویت اطلاعاتی فرد جستجوگر اطلاعات می‌باشد و در مورد مفاهیم شکاک است و به دنبال آگاهی‌های بیشتر در هر زمینه‌ای از جمله مسائل دینی می‌باشد؛ در باورهای مذهبی نیز به جستجوگری و داشتن شناخت نسبت به مسائل تأکید شده است همان‌گونه که در این آیه شریفه بیان می‌شود: «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (کهف: ۶۸)، و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی». سبک هویت اطلاعاتی با بحران هویت نیز ارتباط منفی معنادار دارد و افراد دارای این سبک هویت کمتر دچار بحران هویت می‌شوند، زیرا با شناخت پیش می‌روند و اطلاعات کافی در زمینه انتخاب‌های خود دارند.

یکی از ویژگی‌های سبک هویت هنجاری این است که فرد پذیرای ارزش‌های مراجع قدرت و والدین می‌باشد و این رابطه معناداری با باورهای مذهبی دارد که احترام به بزرگان و والدین را توصیه کرده است.

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَا يُؤْتِلَعْنَ عِنْدَكَ الْكَبِيرَ أَحَدُهُمَا، أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا... (اسراء: ۲۳)، و خدای تو حکم فرموده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید [و] اگر هر دو یا یکی از آنها به پیری برسند (که موجب رنج و زحمت باشند) زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و آنان را مران و با ایشان با احترام و نرمی سخن بگو».

هم‌چنین امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: بزرگترین و مهم‌ترین تکلیف الهی نیکی به پدر و مادر است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۷۰۹).

سبک هویت هنجاری با بحران هویت ارتباط مثبت معناداری دارد و شاید به این دلیل باشد که فرد بیش از اندازه مطابق با معیارها، ارزش‌ها و قوانین انعطاف‌ناپذیر جامعه عمل می‌کند و خواست‌های خود را نادیده می‌گیرد؛ درحالی‌که می‌توان با انطباق خصوصیات فردی با معیارها و ارزش‌ها از هویت سالمی برخوردار بود و دچار سردرگمی هویت یا خودشناسی نشد.

افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی با ارزش‌هایی چون لذت‌گرایی و قدرت‌طلبی شناخته می‌شوند و در تصمیم‌گیری‌ها دچار شک و تردید هستند که با

خصوصیات افراد دارای باورهای مذهبی در تضاد می‌باشد. در این تحقیق نیز این دو متغیر با یکدیگر رابطه منفی معناداری در سطح ($p < 0/01$) داشتند که بدین معناست که افراد دارای باورهای مذهبی کمتر سبک هویت سردرگم - اجتنابی دارند و فاقد ویژگی‌های این سبک هویت می‌باشند و متقابلاً افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی باورهای مذهبی ضعیفی دارند. لازم به ذکر است که این نوع سبک هویت هیچ ارتباط معناداری با بحران هویت ندارد، شاید به دلیل آن‌که فرد در اینجا اصلاً به دنبال هویت‌یابی نیست که دچار بحران هویت گردد، به عبارت دیگر او با خدا فراموشی، دچار خود فراموشی نیز می‌شود.

تعهد هویت که به معنای هویت شکل یافته و پایبندی به آن می‌باشد با باورهای مذهبی ارتباط مثبت معناداری دارد و در عین حال با بحران هویت ارتباط منفی معناداری دارد. در پژوهشی نشان داده شده است که با ثبات مفهوم خود، بحران هویت کمتر می‌شود (جانسون و کیمبرلی، ۲۰۱۱: ۲۵). به عبارت دیگر افراد دارای باورهای مذهبی نسبت به هویتی که با شناخت و آگاهی کسب کرده‌اند و به آن ثبات بخشیده‌اند متعهدند و به راحتی آن را دستخوش تغییرات قرار نمی‌دهند. بحران هویت نیز چون دیگر پدیده‌های اجتماعی معاصر، جهانی است و بنابراین تنها گریبان کشورهای توسعه یافته مدرن عمدتاً غربی را نگرفته است بلکه عمده‌ترین معضل پیش روی کشورهای توسعه نیافته نیز به حساب می‌آید (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۳۱؛ بشیریه، ۱۳۷۹: ۲۸۷ و طالبی، ۱۳۷۸: ۳۶). یکی از آثار فضای مجازی در جوامع، به خصوص جوامع در حال گذار، ایجاد بحران هویت فردی، گروهی، قومی و دینی است (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). بنابراین با تقویت باورهای مذهبی و کمک به افراد در جهت شکل‌دهی صحیح به هویتشان و تعهد نسبت به هویت پرورش یافته می‌توان از بروز مسائلی همچون بحران هویت و آشفتگی در آن جلوگیری کرد.

در این پژوهش تفاوت معناداری بین دختران و پسران در باورهای مذهبی و بحران هویت مشاهده نشد و هر دو در شرایط یکسانی قرار داشتند. این با تحقیق دهشیری (۱۳۸۴) همسو است. نتایج وی بیانگر این بود که بین نوجوانان دختر و پسر از لحاظ دین‌داری تفاوتی وجود ندارد؛ هم‌چنین با یافته‌های پیدرسن و همکاران (۲۰۰۰) نیز مطابقت دارد. نتایج تحقیق وی حاکی از همسانی زنان و مردان در گرایش‌های مذهبی است، اما این یافته پژوهش با نتایج خداپناهی و خوانین‌زاده (۱۳۷۹) مغایرت دارد. این محققان به این نتیجه رسیده بودند که دختران نسبت به پسران به مسائل مذهبی گرایش

بیشتری دارند. در خصوص بحران هویت، پژوهشی مطابق با نتایج تحقیق حاضر یافت نشد اما تحقیق دهشیری (۱۳۸۴) میزان بحران هویت در دختران را به طور معناداری بیشتر از پسران گزارش کرده است.

به طور کلی از نتایج این مطالعه می‌توان چنین استنباط کرد که هرچند عوامل متعددی در بروز و شکل‌گیری بحران هویت نقش دارند، اما باورهای مذهبی نقش انکارناپذیری در پیشگیری از بحران هویت دارند. با تقویت این ارزش‌های مذهبی در نوجوانان و معرفی منابع صحیح دینی برای کسب آگاهی از ارزش‌های اصیل قرآنی و در نتیجه دستیابی به باورهای ناب و استوار مذهبی می‌توان به دانش‌آموزانی که در آستانه ورود به دنیای وسیع ارتباطات اجتماعی حقیقی و مجازی هستند کمک کرد تا با پرورش هویت صحیح اسلامی و تعهد نسبت به هویت شکل‌یافته، از خطراتی همچون بحران هویت مصون بمانند.

منابع

- قرآن کریم.
- آزادی، علیرضا (۱۳۸۹)؛ «عوامل مؤثر در بحران هویت در میان جوانان (بررسی موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، *مجموعه مقالات کنکاشی در هویت ایرانی*، ۳۰۱-۳۲۰.
- ابوطالبی، علی (۱۳۷۸)؛ «حقوق قومی، اقلیت‌ها و همگرایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، (۱)، ۱۳۱-۱۵۳.
- اکبری، بهمن (۱۳۸۷)؛ «بحران هویت و هویت دینی»، *پیک نور*، ۶ (۴)، ۲۱۹-۲۳۱.
- امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸)؛ *هویت از دیدگاه روان‌شناسی*، ج ۱، یزد: دانشگاه یزد.
- بخشایش، علیرضا و رضایی مقدم، مریم (۱۳۹۰)؛ «رابطه دینداری و خودشناسی با شکل‌گیری هویت»، *معرفت*، ۲۰ (۴)، ۱۱۷-۱۳۲.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)؛ «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، (۵)، ۲۸۷-۳۱۵.
- خداپناهی، محمدکریم و خوانین‌زاده، مریم (۱۳۷۹)؛ «بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان»، *مجله روان‌شناسی*، ۴ (۱۴)، ۱۸۵-۲۰۳.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۴)؛ «بررسی رابطه دینداری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان یزد»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۱ (۲)، ۸۷-۹۸.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷)؛ «رسانه‌های نوین و بحران هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، (۴)، ۱۴۹-۱۷۶.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمد حسین و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸)؛ «باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان»، *روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)*، ۲۲، ۹۷-۱۰۸.
- شاملو، سعید (۱۳۸۴)؛ *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران: رشد.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ *جوان و بحران هویت*، تهران: سروش.
- طالبی، سکینه (۱۳۷۸)؛ *تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عسگری، پرویز، خلیقی سیگارودی، عنایت، حیدری، علیرضا، یوسفیان، فرزانه و مرعشیان، فاطمه (۱۳۸۸)؛ «تأثیر آموزش شیوه‌های تربیتی سیره عملی پیامبر اکرم (ص)، بر تفکر دینداری، اعتقادات و باورهای مذهبی و سلامت روان دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اهواز»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۴۰، ۱۳-۲۵.
- عمید، حسن (۱۳۷۴)؛ *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۳)؛ «اعتباریابی پرسشنامه سبک هویت»، *مطالعات تربیتی دانشگاه فردوسی*، ۱۷، ۸۱-۹۶.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)؛ *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، ویرایش ۳، ج ۱۰، قم: دارالحدیث.
- معین، محمد (۱۳۸۱)؛ *فرهنگ فارسی معین*، تهران: سرایش.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷)؛ *میانی هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- Alisat, S., & Pratt, M.W. (2012); Characteristics of Young Adults' Personal Religious Narratives and Their Relation with the Identity Status Model: A Longitudinal, Mixed Methods Study, *An International Journal of Theory and Research*, 12(1), 29-52.

- Ambe-Uva, T.N. (2010); Identity Politics and the Job Crisis: Evidence, Lessons, and Challenges of Good Governance, *African Journal of History and Culture*, 2(3), 42-52.
- Baroun, K.A. (2006); Relations among religiosity, health, happiness & anxiety for Kawaiti adolescents, *Psychological Rep.*, 99(3), 717, 722.
- Berzonsky, M.D. (1992); Identity style and coping strategies, *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M.D. (2008); Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes, *Personality and Individual Differences*, 44, 645-655.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2005); Identity style, psychological maturity and academic performance, personality and individual difference, *European Journal of Personality*, 39(1), 235-247.
- Berzonsky, M.D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011); The how and what of identity formation: Association between identity styles and value orientations, *Personality and Individual Differences*, 50(2), 259-299.
- Duriez, B., Luyckx, K., Soenens, B., & Berzonsky, M.D. (2012); A process-content approach to adolescent identity formation: examining longitudinal associations between identity styles and goal pursuits, *Journal of Personality*, 80(1), 135-161.
- Foelsch, P.A., Odom, A., Arena, H., Krischer, M.K., Schemek, K., & Schlüter-Müllers, S. (2010); The differentiation between identity crisis and identity diffusion and its impact on treatment, *Prax Kinderpsychol Kinderpsychiatr*, 59(6), 418-439.
- Johnson, E.A., & Kimberly, J.N. (2011); Personality adjustment and identity style influences on stability in identity and self-concept during the transition to university. *An International Journal of Theory and Research*, 11(1), 25-46.
- Keyes, C.L.M., & Reitzes, D.C. (2007); The role of religious identity in the mental health of older working and retired adults, *Aging & Mental Health*, 11, 434-443.
- Pedersen, M., Williams, R.N., & Kristensen, K.B. (2000); The relation of spiritual self-identity to religious orientation and attitudes, *Journal of Psychology & Technology*, 28(2), 138-148.
- Revell, L. (2008); Spiritual development in public and religious schools: a case study. *Religious Education*, 103, 102-118.
- Rossi, N.E., & Mebert, C.J. (2011); Does a Quarterlife Crisis Exist?, *Journal of Genetic Psychology*, 172(2), 141-161.
- Tomka, M. (2009); Religious Identity and the Gospel of Reconciliation A Central European View, *Journal of the International Association for Mission Studies*, 26(1), 31-44.

مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی^۱

* عزت‌اله کیشانی فراهانی

E-mail: Kishni_farahani@yahoo.com

** محسن فرمهینی فراهانی

E-mail: Farmahinifar@yahoo.com

*** اکبر رهنما

E-mail: Rahnama_akbar43@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی است. مسأله مورد پژوهش شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی است. روش پژوهش تلفیقی از دو روش تحلیل اسنادی و پیمایشی دلفی است. مطالعات در برخی منابع اسلامی نظیر قرآن، نهج‌البلاغه و روایات و همچنین برخی آثار شعرا، فلاسفه و اندیشمندان صورت گرفت. از میان دانشگاه‌های کشور ۵ دانشگاه (دانشگاه شاهد، بهشتی، تربیت معلم تهران، تربیت معلم اراک و دانشگاه آزاد اراک) به‌عنوان نمونه به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس نظیر ۳۰ نفر از اساتید با تکمیل ابزار پرسشنامه محقق ساخته و اعتبار بخشی شده و بررسی شد. یافته‌ها دوازده مؤلفه اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی مشتمل بر مؤلفه‌های ارزشمندی، هدفمندی، روشمندی، نعدوستی، مردم‌سالاری دینی، شایسته‌سالاری، جستجوگری، استقلال فردی، کفایت، سلامت، وطن‌دوستی و اعتدال را نشان دادند. مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی دارای بیشترین میانگین بوده است.

کلید واژه‌ها: شهروندی، تربیت شهروندی، تربیت شهروندی اسلامی.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی و شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی» از دانشگاه شاهد می‌باشد.

* کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شاهد، نویسنده مسئول

** دانشیار گروه علوم تربیتی و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

*** استادیار گروه علوم تربیتی و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

مقدمه

تربیت شهروندی از آنجایی که ریشه در تربیت دارد بهتر است ابتدا مفهوم تربیت و تربیت شهروندی بیان گردد. تربیت؛ کشاندن آدمی به سوی ارزش‌های والای انسانی است، چنان که ارزش‌ها را بفهمد، بپذیرد، دوست بدارد و به کار آورد. انسانی که به این مقام دست یافت، چه بسا به گزینش ارزش‌ها می‌پردازد و راهنما و تربیت‌کننده خویش خواهد شد و این برترین معنای تربیت است (نقیب‌زاده ۱۳۸۷: ۱۹).

شهروندی؛ همانند بسیاری از علوم، در اندیشه‌های یونان باستان و افلاطون ریشه دارد (فالکس، ۲۰۰۰: ۱۶ به نقل از فتحی و اجارگاہ، ۱۳۸۸: ۳۰). ارسطو جامعه خوب را مشروط به تحول اخلاقی شهروندان می‌داند. او تحت تأثیر افلاطون می‌گوید جامعه آن گاه خوب است که زمینه تحول اخلاقی شهروندان را فراهم آورد و شهروند خوب، همانا انسان خوب است... در یونان باستان، واژه مذکور برای پروردن فرد جهت زیست در شهر یا دولت شهر به کار می‌رفت (لینچ، ۱۹۹۲ به نقل از فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۱).

تربیت شهروندی؛ تربیت فرد است برای آن‌که به گزینش ارزش‌های والای انسانی بپردازد. تربیت شهروندی؛ مفهومی کلی است که به مطالعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را آموزش شیوه‌های مسالمت‌آمیز زندگی به طور خاص در یک جامعه (شهروندی ملی) و یا به طور عام در جامعه جهانی (شهروند جهانی) دانست (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۹۴). برخی تربیت شهروندی را ایجاد توان ایفای نقش در افراد دانسته‌اند به نحوی که در شکل‌گیری یا توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت، نقش‌آفرین باشند (برخورداری، ۱۳۸۷ به نقل از باقری، ۱۳۷۹). تربیت شهروندی که با تعبیرهایی چون تربیت مدنی، تربیت برای حیات جمعی، تربیت مردم‌سالار و تربیت مبتنی بر حقوق بشر یاد می‌شود. یعنی همت گماردن نظام آموزشی در تربیت شهروندی که ضمن احساس دلبستگی به میهن خود و قانونمندی در همه زمینه‌های زندگی، قابلیت را در آنان ایجاد کند که در صورت اقتدارطلبی ناموجه از سوی دولت از طریق تشکلهای مدنی صنفی و سیاسی که در آن عضویت دارند، عملکرد دولت را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و یا احیاناً در برابر آن مقاومت نمایند. جوامعی که این شیوه را می‌پذیرند باید نظام تربیتی خود را به سوی تربیت شهروندانی آگاه، آشنا با زندگی در جامعه مردم‌سالاری دینی سوق دهند تا کودکان از ابتدا با تمرین فعالیت‌های مدنی در مدارس برای زندگی جمعی در جامعه مدنی و ایفای نقش فعال شهروندی و مشارکت همه‌جانبه در سرنوشت خود آمادگی

لازم را کسب کنند (برخورداری، ۱۳۸۷). تربیت شهروندی تربیتی است که به توسعه و پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندی منجر می‌شود. چنین تربیتی الزاماً در ارتباط با اعضای جوامع ملت‌های خاص قابل درک است زیرا در هر جامعه‌ای، ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه تأسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی می‌باشد (فرمehینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۶ به نقل از طالب‌زاده و فتحی، ۱۳۸۲). تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که جوانب اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دربر می‌گیرد و مباحثی چون مردم‌سالاری دینی، حقوق، مسئولیت‌ها، تحمل، بردباری، احترام و برابری را دربر می‌گیرد (فرمehینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۲). تربیت شهروندی عمدتاً شامل آماده‌سازی جوانان برای ایفای نقش‌ها و احساس مسئولیت‌ها به‌عنوان شهروند است (کر، ۱۹۹۹ به نقل از فرمehینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۲).

مسأله‌ای که مطرح می‌شود این است که تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی چیست؟ تربیت شهروندی دارای ابعاد ارزشی، دانشی و مهارتی است که می‌توان برای آن دیدگاهی عام و فراملی و دیدگاهی خاص و ملی تصور نمود؛ بخشی از آن برمفاهیم بین‌المللی که بین ملل مختلف مشترک است دلالت دارد و بخش دیگر آن ویژگی‌های مختص یک ملت و دولت است که آن را از دیگر ملل متمایز می‌سازد. در تربیت شهروندی اسلامی ایرانی، ارزش‌های اسلامی به تربیت شهروندی جهت و سمت و سوی الهی می‌بخشند این ارزش‌ها از قبیل ایمان، تقوا، آخرت‌گرایی، احترام به هم‌نوع، عدالت، توکل بر خدا و... در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تأثیرگذارند. تربیت شهروندی اسلامی ایرانی از طرف دیگر ملیت ایرانی را به منصفه ظهور می‌رساند که در آن ویژگی‌های ملت ایران نظیر شجاعت، همت، وطن‌دوستی، مردم‌سالاری دینی، علم‌دوستی نهفته است. بر این اساس می‌توان گفت که هر الگوی تربیت شهروندی متشکل از مؤلفه‌هایی است که مشخص شدن آنها شناخت کامل‌تری را از الگوی مربوطه میسر خواهد ساخت.

سؤال پژوهش

با مرور مبانی نظری و همچنین سوابق پژوهشی، مسأله اساسی در پژوهش حاضر «شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی» است. در این پژوهش

سعی شده مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی شناسایی شوند. که این مهم با در نظر گرفتن ابعاد مختلف از جمله ملاحظات فلسفی و هم‌چنین واقعیات فرهنگی - اجتماعی جامعه صورت گرفته است. اما بررسی تحقیقات گذشته خلأی در موضوع تربیت شهروندی را نشان می‌دهد و آن نبودن تحقیقی در این زمینه است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی کدام‌ها هستند؟ در این راستا سؤال زیر مورد بررسی واقع خواهد شد: مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی کدامند؟

چارچوب نظری

- مفهوم شهروندی: شهروندی مقوله‌ای درباره عملکرد افراد است به گونه‌ای که در یک جامعه دموکراتیک بتوانند در محیط خود و محیط اجتماعی دیگران اثرگذار باشند (برن، ۱۹۹۶ به نقل از فرمینی، ۱۳۸۹: ۹). به عبارت دیگر شهروندی را می‌توان پایبندی فعال به ارزش‌های مبتنی بر حقوق و وظایف عام و اخلاق مشارکت به صورتی فعال نه منفعل دانست. شهروندی به مدد مجموعه حقوق، وظایف، تعهدات و ارزش‌های ناشی از آنها راهی برای توزیع عادلانه منابع زندگی، همراه با مشارکت و پویایی فراهم می‌کند. هم‌چنین پایبند بودن به ارزش‌های جمعی به معنای فراموش کردن هویت فردی و ارزش‌های شخصی و قواعد و راه و روش‌های فردی نیست. قبول ارزش‌های عمومی و احترام و عمل به آنها، می‌تواند بدون تضاد با ارزش‌های فردی، جایگاه خود را داشته باشد... شهروندی با سلطه ناسازگار است (برن، ۱۹۹۶ به نقل از فرمینی، ۱۳۸۹: ۹).

گرچه در بسیاری از منابع، تربیت شهروندی و تربیت مدنی مترادف و یکی دانسته شده‌اند در عین حال می‌توان گفت که تربیت شهروندی عمدتاً با ایجاد دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌هایی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به‌عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۵). تربیت شهروندی مفهوم بحث‌انگیزی است. در تحلیل ابعاد مختلف آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دیدگاه‌های متضادی وجود دارد، بنابراین توقع یک تعریف جامع از دیدگاه‌های مختلف ظاهراً ناممکن است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸: ۱۱۹). در سال ۱۹۸۹ در سند اهداف ملی استرالیا، تعلیم و تربیت شهروندی عبارت از توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به‌عنوان شهروندان فعال و آگاه در جامعه دموکراتیک در شرایط بین‌المللی مشارکت جویند (ایبید، ص ۶ به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸: ۱۹).

کوايگلی توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های شهروندی در فراگیران را تربیت شهروندی می‌داند. دانش شهروندی شامل مهارت‌های عقلانی مورد نیاز برای فهمیدن و توضیح دادن، مقایسه، ارزیابی، اصول و عملکرد دولت و شهروندی و مهارت شهروندی شامل مهارت‌های مشارکتی است که شهر وندان را قادر می‌سازد تا خط مشی دولت را تحت نظارت و تأثیر قرار دهند و نگرش شهروندی عبارت از ویژگی‌های شخصیتی، خلق و خواها و تعهدات مورد نیاز مانند احترام به ارزش افراد، صداقت، رواداری و شکیبایی، همدردی، وطن‌پرستی، تعهد به حقوق بشر، نفع عمومی در حفظ و گسترش حکومت دموکراتیک و شهروندی است (کوايگلی، ۲۰۰۶: ۶ به نقل از فرمینی ۱۳۸۹: ۱۵).

- مفهوم اسلامی - ایرانی: هنگامی که از ایرانی بودن الگو سخن می‌گوییم، مقصود این است که دانشی که در چهارچوب این الگو می‌گنجد، در رفع نیازهای ایرانیان مفید است. هم‌چنین وقتی می‌گوییم الگوی اسلامی، یعنی دانش به دست آمده از آن در راستای ارزش‌های اسلامی و مطابق با آنها شکل گرفته است و به کار می‌آید. در اسلام تربیت انسان کامل. ارزش اصلی است. بدین ترتیب دانشی اسلامی است که برای تربیت انسان‌ها سودمند باشد (تقوی و خوش‌نویس، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

با توجه به تعاریف فوق از تربیت شهروندی و با فهم این‌که در آن مسأله دموکراسی و مشارکت مردم مطرح است و این مشارکت چنانچه همراه با آزادی و آگاهی مردم باشد و نیز در ابعاد ارزشی، مهارتی و دانشی آنان نیز ریشه داشته باشد. می‌توان چارچوب تحقیق حاضر را با نظر بر ابعاد فراملی و ملی تربیت شهروندی در گروه تحقیقاتی دانست که علاوه بر سهم بودن در اشتراکات بین‌المللی مربوط اختصاصاً تربیت شهروندی را دنبال و شناسایی می‌نماید که مؤلفه‌های آن منتج از آموزه‌های دین مبین اسلام و ملیت ایرانی باشد.

واقعیت کنونی جامعه ایران و در نظر گرفتن شرایط و امکانات فعلی در ایران و توجه به استعدادها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و سطوح دانشی موجود در میان کودکان و نوجوانان امروز، می‌تواند در هدایت عاقلانه ما به سوی جامعه اسلامی رهگشا باشد. در نظر گرفتن نشیب و فرازهای حرکت به سوی سازندگی، پیشرفت و تربیت در سال‌های اخیر و خصوصاً محدوده زمانی انقلاب اسلامی، در تعیین نظام ارزشی جامعه، هویت ملی و مذهبی ایرانیان و نفوذ رهنمودهای امام خمینی در میان ملت رنج دیده و جنگ آزموده، مؤثر بوده است. رشد روزافزون توجه به سنت‌ها و ارزش‌های ملی و در کنار آن حرکت جامعه به سوی ارزش‌های اصیل اسلامی که در قرآن و کلام و سیره

پیشوایان اسلام نهفته است، به خوبی مشهود است. رسالت اصلی این پژوهش و امثال آن، کمک به کودکان و نوجوانان تشنه و جویای دموکراسی اسلامی است که در مردم‌سالاری دینی متبلور می‌شود، این روایت از موضوع، مقادیری از مشارکت، عدالت، برابری، صلح، رفاه عمومی، خردورزی، تعهد و احترام را دربردارد که در قالب مؤلفه‌های تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی عرضه می‌شوند.

امروزه فقدان الگوی طراحی شده در زمینه تربیت شهروندی، موجب سر در گمی کودکان و نوجوانان در گزینش و پذیرش الگوهای متعدد شده است، بر همین اساس نیاز به تدوین الگوی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی به خوبی مشهود است. از سوی دیگر اقدام به شناسایی مؤلفه‌های تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی بر این امر مقدم است. توجه به نیازی از این دست ما را بر آن داشت که با شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی زمینه را برای تدوین الگوی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی مهیا نماییم. تربیت شهروند در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی، در طی مراتبی از تکامل به این مرحله رسیده و بشر الگوهای متعددی از تربیت شهروندی را به صورت ارادی یا غیرارادی تجربه نموده است. اینک در قرن بیست و یک انسانی ظهور کرده است که هرگز خویشتن خویش را لایق این چنین الگوها نمی‌داند، ملت ایران نیز به نوبه خود در برهه‌ای از تاریخ تکامل خود نسخه‌های متعددی از تربیت شهروندی را تجربه نموده است لیکن امروزه نسلی پا به میدان گذاشته است که نرم‌افزارهای قدیمی الگوهای تربیت شهروندی نمی‌تواند جوابگوی نیاز او باشد. چنین است که الگویی متناسب می‌طلبد. و این مهم در شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی نهفته است.

آغاز شهروندی را در یونان باستان دانسته‌اند و تربیت شهروندی را به گونه‌های رسمی و غیررسمی‌اش در جوامع انگلیسی و آمریکایی در قرون پیشین جستجو می‌نمایند. باید گفت که تلاش‌های بسیاری در راه تأسیس بنیادهای تربیت شهروندی و وضع رشته‌هایی در این خصوص و برنامه‌ریزی در این زمینه‌ها در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی صورت پذیرفته است که در ایجاد و توسعه دانش، نگرش و مهارت‌های شهروندی تأثیر به‌سزایی داشته است. اینجاست که باید آحاد ملت با گسترش دامنه تحقیقات خود و هم‌دولت با فراهم کردن زمینه‌های لازم، موجبات حرکت به سوی تربیت شهروند وارسته اسلامی را تحقق بخشید. پژوهش‌هایی در راستای شهروندی و تربیت شهروندی به عمل آمده است که بر این اساس توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بسیار مفید خواهد بود.

سوابق پژوهشی

مرور سوابق پژوهشی در کشور نشان داد که: رضانیان سیاهکلرودی (۱۳۸۳) در تحقیق خود مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی را در شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار می‌دهد و این مؤلفه‌ها را به دست می‌آورد: آزادگی، آزستیزی، ایرانی بودن، تقدیرگرایی، خداباوری، خردورزی، دادگری، دانایی و دانشجویی، دل نبستن به سرای سه پنج، رازگرایی، زبان فارسی، سخنوری، شادی، فرهمندی، نام و نیکی. آقازاده (۱۳۸۵) اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن را بررسی می‌کند. او با تحلیل نتایج حاصل از این مقاله و تبیین اجمالی وضع کنونی آموزش شهروندی در کشورمان، پیشنهادهایی را برای بهره‌گیری از اندیشه‌های نو در استقرار یک نظام کارآمد تربیت شهروند ارائه می‌کند. خوجم‌لی (۱۳۸۸) چگونگی تربیت شهروندی در مدارس متوسطه از طریق برنامه‌های درسی پنهان (مطالعه موردی دانش‌آموزان متوسطه پسرانه شهر قدس) را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شهروندی، از طریق فعالیت‌های ورزشی، مشارکت در مباحث کلاس درس و هم‌چنین بحث‌های آزاد، گفتگوی آزاد شفاهی و فضای دموکراتیک کلاس درس آموزش داده می‌شود. از این طریق، مؤلفه‌های مشارکت و همکاری، مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی، رعایت و احترام به قانون آموزش داده می‌شود. هم‌چنین روابط و پیوندهای اجتماعی میان دانش‌آموزان، شبکه‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند. نتیجه منطقی شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در مدارس تبادل و گردش اطلاعات بین دانش‌آموزان است. بسیج (۱۳۸۹) در تحقیق امر به معروف و نهی از منکر و شهروندی به این نتیجه می‌رسد که حقوق شهروندی از جمله حقوقی هستند که از سوی خداوند منان برای انسان وضع گردیده‌اند و چون ابتدای بر فطرت دارند از ثبات و قرار برخوردار بوده و دست‌خوش تغییرات زمانی و مکانی و یا سلیقه و تصورات و شبهات دیگران نمی‌شوند. عربی‌فر، ۱۳۸۹ در بررسی خود پیرامون مفهوم شهروندی در نهج‌البلاغه. «مفهوم و حقوق شهروندی» را از دیدگاه امام علی علیه‌السلام در دو بُعد علمی و کاربردی بررسی می‌کند. در نهایت این دریافت حاصل می‌شود که برخلاف دو گونه شهروندی در نظام‌های دموکراتیک و اقتدارگرا که به ترتیب عمدتاً مبتنی بر حق‌محوری و تکلیف‌محوری است، در نهج‌البلاغه، امیر مؤمنان علیه‌السلام به شهروندی مبتنی بر محوریت حق و تکلیف به صورت متقابل معتقد است. نریمانی (۱۳۸۹) در بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مؤلفه‌های تربیت شهروندی براساس

آموزه‌های اسلامی با نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان در نظر دارد. که با محوریت تعالیم عالیه اسلامی، برخی از مبانی و اصول مهم تربیت شهروندی را بازشناسی و راهکارهای عملی برای تحقق مؤلفه‌های تربیت شهروندی ارائه دهد. روش این تحقیق با توجه به هدف آن، روش توصیفی - پیمایشی است. نتیجه‌گیری کلی پژوهش بیانگر آن است که نمی‌توان تربیت مذهبی و دینی را از تربیت شهروندی متمایز دانست و ترویج آموزه‌های اسلامی در تحقیق ابعاد مختلف مؤلفه‌های تربیت شهروندی مؤثر خواهد بود. در سوابق پژوهشی بین‌المللی نیز در این موضوع تحقیقات بسیاری صورت پذیرفته است از جمله روشلی اسکوزن (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «عنصر مجهول در تحقق یک شهروندی مبتنی بر موازنه آزادی و مسئولیت در مدارس امروزی» به بیان دو الگو و روش در برنامه‌ریزی شهروندی در مدارس دموکراتیک و آزاد پرداخته و با بیان این‌که (بیستا، ۲۰۰۷) اسکوزن از بیستا نقل می‌کند و می‌گوید بیستا خیلی هم الگوی شهروندی تمرینی را در مقابل الگوی برخورد مستقیم و قابل دسترس، خوش‌بینانه ندانسته است و تلاش کرده که موضوع را تفهیم نماید. محقق دیگر کارول موج (۲۰۰۴)، در تحقیقی با عنوان «خط مشی تربیتی شهروندی ملیت‌ها در چهار جامعه اقیانوسیه و آسیایی» تربیت شهروندی کشورهای نیوزیلند، استرالیا، هنگ‌کنگ و تایوان را بررسی کرده است. در این بررسی ابتدا چند سناریو و یا مدل آموزشی معرفی گردیده و سپس کشورهای یاد شده را براساس پیروی از این الگوها ارزیابی کرده‌اند، سناریو و الگوها شامل:

- ۱- الگوی سازمان یادگیری ۲- الگوی بوروکراسی، ۳- الگوی مراکز اجتماعی،
- ۴- الگوی پیروی از مدل فروشگاه‌ها، ۵- آموزش‌های شبکه‌ای (کامپیوتری و اینترنتی)،
- ۶- الگوی تجزیه شده (بی‌کفایت) ذکر گردیده‌اند. در تحقیق دیگری با عنوان «شهروندان کنونی برای آینده؟ یاددهندگان و یادگیرندگان و گزارش تحقیقات ۱۴ تا ۱۹ سالگی در انگلستان برای سهم شدن آنان در شهروندی که از نوع مولد، معتمد و مسئول باشد و این‌که این گزارشات در پرتو متون تئوریک نشان داده شده است و به کشف این موضوع می‌پردازد که چگونه یک شهروند در چارچوب مشخص شده واقع می‌شود و یاد می‌گیرد و نکات ویژه به دانش‌آموزان نشان داده می‌شود (مارلن موريسن، ۲۰۱۰: ۲). تربیت شهروندی دموکراتیک در سنین دانشی: یک مطالعه تطبیقی از کره جنوبی و استرالیا عنوان دیگری است که توسط (یانگ ران رو، ۲۰۰۴) صورت پذیرفته است. در این مقاله منظور از سنین اطلاعاتی یادانشی سنی است که می‌توان از «فناوری اطلاعات و ارتباطات» استفاده نمود

روش تحقیق

این تحقیق در سال ۱۳۹۰ صورت گرفته و روش پژوهش تلفیقی از روش توصیفی - تحلیلی و روش پیمایشی دلفی است و در قسمت اول آن از تحلیل اسنادی استفاده شده است. جامعه‌ی متنی از متون منتخب و نمونه‌ی پژوهش موارد متناسب و مرتبط با موضوع بوده است. همچنین به منظور گردآوری مطالب اعم از مبانی نظری و سوابق از فرم فیش‌برداری استفاده شده است. در روش پیمایشی جامعه‌ی اساتید شاغل در رشته‌های مرتبط با موضوع بوده و نمونه شامل ۳۰ نفر از پنج دانشگاه کشور است که به صورت نمونه در دسترس انتخاب گردیده‌اند. در این روش از ابزار پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات بهره‌برداری شده است. داده‌ها حسب ماهیت خود به شیوه‌ی کیفی تحلیل مفهومی شده‌اند.

در این راستا مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تربیت شهروندی در خلال آثار و نظرات شاعران، اندیشمندان و فلاسفه قدیم و تا نزدیک به دوران معاصر به عنوان بعد ایرانی و در قسمت دیگر مؤلفه‌های تربیت شهروندی در قرآن، نهج‌البلاغه و روایات به عنوان بعد اسلامی بررسی شده است. برای پویایی و کنونی بودن مطالب از نظرات متخصصان دوره حاضر در زمینه مؤلفه‌های تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی بهره برده شده است. این اساتید از سه گروه تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و معارف اسلامی هستند. البته بر اساس آموزه‌های اسلامی و شرایط ملی ایرانی مؤلفه‌هایی را در تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی مقوله‌بندی کرده‌ایم.

یافته‌های تحقیق

پس از شناسایی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های اصلی از متون دینی و آثار و نظرات شاعران، اندیشمندان و فلاسفه مؤلفه و زیرمؤلفه‌های احصاء شده براساس ارزیابی نظرات متخصصان امر میزان ارتباط هر زیرمؤلفه با مؤلفه اساسی آن سنجیده شد. جدول زیر نظرات متخصصان در ۱۲ مؤلفه اصلی و ارتباط مؤلفه‌های فرعی و اصلی را نشان می‌دهد.



جدول شماره ۱: فراوانی مؤلفه‌های تربیت شهروندی

مؤلفه اساسی	زیر مؤلفه	فراوانی					
		زیاد	درصد	متوسط	درصد	کم	درصد
ارزشمندی	حقیقت	۲۱	۷۰	۷	۲۳	۲	۶/۷
	عدالت	۲۲	۷۳/۳	۲	۲۳/۳	۲	۳/۳
	علم	۲۰	۶۶/۷	۹	۳۰	۱	۳/۳
	اخلاق و فضیلت	۲۶	۸۶/۷	۴	۱۳/۳	۰	۰
	هنر	۱۰	۳۳/۳	۱۱	۳۶/۷	۸	۲۶/۷
هدفمندی	ایمان به خدا و تقرب	۲۶	۸۶/۷	۴	۱۳/۳	۰	۰
	تقوا	۲۵	۸۳/۳	۵	۱۶/۷	۰	۰
	عبادت	۱۸	۶۰	۱۲	۴۰	۰	۰
	آخرت‌گرایی	۱۷	۵۶/۷	۱۰	۳۳/۳	۳	۱۰
	عمل صالح	۱۵	۵۰	۱۵	۵۰	۰	۰
روشمندی	سعادت	۲۰	۶۶/۷	۹	۳۰	۱	۳/۳
	حیات طیبه	۲۰	۶۶/۷	۸	۲۶/۷	۲	۶/۷
	قانونمندی	۲۶	۸۶/۷	۳	۱۰	۱	۳/۳
	شریعت‌مداری	۲۰	۶۶/۷	۱۰	۳۳/۳	۰	۰
	عقل‌گرایی	۲۰	۶۶/۷	۹	۳۰	۱	۳/۳
نوع‌دوستی	احسان	۲۲	۷۳/۳	۵	۱۶/۷	۳	۱۰
	انفاق	۱۵	۵۰	۱۲	۴۰	۳	۱۰
	ایثار	۱۹	۶۳/۳	۹	۳۰	۲	۶/۷
	احترام به هم‌نوع (والدین و...)	۲۲	۷۳/۳	۶	۲۰	۲	۶/۷
	امانت‌داری	۲۱	۷۰	۸	۲۶/۷	۱	۳/۳
	وفای به عهد	۱۸	۶۰	۱۰	۳۳/۳	۲	۶/۷
	مسئولیت‌پذیری	۲۲	۷۳/۳	۶	۲۰	۱	۳/۳
	قرض‌دادن	۸	۲۶/۷	۱۱	۳۶/۷	۱۰	۳۳/۳
	شهادت	۸	۲۶/۷	۸	۲۶/۷	۸	۲۶/۷
	صدقه	۹	۳۰	۱۱	۳۶/۷	۱۰	۳۳/۳
رافت (در رابطه با مخالفان)	۱۱	۳۶/۷	۱۵	۵۰	۳	۱۰	



۰	۰	۶/۷	۲	۳۳/۳	۱۰	۶۰	۱۸	عفو و گذشت	
۰	۰	۳/۳	۱	۱۶/۷	۵	۸۰	۲۴	خیر خواهی	
۰	۰	۱۳/۳	۴	۲۶/۷	۸	۶۰	۱۸	رفاقت (مدارا)	
۳/۳	۱	۱۰	۳	۴۰	۱۲	۴۶/۷	۲۴	صله رحم (خویشاوندی)	
۰	۰	۰	۰	۳/۳۳	۱۰	۶۶/۷	۲۰	محبت (در رابطه با دوستان)	
۳/۳	۱	۱۶/۷	۵	۷/۵۶	۱۷	۲۳/۳	۷	مهمان نوازی	
۰	۰	۲۳/۳	۷	۴۰	۱۲	۳۶/۷	۱۱	غریب نوازی (رعایت حقوق افراد یگانه)	
۰	۰	۱۰	۳	۴۳/۳	۱۳	۴۶/۷	۱۴	هم فکری	
۳/۳	۱	۱۶/۷	۵	۴۶/۷	۱۴	۳۳/۳	۱۰	همدردی	
۰	۰	۰	۰	۲۰	۶	۸۰	۲۴	وحدت	
۰	۰	۳/۳	۱	۳۰	۹	۶۶/۷	۲۰	جماعت	
۰	۰	۳/۳	۱	۲۳/۳	۷	۷۳/۳	۲۲	تعاون	
۰	۰	۰	۰	۲۳/۳	۷	۷۶/۷	۲۳	مشورت	
۰	۰	۰	۰	۱۳/۳	۴	۸۶/۷	۲۶	مشارکت	
۰	۰	۳/۳	۱	۲۳/۳	۷	۷۳/۳	۲۲	صلح	
۰	۰	۰	۰	۲۰	۶	۸۰	۲۴	امامت	شایسته سالاری
۰	۰	۳/۳	۱	۲۰	۶	۷۶/۷	۲۳	رهبری	
۰	۰	۱۰	۳	۳۶/۷	۱۱	۵۳/۳	۱۶	مدیریت	
۰	۰	۳/۳	۱	۲۰	۶	۷۶/۷	۲۳	تفکر، تعقل و تدبیر	جستجوگری
۰	۰	۶/۷	۲	۴۶/۷	۱۴	۴۶/۷	۱۴	مشاهده	
۰	۰	۲۰	۶	۲۶/۷	۸	۵۳/۳	۱۶	تجربه و آزمایش	
۰	۰	۳/۳	۱	۲۳/۳	۷	۷۳/۳	۲۲	تعلیم و تعلم (تربیت)	
۰	۰	۰	۰	۳۰	۹	۷۰	۲۱	حریت (آزادی)	استقلال فردی
۰	۰	۰	۰	۲۳/۳	۷	۷۶/۷	۲۳	عزت و کرامت نفس	
۰	۰	۰	۰	۳۶/۷	۱۱	۶۳/۳	۱۹	حرمت	
۰	۰	۳/۳	۱	۳۶/۷	۱۱	۶۰	۱۸	کار	کفایت
۰	۰	۳/۳	۱	۲۳/۳	۷	۷۳/۳	۲۲	غیرت	



۰	۰	۶/۷	۲	۲۰	۶	۷۳/۳	۲۲	همت	تلاش
۰	۰	۱۰	۳	۲۳/۳	۷	۶۶/۷	۲۰	شجاعت	
۰	۰	۳/۳	۱	۲۰	۶	۷۶/۷	۲۳	وظیفه‌شناسی	
۰	۰	۳/۳	۱	۲۰	۶	۷۶/۷	۲۳	اعتماد به نفس	
۰	۰	۶/۷	۲	۱۰	۳	۸۳/۳	۲۵	پاکیزگی	
۰	۱	۰	۰	۲۶/۷	۸	۷۰	۲۱	حفظ محیط زیست	
۰	۰	۶/۷	۲	۳۰	۹	۶۳/۳	۱۹	شادی، شادابی و طراوت	
۳/۳	۱	۱۳/۳	۴	۳۳/۳	۱۰	۵۰	۱۵	قوت (نیرومندی)	
۱	۰	۱۶/۷	۵	۴۶/۷	۱۴	۳۶/۷	۱۱	آبادانی (سازندگی)	
۳/۳	۱	۶/۷	۲	۲۳/۳	۷	۶۶/۷	۲۰	حفظ و پاسداری از میراث ملی	
۰	۰	۰	۰	۳۰	۹	۷۰	۲۱	وفاق ملی (عرق ملی)	
۰	۰	۳۳/۳	۱۰	۳۳/۳	۱۰	۳۳/۳	۱۰	رشادت	
۰	۰	۱۳/۳	۴	۴۳/۳	۱۳	۴۳/۳	۱۳	صلابت، استواری و پایداری	
۰	۰	۳/۳	۱	۴۰	۱۲	۵۶/۷	۱۷	شرافت	
۰	۰	۰	۰	۲۰	۶	۸۰	۲۴	زبان و خط فارسی	
۰	۰	۳/۳	۱	۴۰	۱۲	۵۶/۷	۱۷	میانه‌روی	اعتدال
۰	۰	۱۰	۳	۳۳/۳	۱۰	۵۶/۷	۱۷	بردباری	
۳/۳	۱	۶/۷	۲	۳۰	۹	۶۰	۱۸	توکل بر خدا	
۳/۳	۱	۳/۳	۱	۳۶/۷	۱۱	۵۶/۷	۱۷	دوراندیشی	
۱	۱	۰	۰	۲۶/۷	۸	۷۰	۲۱	قناعت و صرفه‌جویی	
۱۸		۱۵۹		۶۳۹		۱۳۷۹		جمع	
۰/۲۴		۲/۱۷		۸/۷۵		۸۹/۱۸		میانگین	

اطلاعات جدول فوق پس از دسته‌بندی، توسط نرم‌افزار (SPSS) جهت تعیین مقادیر درصدی به کار گرفته شد. با مشاهده فراوانی هر زیرمؤلفه به میزان ارتباط زیرمؤلفه‌ها با مؤلفه‌های دوازدهگانه پی خواهیم برد. معیار در پذیرش هر زیرمؤلفه داشتن امتیازی بیشتر از ۵۰ درصد در ستون یک و یا ۵۰ درصد در ستون ۱ و ۵۰ درصد در ستون ۲

می‌باشد. شرایط ممکن برای تأیید یا عدم تأیید ارتباط مؤلفه با زیرمؤلفه و یا مشخص کردن ارتباط قوی و ضعیف زیرمؤلفه‌ها با مؤلفه‌های اساسی به این قرار است: شرایطی که ارتباط مؤلفه را با زیرمؤلفه، قوی توصیف می‌کند و زیرمؤلفه به‌عنوان پذیرفته می‌شود: ($F1$ ستون ارتباط زیاد است) $50\% > F1$ ارتباط بسیار قوی. در صورتی که مقادیر درصدی هر دو ستون (ارتباط زیاد) و (ارتباط متوسط) هر کدام 50% باشد: $F1=50\%$ و $F2=50\%$ در غیر از شرایط فوق ستون‌های (ارتباط کم) و (بی‌ارتباط) با هر مقادیر درصدی که باشند، زیرمؤلفه پذیرفته نمی‌شود. در شرایط نوع اول اگر ارتباط بین هر زیرمؤلفه با مؤلفه معین، قوی ارزیابی شود (ستون ارتباط زیاد بالای 50% درصد باشد یا هر کدام از ستون‌های 1 و 2 50% درصد باشند)، مؤلفه مربوطه و زیرمؤلفه آن تأیید می‌شود و مؤلفه اساسی شناسایی می‌گردد. اما در شرایط نوع دوم اگر ارتباط بین هر زیرمؤلفه با مؤلفه معین، ضعیف ارزیابی شود (ستون 1 زیر 50% درصد باشد)، زیرمؤلفه مربوطه، تأیید نمی‌شود و از لیست حذف می‌شود.

تحلیل سؤال تحقیق نشان داد که براساس نظرات متخصصان مؤلفه‌های دوازده‌گانه پیشنهاد شده از طرف محقق با بیشتر زیرمؤلفه‌های نامبرده شده، ارتباط زیادی دارد و نشان می‌دهد که هر یک از این مؤلفه‌های متشکل از زیرمؤلفه‌های مشخص، می‌توانند مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی قرار گیرند. بر این اساس مؤلفه‌های زیر که متشکل از زیرمؤلفه‌های تشخیص داده شده هستند، مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی شناسایی گردیدند:

اول: مؤلفه اساسی «ارزشمندی» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «زیرمؤلفه حقیقت» به این معنا گزینش شده است که حقیقت و حقیقت‌جویی و حقیقت‌گرایی از ارزش‌های مطلوب یک ایرانی و نیز یک انسان مسلمان است. میزان ارتباط بین این زیرمؤلفه و مؤلفه ارزشمندی 70% درصد و در گروه ارتباط زیاد می‌باشد. بنابراین این زیرمؤلفه تأیید می‌گردد. ب) «زیرمؤلفه عدالت» به این معنی که عدالت همواره به‌عنوان ارزش مورد توجه فرد و جامعه ایرانی و مسلمان و مقادیر درصدی حاکی از آن است که با داشتن فراوانی برابر با 73% درصد در گروه ارتباط زیاد، این زیرمؤلفه پذیرفتنی است. ج) «مؤلفه علم» به معنی این که دانایی و دانش و دانش‌افزایی به‌عنوان ارزش مورد توجه ایرانیان مسلمان با 67% درصد فراوانی ارتباط زیاد بین این زیرمؤلفه با مؤلفه ارزشمندی بوده است و لذا مورد تأیید واقع می‌گردد. د) زیرمؤلفه «اخلاق و فضیلت»: به این معنی که اخلاق و فضیلت همواره در نزد ایرانیان مسلمان به‌عنوان ارزش مورد توجه بوده و

هست. فراوانی به میزان ۸۷ درصد در گروه ارتباط زیاد نشانگر مورد تأیید قرار گرفتن این زیرمؤلفه در مؤلفه ارزشمندی است. ه) زیرمؤلفه «هنر» با این معنا مدنظر قرار داده شده است که هنر در نزد ایرانیان مسلمان دارای جایگاه ارزشی بوده است و این که ارتباط آن مورد بررسی قرار گیرد. میزان ۳۳ درصد فراوانی در گروه ارتباط زیاد نشانگر ضعیف بودن این ارتباط بین مؤلفه ارزشمندی و هنر است و این بدان معنا نیست که هنر از نظر ایرانیان ارزشمند نیست بلکه جایگاه هنر را در این مؤلفه ضعیف ارزیابی می‌نماید.

دوم: مؤلفه اساسی «هدفمندی» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «ایمان به خدا» به این منظور در نظر گرفته شده است که عنصر ایمان و تقرب به خدا همواره برای ملت مسلمان ایران هدف بوده است. که ۸۷ درصد فراوانی میزان بالایی است و حاکی از ارتباط بالایی بین مؤلفه هدفمندی و ایمان به خدا است. بنابراین می‌تواند در این مقوله قرار گیرد. ب) زیرمؤلفه «تقوا» یعنی تقوا در اندیشه، گفتار و عمل یکی از اهداف ملت مسلمان ایران بوده است. فراوانی ۸۳ درصد در گروه ارتباط زیاد، موید پذیرفتن این زیرمؤلفه به‌عنوان یکی از موارد مؤلفه اساسی هدفمندی است. ج) زیرمؤلفه «آخرت‌گرایی» به این معنی که توجه به عاقبت انسان، مرگ و سرانجام عالم آخرت هدفی است که در آموزه‌های قرآنی و در فرهنگ ایرانی همواره مورد توجه بوده و در این جا یکی از زیرمؤلفه‌های مؤلفه اساسی هدفمندی در تربیت شهروندی در نظر گرفته شده است. فراوانی ۵۷ درصدی نشان دهنده تأیید و پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی هدفمندی است. د) زیرمؤلفه «عمل صالح» به این معنا که فرد و جامعه اسلامی نوعی تربیت شهروندی دارد که در آن عمل صالح تشکیل دهنده تربیت شهروندی اسلامی است. این زیرمؤلفه در صورتی ارتباط زیاد با مقدار ۵۰ درصدی پذیرفته می‌شود که ارتباط متوسط نیز دارای مقدار ۵۰ درصدی باشد. بنابراین فراوانی‌ها نشان دهنده تأیید این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی هدفمندی است. ه) زیرمؤلفه «سعادت» به این معناست که در تعلیم و تربیت شهروندی مورد نظر اسلامی - ایرانی عنصر سعادت یکی از هدف‌های عالیه مورد نظر است. فراوانی ۶۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد موید پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی هدفمندی می‌باشد. و) زیرمؤلفه «حیات طیبه» به معنی رسیدن به یک زندگی پاک و سالم در دنیا می‌باشد که در فهرست اهداف غایی نظام تعلیم و تربیت و به تبع آن تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی قرار گرفته است. فراوانی ۶۷ درصد نشانگر پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی هدفمندی می‌باشد.

سوم: مؤلفه اساسی «روشمندی» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «قانونمندی» به معنی

داشتن قانون، و اهمیت در قانون‌گذاری و قانون‌پذیری، احترام به قانون و اجرای قانون در جامعه اسلامی به‌عنوان یک تربیت شهروندی روشمند می‌باشد. فراوانی ۸۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد بیانگر توافق جمعی و پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی روشمندی می‌باشد. ب) زیرمؤلفه «شریعت‌مداری» به معنی این است که پایبندی به دین و شریعت در واقع محور روشمند بودن و برنامه داشتن در تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی است. و اصولاً دین، برنامه زندگانی تعریف شده است. فراوانی ۶۷ درصد ارتباط زیاد نشانگر تأیید این زیرمؤلفه و قرارگرفتن آن در مؤلفه روشمندی است. ج) زیرمؤلفه «عقل‌گرایی» به معنی گراییدن به عقل در حل و فصل مسایل تعلیم و تربیت و در اینجا در تربیت شهروندی اسلامی ایرانی، و به کارگیری روش‌های عقلی و بهره‌برداری از عقل بشری در این امر می‌باشد. فراوانی ۶۷ درصد در گروه ارتباط زیاد قرار گرفتن این زیرمؤلفه را در مؤلفه روشمندی تأیید می‌نماید.

چهار: مؤلفه اساسی «نوع‌دوستی» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «احسان» یعنی کمک و یاری به انواع مختلف زبانی، مالی و جانی، در قبال هم نوع. و به‌عنوان یک زیرمؤلفه در مؤلفه نوع‌دوستی مورد توجه واقع شده است. داشتن ارتباط بالا در حد ۷۳ درصد بیانگر مورد تأیید قرار گرفتن این زیرمؤلفه و قرار گرفتن آن در مؤلفه اساسی نوع‌دوستی در تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی می‌باشد. ب) زیرمؤلفه «انفاق» به معنی کمک و یاری رساندن به هم‌نوع و بیشتر از نوع مالی و اقتصادی است. این زیرمؤلفه با وجود داشتن فراوانی ۵۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد، چون در گروه ارتباط متوسط دارای فراوانی زیر ۵۰ درصد است از لیست زیرمؤلفه‌های مؤلفه اساسی نوع‌دوستی حذف شد. ج) زیرمؤلفه «ایثار» به معنی یاری و کمک به انسان‌های هم‌نوع و گذشتن از حق خود و اولویت دادن به حقوق دیگران است. جایگاه این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی نوع‌دوستی در تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی مهم است. ارتباط زیاد در حد ۶۳ درصد زیر مؤلفه ایثار را در مؤلفه اساسی نوع‌دوستی تثبیت می‌کند. د) زیرمؤلفه «احترام» به معنای احترام گذاشتن به حقوق هم‌نوع اعم از والدین، نزدیکان، همسایگان، فرزندان، حتی بیگانگان. زیرمؤلفه احترام نیز با فراوانی ۷۳ درصدی به‌عنوان مؤلفه‌ای از مؤلفه اساسی نوع‌دوستی شناسایی و پذیرفته می‌شود. ه) زیرمؤلفه «امانتداری» منظور ادای امانت است یعنی انسان وقتی از هم‌نوع خود چیزی را به امانت گرفت در حفظ و نگهداری آن تا زمان پس‌دادنش کوشا باشد و آن را سالم و به موقع تحویل صاحبش دهد. فراوانی ۷۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد، نشانگر تأیید

زیرمؤلفه امانتداری در مؤلفه نوع دوستی می‌باشد. و) زیرمؤلفه «وفای به عهد» به معنی این است که هر انسان اگر با هم نوع خود عهد و پیمان و یا قراردادی بست لازم است که به آن وفادار بماند. فراوانی ۶۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد می‌توانیم قبول زیرمؤلفه وفای به عهد را در مؤلفه اساسی نوع دوستی تصدیق نماییم. ز) زیرمؤلفه «مسئولیت پذیری» به معنای قبول مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در قبال هم‌نوعان خود می‌باشد. فراوانی ۷۳ درصدی در گروه ارتباط زیاد خود مؤید قبول این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی نوع دوستی می‌باشد. ح) زیرمؤلفه «قرض الحسنه» به معنی دادن شیء یا مبلغی پول به هم نوع تا او پس از مرتفع شدن نیازهایش، آن را برگرداند. این زیرمؤلفه با فراوانی ۲۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد مورد پذیرش واقع نگردید و از لیست زیرمؤلفه‌های اساسی نوع دوستی حذف گردید. ت) زیرمؤلفه «شهادت» به این معنی است که فرد به خاطر دفاع از خود و هم نوع خود و اهداف مقدس دیگر حاضر است حتی در این راه به شهادت برسد. فراوانی ۲۶ درصد در گروه ارتباط زیاد و ۲۷ درصد در گروه ارتباط متوسط از لیست مؤلفه اساسی نوع دوستی حذف گردید. ی) زیرمؤلفه «صدقه» به معنی دادن بخشی از درآمد و دارایی خود به نیازمندان جامعه. فراوانی ۳۰ درصد در گروه ارتباط زیاد و فراوانی ۳۷ درصد در گروه ارتباط متوسط به‌عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های، مؤلفه اساسی نوع دوستی مورد پذیرش واقع نشد. ک) زیرمؤلفه «رافت» به معنی داشتن روحیه گذشت و بخشش و در اینجا در ارتباط با مخالفان مد نظر واقع شده است. داشتن میزان فراوانی ۳۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد مانع پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی نوع دوستی شده است. ل) زیرمؤلفه «عفو و گذشت» یعنی فرد و یا انسان مسلمان نسبت به هم نوع خود در جامعه اسلامی، زمانی که با رفتار ناشایسته‌ای مواجه می‌شود، لازم است عفو و گذشت داشته باشد. فراوانی ۶۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد باعث پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی نوع دوستی شده است. م) زیرمؤلفه «خیرخواهی» یعنی خواستن و اراده کردن خیر و خوبی برای هم نوع در کارها و رفتارهای هر شخص. فراوانی ۸۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد نشان دهنده ارتباط بالای این زیرمؤلفه و پذیرش آن در مؤلفه اساسی نوع دوستی است. ن) زیرمؤلفه «رفاقت» به معنی دوستی و رفیق و مدارا با هم نوع می‌باشد. فراوانی ۶۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد پذیرش این زیرمؤلفه را در مؤلفه نوع دوستی تأیید می‌نماید. ص) زیرمؤلفه «صله رحم» یعنی داشتن ارتباط (دید و بازدید) با اقوام و خویشان. فراوانی ۴۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد عدم پذیرش این

زیرمؤلفه را در مؤلفه اساسی نوع دوستی نشان می‌دهد. ع) زیرمؤلفه «محبت» به معنی دوست و صمیمی بودن و به هم نوع خود محبت ورزیدن. زیرمؤلفه محبت با فراوانی ۶۷ درصد در گروه ارتباط زیاد مورد پذیرش واقع شد و در مؤلفه اساسی نوع دوستی جای داده شد. ف) زیرمؤلفه «مهمان‌نازی» یعنی زمانی که فردی میزبان واقع می‌شود و هم نوع او به‌عنوان مهمان به منزل او وارد می‌شود، با پذیرایی و رفتار خوب او را خوشحال نماید. با فراوانی ۲۳ درصد در گروه ارتباط زیاد این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی نوع دوستی تأیید نمی‌گردد. ظ) زیرمؤلفه «غریب‌نازی» منظور در اینجا پذیرایی و پذیرفتن و یا نوازش افراد بیگانه‌ای است که غیر هم وطن می‌باشند. فراوانی ۳۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد پذیرفته نشد و به‌عنوان زیرمؤلفه‌ای از مؤلفه اساسی نوع دوستی شناخته نشد. ق) زیرمؤلفه «هم‌فکری» یعنی فرد با هم نوع خود افکارش را در میان‌گذارد و به اصطلاح هم فکری داشته باشد. فراوانی ۴۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد عدم پذیرش این زیرمؤلفه را در مؤلفه اساسی نوع دوستی به اثبات می‌رساند. ر) زیرمؤلفه «همدردی» به این معناست که افراد به هنگام درد و غم یک دیگر را درک نموده و همدردی نمایند. فراوانی ۳۳ درصد ارتباط زیاد، در مؤلفه اساسی نوع دوستی پذیرفته نشد.

پنج: مؤلفه اساسی «مردم‌سالاری دینی» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «وحدت» به معنای این‌که افراد یک کشور با پیوستن به یکدیگر و تشکیل اجتماعات و امت واحده می‌توانند قدرتی را به‌وجود آورند، که در تصمیم‌گیری سرنوشت کشور نقش مهمی ایفا خواهد کرد. فراوانی ۸۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد موجب پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی می‌گردد. ب) زیرمؤلفه «جماعت» یعنی به هم پیوستن افراد و تشکیل جماعات مختلف فرهنگی، سیاسی، مذهبی و... فراوانی ۶۷ درصدی به منزله پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی است. ج) زیرمؤلفه «تعاون» به معنی کمک و یاری دسته جمعی در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی می‌باشد. فراوانی ۷۳ درصد موجب پذیرش این زیرمؤلفه شده است. د) زیرمؤلفه «مشورت» به معنی شور و کنار هم گذاشتن آراء و اندیشه‌ها برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بهتر در جامعه اسلامی فراوانی ۷۷ درصد مؤید پذیرش این زیرمؤلفه است که به‌عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی شناخته شد.

ه) زیرمؤلفه «مشارکت» یعنی شرکت در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جامعه. فراوانی ۸۷ درصد ارتباط زیاد را بین زیرمؤلفه مشارکت و مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی نشان می‌دهد. و) زیرمؤلفه «صلح» به این معنی به کار گرفته شده

است که وجود صلح و سازش بین مردم باعث افزایش و دوام مردم‌سالاری دینی خواهد شد فراوانی ۷۳ درصدی در گروه ارتباط زیاد نشان دهنده این است که این زیرمؤلفه دارای ارتباط زیادی با مؤلفه مردم‌سالاری دینی است و تأیید می‌گردد.

شش: مؤلفه اساسی «شایسته‌سالاری» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «امامت» یعنی پیشوایی در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و... فراوانی ۸۰ درصد در گروه ارتباط زیاد مؤید پذیرش این زیرمؤلفه در ارتباط با مؤلفه اساسی شایسته‌سالاری است. ب) زیرمؤلفه «رهبری» به معنی لازم بودن امر هدایت، نظارت و کنترل حرکت و پیشرفت جامعه در سطح کلان و در امور مختلف و در اینجا در امر تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی. فراوانی ۷۷ درصد تأیید کننده ارتباط زیاد بین زیرمؤلفه رهبری با مؤلفه اساسی شایسته‌سالاری است. ج) زیرمؤلفه «مدیریت» به معنی لزوم وجود افرادی شایسته به‌عنوان مدیر برای هدایت، نظارت و کنترل امور مختلف جامعه و در اینجا، تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی می‌باشد. فراوانی ۵۳ درصدی مؤید ارتباط زیاد بین زیرمؤلفه و مؤلفه اساسی شایسته‌سالاری است.

هفت: مؤلفه اساسی «جستجوگری» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «تفکر، تعقل و تدبیر» به معنی استفاده از قدرت فکری انسان در جهت پیشرفت برنامه‌های مختلف کشور و از جمله برنامه تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی می‌باشد. فراوانی ۷۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد نشان دهنده تأیید این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی جستجوگری می‌باشد. ب) زیرمؤلفه «مشاهده» یعنی استفاده از حواس در جهت رشد فرد و جامعه اسلامی است و منظور ارتباط شناخت حسی با تربیت شهروندی می‌باشد. فراوانی ۶۶ درصدی در گروه ارتباط زیاد متوجه می‌شویم که این زیرمؤلفه مورد تأیید واقع نشده است. ج) زیرمؤلفه «تجربه و آزمایش» یعنی به‌کارگیری تجربه و آزمایش در جهت کشف و جستجوی دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز برای تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی. فراوانی ۵۳ درصدی در گروه ارتباط زیاد به معنی پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی جستجوگری می‌باشد. د) زیرمؤلفه «تعلیم و تربیت» با این معنی به کار گرفته شده است که از همه توانایی‌ها از جمله تفکر و تعقل، تجربه و آزمایش باید در امر تعلیم و تربیت استفاده شود، به عبارت دیگر افراد جامعه باید آموزش و تعلیم ببینند و در جهت اهداف برنامه شهروندی اسلامی - ایرانی تربیت شوند ارتباط این زیرمؤلفه با مؤلفه اساسی جستجوگری با فراوانی ۷۳ درصدی نشان دهنده پذیرش آن می‌باشد.

هشت: مؤلفه اساسی «استقلال فردی». شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «آزادی» یعنی فرد

بتواند بدون هیچ مانعی بیندیشد، انتخاب کند، تصمیم بگیرد و مجبور نباشد و یا به زور وادار به اندیشه و عملی نشود. فراوانی ۷۰ درصدی نشان دهنده ارتباط زیاد بین این زیرمؤلفه و مؤلفه اساسی استقلال فردی است و مورد تأیید واقع شده است. ب) زیرمؤلفه «عزت نفس» به معنی این که هم خود فرد وهم افراد جامعه قدر و منزلت او را بشناسند و در پیش خود و دیگران احساس خواری و حقارت ننمایند. به طوری که احساس خود ارزشمندی داشته باشد. فراوانی ۷۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد بیانگر پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی استقلال فردی می‌باشد. ج) زیرمؤلفه «حرمت» به این معنی است که هر فرد در جامعه دارای حقوقی است که حریمی را برای او ایجاد می‌نماید. انتظار می‌رود که حریم شخصی افراد در نظر گرفته شود. فراوانی ۶۳ درصدی در گروه ارتباط زیاد این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی استقلال فردی پذیرفته شده است.

نه: مؤلفه اساسی «کفایت» شامل: الف) زیرمؤلفه «کار» به این معنی است که فرد دارای شغل و حرفه‌ای باشد تا از طریق آن امرار معاش نماید و بالعکس تنبل و بیکار نباشد. داشتن فراوانی ۶۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد موجب پذیرش زیرمؤلفه کار در مؤلفه اساسی کفایت شده است. ب) زیرمؤلفه «غیرت» به معنی داشتن علاقه و توانایی در حفظ آبرو و ناموس خویش می‌باشد. فراوانی ۷۳ درصدی در گروه ارتباط زیاد نشان می‌دهد که ارتباط بالایی بین زیرمؤلفه غیرت و مؤلفه اساسی استقلال فردی وجود دارد. ج) زیرمؤلفه «همت» به معنی به کارگیری تمام قوا و توانایی‌های جسمی و فکری در جهت برآورده کردن نیازها و در جهت رسیدن به اهداف و ارزش‌ها در برنامه تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی. فراوانی ۷۳ درصد میزان ارتباط بین زیرمؤلفه همت و زیرمؤلفه اساسی استقلال فردی را نشان می‌دهد که مورد تأیید قرار گرفته است. د) زیرمؤلفه «شجاعت» به معنای داشتن جسارت در بیان اندیشه‌ها یا در انجام دادن مهارت‌ها به عبارت دیگر توانایی شخص در به‌کارگیری تمام قوه‌ها و پتانسیل‌های موجود به راحتی و بدون هیچ‌گونه مانعی. فراوانی ۶۷ درصدی نشانگر رابطه بین این زیرمؤلفه با مؤلفه اساسی می‌باشد که مورد تأیید قرار گرفته است. ذ) زیرمؤلفه «وظیفه‌شناسی» به معنی شناخت وظایف شخصی و انجام دادن به موقع آنها است. فراوانی ۷۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد حاکی از پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی استقلال فردی است. ر) زیرمؤلفه «اعتماد به نفس» به این معنی است که فرد به جایگاه و موقعیتی رسیده باشد که از توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها

مطلع باشد و به این توانایی‌ها اطمینان و اعتماد یافته باشد. فراوانی ۷۷ درصدی نشانگر ارتباط بالا بین زیرمؤلفه اعتماد به نفس و مؤلفه اساسی استقلال فردی است.

ده: مؤلفه اساسی «سلامت» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) «پاکیزگی» یعنی هم فرد و هم افراد دیگر جامعه و هم محیط زندگی از آلودگی‌های مادی و معنوی پاک باشند. فراوانی ۸۳ درصدی نشان دهنده ارتباط زیاد بین این زیرمؤلفه و مؤلفه اساسی سلامت می‌باشد. که مورد تأیید قرار گرفته است. ب) زیرمؤلفه «حفظ محیط زیست» به این معنی که محیط زندگی را که دارای امکانات مختلف طبیعی، فرهنگی، اقتصادی است، حفظ و نگهداری نماییم. فراوانی ۷۰ درصد ارتباط بین زیرمؤلفه حفظ محیط زیست و مؤلفه اساسی سلامت را نشان می‌دهد که مورد پذیرش واقع شده است. ج) زیرمؤلفه «شادی و طراوت» یعنی فرد و جامعه بهتر است همواره شاد و با طراوت باشند و از غمگینی و افسردگی که کسالت‌آور است پرهیز کنند. فراوانی ۶۳ درصدی در گروه ارتباط زیاد بیانگر پذیرش زیرمؤلفه شادی و طراوت در مؤلفه اساسی سلامت است. د) زیرمؤلفه «قوت» به معنی داشتن قدرت جسمی و روحی است و به عبارت دیگر در کلمه ورزش تبلور پیدا می‌کند. فراوانی ۵۰ درصدی چون در گروه ارتباط متوسط زیر ۵۰ درصد دارای فراوانی است مورد پذیرش واقع نشده است. ه) زیرمؤلفه «آبادانی» یعنی اهتمام بر داشتن شهرها و کشوری آباد و به عبارت دیگر آباد کردن و سازندگی محیط زندگی مدنظر است. فراوانی ۳۶ درصدی در گروه ارتباط زیاد مورد پذیرش واقع نشده است.

یازده: مؤلفه «وطن دوستی» شامل زیرمؤلفه‌های: الف) زیرمؤلفه «حفظ میراث ملی» یعنی کوشش در نگهداری و حفظ منابع و امکانات فرهنگی، طبیعی و اقتصادی که جهت آحاد ملت ساخته و احیاء و حفظ شده است. فراوانی ۶۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد موید پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی وطن دوستی می‌باشد. ب) زیرمؤلفه «وفاق ملی» یعنی داشتن توافق جمعی با سیستم جمعیتی ملت واحده در اموری که توسط نمایندگان و خبرگان کشور تصویب شده است. فراوانی ۷۰ درصدی نشان می‌دهد که ارتباط بالایی بین این زیرمؤلفه و مؤلفه اساسی وطن دوستی وجود دارد و تأیید شده است. ج) زیرمؤلفه «رشادت» به این معنی که فرد به درجه‌ای از رشد و کمال رسیده باشد که ارزش وطن خویش را بتواند درک کند و در راه حفظ آن با جان و دل اهتمام ورزد. این زیرمؤلفه با داشتن فراوانی ۳۴ درصد در گروه ارتباط زیاد مورد پذیرش واقع نشده است. د) زیرمؤلفه «صلابت» به معنی داشتن سرسختی و مقاومت در پاسداری و نگهداری از کشور در مقابل هر عنصر مخالف. فراوانی ۴۴ درصدی در گروه ارتباط زیاد مانع از

پذیرش این زیر مؤلفه در مؤلفه اساسی وطن‌دوستی شده است. ه) زیرمؤلفه «شرافت» یعنی احساس شرف و آبرومندی کردن نسبت به داشتن وطن خویش. فراوانی ۵۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد موجب پذیرش این زیرمؤلفه در شمار مؤلفه اساسی وطن‌دوستی شده است. و) زیرمؤلفه «زبان فارسی» به معنی داشتن زبان ملی واحد در سراسر کشور که منظور از آن زبان فارسی است فراوانی ۸۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد بیانگر ارتباط بالا بین زیرمؤلفه زبان فارسی و مؤلفه اساسی وطن‌دوستی است.

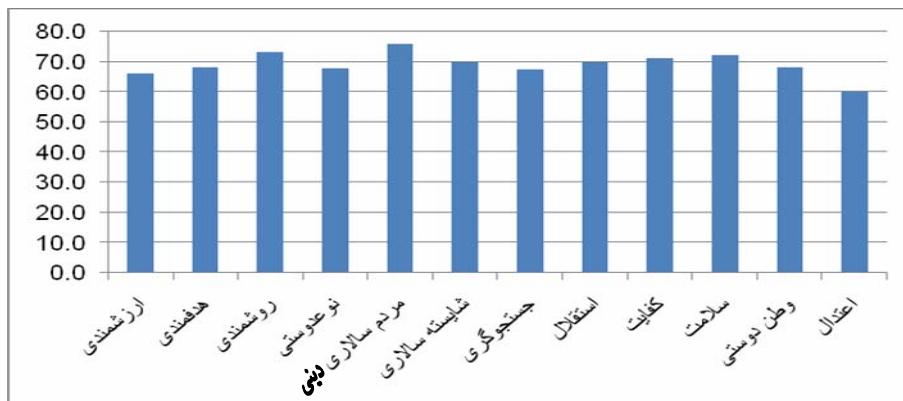
دوازده: مؤلفه اساسی «اعتدال» شامل زیر مؤلفه‌های: الف) «میان‌روی» یعنی گزینش میان‌روی در اعمال و رفتار، در اینجا به معنی تربیت شهروندی که گرایش به میان‌روی دارد و از افراط و تفریط برحذر داشته می‌شود. فراوانی ۵۷ درصد در گروه ارتباط زیاد این زیرمؤلفه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی اعتدال پذیرفته شده است. ب) زیرمؤلفه «بردباری» به معنی داشتن صبر و تحمل بالا، تا رسیدن به اهداف و مقاصد می‌باشد. فراوانی ۵۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد پذیرش این مؤلفه را در مؤلفه اساسی اعتدال مورد تأیید قرار می‌دهد. ج) زیرمؤلفه «توکل به خدا» به این معنی است که در جامعه اسلامی افراد با رعایت مقررات خواسته شده، در دست یافتن به نتیجه و یا رسیدن به مقصد بدون هر پیش داوری امور را به خدا می‌سپارند و او را به‌عنوان وکیل و قاضی نهایی کارهای خود در نظر می‌گیرند. فراوانی ۶۰ درصدی در گروه ارتباط زیاد موجب پذیرش این زیرمؤلفه در مؤلفه اساسی اعتدال شده است. د) زیرمؤلفه «دوراندیشی» یعنی غایت و سرانجام امور را اندیشه کردن و به عبارت دیگر دورنما و یا چشم‌انداز یک برنامه تربیتی را در نظر گرفتن است. همین کل دیدن یک برنامه باعث نگاه معتدل به عناصر آن می‌شود. فراوانی ۵۷ درصدی در گروه ارتباط زیاد نشان می‌دهد که این زیرمؤلفه نیز در مؤلفه اساسی اعتدال مورد پذیرش واقع شده است. ه) زیرمؤلفه «قناعت و صرفه‌جویی» به معنی استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌ها و جلوگیری از مصارف بیهوده و به عبارت دیگر یعنی بهره‌گیری از امکانات موجود در جهت رفع نیازها است. فراوانی ۷۰ درصد گویای ارتباط زیاد بین این زیرمؤلفه و مؤلفه اساسی اعتدال می‌باشد که مورد تأیید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری و بحث

به‌طورکلی در این پژوهش دوازده مؤلفه اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی شامل ۵۷ زیرمؤلفه بر مبنای داده‌های به دست آمده از جدول به شرح زیر شناسایی گردیدند:

مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی شامل این موارد است: «ارزشمندی»، «هدفمندی»، «روشمندی»، «نوع‌دوستی»، «مردم‌سالاری دینی»، «شایسته‌سالاری»، «جستجوگری»، «استقلال فردی»، «کفایت»، «سلامت»، «وطن‌دوستی» و «اعتدال». مؤلفه اساسی «ارزشمندی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۶۶ درصد، مؤلفه اساسی «هدفمندی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۶۸/۳ درصد، مؤلفه اساسی «روشمندی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۷۳/۳ درصد، مؤلفه اساسی «نوع‌دوستی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۶۸ درصد، مؤلفه اساسی «مردم‌سالاری دینی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۷۶، مؤلفه اساسی «شایسته‌سالاری» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۷۰ درصد، مؤلفه اساسی «جستجوگری» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۶۷/۶ درصد، مؤلفه اساسی «استقلال فردی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۷۰ درصد، مؤلفه اساسی «کفایت» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۷۱/۱ درصد، مؤلفه اساسی «سلامت» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۷۲/۲ درصد، مؤلفه اساسی «وطن‌دوستی» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۶۸/۲۶ درصد، مؤلفه اساسی «اعتدال» با میانگین فراوانی مؤلفه‌ها ۶۰ درصد می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی دارای بیشترین میانگین بوده است و بعد از آن به ترتیب؛ مؤلفه‌های اساسی روشمندی و سلامت قرار گرفته‌اند.

نمودار ۱: فراوانی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی (مقادیر به درصد می‌باشد)



در یک جمع‌بندی کلی و با در نظر گرفتن تحقیقات مشابه اعم از کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه تربیت شهروندی ارائه شده است می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً بعضی از این تحقیقات تربیت شهروندی را به‌طور کلی و بعضی دیگر به‌صورت غیرجامع معرفی و تبیین نموده‌اند و ثانیاً تعداد کمی از این تحقیقات بر ویژگی‌های ایرانی و

اسلامی آن تکیه داشته‌اند، که از میان آثار موجود مربوط‌ترین آنها اثر فرمهبینی فراهانی، (۱۳۸۹) و برخورداری (۱۳۸۷) و از مرتبط‌ترین تحقیقات اثر نریمانی (۱۳۸۹) را می‌توان نام برد. ثالثاً تکیه تحقیق حاضر بر مؤلفه‌های اساسی در تربیت شهروندی اسلامی ایرانی بوده است که این نکته در کتب و تحقیقات مشابه مغفول مانده است. خارج از این مباحث، این تحقیق علاوه بر جامعیت و شمول در مسائل مربوط به تربیت شهروندی اسلامی ایرانی نگاهی دقیق و جزئی نگر هم دارد. کلیت و شمول آن در طبقه‌بندی مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی به صورت مؤلفه‌های دوازده‌گانه محرز شده که دیدگاهی کلی و فلسفی را به نمایش گذارده است و از سوی دیگر تجزیه این مؤلفه‌ها به زیرمؤلفه‌های آن است که دقیق و عالمانه مسائل و حواشی موضوع را بسط داده و سعی کرده است که جوانب مختلف امر در نظر گرفته شود. چنانچه از نتایج مشاهده می‌گردد دوازده مؤلفه اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی، پنجاه وهفت زیرمؤلفه جزئی تر - که هر کدام به نوعی نماینده ظهور آموزه‌های اسلامی و ویژگی‌های اصیل ایرانی هستند - را نشان داده است. مهم‌ترین و کاربردی‌ترین ثمره این تحقیق همگام بودن آن با موضوعات مطرح روز اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و از جمله استفاده از یافته‌های آن در دهه پیشرفت و عدالت، ارائه دانش و ادبیات نظری در تربیت شهروندی، نگرش بومی اسلامی ایرانی، گامی در جهت احیای تمدن اسلامی ایرانی، پله‌ای برای صعود به سطح تربیت شهروندی بین‌المللی و کاربرد مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های آن در متون و کتب سطوح مختلف نظام تعلیم و تربیت کشور به‌عنوان رهگشای چشم‌انداز آینده و دستمایه‌ای ارزشمند برای کمک به محققان و دانشجویان می‌باشد. همچنان که داده‌های کمی پژوهش حاضر حاکی از اهمیت دانستن‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها در مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی، از جمله مؤلفه مردم‌سالاری دینی با نرخ ۷۶ درصد و روشمندی با نرخ ۷۳/۳ درصد و سلامت با نرخ ۷۲/۲ درصد از دستاوردهای این تحقیق در تبیین ویژگی‌های اسلامی و ایرانی شهروندی است.

در این راستا بر پیشنهادها پژوهشی و اجرایی زیر تأکید می‌شود: تدوین الگوی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی و استفاده از مؤلفه‌های آن در متون کتب درسی دوره‌های مختلف تحصیلی به صورتی که به اهداف کلی و اهداف جزئی تقسیم شوند، اختصاص رشته دانشگاهی و دروس مجزا به آن، پژوهش‌هایی در شناسایی مؤلفه‌های شهروندی در آثار شاعران، اندیشمندان و فلاسفه ایرانی و اسلامی، برگزاری دوره‌های آموزش شهروندی برای معلمان، دانش‌آموزان و اولیاء.

منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۵)؛ «اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های اینگونه آموزش‌ها در کشور ژاپن»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۳۸۵، ش ۱۷.
- (۱۳۸۹)؛ *آموزش و پرورش تطبیقی*، سمت، ج ۱۰.
- احمدی، فخری (۱۳۸۳)؛ *شهروندی و مشارکت مدنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- افتخارزاده، محمود (۱۳۷۷)؛ *مذهب، ملیت ایران*، رسالت قلم، چاپ اول.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸)؛ *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، مدرسه، ج ۱، ج ۲۰.
- (۱۳۸۸)؛ *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، مدرسه، ج ۲، ج ۳.
- (۱۳۸۹)؛ *الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران*، مدرسه تهران، ج ۱.
- برخورداری، مهین (۱۳۸۷)؛ *تربیت شهروندی*، جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- بسبیح، احمدرضا (۱۳۸۹)؛ «امر به معروف و نهی از منکر و شهروندی»، *ماهنامه معرفت*، ۱۳۸۹، ش ۱۵۱.
- پل، استراترن (۱۳۸۹)؛ *آشنایی با جان دیویی*، ترجمه کاظم فیروزمند، مرکز، چاپ اول.
- تقوی، مصطفی (۱۳۸۸)؛ *تأملی بر الگوی اسلامی - ایرانی توسعه علم و فناوری از دیدگاه صاحب‌نظران*، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران: چاپ اول.
- خوجملی، محمد (۱۳۸۸)؛ *چگونگی تربیت شهروندی در مدارس متوسطه از طریق برنامه‌های درسی پنهان (مطالعه موردی دانش‌آموزان متوسطه پسرانه شهر قدس)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ، پژوهشکده علوم اجتماعی.
- رمضانیان سیاهکلودی، باقر (۱۳۸۳)؛ *مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در شاهنامه فردوسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰)؛ *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، یسطرون، چاپ اول.
- عربی‌فر، مهدیه (۱۳۸۹)؛ «بررسی مفهوم شهروندی در نهج‌البلاغه»، *ماهنامه معرفت*، ۱۳۸۹، ش ۷۸.
- فاتحی، فؤاد (۱۳۸۹)؛ *رویکردهای آشناسازی دانش‌آموزان در دوره راهنمایی با حقوق شهروندی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- فتحی‌واجار گاه، کورش (۱۳۸۸)؛ *آموزش شهروندی در مدارس*، آبیژ، چاپ اول.
- فرمehینی، فراهانی (۱۳۸۹)؛ *تربیت شهروندی*، آبیژ، چاپ اول.
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۵)؛ *از علم سکولار تا علم دینی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۳.
- نریمانی، محمد (۱۳۸۹)؛ *بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مؤلفه‌های تربیت شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی با نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۸)؛ *درآمدی به فلسفه، طهوری*، ج ۱۱.
- (۱۳۸۷)؛ *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، طهوری، ج ۲۲.
- Kiwan, Dina (2008); *education for inclusive citizenship*, www.citizenshipfoundation.org.uk).
- Morrison, Marlen (2010); *citizens now and for the future, jornal of educational administration history*, www.informaworld.com/smpp/titel.
- Mutch, Carol (2004); *educational policy and notions of citizenship in four asia- pacific societies*, asia pacific education, copyright by education research institute.
- Ran roh, Young (2004); *democratic citizenship education in the information age*, asia pacific education, copyright by education research institute.
- Skogen, Rochelle (2010); *the misshng element to achiving a citizenship - as- balanchng freedom and responsibility in school today*, university of Alberta, campus saint-jean, 8406-91street Edmonton, AB, CANADA, EMAIL: Rochelle.skogen@ulberta.ca.

کارکردهای هویتی پیشداوری و تصورات قالبی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران

* علی اشرف نظری

** محسن نظری مجد

E-mail: aashraf@ut.ac.ir

E-mail: nazarimohsen2012@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۹

چکیده

میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آنها با یکدیگر است. این که ما دیگران را چگونه فهم و ارزیابی می‌کنیم، نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط با دوری‌گزیدن از دیگران و یا نفی و حتی حذف آنها دارد.

تحلیل فرایندهایی که از طریق آن بتوان تصورات اجتماعی و قضاوت‌های افراد و گروه‌ها را درباره یکدیگر ارزیابی کرد، یکی از شیوه‌های مؤثر برای فهم احساسات و تصورات افراد جامعه از یکدیگر و در رابطه با گروه‌های هویتی است. در نتیجه، به واسطه گستردگی پیامدهای این تصورات، ضرورت تحلیل و ارزیابی آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که تصورات قالبی و پیشداوری در بین گروه‌های اجتماعی چه کارکردهای هویتی دارند؟ در این مقاله، ابتدا مفاهیم تصورات قالبی و پیشداوری و ارتباط میان آنها تبیین می‌شود و در ادامه کارکردهای هویتی آنها مورد بحث قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: تصور قالبی، پیشداوری، هویت، تمایز، ایران، انسجام ملی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

** دانش آموخته کارشناسی ارشد تربیت بدنی، گرایش رفتار حرکتی، دانشگاه ارومیه

مقدمه

تبیین مسأله تفاوت‌های انسانی و تحلیل ابعاد و پیامدهای آن، جایگاهی مهم در حوزه مباحث روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی دارد. تنوع و تفاوت انسانی امری رایج و اصلی نسبتاً بدیهی در اکثر جوامع کنونی است که بر پایه آن گروه‌های هویتی مختلف در چارچوب‌های مختلف جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تشخیص و تمایز می‌یابند. در یکی از پژوهش‌های اخیر درباره این مسأله آمده است: «نظام روان‌شناختی ما شکل گرفته است تا تمایزات را در عرصه‌ای که در آن به طور دائم حضور داریم، ایجاد نماید. تمایزات انسانی از طریق معنایابی (نظام معنایی آگاهی‌های ما را برای ایجاد برای ایجاد برخی تمایزات شکل می‌دهد) و در پیوستگی با این وجوه ممیز (تمایز شخصی به صورت معناداری تفسیر می‌شود) شکل می‌گیرد» (جاهدا، ۲۰۰۱: ۱۸۱).

مسأله اصلی در این پژوهش، محور قرار دادن بحث تصورات قالبی و پیامدهای هویتی آن، و نوع نگرش‌ها و تصوراتی است که هر یک از ما به صورت قالبی و کلیشه‌ای در ارتباط با محیط پیرامون‌مان به دست می‌آوریم و به دیگران منتقل می‌کنیم. اما آنچه این مسأله طبیعی را پیچیده می‌کند، این است که غالب افراد جامعه تصورات و پنداشت‌های خود را نه از راه درک و تجربه مستقیم عینی و ذهنی، بلکه بر پایه باورها و نگرش‌هایی که در پیرامون آنها وجود دارد یا به اصطلاح آن چه «همه می‌گویند»، اخذ می‌کنند.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که تصورات قالبی و پیشداوری در بین گروه‌های اجتماعی چه کارکردهای هویتی دارند؟ پرسش‌های دیگر مقاله چنین هستند: احساس پایبندی به فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران چه تأثیری بر تصورات قالبی دارد؟ عضویت در گروه‌های مختلف هویتی و زمینه قومی (فارس، ترک، لر یا کرد بودن)، چه نقشی در شکل‌گیری تصورات قالبی دارد؟ توجه بیشتر به کدام یک از وجوه هویت (طایفه‌ای، قومی، شهری، ملی، جهانی) در طرح تصورات قالبی دخیل است؟ فرضیه پژوهش نیز چنین است: «به نظر می‌رسد شناخت و ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر که بخشی از آن در چارچوب تصورات قالبی و پیشداوری انعکاس می‌یابد، مبنای اصلی تعامل هویتی آنها با یکدیگر است. این که ما دیگران را چگونه می‌فهمیم و ارزیابی می‌کنیم، نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط با آنها، دوری‌گزیدن از آنها و یا نفی و حتی حذف آنها دارد». در این مقاله، ابتدا مفاهیم تصورات قالبی و پیشداوری و ارتباط میان آنها تبیین می‌شود و در ادامه کارکردهای هویتی آنها و نتایج پیمایش انجام شده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ضرورت پژوهش

تصورات قالبی و پیشداوری به‌طور جدی در همه جوامع وجود دارد و نقش و تأثیر آن گسترده، مخاطره‌آمیز و در برخی موارد سرنوشت‌ساز است. در غالب کشورهای جهان تلاش می‌شود از طریق پیمایش‌های سالیانه نوع رویکرد اقوام و گروه‌های هویتی به یکدیگر و میزان کلیشه‌سازی، پیشداوری و تبعیض مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در بریتانیا پژوهش‌هایی سالیانه در این زمینه انجام می‌گیرد و در قالب یک اثر علمی در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد (ر.ک: آبرامز و هوستون، ۲۰۰۶). امروزه به واسطه طبقه‌بندی‌ها و شئون مختلفی که در هر جامعه وجود دارد، شاهد شکل‌گیری تقسیم‌بندی‌ها و خطوط تمایزات هویتی پیرامون مفاهیم و ساختارهایی نظیر طبقه اجتماعی، زبان، قومیت، دین، ملیت، ... هستیم. جامعه ما، جامعه‌ای پر تنوع و پیچیده و در عین حال همبسته است که درک تفاوت‌ها، احترام به حقوق و جایگاه اقوام و گروه‌های هویتی، و در چارچوبی کلی‌تر، تلاش برای حفظ وحدت و همبستگی ملی به‌عنوان هدف نهایی از ضرورت‌های انکارناپذیر آن است.

بررسی ادبیات موجود

از دهه ۱۹۵۰ علاقه گسترده‌ای برای بحث پیرامون تصورات قالبی شکل گرفت. در این دوره از مطالعات که حدود چهل سال به طول انجامید، محتوای تصورات قالبی (باورهای متمایزی که افراد برای توصیف گروه‌های اجتماعی دارند) و میزان عام بودن آنها بیشتر (میزان توافق افراد برای پذیرش صفتی خاص برای گروه‌های اجتماعی) مورد ارزیابی قرار گرفت (مادن و دیگران، ۲۰۰۱: ۹۹۶) مطالعات کلاسیک «گوردن و یلارد آلپورت» (بنگرید به: آلپورت، ۱۹۵۴) زمینه‌ساز شکل‌گیری مجموعه‌ای از پژوهش‌ها در این دوره شد. تمرکز اولیه آلپورت بر موضوع تصورات قالبی به‌عنوان چشم‌اندازی جدید متمرکز بر فهم تصوراتی بود که در میان افراد جامعه رواج یافته بود. او به واسطه اثری که در حوزه روان‌شناسی تصورات قالبی و پیشداوری، فهم ابعاد پیشینی شناختی و پیشداوری و فرمول‌بندی این بحث در چارچوب فرضیه تعامل (ارتباط) داشت، اشتهار یافت. کتابی با عنوان «پیوند تفاوت‌ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی» به زبان فارسی ترجمه و توسط انتشارات تمدن ایرانی منتشر شده است که دربردارنده برخی مباحث درباره تفاوت‌های هویتی و فرهنگی و چگونگی فهم آنها در میان افراد جامعه است. فصل سوم این کتاب به‌صورت دقیق به بررسی ابعاد و پیامدهای اجتماعی تصورات قالبی می‌پردازد (گودیکانست، ۱۳۸۳).

بازشناسی مفهوم تصور قالبی

تا ابتدای قرن بیستم، واژه تصور قالبی هم‌چنین برای اشاره به «رفتار رسمی» و در نیمه نخست قرن بیستم، غالباً برای اشاره به الگوهای متصلب و تکراری به کار می‌رفت. اما در کاربرد رایج، این واژه بیشتر به خصیصه‌هایی اشاره داشت که بر پایه ملیت، قومیت و یا جنسیت به دیگران نسبت داده می‌شد (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۶). والتر لیپمن - روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی - نخستین فردی بود که در کتاب خود با عنوان «افکار عمومی» (۱۹۲۲)، تصورات قالبی را مورد بحث و بررسی علمی قرار داد. از نظر او، تصورات قالبی به معنای «باورها، اندیشه‌ها و قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی است که به ادراکات شخصی از محیط پیرامون خود، رنگ و هیئت خاصی می‌بخشد و به صورت اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴: ۶۵). لیپمن، تصورات قالبی را به عنوان «ساختارهای عام‌شناختی» مورد ملاحظه قرار داده و از آن برای اشاره به خطاهای سیستماتیک و ادراک‌های نادرست از جهان استفاده کرد.

در نتیجه، می‌توان دیدگاه‌های موجود پیرامون تصورات قالبی را حول شش مفهوم صورت‌بندی نمود: باورهای تعمیم‌یافته، مقوله‌ها و مفاهیم، یادگیری نادرست، باورهای اغراق‌آمیز، باور تثبیت شده، پیش‌فرض‌های متصلب و مقاوم در برابر تغییر. تصورات قالبی را می‌توان مجموعه‌ای از احساسات غالباً منفی، باورهای کلی و کنش‌ها درباره برخی گروه‌های اجتماعی دانست که دارای فرهنگ، زبان و نژاد متفاوتی هستند. این تصورات، خصیصه‌ها، ویژگی‌های فیزیکی، علائم، نقش‌ها، الگوهای رفتاری و نظایر آن را در ارتباط با گروهی خاص منعکس می‌کنند و برای همه اعضای یک گروه، به‌رغم تمایزات و تفاوت‌های قابل ملاحظه، به‌کار می‌رود. تصور قالبی، ایده‌ای کلی درباره گروهی مشخص، و یا دسته‌ای از افراد بر پایه برخی مفروضات پیشینی است که به واسطه آن باورهایی ساده‌سازی شده و یکسانی (به دو صورت مثبت و یا منفی) نسبت به آنها پیدا می‌کنیم. از این‌رو، فرایند تعمیم‌دهی به عنوان امری ذاتی در تصورات قالبی، دربردارنده تعمیم مبالغه‌آمیز خصیصه‌هایی برای اعضای یک گروه و احساس همگنی میان آنها است (همیلتون و دیگران، ۲۰۰۹: ۱۷۹؛ استفان، ۱۹۸۵؛ اشنایدر، ۲۰۰۴؛ کاترن، در منابع اینترنتی).

تبیین مفهوم پیشداوری

پیشداوری نگرش غیرمنصفانه و ناموجهی است که مبنای آن عضویت فرد در گروهی خاص است. گروه می‌تواند از آدم‌هایی با نژاد، جنسیت، دین یا ملیت خاص تشکیل

شده باشد یا با کسی که نسبت به او پیشداوری دارد، تفاوت ملموس دیگری داشته باشد (سانتراک، ۱۳۸۳: ۳۷۱). پیشداوری بر اطلاعات نادرست و گمراه کننده‌ای مبتنی است که در فرایند اجتماعی شدن به دست می‌آید. آنچه موجب پیشداوری نسبت به دیگران می‌شود، مؤلفه‌هایی نظیر تفاوت در زبان، نژاد، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، زادگاه، جایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. یافته‌های جدید حاکی از آن است که پذیرش تصورات قالبی مرتبط با تفکر مبتنی بر پیشداوری و پذیرش بی‌قید و شرط و جزم‌گرایانه است (کارتز، ۲۰۰۶: ۱۱۱). معمولاً پیشداوری در شخص از بین نمی‌رود و از جنبه منفی به جنبه مثبت تبدیل نمی‌شود و همین واقعیت است که آن را از سوءتفاهم متمایز می‌سازد (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

ارتباط تصورات قالبی و پیشداوری

تصورات قالبی و پیشداوری دو پدیده هم‌زیست قلمداد می‌شوند که رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند. استروب و اینسکو در مقاله‌ای تحت عنوان «تصورات قالبی، پیشداوری و تبعیض»، به تبیین ارتباط این مفاهیم با یکدیگر پرداخته و یادآور می‌شوند که «پیشداوری، به معنای داشتن نگرش منفی درباره گروه‌های دیگر و یا اعضای آنها است که معمولاً بر پایه تصورات قالبی منفی ارزیابی می‌شوند. بر پایه باورهایی که آن گروه‌ها را با خصیصه‌های منفی هم‌پیوند می‌داند» (استروئیب و اینسکو، ۱۹۸۹: ۴). تصورات قالبی دربرگیرنده باورهایی درباره رفتار دیگران است که می‌تواند بر ذهنیت و رفتار ما اثر بگذارد و در این چارچوب پیشداوری را تسهیل می‌کند. پر واضح است افرادی که اهل پیشداوری هستند، تصورات قالبی تأییدکننده این وضعیت را گسترش می‌دهند. بدون شک، پیشداوری و تصورات قالبی به‌عنوان دو امر مؤید یکدیگر عمل می‌کنند (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۳۶۵).

البته به‌رغم تجانس مفاهیم تصورات قالبی و پیشداوری، نباید تفاوت‌های محتوایی میان این دو مفهوم را نادیده گرفت. در یک سطح، پیشداوری با بیشترین قرابت با تصورات قالبی، به قضاوت درباره فرد یا چیزی پیش از فعلیت یافتن واقعیت‌های آن (از پیش قضاوت کردن) اشاره دارد و تصویری از قبل شکل گرفته را نسبت به برخی چیزها، اغلب پدیده‌های اجتماعی هستند، بازنمایی می‌کند. اما در سطح دیگر، اولاً، پیشداوری برخلاف تصورات قالبی، بیشتر ماهیتی منفی دارد؛ ثانیاً، پیشداوری بیشتر در ارتباط با گروه‌های غیر خودی است و در رابطه با گروه‌های خودی، بیشتر مفهوم «جانبداری درون گروهی» مطرح است (بنگرید به: زانا و السن، ۱۹۹۴).

تبیین مفهوم هویت

«هویت در بردارنده و معرف «کیستی» هر فرد در بستر زمانی - مکانی، یعنی تاریخ، فرهنگ و جامعه است که جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعضای یک جامعه را تعیین می‌نماید و فرد از طریق فرایند «هویت‌یابی» به یک تاریخ، فرهنگ و اجتماع خاص تعلق پیدا می‌کند» (نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). احساس تعلق، تجربیات و میراث مشترک، احساس تعهد افراد به اجتماع، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک و مهم‌تر از همه هویت‌یابی و شناسایی به افراد هویت جمعی می‌بخشد (ویدن، ۲۰۰۵: vii). فرایندهای هویت‌یابی میان افراد نقاط و گره‌های تعاملی ایجاد می‌کند که برخی از آنها به‌عنوان خصایص عمومی جامعه یا آنچه که «خلق و خوی ملی» نامیده می‌شود، پذیرفته شده‌اند. اعتقادات و سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، سلايق زیبایی‌شناختی، موضع‌گیری‌های ارزشی، پیوندهای جغرافیایی، خویشاوندی، احساس تعلق، تجربیات و میراث مشترک، احساس تعهد افراد به اجتماع، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک به افراد جامعه هویت می‌بخشد (نظری، ۱۳۹۰: ۸۱).

هویت امری صرفاً شخصی یا روان‌شناختی نیست، بلکه هم‌چنین اجتماعی است و به‌طور جدی از طریق تعامل با دیگر کنش‌گران صورت می‌بندد. از طریق تعامل و مشارکت در چارچوب نهادینه است که کنش‌گران هویت خود را بیان می‌کنند. سیاست‌های هویتی و هویت‌یابی میان افراد نقاط و گره‌های تعاملی ایجاد می‌کند و برخی از آنها به‌عنوان خصایص شخصیت عمومی پذیرفته شده‌اند، نظیر اعتقادات و سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، سلايق زیبایی‌شناختی، موضع‌گیری‌های جنسیتی، ریشه‌های جغرافیایی، خویشاوندی. این نقاط تعامل برساخته‌هایی اجتماعی هستند که به واسطه تجارب گوناگون شکل گرفته‌اند، اما تبعیت و پایبندی سیاسی و فرهنگی اغلب آنها را ابزار هویتی کارآمدی می‌سازد. از این‌رو، افرادی که خود را اعضای یک جامعه می‌شناسند، وارد یک نوع تعامل بر مبنای عقلانیت‌های معتبر و استوار اجتماعی می‌شوند و هویت‌های آنها بازتابی از واکنش مستقیم به شرایط مشخص و اغلب قبل پذیرش جامعه - در دو وجه مثبت و منفی - آن است (سایبرز و تبین، ۲۰۰۵: ۱۰).

کارکردهای هویتی تصورات قالبی

به‌رغم اثرپذیری رفتار انسان‌ها از عوامل و زمینه‌های عینی، شناخت و ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی هویت‌یابی آنها در کنار یکدیگر است. این‌که ما دیگران

را چگونه فهم و ارزیابی می‌کنیم، نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری‌گزیدن دارد. به‌عنوان مثال، گروهی را که زیاد پول خرج نمی‌کنند می‌توان دوستانه، صرفه‌جو یا بی‌طرفانه، مقتصد و یا با رویکردی منفی، خسیس تلقی کرد. این امر بیانگر اهمیت نگرش‌ها و ذهنیت‌های افراد در رویارویی با پدیده‌های یکسان و تشخیص بخشیدن به دیگران است. ترکیب شناخت‌ها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجان‌ها و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیده‌های معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما با دیگران تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. روان‌شناسانی که به مطالعه و بررسی شناخت اجتماعی می‌پردازند، علاقمند به بررسی این مسأله‌اند که ما چگونه رفتارهای اجتماعی را ادراک، تفسیر و پیش‌بینی می‌کنیم (ر.ک: ستوده، ۱۳۸۷؛ اسدورو، ۱۳۸۴: ۴۹۹).

کارکردهای تصورات قالبی را می‌توان چنین برشمرد: ترسیم نوعی هویت جمعی و ایجاد احساس تجانس درون‌گروهی و تمایز برون‌گروهی (ما / آنها)، بازنمایی سلسله مراتب اجتماعی، ساده‌سازی فرایندهای شناختی، پذیرش ناآگاهانه و تسهیل ارزیابی اجتماعی، سوگیری به نفع گروه خودی و ایجاد مخاطرات هویتی. در ادامه، به ترتیب هر یک از این کارکردها را مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱. ترسیم هویت جمعی و احساس تجانس درون‌گروهی و تمایز برون‌گروهی

(ما/ آنها): تصورات قالبی نقش مؤثری در ترسیم ابعاد و زوایای هویت جمعی دارد. در سنت فکری‌ای که هنری تاجفل مطرح و جان ترنر و اخیراً الکساندر و هرمان بسط دادند، استدلال می‌شود که تصورات قالبی یکی از روش‌های جدا کردن گروه خود از گروه‌های دیگر است. بسیاری از افرادی عزت‌نفس و هویت خود را از احساس تعلق به گروه خود می‌گیرند و در این چارچوب درصد برمی‌آیند خصیصه‌های مثبت را به درون‌گروه، و خصیصه‌های منفی را به گروه‌های بیرونی نسبت دهند. از این منظر، طبیعی است که ما افراد را طبقه‌بندی می‌کنیم و بر پایه آن خصیصه‌ها یا تصورات قالبی را به آنها نسبت می‌دهیم. چنین فرایندی، عام و اغلب ناآگاهانه است (تاجفل، ۱۹۸۱؛ ترنر، ۱۹۸۷؛ بریور و هرمان، ۱۹۹۹).

در تحلیل چرایی این رخداد می‌توان گفت که اعضای گروه‌های دیگر بیش از اعضای گروه خودی با هم شبیه دانسته می‌شوند. گرایش به مشابه دانستن اعضای گروه‌های دیگر، یا آنچه که «توهم تجانس برون‌گروهی» خوانده می‌شود، به دلیل متفاوت دانستن اعضای گروه خود (تمایز درون‌گروهی) از دیگر گروه‌ها پدیدار می‌شود. از دلایل این امر آن است که ما با اعضای گروه خودی بیشتر مأنوسیم و در

نتیجه با گستره وسیعی از احساس تفاوت میان ما و آنان (اعضای برون‌گروه) روبه‌رو هستیم. دلیل دیگر آن است که شاید برخی گروه‌ها، واقعاً متجانس‌تر از گروه خودی باشند. مثلاً چینی‌ها در برخی ویژگی‌های بدنی مانند مو، چشم شباهت بیشتر به همدیگر دارند تا آمریکایی‌ها. دلیل سوم به گرایش افراد به ارزیابی هماهنگ اعضای سایر گروه‌ها در قالب یک کلیت مربوط است. به هر میزان که یک گروه را نامطلوب‌تر بدانیم، مایلیم اعضای آن را متجانس‌تر تصور کنیم؛ زیرا این امر با ارزیابی منفی کلی از آن گروه سازگارتر است (آذربایجانی و دیگران: ۱۳۸۲: ۲۰۷).

۲. بازنمایی سلسله مراتب اجتماعی: ما در هر لحظه با چنان جمعی از اطلاعات روبه‌رو هستیم که ذهن انسان برای این‌که بتواند این اطلاعات را بدون اشکال و بدون احساس سنگینی آنها پردازش کند، نیاز به سازماندهی آنها دارد. برای کاهش این پیچیدگی‌ها، ذهن انسان به طبقه‌بندی می‌پردازد و امور مختلف را در طبقات و دسته‌های جداگانه مقوله‌بندی می‌کند. افرادی که بیشتر مستعد پذیرش تصورات قالبی هستند، بر این باورند که نوعی سلسله مراتب میان گروه‌های اجتماعی و افراد وجود دارد. چنین باورهایی می‌تواند موجب تقویت ارزش‌های قدرت‌طلبانه این افراد شود، زیرا این اعتقاد را در آنها تقویت می‌کند که تفاوت‌های گروهی مهم و واقعی هستند و تصورات قالبی می‌تواند در خدمت تقویت این سلسله مراتب اجتماعی به کار گرفته شود (کارتر و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۱۰۸؛ اشمور و دل بکا، ۱۹۸۱: ۲۹). طبقه‌بندی ساده‌ی افراد به گروه‌های مختلف سرآغاز اولویت‌دادن خودکار اعضای گروه خودی است. افراد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را به نحوی بسیار منعطف به کار می‌گیرند. ممکن است برخی افراد در رویارویی با مهاجرین، از قومیت آنها سخن بگویند، برخی دیگر عمدتاً بر سن آنها تأکید کنند و یا جنسیت آنها را با اهمیت بدانند. هنگامی که ما افراد و گروه‌های دیگر را به‌عنوان کسانی که با ما دارای هویت مشترک هستند، ارزیابی می‌کنیم، احتمالاً کمتر نسبت به آنها قالبی‌سازی و پیشداوری می‌کنیم (آبرامز و هوستون، ۲۰۰۶: ۸).

برخی از نظریه‌پردازان نظیر آگوستینس و واک (۱۹۹۸)، گلیک و فیسک (۱۹۹۹: ۳۴۸)، هافمن و هرست (۱۹۹۰: ۱۴۷) معتقدند که در عرصه اجتماعی که افراد براساس شئون، وضعیت اقتصادی، جایگاه، منزلت اجتماعی تقسیم شده‌اند. ما به تبیین، توجیه و بیان چرایی این سلسله مراتب نیاز داریم. در واقع، طبقه‌بندی ناشی از تمایل به ساده‌سازی است. ما تمایل داریم تا جایی که ممکن است افراد را در چارچوب طبقه‌بندی‌های مختلف از یکدیگر متمایز کنیم و هر کدام از آنها در طبقه‌بندی‌هایی

براساس شباهت آنها به یکدیگر، قرار دهیم. این تمایل می‌تواند تصورات ما را مخدوش کند و سوگیری‌هایی را با هدف ایجاد تمایز میان اعضای گروه خود و دیگری ایجاد نماید (استانگر، ۲۰۰۹: ۳).

۳- ساده‌سازی فرایندهای شناختی: ساده‌سازی و تقلیل ویژگی‌های افراد و گروه‌ها به چند خصیصه ساده است. فرایند قالبی‌سازی «تعداد اندکی از ویژگی‌های ساده، به یادماندنی، به سادگی قابل فهم و به رسمیت شناخته شده در یک شخص را در نظر می‌گیرد و همه چیز درباره آن فرد را به آن ویژگی فرو می‌کاهد و آن صفات را به نحوی اغراق‌آمیز ساده می‌کند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۷). تنزل انسان‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مبالغه‌آمیز و معمولاً منفی، ارائه ذهنیتی یکنواخت و قالب‌بندی شده از رفتارهای خاص برای ایجاد احساس تمایز و تفاوت از پیامدهای ساده‌سازی شناختی ناشی از تصورات قالبی اتفاق می‌افتد. قالبی‌سازی مردم را طبق هنجارهای خاص طبقه‌بندی و افراد طرد شده را «دیگری» یا «غیرخودی» فرض می‌کند. تصورات قالبی برای افراد مهم هستند، زیرا فرصت را برای ارزیابی ساده و سراسر و تصمیم‌گیری فراهم می‌کنند. اگر تصورات قالبی سودمندی خود را به‌عنوان ساختارهای ساده‌ساز ذهنی از دست بدهند، هدایت و شکل‌دهی به فرایندهای تجزیه و تحلیل اطلاعات در نهایت محو خواهد شد (لاک و جان استن، ۲۰۰۱: ۱۲۳). تصورات قالبی کمک می‌کند که جهان پیرامون ما را ساده‌سازی کنیم که برای تفکر مولد ضروری است. از آنجایی که امکان شناخت دقیق افراد و گروه‌هایی که با آنها در ارتباط هستیم وجود ندارد، از طریق ساده‌سازی‌های تصورات قالبی می‌توانیم هر فرد با گروه را در جایگاه مربوط به آن قرار دهیم. ما جهان اجتماعی را به مقوله‌هایی دسته‌بندی می‌کنیم، نه برای آن‌که در ظرفیت شناختی ناتوانی داریم، بلکه به خاطر آن‌که می‌خواهیم تمایزهای معناداری ایجاد کنیم که تفکر و رفتار ما را تسهیل نماید (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۷۶؛ هرشفلد، ۲۰۰۱: ۱۰۷).

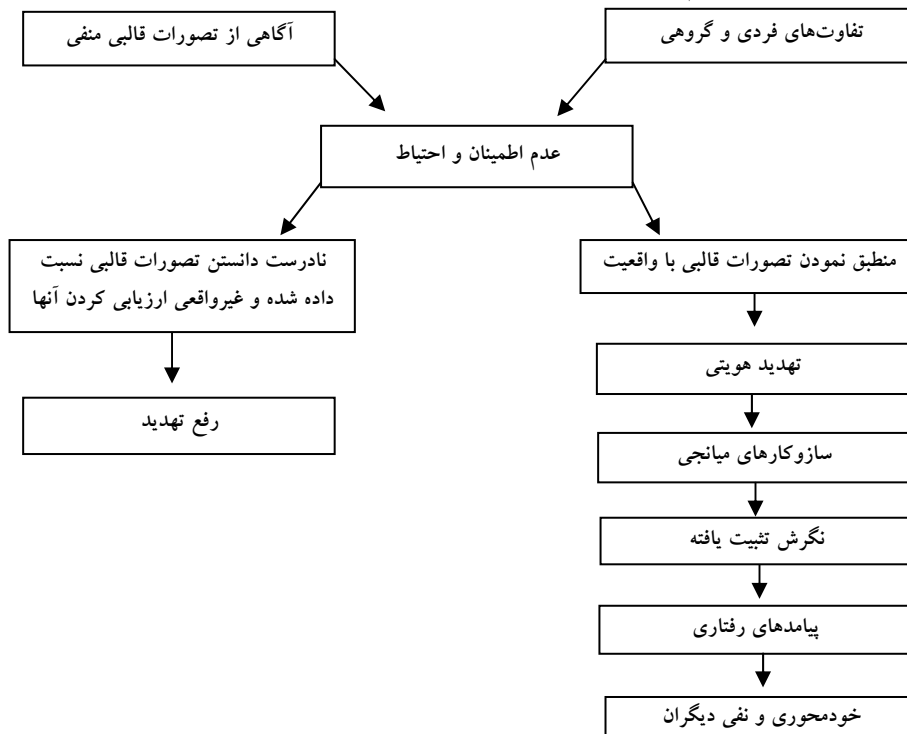
۴- پذیرش ناآگاهانه و تسهیل ارزیابی اجتماعی: پذیرش باورهای قالبی بدون قید و شرط: لوی و لنگر اظهار می‌دارند آثار تصورات قالبی بر سلامت جسمانی و روانی افراد با باورهایی که بدون قید و شرط می‌پذیرند، آشکار می‌شود. وقتی این باورها شکل گرفت، کمتر بررسی می‌شوند و به‌طور ناخودآگاه پذیرفته می‌شوند. تصورات قالبی هر چند به خطاهایی می‌انجامند، ولی به این دلیل که باعث صرفه‌جویی در فعالیت‌های شناختی می‌شوند و امکان ارزیابی را تسهیل می‌نمایند، استمرار می‌یابند.

افرادی که پیشداوری شدیدی نسبت به برخی گروه‌های اجتماعی دارند، اغلب چنین می‌گویند: همه آنان مثل هم هستند، مشت نمونه خروار است. مدلول این جملات آن است که اعضای گروه‌های دیگر بیش از اعضای گروه خودی با هم شباهت دارند. گرایش به مشابه دانستن اعضای گروه‌های دیگر را «توهم تجانس برون‌گروهی» و میل به متفاوت دانستن اعضای گروه خودی را «تمایز درون‌گروهی» می‌نامند. از دلایل این امر آن است که ما با اعضای گروه خودی بیشتر مأنوسیم و در نتیجه با گستره وسیعی از تفاوت میان آنان آگاه هستیم. در مقابل، عموماً شناخت کمتری از افراد سایر گروه‌ها داریم و کمتر با تفاوت‌های فردی آنان مواجه شده‌ایم. دلیل دیگر آن است که شاید برخی گروه‌ها واقعاً متجانس‌تر از گروه خودی باشند؛ مثلاً چینی‌ها در برخی ویژگی‌های بدنی مانند رنگ مو، چشم شباهت بیشتری به همدیگر دارند تا آمریکایی‌ها. دلیل سوم با گرایش افراد به ارزیابی هماهنگ سایر گروه‌های مرتبط است. به همین جهت هر چه یک گروه را نامطلوب‌تر بدانیم، بیشتر مایلیم اعضای آن را متجانس‌تر تصور کنیم، زیرا این امر با ارزیابی کلی از آن گروه سازگارتر است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰۷).

۵. سوگیری به نفع گروه خودی: از چشم‌انداز نظری، صورت‌بندی و شکل‌گیری مفهوم «دیگری» به دورانی برمی‌گردد که نظریه‌پردازان تعامل نمادین نظیر هربرت بلومر و جرج هربرت مید مطرح شدند. مید، مفهوم دیگری تعمیم‌یافته را مطرح کرد و آن را بقای گروه، صرف نظر از افراد تعریف کرد (مید، ۱۹۶۷). روان‌شناسان تحول‌گرا معتقدند که افراد به این دلیل تمایل دارند از تصورات قالبی بهره‌گیرند که به آنها مزیت انطباق‌پذیری و همراهی با سنت‌های فکری را می‌دهد؛ آنها را قادر می‌سازد تا سریع‌تر تصمیم‌گیری کنند؛ و میان دوستان و دشمنان خود تمایز قائل شوند. ما در بین اعضای گروه‌های دیگر تنوع و تفاوت کمتری [یکسان‌سازی] می‌بینیم تا در بین اعضای گروه خودمان. اتفاقی که در این جا می‌افتد این است که ما اعضای گروه خود را متنوع و دارای خصوصیات مطلوب می‌بینیم و اعضای گروه‌های دیگر را یکسان و دارای خصوصیات نامطلوب ارزیابی می‌کنیم (سانتراک، ۱۳۸۳: ۳۷۲).

۶. ایجاد مخاطرات هویتی: تهدید تصورات قالبی تهدیدی موقعیتی شناخته می‌شود، به این معنا که به‌طور بالقوه امکان ظهور آن در هر موقعیتی که تصورات قالبی منفی در رابطه با اعضای یک گروه پذیرفته و به کار گرفته شود، متصور است (شاپیرو و ریبرگ، ۲۰۰۷: ۱۰۸). مخاطرات هویتی ناشی از تصورات قالبی زمانی مطرح می‌شود که

گروهی که هدف تصورات قالبی است، به ویژگی‌های منفی اشتها یابد. این وضعیت موجب «تهدید هویت اجتماعی» می‌شود. مخاطرات و پیامدهای منفی و اغلب بی‌اعتبار اطلاعاتی که از طریق تجارب دست دوم (مشاهده منفعلانه، درونی کردن القانات و سوگیری‌های انتشار یافته، فقدان تجربه مستقیم...) انتشار می‌یابد، از چند جهت قابل تأمل است. نخست آن‌که برخی از این گونه تصورات در صدد متهم یا محکوم کردن گروه‌های خاص است. دوم آن‌که تصورات قالبی که به این صورت منتشر می‌شود، اگر نگوئیم غالباً مبتنی بر منفی‌نگری هستند، نگرش‌هایی را القا می‌کنند که بیشتر مبتنی پیشداوری است. سوم، بسیاری از این تصورات قالبی، مبتنی بر تجربه مستقیم نیستند و نتایج تعمیم‌های ناشی از آنها چندان معتبر نیست. چهارم، از آن جایی که تصورات قالبی به مثابه ابزاری در جهت ایجاد پیشداوری عمل می‌کند، هر لحظه ممکن است ما هم به یکی از قربانیان این گونه نگرش‌ها تبدیل شویم (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۳۳۰؛ آمبادی، برنی و ریچسون، ۲۰۰: ۲۰۱؛ ارونسون و مک گلان، ۲۰۰۹: ۱۵۷) فرایند تهدید هویت اجتماعی را می‌توان چنین ترسیم نمود:



حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران (در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱) می‌باشد که تعداد آن بالغ بر ۳۶۰۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران و ۹۵٪ اطمینان در دانشگاه تهران برابر با ۳۸۰ نفر برآورد شد، اما برای جلوگیری از بروز خطای بیشتر و هم‌چنین بالا بردن ضریب اطمینان یا معنی‌دار بودن آماری و کم کردن تأثیر پرسش‌نامه‌هایی که ممکن بود به‌صورت ناقص تکمیل شوند، تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه به آن اضافه شد. در نهایت، بعد از بازبینی پرسش‌نامه‌ها و حذف موارد مخدوش، تعداد ۴۱۰ پرسش‌نامه وارد تحلیل نهایی گردید. بعد از تعیین حجم نمونه و با توجه به تعداد کل دانشجویان، ناگزیر از انتخاب شیوه نمونه‌گیری شدیم، که بعد از بررسی لازم در باب انواع شیوه نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (انتخاب تصادفی از بین شاخه‌های تحصیلی) استفاده شد.

الف) تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها

۱. یافته‌های تحقیق

این بخش از مقاله به ارائه یافته‌های پژوهش در دو محور توصیف متغیرها و تحلیل روابط بین آنها به منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق به‌صورت تجربی و از طریق تحلیل آماری می‌پردازد. از این‌رو از دو دسته آمار توصیفی و استنباطی در تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد. ابتدای این بخش به توصیف متغیرها در قالب آماره‌های تک متغیره اختصاص یافته و در ادامه روابط بین متغیرها به‌صورت روابط دو متغیره (آزمون فرضیات تحقیق) و روابط چندمتغیره (تحلیل عمقی فرضیات تحقیق)، تحلیل و بررسی خواهد شد.

۱-۱. توصیف متغیرها

۱-۱-۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی

جنسیت، سن، سطح تحصیلات و شاخه تحصیلی پاسخگو از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق هستند که در ادامه به بررسی توصیفی آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۱. جنسیت پاسخگویان

بررسی نمونه آماری انتخاب شده از جامعه آماری دانشجویان از لحاظ جنسیت؛ همان‌طور که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که تقریباً نصف پاسخگویان، مرد و نصف دیگر، زن بوده‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان

جنسیت	تعداد	درصد	درصد معتبر
زن	۲۰۲	۴۹/۳	۴۹/۳
مرد	۲۰۸	۵۰/۷	۵۰/۷
کل	۴۱۰	۱۰۰	۱۰۰

۲-۱-۱-۱. سن پاسخگویان

میانگین سن پاسخگویان، تقریباً ۲۲ سال (انحراف استاندارد، ۳/۷) بوده که حداقل سن افراد پاسخگو، ۱۷ سال و حداکثر سن آنان، ۴۷ سال است. سن ۲۱ ساله از بیشترین فراوانی برخوردار است. در جدول شماره دو، توزیع فراوانی گروه‌های سنی دانشجویان نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی سن پاسخگویان

گروه سنی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۱۷-۲۰	۱۶۹	۴۱/۲	۴۱/۶	۴۱/۶
۲۱-۲۳	۱۴۵	۳۵/۴	۳۵/۷	۷۷/۳
۲۴-۲۶	۵۶	۱۳/۷	۱۳/۸	۹۱/۱
۲۷ و بیشتر	۳۶	۸/۸	۸/۹	۱۰۰
کل	۴۰۶	۹۹	۱۰۰	
داده مفقوده	۴	۱		
کل	۴۱۰			

همان‌طور که آمار ارائه شده در جدول شماره دو نشان می‌دهد، اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان (۷۷/۳ درصد)، در گروه سنی ۱۷ تا ۲۳ ساله قرار دارند.

۳-۱-۱-۱. وضعیت تحصیلی پاسخگویان

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانشجویان و جدول شماره هشت، توزیع فراوانی شاخه تحصیلی آنها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی مقطع تحصیلی پاسخگویان

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
کاردانی	۷	۱/۷	۱/۷
کارشناسی	۳۱۱	۷۵/۹	۷۷/۶

کارشناسی ارشد	۷۴	۱۸	۹۵/۶
دکتری	۱۸	۴/۴	۱۰۰
کل	۴۱۰	۱۰۰	

براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۳، دانشجویان مقطع کارشناسی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین فراوانی مربوط به دانشجویان کاردانی است. آمار ارائه شده در جدول شماره ۸، حاکی از آن است که پاسخگویان از نظر شاخه تحصیلی، از درصد نزدیک به هم برخوردار بوده و هر کدام به جز شاخه کشاورزی، بیش از ۲۵ درصد جمعیت نمونه آماری را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی شاخه تحصیلی پاسخگویان

شاخه تحصیلی	تعداد	درصد	درصد معتبر
علوم پایه	۱۰۷	۲۶/۱	۲۶/۳
علوم انسانی و هنر	۱۰۵	۲۵/۶	۲۵/۸
کشاورزی	۹۱	۲۲/۲	۲۲/۴
فنی و مهندسی	۱۰۴	۲۵/۴	۲۵/۶
کل	۴۰۷	۹۹/۳	۱۰۰
داده مفقوده	۳	۰/۷	
کل	۴۱۰	۱۰۰	

۱-۱-۲. متغیرهای مستقل

هویت ملی و میزان شناخت اقوام ایرانی به‌عنوان متغیر مستقل این تحقیق است که نقش آنها در تصورات قالبی در رابطه با دیگر گروه‌های هویتی ایرانی بررسی خواهد شد. در این بخش از گزارش، به بررسی توصیفی هر یک از متغیر مذکور پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۲-۱. هویت ملی

میانگین هویت ملی ملی پاسخگویان در دامنه (۰-۱۰)، ۷/۰۳ (انحراف استاندارد ۱/۹) است که حاکی از متوسط به بالا بودن میزان آن است. جدول شماره ۵، توزیع فراوانی نمرات این متغیر را در سه رده میزان هویت ملی پائین، متوسط و بالا^۱ نشان داده است.

۱. از نمره ۰ تا ۴/۳۳ رتبه پائین، ۴/۳۳ تا ۷/۳۳ رتبه متوسط و ۷/۳۴ تا ۱۰ رتبه بالا تعیین شده است. ذکر این نکته ضروری است که تمامی میانگین‌هایی که در دامنه (۰-۱۰) قرار دارند به همین طریق رتبه‌بندی شده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی نمرات متغیر هویت ملی

هویت ملی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پائین	۳۳	۸	۸/۴	۸/۴
متوسط	۱۷۷	۴۳/۲	۴۴/۹	۵۳/۳
بالا	۱۸۴	۴۴/۹	۴۶/۷	۱۰۰
کل	۳۹۴	۹۶/۱	۱۰۰	
داده مفقوده	۱۶	۳/۹		
کل	۴۱۰	۱۰۰		

نتایج ارائه شده در جدول بیانگر آن است که اکثر پاسخگویان از میزان پایبندی به هویت ملی در حد متوسط و بالا برخوردار بوده و کسانی که دارای هویت ملی سطح پائینی هستند از درصد اندکی در مقایسه با دیگر سطوح هویت ملی برخوردار هستند.

۲-۱. بررسی روابط متغیرها

این بخش از گزارش به بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته می‌پردازد. از این‌رو در بخش اول به بررسی آزمون فرضیات تحقیق در قالب روابط دو متغیره و در بخش بعدی به بررسی تشریحی فرضیات تحقیق در قالب روابط چند متغیره پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱. روابط دو متغیره

۲-۱-۱-۱. رابطه بین هویت ملی و تصورات قالبی

فرضیه: احساس پایبندی به هویت ملی (فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران) موجب کاهش تصورات قالبی می‌شود.

در آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج اجرای آزمون فرضیه در جدول شماره ۶، رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار بین این دو متغیر برقرار است به عبارتی دیگر با افزایش میزان احساس پایبندی دانشجویان به فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران یا برخورداری از هویت ملی، از میزان تصورات قالبی آنان نسبت به گروه‌های قومی و شهرها کاسته می‌شود.

جدول شماره ۶: نتایج بررسی رابطه هویت ملی و تصورات قالبی با استفاده از

ضریب همبستگی r پیرسون

تعداد	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	ضریب همبستگی
۳۶۶	۰/۰۳۳	-۰/۰۹۶

۲-۱-۲-۱. رابطه بین هویت قومی و تصورات قالبی

فرضیه: زمینه‌های قومی، در شکل‌گیری تصورات قالبی نقشی مثبت دارد. یعنی هر قدر افراد بیشتر بر زمینه‌های قومی خود تأکید کنند، بیشتر مستعد قالبی‌سازی می‌شوند. در آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره ۷: نتایج بررسی رابطه هویت قومی و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی r پیرسون

تعداد	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	ضریب همبستگی
۳۷۸	۰/۰۲۱	۰/۱۰۵

نتایج ارائه شده در جدول بیانگر آن است که بین دو متغیر رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به این معنا که با افزایش تأکید افراد بر زمینه‌های قومی، آنان بیشتر مستعد قالبی‌سازی درباره گروه‌های هویتی قومی و شهرها می‌شوند.

۳-۱-۲-۱. رابطه بین شناخت و آشنائی با اقوام ایرانی و تصورات قالبی

فرضیه: هرچه شناخت از اقوام ایرانی بیشتر باشد، از میزان تصورات قالبی کاسته خواهد شد.

به منظور آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۸ ارائه شده است. با توجه به سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵، این فرضیه رد می‌شود. بر این اساس شناخت اقوام و آشنائی با آنها تأثیری در کاهش تصورات قالبی نسبت به آنها در میان دانشجویان ندارد.

جدول شماره ۸: نتایج بررسی رابطه شناخت و آشنائی با اقوام و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی r پیرسون

تعداد	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	ضریب همبستگی
۳۶۰	۰/۲۰۷	۰/۰۴۳

۴-۱-۲-۱. رابطه بین روابط نزدیک و صمیمی با اقوام و سایر مذاهب و تصورات قالبی

فرضیه: با افزایش روابط نزدیک و صمیمی با اقوام و سایر مذاهب، از میزان تصورات قالبی کاسته خواهد شد.

به منظور آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج آن

در جدول شماره ۹ ارائه شده است. نتایج جدول حاکی از وجود رابطه‌ای معنی‌دار و معکوس بین این دو متغیر است. به عبارتی دیگر هر چه بر روابط نزدیک و صمیمی با اقوام افزوده می‌شود، از میزان تصورات قالبی نسبت به آنان کاسته خواهد شد.

جدول شماره ۹: نتایج بررسی رابطه روابط نزدیک و صمیمی با اقوام و سایر مذاهب و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی ۲ پیرسون

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	تعداد
-۰/۱۱۴	۰/۰۱۴	۳۷۶

۴-۲-۱-۵. رابطه بین گرایش به تعمیق روابط با اقوام ایرانی و تصورات قالبی فرضیه: با افزایش میزان گرایش به تعمیق روابط با اقوام ایرانی از میزان تصورات قالبی نسبت به آنان کاسته خواهد شد.

در آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی ۲ پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰: نتایج بررسی رابطه گرایش به تعمیق روابط با اقوام ایرانی و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی ۲ پیرسون

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	تعداد
-۰/۱۹۷	۰	۳۱۴

نتایج ارائه شده در جدول نشان می‌دهد که با افزایش گرایش به تعمیق روابط از میزان تصورات قالبی آنان کاسته می‌شود. رابطه معکوس بین دو متغیر رابطه‌ای معنی‌دار است.

۱-۲-۲-۱. رگرسیون چند متغیره

نتایج اجرای رگرسیون با شیوه گام به گام نشان داد که چند مدل را می‌توان استخراج کرد لیکن مدلی که دارای بیشترین متغیر بود، در اینجا انتخاب شد. این مدل شامل متغیرهای میزان گرایش به هویت ملی، میزان گرایش به هویت قومی و میزان گرایش به تعمیق روابط با گروه‌های قومی است. براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۱، این سه متغیر با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده، حدود ۰/۰۸ واریانس تصورات قالبی را تبیین می‌کنند. هم‌چنین میزان همبستگی (مقدار ۲) ترکیبی از این سه متغیر با تصورات قالبی نزدیک به ۰/۲۹ است.

جدول شماره ۱۱: خلاصه مدل رگرسیونی

مقدار r^2	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد پیش بینی
۰/۲۸۹	۰/۰۸۴	۰/۰۷۴	۸/۴۹۹۰۳

جدول شماره ۱۱ نتایج معنی داری مدل رگرسیونی را با این چند تا متغیر نشان می دهد. با توجه به سطح معنی داری آزمون F ، این مدل رگرسیونی معنی دار است. از این رو می توان گفت که این سه متغیر را می توان در معادله رگرسیونی قرار داد.

جدول شماره ۱۲: ارزیابی مدل برای انجام تحلیل رگرسیونی

مدل	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۸۵۶/۸۹۳	۳	۶۱۸/۹۶۴	۸/۵۶۹	۰
باقیمانده	۲۰۳۶۹/۸۳۸	۲۸۲	۷۲/۲۳۳		
جمع	۲۲۲۲۶/۷۳۱	۲۸۵			

جدول شماره ۱۲، ضرایب استاندارد رگرسیونی متغیرها و سطح معنی داری آنها را نشان می دهد.

نتیجه گیری

مردم ایران در تجربه طولانی زندگی جمعی دارای حافظه تاریخی مشترکی هستند که در آن افتخارات و رنج های مشترک، شکست ها و موفقیت های بزرگ و میراث غنی ایرانی - اسلامی قابل مشاهده است. به رغم این، باید پذیرفت که حفظ وحدت و یکپارچگی هویتی مستلزم اتخاذ راهکارهایی خلاقانه و مدبرانه است تا با کاهش حذف تصورات منفی و نادرست اقوام و گروه های هویتی، فرصت های ساختاری لازم برای بقای همبستگی ملی تضمین شود.

جلوگیری از توهین به گروه های قومی - مذهبی، تلاش برای رفع پیشداوری ها و سوء تفاهات، ارتباط یابی مؤثر گروه های هویتی و آشنایی با ظرفیت های یکدیگر، ممانعت از ترویج خاص گرایی هویتی به نفع یک گروه خاص، فرصت سازی مناسب از طریق تبادلات فرهنگی، پخش برنامه های مناسب، جلوگیری از بروز تعارض در پیام های وسایل ارتباط جمعی و... می تواند در این زمینه مؤثر باشد. به هر حال بسیاری از

اعضای گروه‌های قومی تلاش دارند تا خصیصه‌های مثبت مؤثر خود را به‌عنوان صفاتی متمایز برجسته نمایند. این موارد مورد افتخار می‌تواند تاریخی، معماری و میراث فرهنگی، توانمندی خاص، ... باشد و در چارچوبی همبسته با هویت ملی گره بخورد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲): *روان‌شناسان اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: سمت.
- اسدورو، سترام (۱۳۸۴): *روان‌شناسی*، ترجمه جهانبخش صادقی، تهران: سمت.
- خمه، اکرم (۱۳۸۶): بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرح‌واره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران، *مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- سانتراک، جان دلبیو (۱۳۸۳): *زمینه روان‌شناسی سانتراک*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷): *روان‌شناسی اجتماعی*، ج ۱۱، تهران: آوای نور.
- صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۳): «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، سال اول، ش ۳، صص ۵۳-۹۰.
- کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶): *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*، ترجمه سیدکمال خرازی و جواد علاقبندراد، تهران: جهاد دانشگاهی.
- گودیکانست، ویلیام بی (۱۳۸۳): *پیوند تفاوت‌ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی*، ترجمه علی کریمی و مسعود هاشمی، تهران: تمدن ایرانی.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷): *رسانه و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و مؤسسه رسانه‌ها.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰): «احزاب سیاسی و هویت ملی: تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۲، ش ۱، صص ۷۳-۹۸.
- Abrams, Dominic & Diane M. Houston (2006); Equality, Diversity and Prejudice in Britain, *Report for the Cabinet Office Equalities Review*, October: University of Kent Center for the Study of Group Processes.
- Allport, G.w, (1954); *The Nature of Prejudice*, MA: Adisson-Wesley Reading.
- Ambady, N. Bernieri, F.J.& Richeson, J. A. (2000); Toward a Histology of Social Behavior, In: P. Zanna (Ed); *Advances in experimental social psychology san Diego*, CA: Academic press.
- Aronson, Eliot (2006); Adventures in Experimental Social Psychology: Roots, Branches, and Sticky New Leaves. in *Reflection on 100 years of Experimental Social Psychology*, Eds by A. Rodrigues and R. Levine. Los Angeles, Westview; Abrams: 58.

- Aronson, Joshua and Mcglone, Matthew S. (2009); Stereotyping and social Identity threat. In *Handbook of prejudice, stereotyping, and discrimination*, Edited by Todd D. Nelson. New York: Psychology press.
- Ashmore R.D & Del Boca F.K (1981); Conceptual Stereotypes and Stereotyping. In D.L Hamilton (Ed). *Cognitive Processes in Stereotyping and Intergroup Behavior*, Hillsdale.
- Augoustinos, Martha and Katherine J. Reynolds, (2001); *Understanding Prejudice, Racism and Social Conflict*, London: Sage Publications.
- Connolly, William (2002); *Identity / Difference*, Minnesota: University of Minnesota Press.
- Dovidio, John F. (2001); On the Nature of Contemporary Prejudice: The Third wave. *Journal of Social Issues*, Vol. 57, No. 4: 629-849.
- Glick , P & Fiske, S. T. (1999); Gender, power dynamics and Social interaction. In M.feree, J. Lovicer, & B. B. Hess (Eds) *Revisiuning gender*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hamilton David L. et al (2009); The Role of Ethnicity in Stereotyping processes and parameters. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
- Hirschfeld, L. A (2001); On a Folk Theory of Society: Children , Evolution, and Wental Representation of Social Groups, *Personality and Social Psychology Review*, s, 107-117.
- Jahoda (2001); Beyond Stereotypes, *Culture & Psychology*, 7: 181-197.
- Jussim, Lee, et.al (2009); The unbearable Accuracy of Stereotypes. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
- Locke, Vance and Lucy Johnston (2001); Stereotyping and Prejudice: A Social Cognitive Approach. In *Understanding Prejudice, Racism and Social Conflict*, Edited By Martha Augoustinos and Katherine J. Reynolds. London: Sage.
- Madon, Stephanie et.al (2001); Ethnic and National Stereotypes: The Princeton Trilogy Revisited and Revised, *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol, 27. NO. 8, August: 996-1110.
- Mead, G. H. (1967); *Mind, Self, and Society from the Standpoint of a Social Behaviorist Chicago*, Chicago: The University Of Chicago Press.
- Norval, Aletra J (2003); The Politics of Ethnicity and Identity. In: *Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge. Cambridge University Press.
- Schneider, David J. (2004); *The Psychology of Stereotyping*, New York: The Guilford press.
- Siebers, Tobin (2005); Disability Studies and the Future of Identity Politics. In: *Identity Politics Reconsidered. Edited by Linda Martin Alcoff and Others*, Macmillan: Palgrave.
- Stangor, Charles (2009); The Study of Stereotyping, Prejudice and Discrimination with in Social Psychology: A Quick History of Theory and Research, in: Nelson, Todd (2009). *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, NewYork: Psychology press.
- Stroebe, W. and Insko, C.A. (1989); Stereotype, Prejudice and Discrimination, in; Bar-Tal, D. et.al (Eds.), *Stereotyping and Prejudice: Changing Conceptions*, NewYork: Springer-Verlag: 3-34.
- Tajfel, H. (1981); *Human Groups and Social Categories*, New York: Cambridge University Press.
- Turner, John (1987); *Rediscovering the social group A: self-Categorization Theory*, Oxford, UK: Blackwell.

هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

* میثم بلباسی

E-mail: Belbasi.Meisam@yahoo.com

** شهرام اسفندیاری

E-mail: Shahram_Esfandiyari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

چکیده

در باب الگوهای بدیل پیشرفت کنکاش های علمی بسیاری صورت گرفته است، اما یکی از حوزه های مغفول، حوزه ارتباط وثیق هویت با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می باشد. از این رو، بیان الگویی از هویت متناسب با روح جامعه ایرانی که زمینه ساز شکل گیری هویتی واحد، انسجام ملی و نهایتاً پیشرفت می شود، امری ضروری است. با این تفاسیر، سؤال اصلی مقاله این است که الگوی هویتی متناسب با الگوی بومی پیشرفت در قانون اساسی ج.ا.ایران دارای چه ابعاد و شاخص هایی است؟ دستاوردهای تحقیق نشان از این دارد که الگوی هویتی مطلوب در قانون اساسی، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی (با مؤلفه هایی چون ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم توسط دولت، دین اسلام و مذهب شیعه، توجه به امت اسلامی، اعتقاد به ولایت فقیه) هویت ایرانی (با مؤلفه هایی چون آمیختگی اسلام و ایران، زبان مشترک، خط مشترک، پذیرش فرهنگ های محلی، پرچم کشور، معتبر شناختن تاریخ هجری شمسی، توجه به میراث فرهنگی و نفایس ملی ایران به عنوان دارایی های معنوی ملت، سرزمین مشترک) و هویت مدرن (با مؤلفه هایی چون استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری، تربیت افراد ماهر برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار) می باشد که می تواند مسیر پیشرفت و تعالی مطلوب را در بستر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت سرعت بخشد. برای پاسخ به سؤال مقاله از روش تحلیل محتوا بهره گرفته می شود.

کلید واژه ها: الگوی بومی پیشرفت، هویت اسلامی، هویت ایرانی، هویت مدرن، قانون اساسی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مقدمه و طرح مسأله

بی‌تردید یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در جهان جدید، توسعه و پیشرفت است؛ موضوعی که به تدریج در قرن بیستم و به‌ویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به دغدغه مشترک اکثر کشورهای توسعه‌نیافته درآمد. برای پاسخگویی به این دغدغه مهم، الگوهای مختلف توسعه شکل گرفت. امروزه ادبیات توسعه، دربرگیرنده همین الگوها، نظریه‌ها و اهدافی است که در پی توضیح چگونگی پیشرفت کشورها است. در عین حال باید تأکید کرد که هر جامعه‌ای برای رسیدن به جایگاه مناسب و کسب پیشرفت باید الگویی متناسب با شرایط و ویژگی‌ها، استعدادها، امکانات و الزامات بومی خود در عرصه‌های گوناگون طراحی و انتخاب نماید. به عبارت دیگر نمی‌توان برای وصول به هدف توسعه ملی و تاریخی، صرفاً مدلی یک‌بُعدی را مدنظر قرار داد زیرا چنین توسعه‌ای نامتوازن و ناهمگون خواهد بود. طرح بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری، بیان‌کننده این مهم است که برای جامعه ایران که به دنبال تمدن‌سازی نوین اسلامی و ایرانی است، پیشرفت باید دارای ابعاد گوناگون و مطابق با نیازها و شرایط بومی باشد. از این‌رو در جهت ساخت‌مند نمودن این مهم، الگویی کامل و همه‌جانبه ضروری است؛ الگویی که بر انگاره‌ها و اهداف جامعه ایرانی شکل گیرد. بدیهی است طراحی چنین الگویی مستلزم در نظر گرفتن الزامات خاصی است (درخشه، ۱۳۹۲: ۱). برای این که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در جامعه تحقق یابد، باید بعضی شرایط مهیا شود و الزامات نهادی، فرهنگی و هویتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، معنوی و رفتاری ویژه‌ای برپا گردد. یکی از الزامات مهم این الگو، ابعاد فرهنگی و هویتی آن است که مغفول واقع شده است. یعنی این که جامعه برای رسیدن به پیشرفت، نیازمند یک الگوی هویتی متناسب با فرهنگ و شرایط و اقتضائات جامعه خود است تا بتواند با اتکاء بر هویت خود به سمت پیشرفت و توسعه گام بردارد و دچار ازخودبیگانگی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی و نیز بحران هویت نشود. از این‌رو، بیان الگویی از هویت متناسب با روح جامعه ایرانی که زمینه‌ساز شکل‌گیری هویتی واحد، انسجام ملی و نهایتاً پیشرفت می‌شود، امری ضروری است. در اغلب موارد کشورهای درحال توسعه در مسیر حرکت به سمت توسعه، ناکام و با شکست مواجه می‌شوند. یکی از مهم‌ترین علل آن، این است که از یک الگو و مدل تجویزی غیربومی (مدل غربی توسعه) بهره می‌گرفتند که با ساختارها، نهادها و مبانی فرهنگی و هویتی کشورشان هیچ‌گونه تناسب و سازگاری نداشت و آنها را دچار بحران هویت می‌کرد.

پیشرفت در تمامی ابعاد آن نیازمند بسترهای فرهنگی مناسب می‌باشد. با این تفاسیر مقاله حاضر مترصد است که به بررسی جایگاه «هویت مطلوب» در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پردازد. یا به عبارتی دیگر، به این مهم پردازد که برای الگوی پیشرفت چه الزاماتی در سطح هویتی وجود دارد.

سؤال اصلی پژوهش

هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت، با رویکردی بر قانون اساسی ج.ا.ایران چگونه است؟ و دارای چه ابعاد و شاخص‌هایی است؟

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت، براساس قانون اساسی ج.ا.ایران به‌عنوان نقشه راه و یک سند بالادستی، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن با مؤلفه‌های مختلف است که در آن هویت اسلامی، مؤلفه اصلی و اساسی می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای و براساس ماهیت و روش، اسنادی - تحلیلی است. هم‌چنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل محتوا بهره گرفته می‌شود.

تکنیک گردآوری اطلاعات و حوزه پژوهش

فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی می‌باشد؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک (قانون اساسی)، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود. در کنار این منابع از منابع اینترنتی و مجازی معتبر نیز استفاده می‌شود. حوزه پژوهش حاضر، به لحاظ مکانی شامل کشور ایران و به لحاظ زمانی دهه چهارم انقلاب اسلامی (دهه عدالت و پیشرفت)، و به لحاظ موضوعی بررسی ابعاد و شاخص‌های هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت، با رویکردی بر قانون اساسی ج.ا.ایران است.

مبحث نظری (رابطه فرهنگ و هویت با توسعه)

نخستین مفهومی که به همراه هویت و نیز در هویت‌شناسی به کمک ذهن می‌آید، مفهوم پُر رمز و راز فرهنگ است. در واقع، شناخت تعریف و فهم کارکرد هویت، در گرو شناخت ماهیت و کارکرد فرهنگ است. از نظر لغوی فرهنگ به معنای پروراندن و تعالی بخشیدن است (رفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۲۹۵). توسعه را به مثابه درختی دانسته‌اند که ریشه آن را «فرهنگ» و غذای آن را «آموزش» و «سرمایه» تخصیص یافته به فعالیت‌های توسعه‌ای تشکیل می‌دهد (جعفرپور، ۱۳۹۰: ۴۳). توسعه، واژه‌ای پیچیده و چندبُعدی است که از نظر مفهومی با تغییرات و تحولات تاریخی فراوانی مواجه بوده است. گاهی به مدرن‌شدن و گاهی به غربی‌شدن تعریف شده است؛ بنابراین برخی فرآیند توسعه را نوعی «مهندسی اجتماعی» می‌نامند؛ اما با آشکار شدن آثار و پیامدهای ناخواسته چنین برداشتی از فرآیند توسعه و مهندسی اجتماعی، تغییر در مفهوم توسعه، متناسب با فرهنگ بومی ملت‌ها و با تأکید بر عناصر غنی و آموزنده‌های مساعد فرهنگ، ضرورتی انکارناپذیر بوده است. میردال توسعه را به مفهوم ارتقای نظام اجتماعی در کلیت آن تعریف می‌کند و معتقد است که رشد اقتصادی تنها یک جنبه خاص از این تحول همه‌جانبه اجتماعی را دربر می‌گیرد. بنابراین کشورهای توسعه‌نیافته برای توسعه خود نیازمند اصلاحات مؤثر، گسترده و همه‌جانبه‌ای هستند که باید به وسیله خود این کشورها و مبتنی بر شرایط خاص هر کدام صورت گیرد (موحدی، ۱۳۹۰: ۱۴). توسعه به‌عنوان یک مفهوم متعالی، دستاورد بشری و پدیده‌ای چندبُعدی است و فی‌نفسه یک مسلک به حساب می‌آید. توسعه به دلیل این که دستاورد انسان محسوب می‌گردد، در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پُرثمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین توسعه، دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است (نظرپور، ۱۳۷۸: ۴۵). به‌طورکلی اهمیت فرهنگ را می‌توان در دو جنبه خلاصه کرد. نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. در زمینه نقش فرهنگ در موجودیت جامعه باید گفت، حوزه نفوذ فرهنگ به همه ابعاد زندگی بشر کشیده شده است و همه ویژگی‌های غیرفیزیکی و متمایزکننده انسان‌ها از یکدیگر و نیز همه ویژگی‌های متفاوت جوامع در فرهنگ آنها نهفته است (عزتی، ۱۳۷۵: ۹). فقدان توسعه فرهنگی در فرآیند توسعه با وجود ظهور ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، موجودیت توسعه را به چالش می‌کشاند. بی‌شک بالاترین و

والا ترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد (نوبخت، غلامی‌نتاج و میراحسنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶). هویت به‌عنوان عامل کنترل‌کننده توسعه، تضمین‌کننده پایداری فرهنگی است و می‌تواند موجبات پیشرفت را فراهم کند (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۱۱). شاید پُرننگی نقش فرهنگ و هویت از منظر رهبران نظام جمهوری اسلامی را باید در نوع نگاه متفاوت آنها به مقوله فرهنگ و هویت فرهنگی جستجو نمود. زیرا در این نگاه «اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسان از واقعیات و حقایق عالم و نیز خُلقیات فردی و خُلقیات اجتماعی و ملی ... بنابراین به نظر ما مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک مملکت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست» (نوبخت، غلامی‌نتاج و میراحسنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

توسعه، حاصل فعالیت‌های عمدتاً بومی و همراه با آگاهی تک‌تک افراد از موقعیت و وضع توسعه است که بایستی اساس یک توسعه جامع قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تحقق توسعه در هر جامعه، شرایط فرهنگی آن جامعه است. به‌طور کلی از دو نوع توسعه می‌توان نام برد؛ اول، توسعه براساس الگوی برون‌زا و دوم، توسعه با استفاده از الگوی درون‌زا است. منظور از الگوی توسعه برون‌زا، الگوهای توسعه‌ای است که از سوی جوامع دیگر برای جامعه‌ای ارائه می‌شود که این نوع از الگوی توسعه، متناسب با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی کشورها ارائه شده است. مقصود از الگوی توسعه درون‌زا، الگویی است که متناسب با مقتضیات فرهنگی یک کشور بوده و طراحی آن در درون آن جامعه صورت گرفته باشد (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۱۳). بحثی را که در این جا مطرح است می‌توان تحت عنوان «حفظ هویت فرهنگی» مطرح کرد. یعنی توسعه را به شرط حفظ عناصر فرهنگی و هویتی تجربه کنیم. اهمیت این موضوع بدین جهت است که شاکله اصلی تمام فعالیت‌های نظام یک کشور از ماهیت فرهنگی و هویتی آن رنگ می‌گیرد. به عبارتی دیگر حفظ یک نظام گرچه به ظاهر، بستگی به پویایی و استقلال فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی دارد، لیکن نحوه فعالیت در اقتصاد و یا سیاست‌گذاری در بخش‌های دیگر متأثر از فرهنگ و هویت آن نظام اجتماعی است. بنابراین اگر ارزش‌هایی که الگوی توسعه مدنظر دارد، با ارزش‌های متعالی حاکم بر جامعه همسو نباشد، جامعه همواره با تنش‌ها و بحران‌های خاصی مواجه می‌شود؛ زیرا اگر این الگوها و ارزش‌های حاکم بر آن، مورد پذیرش انسان که عامل توسعه است، قرار نگیرد، نمی‌تواند مشارکت عمومی مردم را که عنصری حساس در توسعه است،

جلب کند. از این رو فرجامی چون شکست نخواهد داشت. با اطمینان می‌توان گفت الگوی توسعه‌ای که هماهنگ با شرایط و مقتضیات هر کشور شکل می‌گیرد، مختص به همان کشور است و قابل انتقال به کشور دیگر نیست. یعنی یک الگوی رشد و توسعه اقتصادی ممکن است از هر جهت در یک اقتصاد پیشرفته صنعتی، صحیح و کارآمد باشد، اما همین الگو در یک جامعه توسعه‌نیافته که بیشتر مبتنی بر اقتصاد کشاورزی است، ناصحیح بوده و کاربردی نداشته باشد (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۱۴).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱- زمینه‌ها و بسترهای طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱-۱- **عدم پیشرفت ایران براساس مدل‌های توسعه غربی:** کاربست غیرانتقادی الگوهای مسلط غربی در قالب سیاست‌های توسعه‌ای مانند گفتمان اراده تغییر اجتماعی (مشروطیت)، گفتمان نوسازی دولت‌محور (رضاشاه)، گفتمان توسعه اقتصادی - اجتماعی شبه‌غربی (محمدرضاشاه) و گفتمان برنامه‌های توسعه پنج‌ساله (بعد از انقلاب)، بدون توجه به شرایط و مقتضیات ایران، باعث ناکارآمدی این سیاست‌ها و در نتیجه توسعه‌نیافتگی ایران شده است. زیرا همه این سیاست‌ها (حتی بعد از انقلاب) ریشه در الگوهای مسلط غربی داشت (هزاوه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

۱-۲- **عدم تطابق و انقطاع بین سیاست‌ها در ایران:** یکی از جدی‌ترین معضلات کشور طی سال‌های گذشته، عدم تطابق و انقطاع بین سیاست‌ها، برنامه‌های پنج‌ساله، قوانین بودجه و برنامه‌های عملیاتی بوده است، لذا سند الگوی پیشرفت به‌عنوان سند بالادستی همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و همچنین جهت ریل‌گذاری و جاده‌سازی حرکت آینده کشور طراحی و تدوین شده است (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۲۰).

۱-۳- **تفاوت نگاه جامعه غربی و نگاه اسلام به انسان:** در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کام‌جویی، بهره‌مندی از لذایذ زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است. اما در مقابل، انسان در الگو و نگاه اسلامی، موجودی است هم طبیعی (مادی) و هم الهی (معنوی)؛ دو بُعدی است. در جهان‌بینی اسلام، ثروت، قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

۱-۴- **رواج فرهنگ‌های غربی هم‌نشین با مدل‌های توسعه غربی:** وقتی که الگوهای توسعه غربی و شاخص‌های آن را به ما تحویل می‌دهند، در لابه‌لای آن

چیزهایی است که دیگر آنها جزء شاخص‌های پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند، که این صادر کردن فرهنگ مخالف (مصرف‌گرایی، بی‌اخلاقی، لذت‌گرایی) با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

۱-۵- تفاوت پیشرفت مورد نظر ما با توسعه غربی: از نظر اسلام پیشرفت فقط

مادی نیست و وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان است. عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را تضمین می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۸). اما پیشرفت مورد نظر غرب، فقط پیشرفت مادی و فیزیکی است.

۱-۶- ناکامی برنامه‌های توسعه در غرب: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی

ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند؛ به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه (اسارت، تحقیر، استعمار، جنگ) کردند. در داخل خود این کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده است؛ بنابراین موفق نیست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵). از دیگر نتایج منفی الگوهای توسعه غربی، می‌توان به شکل‌گیری نظام‌های سیاسی مستبدانه (فاشیسم، نازیسم، کمونیسم)، فقدان عدالت و آرامش و ساخت بمب اتمی اشاره کرد. هم‌اکنون اکثر کشورهای غربی دچار مشکلات حاد اقتصادی و شکاف طبقاتی می‌باشند.

۱-۷- واحد نبودن الگوی پیشرفت برای همه کشورها: هر کشوری با توجه به

اقتضائات سیاسی، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، جغرافیایی و انسانی ... خود، می‌تواند در ایجاد مدل پیشرفت بومی گام بردارد. لذا ممکن است یک الگوی پیشرفت برای کشوری مناسب و برای کشوری دیگر نامناسب باشد.

۱-۸- حضور نداشتن نخبگان ایرانی و استفاده از آنان: اکثر نظریه‌پردازی‌های

توسعه در جهان، که به‌عنوان الگوی توسعه برای دیگر کشورها از جمله ایران تجویز شده است، توسط نظریه‌پردازان غربی همچون رستو، لرنر، آلموند، والرشتاین و هانتینگتون و... که به بدنه حاکمیت سیاسی غرب تعلق دارند، صورت گرفته است. درحالی که کشور ایران از ظرفیت بالایی در استعدادها برتر و نخبگان علمی حوزوی و دانشگاهی برخوردار است که می‌توانند در طراحی و تدوین الگوی بومی پیشرفت متناسب با شرایط جامعه ایران مشارکت داشته باشند.

شکل شماره ۱: نمای کلی پیشرفت اسلامی - ایرانی



(بی نام، ۱۳۹۰: www.khamenei.ir)

۲- مفهوم‌شناسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱-۲- مفهوم‌شناسی الگو در این ترکیب اصطلاحی: الگو عبارت است از یک مجموعه قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و تمام مواردی شبیه به این که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی بوده که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست پیدا کند (سیف‌الدین، ۱۳۸۸: ۶). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگویی شامل نظریه با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت، که باید ایجاد شود، می‌پردازد. نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت به صورت و تجربه است و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هر ساختاری است که به تفسیر این نظریه می‌پردازد، به گونه‌ای که همه جملات نظریه در آن صدق کند و صحیح باشد (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۶۱).

۲-۲- مفهوم‌شناسی اسلام در الگوی پیشرفت: واژه اسلامی در بدنه این ترکیب به این معنا است که مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی بر این الگو تأثیرگذار است و اسلام و آموزه‌های آن یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود (علی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲). مقام معظم رهبری در باب اسلامی بودن الگو می‌فرماید: «این الگو مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام است. به عبارت دیگر غایات،

اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار همه از اسلام مایه خواهد گرفت. یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم ... بنابراین اسلامی همه به این معنا است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۲-۳- مفهوم‌شناسی ایرانی در الگوی پیشرفت: ایران به‌عنوان یک کشور دارای سرزمینی پهناور، با تاریخی کهن و مردمی با ضریب هوشی بالاتر از میانگین جهانی، از نظر جغرافیایی دارای آب و هوایی متنوع و با دو دریای شمال و جنوب، برخوردار از ذخایر عظیم گاز و نفت، از نظر انسانی دارای زبان مستقل، با سابقه طولانی در تأثیرگذاری بر فرهنگ و زبان منطقه‌ای وسیع از خاورمیانه و شبه‌قاره هند است. طراحان این الگو باید این ویژگی‌ها را در الگو مدنظر قرار دهند، از این‌رو الگو بومی می‌شود. به‌علاوه طراحان این الگو، نخبگان و متفکران ایرانی هستند (صنم‌زاده، ۱۳۹۲: ۴). مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی ایرانی بودن الگو می‌فرماید: «شرایط تاریخی، شرایط زمانی و مکانی، شرایط جغرافیایی، شرایط انسانی و فرهنگی، شرایط اقلیمی و طبیعی، شرایط جغرافیایی سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۲-۴- مفهوم‌شناسی پیشرفت در این ترکیب اصطلاحی: پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، تبیین وضعیت مطلوب، راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت دست‌کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز، جهان‌بینی حاکم بر این الگوها است، چیزی که از آن با عنوان «متاپارادایم الگوهای توسعه» یاد می‌شود (قربی، ۱۳۹۲: ۴). مقام معظم رهبری در تفاوت واژه پیشرفت با توسعه غربی می‌فرماید: «نکته اول این است که ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه غربی به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد اما در نظام واژگانی ما، پیشرفت معنای خاص خودش را دارد، که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب نایستی اشتباه شود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی با همان مختصات و با همان شاخص‌ها نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷). بنابراین، پیشرفت به اعتقاد ما عبارت است از: «حرکت رو به جلو و رو به کمال انسان، که مشتمل بر تمام ابعاد وجودی انسان، به طور متوازن و متناسب باشد» (شبان‌نیا، ۱۳۸۹: ۸).

۳- اصول و عناصر پیشرفت از منظر قانون اساسی ج.ا.ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۷۷ اصل دارد که در چهارده فصل تنظیم شده است. اصول مختلفی از این قانون به آرمان‌ها و اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی ج.ا.ایران جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادگی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است. در قانون اساسی عدالت اجتماعی بر رشد اقتصادی تقدم دارد. در این قانون رفع فقر و محرومیت و تأمین نیازهای انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. جامعه آرمانی مورد نظر قانون اساسی به حاکمیت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد. در بخش حاضر اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی مرتبط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران از محتوای یکی از مهم‌ترین اسناد فرادستی نظام، یعنی قانون اساسی ایران، به‌عنوان یک نظام معرفتی و یک نقشه راه، استخراج و در قالب جداول زیر بیان می‌شود (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

جدول شماره ۱: اصول پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت موجود در قانون اساسی ج.ا.ایران

مقوله	مستندات (اصول قانون اساسی)
دین‌محوری حاکمیت	اصول ۱ و ۲ و ۵ و ۵۷ و ۱۱۰ و ۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۲ و ۱۳ و ۸۵ و ۹۱ و ۹۴ و ۱۱۰ و ۱۰۷ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا ۱۱۴
کرامت انسانی	اصول ۲ و ۱۴ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۱۵۴ و ۴۳ تا ۵۵
امنیت	اصول ۲ و ۳ و ۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۲ و ۴۰ و ۶۱ و ۹۰ و ۱۵۴ و ۱۷۶ و ۸۲
عدالت	اصول ۱ و ۲ و ۳ و ۲۰ و ۲۷ و ۱۴ و ۱۵۴
آزادی	اصول ۲۴ و ۲۷ و ۴۲ و ۹ و ۲ و ۳ و ۲۰
رفاه	اصول ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۴۳ تا ۵۵ و ۱۰۰ تا ۱۰۶
قضیه	اصول پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات قانون اساسی با دین‌محوری حاکمیت، کرامت انسانی، امنیت، عدالت، آزادی و رفاه رابطه دارد.

(خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۴)

جدول شماره ۲: عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت موجود در قانون اساسی ج.ا.ایران

مقوله	مستندات (اصول قانون اساسی)
علم محوری	اصول ۲ و ۳
مردم سالاری دینی	اصول ۶ و ۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۲ و ۷۲ و ۱۰۷ و ۱۰۹ و ۱۱۱ و ۱۱۴ و ۱۰۰ تا ۱۰۶
سرمایه	اصول ۸ و ۳ و ۱۰ و ۲۱
وحدت	اصول ۲ و ۱۱ و ۹ و ۳
هویت اسلامی - ایرانی	اصول ۱۴ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۱
تعامل سازنده روابط بین الملل	اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۵۴ و ۱۱
قضیه	عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات قانون اساسی با علم محوری، مردم سالاری دینی، سرمایه، وحدت، هویت اسلامی - ایرانی و تعامل سازنده روابط بین الملل رابطه دارد.

(خوش چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۵)

چیستی هویت، انواع و مؤلفه‌های آن

همواره پرسش از کیستی و هویت افراد، گروه‌ها و ملت‌ها و پرداختن به مسأله هویت امری همیشگی میان انسان‌ها در شکل فردی یا جمعی آن بوده و دغدغه اصلی بشر را تشکیل می‌دهد. هویت امری ذاتی و پیش ساخته نیست، بلکه یک سازه است؛ زیرا اولاً از جنس معناست و ثانیاً متضمن تقسیم و تخصیص موقعیت‌ها و منابع است (رهبری، ۱۳۸۸: ۱۵). هویت دو معنای اصلی دارد، اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز برمی‌گردد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). هویت در اصطلاح به معنی مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه مؤلفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. هویت یعنی وجه اختصاصی هر فرد یا گروه و وجه اختصاصی‌ای که در من است و در هیچ انسان دیگر نیست (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۲). هویت از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی برمی‌آید. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. برآورده شدن این نیاز،

«خودآگاهی فردی» را در انسان سبب می‌شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت بومی یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می‌کند. هویت اجتماعی که از رابطه فرد با اجتماع حاصل می‌شود، می‌تواند انواع گوناگونی را به لحاظ جایگاه و اهمیت دربرگیرد.

هویت جمعی یا اجتماعی می‌تواند به مراجع مختلف (مکان‌ها، سرزمین‌ها، طبقات، گروه‌های سنی، جنسی، معلولیت و...) منسوب و مربوط شود، اما یکی از مهم‌ترین انواع یا ارجاعات یا منابع هویت جمعی یا هویت اجتماعی، ملت است که موجب طرح مفهوم ملیت و هویت ملی می‌شود. دیوید میلر با تأکید بر عنصر باورهای مشترک برای شکل‌گیری هویت ملی، اصرار دارد که ایستارها و باورهایی که ملت را می‌سازند، اغلب در لایه‌های عمیق‌تر ذهنی پنهان هستند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۶۰). براساس طبقه‌بندی سه‌گانه از هویت یعنی هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت ملی، عالی‌ترین سطح هویتی برای هر فرد بشری، هویت ملی است و معمولاً از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد، زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد، نقشی تعیین‌کننده دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷). برای تمام ملت‌های جهان، هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است که فقدان آن به منزله مرگ خواهد بود. هویت ملی نوعی هویت اجتماعی در یک سطح خیلی گسترده به نام ملت است. هویت ملی هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میدان ملل دیگر است.

برویبکر معتقد است ملت‌گرایی یک جبر و نیرو نیست تا به یک عامل طغیان‌کننده یا پسرورنده در نظر گرفته شود. ملت‌گرایی مجموعه ناهمگنی از ملت، با زبان و لهجه‌های خاص، شیوه‌ها و احتمالات است که به‌طور دائم و پیوسته در دسترس قرار دارند یا در زندگی سیاسی و فرهنگی مدرن، بومی (مختص یک ملت) هستند (برویبکر، ۱۹۹۶: ۱۰). در باب عناصر سازنده هویت ملی، همان‌گونه که از تعریف هویت ملی برمی‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد (زهیری، ۱۳۸۱: ۲۰۱). می‌توانیم خصیصه‌های بنیادی هویت ملی را به صورتی که در ادامه آمده فهرست کنیم:

۱- دین
۲- یک قلمرو تاریخی یا وطن

- ۳- خاطره‌های تاریخی و اسطوره و افسانه‌های مشترک
 - ۴- یک فرهنگ ملی همگانی و غنی
 - ۵- حقوق قانونی مشترک برای همه اعضا
 - ۶- یک اقتصاد مشترک با تحرک و پویایی داخلی برای اعضا
- بنابراین ملت را می‌توان به‌عنوان جمعیت انسانی مشخصی که دارای قلمرو تاریخی، خاطرات تاریخی و افسانه‌های مشترک، یک فرهنگ ملی و غنی، یک اقتصاد مشترک با تحرک و پویایی داخلی برای اعضا هستند تعریف کرد (اسمیت، ۱۹۹۱: ۱۴).

یافته‌های پژوهش (الگوی هویتی مطلوب با رویکردی بر قانون اساسی ج.ا.ایران)

واژه هویت در سرتاسر قانون اساسی فقط یک‌بار در مقدمه این قانون ذکر شده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازمی‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود» (منصور، قانون اساسی: مقدمه: ۲۱). ترکیب هویت اصلی با توجه به کلمه بازیابی بدین معناست که عوامل مختلف، هویتی عارضی را بر مردم ایران تحمیل کرده و یا مردم را از هویت اصلی‌شان دور ساخته و درصدد تخریب هویت ملی ایرانیان برآمده‌اند، اما ملت از طریق انقلاب دست به ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی زده است تا هویت اصلی خویش را بازیابد. این گزاره یادآور ادبیاتی است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی درباره خودیابی، تکیه بر اصالت‌های خویشتن اسلامی و شرقی و احیای هویت فرهنگی طرح نموده‌اند (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۶۵). از دهه آخر حکومت پهلوی به بعد تا پیروزی انقلاب اسلامی، با غلبه گفتمان هویتی تازه‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توان آن را به اعتبار مختلف گفتمان خودیابی، بازسازی یا بازگشت به خویش یا اصلاح‌گرایانه نامید. در میان متفکران و روشنفکرانی که صورت نوعی این گفتمان را عرضه کرده‌اند، جلال آل‌احمد و علی شریعتی جایگاه برجسته‌ای دارند (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۱۳). براساس دلایل تاریخی، هویت ایرانیان از چندین لایه تشکیل می‌شود. در دهه اخیر، از میان این لایه‌ها، همواره بر سه لایه مهم و برجسته تأکید بیشتری شده است که شامل لایه‌ای از فرهنگ و هویت اسلامی، لایه‌ای از فرهنگ و هویت ایرانی و لایه‌ای از فرهنگ و تمدن جهانی می‌شود. حال باید دید که نویسندگان قانون اساسی برای هویت ملی ایران چندلایه برشمرده‌اند.

با مطالعه مقدمه و اصول قانون اساسی می‌توان دریافت که در این قانون، هویت ملی تک‌لایه تلقی نشده است. در ادامه به بررسی اصل‌هایی از اصول قانون اساسی می‌پردازیم که به نوعی نشان‌دهنده سطوح و لایه‌های مختلف هویت ملی ایرانی هستند.

۱- لایه هویت اسلامی

یکی از مهم‌ترین و پُررنگ‌ترین لایه هویت ملی، لایه هویت اسلامی است که نمود آن در مقدمه و اصول قانون اساسی ج.ا.ایران به خوبی نمایان است. به عبارتی دیگر ضوابط و قوانین اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت، پایه اصلی قانون اساسی و هم‌چنین هویت ایرانیان را تشکیل می‌دهد. بخش مهمی از برداشت ما درباره خود و دیگران، حاصل اعتقادات و باورهای دینی مان است. یکی از منابع شکل‌دهنده رفتارها و باورهای ما، آموزه‌های دینی هستند. هویت دینی، هنگامی معنادار است که براساس خودآگاهی صورت گرفته باشد (نصری، ۱۳۸۷: ۱۹). شهید مطهری دین را مهم‌ترین مؤلفه و بنیاد هویت ملی ایرانی معرفی می‌کند. از نظر وی برای یافتن مقوم اصلی ملیت و هویت ایرانی و ملی، باید بر عنصر مهمی چون دین و مذهب تکیه کرد (قربانی، ۱۳۸۳: ۸۰). در اصول اول تا پنجم، یازدهم، دوازدهم، نود و چهارم، صد و نهم و... بر این امر تأکید شده است، که در اینجا چند اصل مهم بیان می‌شود:

- «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به آن رأی مثبت داد» (منصور، قانون اساسی: اصل اول: ۲۷).

- «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریح، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» (منصور، قانون اساسی: اصل دوم: ۲۷).

- «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و...» (منصور، قانون اساسی: اصل سوم: ۲۹). مطهری معتقد است مردم ایران بیش از هر ملت

دیگر به روح و معنی اسلام توجه داشتند. آن چیزی که بیش از هر چیز دیگر روح تشنهٔ ایرانی را به سوی اسلام می‌کشید عدل و مساوات اسلامی بود (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۱).

- «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد» (منصور، قانون اساسی: اصل چهارم: ۳۱).

- «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت برعهدهٔ فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مُدبّر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد» (منصور، قانون اساسی: اصل پنجم: ۳۱). اصل یکصد و نهم و اصل یکصد و دهم نیز به ترتیب به شرایط و صفات رهبر و وظایف و اختیارات رهبر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول هویت اسلامی که منبعث از نظریهٔ ولایت فقیه حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد، می‌پردازد.

- «به حکم آیهٔ کریمه (ان هذه امتکم امة واحد و انا ربکم فاعبدون) همهٔ مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران مؤظف است سیاست کلی خود را بر پایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد» (منصور، قانون اساسی: اصل یازدهم: ۳۴).

- «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است» (منصور، قانون اساسی: اصل دوازدهم: ۳۴). دین اسلام توسط نویسندگان مختلف به‌عنوان پایهٔ مهمی از هویت ملی ایران تلقی می‌شود. وجود احساسات مذهبی و ترکیب تقریباً نود و هشت درصدی مسلمانان ایران و تحولاتی که این دین در طول تاریخ ایران به وجود آورده، مؤید این ادعاست که اسلام یکی از ارکان مهم هویت ملی ایران می‌باشد (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

با توجه و بررسی اصول بالا می‌توان فهمید که قانون‌گذاران بر اصول و مفاهیمی تأکید می‌کردند که مبتنی بر اسلام و ارزش‌های اسلامی بود که به نوعی هویت اسلامی ایرانیان را شکل می‌داد. برای مثال دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری اعلام شده است و بر توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همهٔ مردم تأکید کرده است. جمهوری اسلامی مؤظف است با الهام از تعالیم اخلاق اسلامی با سایر ادیان رفتار نماید. بدین معنی که حکومت بر مبنای احکام اسلامی اداره می‌گردد و ایدئولوژی و معیار سنجش امور، ضوابط اسلامی است. در این راستا مشروعیت نظام و حکومت در شکل‌گیری و تطابق مقررات آن با موازین اسلامی است و هم‌چنین «ولایت فقیه» که برآمده از ولایت رسول‌الله و امامان معصوم (ع) است، در قانون اساسی مطهری برای هویت اسلامی ایران تلقی می‌گردد. محتوای نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصول

فکری و عقیدتی اسلام استوار گردیده است، به نحوی که صراحتاً در اصول قانون اساسی بر آن تأکید شده است. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ محتوای اسلامی خود مسلمانان را اُمت واحده می‌داند. در اسلام مهم‌ترین معیار برای همبستگی، اعتقادات دینی است، لذا مرزهای جغرافیایی، جداکننده مسلمانان از یکدیگر نخواهد بود. چنین وجه اشتراکی اقتضاء دارد که در مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، وحدت و تشریک مساعی وجود داشته باشد که بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و مبارزه با نفوذ استعمار، اجانب، استبداد و خودکامگی توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد.

در مقدمه قانون اساسی نیز عبارات و مفاهیمی مانند: «اصول و ضوابط اسلامی، مکتبی و اسلامی بودن، خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز، ضرورت پی‌گیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی، طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه، ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی خواست دیرینه مردم مسلمان، جهان‌بینی اصیل اسلامی، موازین اسلامی جامعه نمونه (أسوه)، محتوای اسلامی انقلاب ایران، مدار قرآن و سنت، تشکیل امت واحده جهانی و برنامه اقتصاد اسلامی» وجود دارد که می‌توان از آنها، لایه هویت اسلامی ایران را استنباط کرد.

اسلام مهم‌ترین ستون فرهنگ ملی ایران است. امروزه، ملت ایران به این واقعیت افتخار می‌کند که پس از گذشت چهارده قرن، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم ایرانیان با اسلام آمیخته است. فرهنگ، آداب و رسوم و اعمال اسلامی، بخشی از فرهنگ ایرانیان است و با توجه به این نکته، ملی بودن معادل و همپایه اسلامی بودن است، و این دو جنبه هرگز رو به روی یکدیگر قرار نمی‌گیرند (هالیدی، ۲۰۰۷: ۳۴).

۲- لایه هویت ایرانی

۲-۱- **آمیختگی دو فرهنگ اسلام و ایران:** اکثریت مردم ایران از زمان صفویه به بعد شیعه شدند. حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدنشان یک چیز است. ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم‌گشته خود را در اسلام یافت (مطهری، ۱۳۶۸: ۹۳). در واقع همان‌گونه که از دیدگاه مطهری (ره) برمی‌آید، دو لایه مهم هویت ایرانی عبارتند از: ایرانی بودن، و علاقه و سرسپردگی ایرانیان به اسلام؛ به عبارت دیگر ایران و اسلام دو روی یک سکه‌اند. نزدیکی فرهنگ ایران و اسلام تا بدان‌جا است که امام صادق (ع) برخی از مراسم ایرانی از جمله نوروز را تأیید فرمودند (رضایی و

جوکار، ۱۳۸۸: ۶۸). در اصل شانزدهم قانون اساسی بر آمیختگی دو فرهنگ اسلام و ایران به صراحت تأکید شده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود» (منصور، قانون اساسی: اصل شانزدهم: ۳۶).

۲-۲- زبان، خط فارسی و پذیرش زبان‌های محلی: زبان به‌عنوان نیروی انسجام دهنده، نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد، اما موفقیت زبان در حصول به این مقصود بستگی به جوهره خلاقیت و آفرینندگی فرهنگ و در عین حال سیالیت، پویایی و سازگاری و هماهنگی عناصر تشکیل‌دهنده آن دارد. زبان برای این که قوام‌بخش و دوام‌بخش هویت ملی باشد، باید گذشته از اتصاف به جوهره فرهنگ‌ساز، به‌صورت استاندارد، پویا و درخور توسعه نیز باشد (هرمیداس‌باوند، ۱۳۸۴: ۲۷). قانون‌گذار در اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان فارسی را زبان مشترک ایرانیان می‌خواند. مفهوم این سخن، چنین است که همه ایرانیان از هر طایفه، قوم، دین و مذهب که باشند در شکل‌گیری زبان فارسی سهم داشته‌اند؛ به بیان دیگر این زبان محصول فرهنگی همه ایرانیان است و تعلق به هیچ گروه و جمعیت خاصی ندارد (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۲).

«زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است» (منصور، قانون اساسی: اصل پانزدهم: ۳۶). قانون‌گذار زبان و خط فارسی را به‌عنوان یک عنصر اصلی تمایزبخش، از مؤلفه‌های هویت ملی می‌داند که متعلق به همه ایرانیان است. زبان فارسی دومین زبان اسلام، حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه‌سازی امین برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. زبان پارسی برخلاف آنچه گاهی گفته می‌شود، زبان یک قوم نیست.

۲-۳- تاریخ ایران: تاریخ یکی از عمده‌ترین عناصر سازنده هویت ملی ایران است، چرا که بیانگر آغازین دوران‌های شکل‌گیری روح جمعی و دیرینه بودن هویت ملی ایران است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸۳). تاریخ، آینه احساسات و فرهنگ افراد یک کشور است و شناخت آن، بنیان استواری برای وحدت ملی فراهم می‌آورد. آگاهی از زوایای مختلف شکل‌گیری تاریخ کشور برای آیندگان ضرورت دارد، زیرا گذشته مشترک و

حافظه مشترک تاریخی در بطن خود آرزوها، غم‌ها، شادی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و یادهای مشترک فراوانی را نهفته است که از گران‌سنگ‌ترین رشته‌های پیوند افراد یک ملت به شمار می‌رود. براساس اصل هفدهم قانون اساسی، هجرت پیامبر اسلام را مبدأ تاریخ رسمی کشور اعلام کرده است، لیکن براساس دو تقویم ایرانی و غیرایرانی (اسلامی)، تاریخ‌های هجری شمسی و هجری قمری را معتبر می‌شناسد. البته گزینش این منظومه تاریخی توسط قانون اساسی به معنای نفی تاریخ گذشته ایران نیست؛ بلکه به مفهوم تأکید بر حیات مجدد ملت ایران بر مبنای باورهای اسلامی و ترسیم آینده‌ای دین‌محورانه می‌باشد (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۳).

- «مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (ص) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است» (منصور، قانون اساسی: اصل هفدهم: ۳۷).

۲-۴- سرزمین ایران: جغرافیا و سرزمین یکی دیگر از بنیادهای مهم هویت ملی ایرانی می‌باشد. همه ایرانیان از دوران باستان تاکنون در فلات ایران زندگی کرده‌اند و مرزهای جغرافیایی این فلات هویت‌بخش مکان و بوم‌زیست آنان می‌باشد. آنان در این مکان خود را یافته‌اند و طی قرن‌ها با نوسانات زیست محیطی آن خود را تطبیق داده‌اند. نه تنها در ایران بلکه در بین همه ملت‌ها سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی امروز و تشکیل واحدهای مستقل سیاسی به اندازه‌ای اهمیت یافته است که بررسی هویت ملی بدون در نظر گرفتن آن مطالعه‌ای ناقص خواهد بود (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۳). هیچ جمعیتی بدون داشتن سرزمینی خاص، به عنوان یک «ملت» شناخته نمی‌شوند. سرزمین یکی از عناصر تشکیل‌دهنده «دولت» است. موضوع تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمین ایران در اصول متعدد قانون اساسی، از جمله اصول نهم، هفتاد و هشتم، یکصد و یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و هفتاد و ششم مطرح گردیده و حفظ آن وظیفه دولت و آحاد ملت شناخته شده است.

- «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این‌که یک‌طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند» (منصور، قانون اساسی: اصل هفتاد و هشتم: ۶۲).

- «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است و...» (منصور، قانون اساسی: اصل هفتاد و هشتم: ۶۲).

۲-۵- پرچم ملی ایران: پرچم ملی نماد حاکمیت، متضمن ارزش‌های نهادین استقلال و تشخیص آن در جامعه بین‌الملل است و حیات و پویایی یک ملت را ترسیم می‌نماید. درفش کاویانی قدیمی‌ترین پرچم ایران ذکر شده است (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۴).
- «پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است» (منصور، قانون اساسی: اصل هیجدهم: ۳۷).

۲-۶- میراث فرهنگی ایران: یکی دیگر از عناصر سازنده هویت ملی ایران، میراث فرهنگی ایران می‌باشد. سرزمین، تاریخ، اندیشه دولت آرمانی در آداب و رسوم، سنت‌ها و آیین‌ها و آثار نثر و نظم بسیار متعددی ثبت شده است که می‌توان از آن به مثابه میراث فرهنگی ایران نام برد. میراث فرهنگی ایران، خود از سه رکن آئین‌ها و رسوم (نوروز، شب یلدا، جشن‌های سده و مهرگان)، زبان ملی و دین تشکیل شده است. میراث فرهنگی هم‌چنین کتاب‌ها، مکان‌ها، ابنیه و آثار برجسته‌ای است که درباره تاریخ، گستره سرزمینی، آئین‌ها و سنت‌ها و اندیشه‌های دینی - فلسفی و سیاسی ایران به رشته تحریر درآمده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸۹). در قانون اساسی نیز اصلی در این باره وجود دارد: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی می‌باشد قابل انتقال به غیر نیست، مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد» (منصور، قانون اساسی: اصل هشتاد و سوم: ۶۳).

۳- لایه هویت مدرن

در میان اکثر محققان و نویسندگان ایرانی که به موضوع هویت در ایران توجه داشته‌اند، اشارات مستقیم و مؤکد (یا غیرمستقیم) به نقش و تأثیر غرب، غربی شدن، تجدد، جهانی شدن یا جهانی کردن و مدرنیته در هویت ایرانی وجود داشته و عمدتاً پذیرفته‌اند که فرهنگ و هویت ایرانی در جریان تعاملات تاریخی ایران با کشورهای اروپایی تحت تأثیر قرار گرفته و لایه یا بُعدی جدید به آن افزوده شده است. در واقع، هویت غربی یا متجددانه ابتدا در نقش دگر هویت سنتی قرار داشت، اما به تدریج و با ورود، تثبیت، جذب و هضم در هویت ایرانی، خود جزیی از هویت ایرانی شد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۰۳). جامعه ایران در آغاز قرن دوازدهم با کلیت نظام سیاسی و ایدئولوژی غرب مواجه شد و از آن تأثیر پذیرفت، که رویارویی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غربی سبب شد که سومین لایه هویت ایرانی شکل گیرد. آنچه از نظام آموزشی نوین، شهرسازی، شیوه معماری، نظام اداری، شکل و قالب اداره امور کشور، قانون‌نویسی، دستگاه قضایی

جدید، شکل حکومت، پارلمان، اصل تفکیک قوا و دهها نمونه دیگر داریم، از مظاهر تجدد به شمار می‌رود و تدوین‌کننده قانون اساسی نیز این واقعیت را پذیرفته است. بی‌گمان قیام مردم ایران نه برضد تمدن و تجدد، بلکه علیه استثمار، فحشا، عقب‌نگه داشته شدن و تحقیری بود که هدف و لازمه سیاست‌های آمریکا در ایران تلقی می‌شد. بهره‌گیری از تجارب پیشرفته دنیای جدید و علوم و فنون نوین از راهبردهای مهم در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۰). در متن زیر برخی از اصول قانون اساسی مبتنی بر هویت متجددانه و جهانی را بیان خواهیم کرد:

- «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» (منصور، قانون اساسی: اصل دوم: ۲۸).

- «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر و همچنین تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی» (منصور، قانون اساسی: اصل سوم: ۲۹).

- «استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور» (منصور، قانون اساسی: بند ۷ اصل چهل و سوم: ۴۷).

هویت اسلامی تا جایی که منطبق هویتی آن اجازه دهد، بر روی تغییرات و جذب هویت‌های غیر باز است. این هویت نه تنها امکان جذب ویژگی‌های تجدد را بازمی‌گذارد، بلکه به تقابل با هویت‌های قومی نیز نمی‌رسد. به علاوه، در عصر پیدایش واحدهای فراملی امکان این را نیز فراهم می‌سازد که ایرانیان به پیوندهای مستحکم و گرمی با دیگر مردمان در قلمرو تمدنی خود، یعنی جهان اسلام و همسایگان خویش دست یابند. اما فراتر از اینها اسلام به اعتبار اینکه هویت انسانی و نه قومی یا ملی است، امکانی برای یک جهان جهانی شده بوده و ما را به آینده تاریخ می‌کشاند (کچویان، ۱۳۸۷: ۲۷۹). می‌توان شمای کلی اصول مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی - متجددانه موجود در قانون اساسی ج.ا.ایران را در جدول زیر مشاهده نمود.

جدول شماره ۳: هویت مطلوب در قانون اساسی ج.ا.ایران

مقوله	مستندات (اصول قانون اساسی)
لایه هویت اسلامی	مقدمه و اصول ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۲ و ۹۴ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ...
لایه هویت ایرانی	اصول ۹ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۷۸ و ۸۳ و ۱۰۰ و ۱۵۲ و ۱۷۶
لایه هویت مدرن	اصول ۲ و ۳ و ۴۷

۱۰- الگوی هویتی مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت از دیدگاه مقام معظم

رهبری

در این قسمت پایانی مقاله، بحث را با نظرات مقام معظم رهبری درباره پیشرفت و هویت ملی جمع‌بندی می‌کنیم. ایشان معتقدند ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین و از معنویت و از خدا، پوک می‌شوند؛ هویت خودشان را از دست می‌دهند؛ دچار سرگردانی و حیرت می‌شوند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۳/۳). هر مجموعه انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند. ملیت چیست؟ یک هویت جمعی است که با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است، هم در مقیاس اسلامی چنین تأثیری دارد و هم در مقیاس جهانی مؤثر است؛ یعنی چیزی که دیگر ملیت‌ها هیچ‌کدام اینها را ندارند؛ یک چیز فراملی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۱۲). ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته از همین هویت اسلامی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۶). به نظر مقام معظم رهبری، تعارض میان توسعه و ارزش‌های انقلابی و اسلامی - ایرانی مردود است و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌ها برای ملت ما یک اصل مبنایی است و هدف و انگیزه حضور ما در صحنه کشور نیز همین است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۲/۲۴). یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به کار و ابتکار؛ با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹). این نوآوری‌ها، این پیشرفت‌های علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی، که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می‌شود، به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به وجود آورد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۲/۲۸). آنچه مهم است، حفظ هویت جمعی یک ملت یا یک مجموعه انسانی است، زیر هر نامی. هویت اسلامی - ایرانی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۵). به زعم نویسندگان، حفظ هویت اسلامی - ایرانی نیازمند

- اقدامات و راهکارهایی است که به بعضی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:
- ۱- تقویت محتوای دروس مدارس براساس آموزه‌های اسلامی و ایرانی در راستای تقویت هویت ملی.
 - ۲- انجام کارهای بزرگ علمی و تحقیقاتی، اقتصادی و ورزشی در جهت تقویت شخصیت و هویت ملی.
 - ۳- یادآوری و حفظ خاطرات دوران باشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
 - ۴- استفاده از معماری اسلامی - ایرانی در تعیین ابعاد کالبدی شهرها.
 - ۵- تقویت استقلال سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و ...
 - ۶- تقویت و گسترش زبان فارسی در سطح کل جامعه به‌عنوان زبان ملی در جهت ایجاد همبستگی ملی.
 - ۷- ایجاد تعاملات فرهنگی گسترده با کشورهای اسلامی منطقه در جهت گسترش ایده ایران فرهنگی.
 - ۸- توجه ویژه به میراث فرهنگی و تاریخی کشور و احیاء و معرفی آنها.

شکل شماره ۲: الزامات و راهکارهای الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی



(بی‌نام، ۱۳۹۰: www.khamenei.ir)

نتیجه‌گیری

اتخاذ رویکردها و الگوهای توسعه متنوع در ایران و عدم کارایی همه‌جانبه آنها، تدوین الگوی بومی پیشرفت برای ایران را ضروری ساخت. ویژگی‌هایی چون بی‌عدالتی، رواج بی‌بندوباری، وضعیت نابسامان زنان و مردان، انسان‌گرایی صرف و توجه به ابعاد مادی انسان، رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی و دوری از معنویات به‌عنوان آسیب‌های جدی الگوهای غربی توسعه بودند که زمینه را برای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مهیا کردند. این الگو برای اجرایی شدن به یک سلسله الزاماتی در عرصه‌های گوناگون وابسته است که در آن میان، الزامات فرهنگی و به‌ویژه هویتی برای پیاده‌سازی این الگو از اهمیت برخوردار هستند. در باب الگوهای بدیل پیشرفت کنکاش‌های علمی بسیاری صورت گرفته است، اما یکی از حوزه‌های مغفول، حوزه ارتباط وثیق هویت با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشد. در پژوهش حاضر بر آن بودیم تا با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک سند مادر و نقشه راه، به یک الگوی هویتی مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت با رویکردی بر قانون اساسی دست یابیم. نتایج پژوهش حاکی از این است که الگوی هویتی مطلوب در قانون اساسی، یک هویت تثلیثی یا سه‌گانه است که شامل ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی (با مؤلفه‌هایی چون ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم توسط دولت، دین اسلام و مذهب شیعه، توجه به امت اسلامی، اعتقاد به ولایت فقیه) هویت ایرانی (با مؤلفه‌هایی چون آمیختگی اسلام و ایران، زبان مشترک، خط مشترک، پذیرش فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی، پرچم کشور، معتبر شناختن تاریخ هجری شمسی، توجه به میراث فرهنگی و نفایس ملی ایران به‌عنوان دارایی‌های معنوی ملت، سرزمین مشترک) و هویت متجددانه و جهانی (با مؤلفه‌هایی چون استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری، تربیت افراد ماهر برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار) می‌باشد که می‌تواند مسیر پیشرفت و تعالی مطلوب مادی و معنوی را در بستر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تسریع کند. هم‌چنین در پایان، نظرات مقام معظم رهبری در ارتباط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ضرورت حفظ و احیاء هویت ملی (اسلامی و ایرانی) در مقابل فرهنگ بیگانه، و عدم وابستگی به غرب بیان شد.

منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷): «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۴، صص ۱-۲۲.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰): *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۹/۹/۱۰): *در دیدار اولین نشست اندیشه‌های راهبردی*.
- ----- (۱۳۸۰/۸/۱۲): *در دیدار جوانان استان اصفهان*.
- ----- (۱۳۸۷/۲/۱۶): *در دیدار مردم کازرون*.
- ----- (۱۳۸۵/۸/۱۸): *در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان*.
- ----- (۱۳۹۰/۱۱/۱۹): *در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش*.
- ----- (۱۳۷۵/۲/۲۴): *در دیدار رئیس و معاونین سازمان برنامه و بودجه*.
- ----- (۱۳۸۶/۲/۲۵): *در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد*.
- ----- (۱۳۹۰/۷/۲۵): *در اجتماع مردم پاوه*.
- ----- (۱۳۸۸/۲/۲۷): *در جمع دانشجویان دانشگاه کردستان*.
- ----- (۱۳۸۳/۲/۲۸): *پس از بازدید از سازمان صداوسیما*.
- ----- (۱۳۹۱/۳/۳): *در دانشگاه امام حسین علیه‌السلام*.
- بی‌نام (۱۳۹۰): «تحلیل کلی سابقه مباحث رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره پیشرفت اسلامی - ایرانی»، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- بی‌نام (۱۳۹۱): *چیستی و مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین، تصویب و پایش الگو*، تهران، مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهیه شده در معاونت هماهنگی و نظارت فرآیندی.
- جعفرپور، محمود (۱۳۹۰): *درآمدی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹): «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۹۳-۲۲۸.
- ----- (۱۳۸۸): *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- خوش‌چهره، محمد و نیک‌بخش حبیبی (۱۳۹۱): «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۱، ش ۶۲، صص ۲۱۹-۲۴۴.
- درخشه، جلال (۱۳۹۲): «الزامات سیاسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۱.
- رضایی، سیدمحمد و محمدصادق جوکار (۱۳۸۸): «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۴، صص ۵۳-۸۸.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۵): *آناتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتظار.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۸): *معرفت و قدرت، معمای هویت*، تهران: کویر.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴): «هویت ملی ایرانیان»، *راهبرد یاس*، س ۱، ش ۴، صص ۱۲۹-۱۳۸.

- زهیری، علی‌رضا (۱۳۸۱): *انقلاب اسلامی و هویت ملی*، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
- سیف‌الدین، امیرعلی (۱۳۸۸): «الگوی اسلامی - ایرانی توسعه به تمدن بین‌المللی اسلامی منجر می‌شود»، *نشریه برنامه*، آبان ۱۳۸۸، ش ۳۴۰، صص ۴-۸.
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۹): «رابطه عدالت و پیشرفت در دولت دینی از منظر علامه محمدتقی مصباح یزدی»، *فصلنامه معرفت سیاسی*، س ۲، ش ۱، صص ۲۶-۵.
- صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۲): «تمدن اسلامی ایرانی در بستر الگوی بومی پیشرفت: بایسته‌های احیاء و عملیاتی‌سازی»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۱-۲۱.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۵): «رابطه فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *نامه پژوهش*، تابستان ۱۳۷۵، س ۱، پیش شماره ۱، صص ۹-۳۴.
- علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۹۰): *پیش طرح‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: تولید دانش.
- عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی (۱۳۸۹): «توسعه و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۷، ش ۲۱، صص ۱۱-۲۸.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳): «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۲، صص ۶۳-۸۶.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲): «بایسته‌های فرهنگی پیشرفت: بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۱-۱۷.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷): *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران: نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸): *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: صدرا.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۵): *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دوران.
- موحدی، مسعود (۱۳۹۰): *تعیین ویژگی‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰): «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی»، در مجموعه مقالات *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ج ۱، تهران: پیام عدالت.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷): *میانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.
- نظریبور، محمدتقی (۱۳۷۸): *ارزش‌ها و توسعه*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نویخت، محمدباقر و سعید غلامی نتاج و زهرا میراحسنی (۱۳۹۰): «کارکردهای الگوی توسعه»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۰، ش ۶۱، صص ۲۱۳-۲۳۱.
- هرمیداس‌باوند، داود (۱۳۸۴): «زبان و هویت ملی»، در مجموعه مقالات *زبان و هویت*، به اهتمام حسین گودرزی، تهران: تمدن ایرانی.
- هزاوه‌ای، مرتضی (۱۳۸۵): «تأثیرپذیری سیاست‌های توسعه در ایران از الگوهای مسلط غربی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، س ۲، ش ۴، صص ۱۶۵-۲۰۰.
- Brubaker, R. (1996); *Nationalism Reframed: Nationhood and the National Question in the New Europe*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Holliday, Shabnam (2007); "The Politicisation of Culture and the Contestation of Iranian National Identity in Khatami's Iran", *Studies in Ethnicity and Nationalism*, Vol. 7, No. 1, PP 27-45.
- Smith, Anthony.D (1991); *National Identity*, London: Penguin books.

تصاویر کتاب‌های درسی و رابطه آنها با هویت ملی و دینی^۱ مطالعه کتاب‌های اول و دوم دبستان

* سعید زاویه

** سیده مهدیه عزیززی

E-mail: sssazavieh@yahoo.com

E-mail: azizi.mahdie@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویتی (ملی و دینی) در کتاب‌های درسی اول و دوم ابتدایی سال تحصیلی ۹۰-۸۹ انجام گرفته است. در این پژوهش کتاب‌های دو مقطع اول و دوم که در مجموع بالغ بر ۸۷۵ صفحه تصویری بوده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بکارگیری تکنیک‌های مشاهده، مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با مدیران، دست‌اندرکاران و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات بدست آمده از بررسی تصاویر در هفت دسته کلی شامل عناصر تصویری هماهنگ، خنثی، متضاد و ترکیب‌های مختلف آنها دسته‌بندی و پردازش شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این کتاب‌ها توجه متعادلی به عناصر و مؤلفه‌های هویت دینی و ملی نشده و اگر در بعضی صفحات نیز تصاویر متناسب با هویت ملی و دینی دیده می‌شود با قرارگیری در کنار عناصر متضاد و خنثی تأثیر بایسته خود را از دست داده و کمرنگ تر شده است، به طوری که صفحات هماهنگ با ۹۳ صفحه در مقابل صفحات خنثی شامل ۵۹۲ صفحه و متضاد شامل ۱۹ صفحه قرار می‌گیرند. در واقع می‌توان گفت صفحات و تصاویر این کتاب‌ها در زمینه انتقال مفاهیم هویتی بسیار کمرنگ ایفای نقش نموده‌اند.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، هویت دینی، کتب دبستان، تصاویر کتاب‌های درسی.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تصاویر کتاب‌های درسی اول و دوم دبستان و رابطه آنها با هویت ملی و دینی» دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز می‌باشد.

* استادیار هنر دانشگاه هنر، نویسنده مسئول

** کارشناسی ارشد گرافیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

مسئله اساسی این مقاله چگونگی و میزان توجه به هویت ملی و دینی در کتب درسی اول و دوم دبستان است. بحث هویت ملی همواره در بین برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران کشورهای مختلف حائز اهمیت بوده است. هویت ملی و دینی در ایران قطعاً هویتی خاص و متفاوت با سایر ملل جهان و مبتنی بر ارزش‌های دینی و ملی است که با احساسات، عقاید، فرهنگ و رسوم ایرانی گره خورده است. بسیاری از بنیادهای هویتی و دینی انسان در دوران کودکی و تحت تأثیر آموزه‌ها و تصاویری که فرد با آنها در ارتباط است شکل می‌گیرد. در واقع آموزش و پرورش می‌تواند از مجرای کتب درسی نقشی اساسی در انتقال مفاهیم هویتی برعهده گیرد. با توجه به آموزش عمومی رایگان (و اجباری) و جامعه آماری بالایی که از آن استفاده می‌کنند، کتب درسی می‌توانند نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری و انتقال مفاهیم هویتی در دانش‌آموزان ایفا کنند و لذا نقطه عطفی در شکل‌گیری و گسترش این هویت به‌شمار می‌آیند.

از این‌رو و با توجه به این‌که در سال‌های اول و دوم دبستان کودک هنوز باسواد نیست و بیشتر تصویرخوانی می‌کند و با عنایت به تحولات دنیای معاصر و بحران‌های هویتی، این تحقیق درصدد است میزان و چگونگی توجه به هویت ملی و دینی را در تصاویر کتاب‌های اول و دوم دبستان بررسی می‌کند.

سؤالات و فرضیه‌های تحقیق

الف) پرسش اصلی

تصاویر کتاب‌های درسی اول و دوم ابتدایی تا چه اندازه به مقوله هویت (ملی و دینی) اشاره دارند؟

ب) پرسش‌های فرعی

- ۱- چه رابطه‌ای میان محتوا و تصاویر در این کتاب‌ها وجود دارد؟
- ۲- اساساً مقوله هویت ملی در این کتاب‌ها چه جایگاهی دارد و تا چه اندازه به آن دقت می‌شود؟
- ۳- چه زمینه‌ها و یا چه عنوان‌هایی را می‌توان در راستای تقویت و قوام مفهوم هویت ملی به مطالب این کتاب‌ها اضافه کرد؟

مفهوم‌شناسی هویت و هویت ملی

هویت از واژگانی است که در عصر حاضر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. علت آن است که این واژه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی هر کشوری حضور دارد. نظرات متخصصان حاکی از آن است که هویت واژه‌ای مهم برای دولت‌ها و جوامع به‌شمار می‌آید و در کشورهای مختلف دولت‌ها در این مورد سرمایه‌گذاری می‌کنند. امروزه هویت جایگاه ویژه‌ای را در مطالعات و پژوهش‌های علوم انسانی به خود اختصاص داده است. عده‌ای معتقدند نخستین بار هگل و گروهی می‌گویند فروید بحث هویت در عصر جدید را مطرح کرد. به هر ترتیب نباید فراموش کرد که هویت مفهومی انسانی و فلسفی است که با انسان متولد شده و همراه با او بوده و هست. چنین مفهومی را می‌توان در اغلب متون دینی، فلسفی، ادبی و تاریخی بشر در هر جا به نحوی ملاحظه کرد. برای مثال در قرآن کریم فراموش کردن خود و از خود بیگانگی نتیجه فراموش کردن خدا و در نتیجه موجب فسق یعنی پوچی قلمداد شده است. می‌توان گفت احساس هویت کارکردی بسیار مهم در هدفمند کردن زندگی فردی و اجتماعی دارد و زیستن بدون احساس هویت برای فرد ممکن نیست (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۷ و ۱۶). با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت هویت موضوعی میان رشته‌ای است هر چند بیش از همه در روان‌شناسی و علوم اجتماعی از آن بحث شده ولی موضوعی فلسفی به معنای عام و معرفت‌شناختی به معنای خاص است. در حوزه‌های عرفان، اخلاق، فرهنگ، سیاست، امنیت و حتی اقتصاد نیز از موضوعات و مباحث بسیار مهم به‌شمار می‌آید. بنابراین هویت واقعیتی چند بعدی است. حال به مفهوم‌شناسی واژه هویت می‌پردازیم، این واژه از لحاظ لغوی چگونه معنا شده است؟ هویت واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی به جای واژه انگلیسی Identity به کار می‌رود. محمد معین در جلد چهارم فرهنگ فارسی هویت، را ذات باریتعالی، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص می‌شود معنی کرده است (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸). در فرهنگ معاصر فارسی هویت ویژگی یا کیفیتی است که موجب تمایز و شناسایی کسی یا چیزی از دیگران می‌شود، یکسانی ویژگی یا صفت اصلی یا مادرزادی در موردهای مختلف معنا شده است (صدری افشار، ۱۳۸۳: ۱۳۳۵).

حال به اهمیت هویت می‌پردازیم و این‌که چه جایگاهی را در دنیای مدرن به خود اختصاص داده است. با توجه به این‌که هویت در اکثر شاخه‌های علوم انسانی، اجتماعی، فلسفه نقش ایفا می‌کند در دنیای مدرن و عصر جهانی شدن جایگاه ویژه‌ای را

در مطالعات و پژوهش‌ها به خود اختصاص داده است، بنابراین می‌توان به اهمیت آن از دو جهت کلی پرداخت: نخست این‌که هویت بیانگر تصور فرد یا جمع از خویشتن و نحوه رابطه با دیگران است و دوم این‌که هویت‌ها به اقتضای شرایط اجتماعی خاص شکل می‌گیرند و جنبه اجتماعی بسیار قوی دارند (علمداری، ۱۳۸۳: ۳۶). در واقع می‌توان گفت که هویتی معلوم، عامل پیوند آحاد ملت است و اقوام متشکله ملت را چون تار و پود به هم می‌تند و رشته استوار همدلی و همنفسی افراد ملت به‌شمار می‌رود، بنابراین باعث و بانی وحدت و یکپارچگی است (ستاری، ۱۳۸۳: ۹۶). با توجه به ارتباط هویت با جامعه و پیشینه انقلابی، اسلامی و بررسی سند چشم‌انداز بیست ساله، پرسش از کیستی و چیستی موضوع هویت با ورود به دنیای مدرن و جهانی شدن و شکل یافتن هویت‌های جدید در جهان معاصر اهمیتی روزافزون یافته است. هم‌چنین احساس نیاز تعلق به کسی یا جایی از بدیع‌ترین موضوعات مدرن و پست مدرن است، بنابراین پرداختن به هویت نه تنها موضوع مورد اهمیت حال بلکه موضوع و مسأله آینده ما نیز خواهد بود (چیت‌ساز، ۱۳۸۷: ۷). از منظر اریک فروم نیاز به احساس هویت از شرایط هستی انسان سرچشمه می‌گیرد و منبع شدیدترین کوشش‌ها و کشمکش‌هاست. چون شخص بدون احساس من بودن نمی‌تواند از سلامت روانی برخوردار باشد لذا برای به دست آوردن آن از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند (ربانی، ۱۳۸۱: ۲۳ و ۲۲).

چارچوب نظری تحقیق

در فرهنگ معاصر فارسی هویت اسم، ویژگی یا کیفیتی است که موجب تمایز و شناسایی کسی یا چیزی از دیگران می‌شود (صدری‌افشار، ۱۳۸۳: ۱۳۳۵). همین‌طور در فرهنگ علوم سیاسی هویت بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن با چیزی یا جایی ناشی می‌شود و سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک از جمله عناصر تشکیل دهنده هویت شمرده می‌شوند (بخشی، ۱۳۷۹: ۲۶۵). بورهان گالیو معتقد است که «از این پس بحران‌ها و چالش‌ها حول مسائل مادی یا سیاسی صورت نمی‌گیرد زیرا این‌گونه مسائل را می‌توان بصورت واضح و عینی تعریف و مشخص کرد. مشکل اصلی اینجاست که این چالش‌ها نمادین هستند، نه می‌توان آنها را تغییر داد و نه می‌توان در مورد آنها مطالعه کرد. چالش‌های هویتی امروز سرنوشت سازند. براساس اجماع علمی هویت پیش شرط هر نوع عمل به‌ویژه عمل اجتماعی و شرط لازم توسعه است» (نوجه فلاح، ۱۳۸۳: ۲۰).

عده‌ای معتقدند نخستین بار هگل فیلسوف آلمانی و گروهی فروید را ارائه‌کننده بحثی جدید درباره هویت معرفی می‌کنند. به هر ترتیب نباید فراموش کرد که هویت مفهومی انسانی و فلسفی است که از دیرباز با انسان متولد شده و همراه با او بوده و هست. چنین مفهومی را می‌توان در اغلب متون دینی فلسفی، ادبی و تاریخی بشر در هر جا به نحوی ملاحظه کرد. هم‌چنین در بررسی کتب مذکور با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی مانند ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲- برنامه‌های کلان نظام آموزش و پرورش نوین ۳- بررسی تطبیقی رویکرد برخی کشورهای پیشرفته به نظام آموزش و پرورش بعد هویت به صورت عمیق‌تری بررسی شده است و با توجه به نظریه‌های مربوط به ملیت، مردم و هویت ملی در تئوری‌های سیاسی الوین تافلر، هانتینگتون، فوکویاما، برژینسکی و دیدگاه‌های مبتنی بر تئوری‌های دهکده جهانی و جهانی شدن از یک‌سو و تئوری جهانی شیعی، تلاش خواهد شد با بهره‌گیری از نقاط مشترک این تئوری‌ها و با حفظ ملیت و صیانت از زبان فارسی راهکارهای تئوریک برای افزایش مبانی هویت ملی در کتاب‌های مورد اشاره (اول و دوم) صورت پذیرد.

اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن

- ۱- تبیین مسائل مشترک، به صورت واحد و فراگیر در سطح جامعه می‌شود.
- ۲- توجه به اهمیت تألیف و تدوین کتب درسی در مقطع ابتدایی را افزایش می‌دهد.
- ۳- غنی‌سازی محتوای درسی کتاب‌های ابتدایی با بهره‌گیری از تصویر و تصویرسازی
- ۴- کمک به برنامه‌ریزان آموزشی برای شناخت قابلیت‌های کیفی تصویر را به دنبال خواهد داشت.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با استفاده از تکنیک‌های مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. هم‌چنین با تکنیک مشاهده براساس قوانین هنرهای تجسمی از جمله مبانی رنگ ایتن و تئوری‌های رنگی لوچر و آلفرد آدلر تلاش شده تا با انجام تست به ارزیابی تصاویر موجود کتاب‌ها به لحاظ هنری و تصویری دست یابیم.

روش گردآوری اطلاعات

- طراحی جدول رابطه محتوا و تصویر از روی کتاب‌ها

- تهیه پرسش‌نامه برای معلمان و والدین - تهیه آزمون سنجش تأثیر از دانش‌آموزان - انجام مصاحبه با مدیران، دست‌اندرکاران و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت

پیشینه پژوهش

رستم نوچه فلاح در مقاله «هویت، واقعیت ثابت یا سیال» (۱۳۸۳)، رویکردهای مختلف هویت را چنین بیان می‌دارد که هویت موضوعی میان رشته‌ای است و در حیطه‌های روان‌شناسی، فلسفه و علوم اجتماعی مطرح است. هم‌چنین در حوزه‌های اخلاق، عرفان، سیاست و اقتصاد هم از مباحث بسیار مهم به شمار می‌آید. هویت واقعیتی چند بعدی است و از مسائل مهم در تمام دولت‌ها به‌شمار می‌آید و عواملی مانند جریان جهانی شدن، شتاب گرفتن تغییرات و انقلاب الکترونیک و... موجب شده‌اند که هویت ملی اهمیتی مضاعف یابد و از آنجا که جامعه مدرن همراه با دگرگونی انسان را به سوی هویتی دیجیتال و ناپایدار سوق داده و هویت پیشین را از او می‌زداید، لذا مقوله هویت ملی نیازمند توجه بیش از پیش دست‌اندرکاران این امر می‌باشد. نهاد آموزش و پرورش اولاً به لحاظ ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با فراگیران و ثانیاً از جهت شرایط سنی و شخصیت انعطاف‌پذیر و در حال شکل‌گیری و تأثیرپذیری فوق‌العاده فراگیران در به وجود آمدن و نهادینه شدن و تقویت ارزش‌های اسلامی و ایرانی در راستای هدف کلی فرهنگ‌سازی جامعه جایگاه والایی دارد.

اقتضائات زمانی قرن بیست‌ویکم، نظام تعلیم و تربیت کشور را با چالش مواجه کرده و مقابله با خطر بی‌هویتی فرهنگی را ضرورت بخشیده است. برگ برنده ویژه آموزش و پرورش شرایط سنی فراگیران است که عموماً واجد فطرتی پاک و ذهنی بی‌آلایش هستند و در نتیجه رسوخ به ذهن و فکر و روح در حال شکل‌گیری آنها قرین توفیق مضاعف خواهد بود.

از آنجا که ابزار انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در نظام آموزشی، کتاب‌های درسی است، دقت و حساسیت فوق‌العاده در محتوای آن اجتناب‌ناپذیر است. نتایج پژوهش‌ها در مورد کتاب‌های فارسی ابتدائی نشان می‌دهد با توجه به این‌که در این مرحله، کودکان دوره تجربه عینی را می‌گذرانند نسبت مفاهیم عینی به ذهنی کمتر است و این امر کار یادگیری مفاهیم را برای دانش‌آموزان دشوارتر می‌نماید و از سویی دیگر بسیاری از تصاویر و موضوعات، مسائل مبتلابه کودکان این سن نیست. هم‌چنین نتایج این پژوهش حاکی از آن است که کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی و

راهنمایی در راستای آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های ایرانی و اسلامی به اصلاح و بازبینی، هم از نظر کمیت مفاهیم درج شده و هم از نظر کیفیت ارائه مفاهیم نیازمند است (ایراندخت فیاض، ۱۳۸۷).

در این فصل پیشینه‌های تحقیق انجام شده در سه حوزه هویت ملی، هویت دینی و آموزش و پرورش و کتب درسی بررسی شده‌اند که به صورت ذیل قابل طبقه‌بندی هستند.

الف) هویت ملی، ب) هویت دینی، ج) آموزش و پرورش و کتب درسی
از ۴۱ عنوان پژوهش مورد بررسی ۲۱ مورد آن با هویت ملی، ۶ مورد آن با هویت دینی و ۱۴ مورد آن با آموزش و پرورش و کتب درسی در ارتباط بوده‌اند که از مجموع این ۴۱ مورد کتاب، پایان‌نامه و مقاله می‌توان ملاحظه کرد مفهوم هویت شامل مجموعه‌ای از موارد ۱- زبان، ۲- جغرافیا، ۳- دین، ۴- ملیت و مانند آن است.

هم‌چنین بررسی‌هایی که مستقیماً به مقطع ابتدایی مربوط می‌شود مؤید این مهم است که ۱۵ مورد از مجموع ۴۱ اثر درج شده در پیشینه تحقیقات، کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی را در ۲ مورد فاقد اثرگذاری، در ۱۲ مورد دارای اثرگذاری ضعیف و در ۱ مورد هم دارای اثرگذاری منفی می‌دانند. اما درخصوص اهمیت و جایگاه مقطع ابتدایی و آموزش در این مقطع جمع‌بندی نظرات حاکی از آن است که:

الف) احساس تعلق به هویت ملی، زندگی در ایران و افتخار به ایرانی بودن از ابتدایی به متوسطه کاهش می‌یابد. ب) نظام آموزش و پرورش علی‌رغم در دست داشتن بیشترین جامعه آماری، مورد اطمینان خانواده‌ها بودن و فطرت پاک کودکان مقطع ابتدایی در مقابل هجوم رسانه‌های بیگانه و تغییرات دنیای مدرن و جهانی شدن، سهم عمده‌ای در هویت‌بخشی دانش‌آموزان نداشته است. ج) تصاویر موجود در کتاب‌ها مطلوب و هویت‌بخش نیست. ت) نحوه پرداختن به مسائل هویتی رضایت‌بخش نیست و اکثر موضوعات مسائل مبتلابه این سن نیست. د) توجه متعادل به عناصر، آیین‌ها و جشن‌های ایرانی دیده نمی‌شود و همین‌طور احساس غرور ملی نه از طریق محتوا و نه از طریق متن منتقل نمی‌شود.

هویت ملی

هویت ملی در درجاتی بالاتر از هویت قرار می‌گیرد، زیرا جنبه اجتماعی بسیار قوی دارد و به دلیل این‌که زمینه شکل‌گیری وحدت در جامعه است بسیار حائز اهمیت است. در تعریف کلی می‌توان گفت: هویت ملی اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباط بین

هویت‌های خاص محلی و عام فراملی است، زیرا مجموعه آثار مادی، زیستی و روانی آن سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود (یعقوبی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۵). به‌طورکلی هویت بر دو نوع جمعی و فردی قابل تعریف است. هویت فردی عموماً در مبحث روان‌شناختی و هویت جمعی مطرح می‌شود که در مباحث جامعه‌شناختی و در این میان هویت ملی یکی از سطوح و مراتب عالی‌ه آن می‌باشد. هویت فردی ناظر بر این است که ما چه کسی هستیم و تا چه حد به دیگران شبیه، یا از آنها متمایزیم اما هویت ملی بیشتر ناظر بر درونی کردن هویت جمعی جامعه از طرف فرد است. فرد در طول فرایند جامعه‌پذیری، هویت ملی را با تمام ابعادش درونی می‌کند و آنها را جزئی از شخصیت خویش می‌سازد. از طریق همین درونی کردن هویت ملی است که فرد به تشابهات شناختی و عاطفی خود با هموطنان خویش پی می‌برد و نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد نسبت به آنها و جامعه پیدا می‌کند (صالحی‌عمران، ۱۳۸۶: ۶۷). علی‌شریعتی وابستگی و علاقه به گذشته فرهنگی را نوعی از هویت ایرانی می‌داند و معتقد است فرهنگ اصیل و غنی در راستای فطرت انسانی قرار می‌گیرد. وی در کتاب بازشناسی هویت ایرانی و اسلامی می‌گوید: ملتی که با تاریخ راستین خویش پیوند گیرد و از ذخایر غنی فرهنگ حقیقی خویش تغذیه کند و به فطرت اصیل و طبیعی خویش بازگردد و از بیماری الینه شدن فرهنگی شفا یابد و به کشف مجدد خویش نائل آید و بر روی پای خویش بایستد و قدرت آن را بیابد که خود ببیند و خود تجزیه و تحلیل کند و خود قضاوت نماید، از این طریق به دو خصلت متمایز انسانی می‌رسد که یکی صاحب اراده بودن و دیگری صاحب رأی بودن است و این یعنی انسان (شریعتی، ۱۳۷۶: ۱۲۸). از این جمله چنین استنباط می‌شود که علاقه‌مندی به فرهنگ ملی در راستای فطرت انسانی می‌تواند به هویت ملی و دینی بیانجامد که شرط لازم توسعه به‌شمار می‌آید.

ابعاد هویت ملی

هویت ملی در هر جامعه‌ای با عناصر مختلفی در ارتباط است و ابعاد تشکیل دهنده آن به ترتیب اهمیت شامل بعد دینی، بعد فرهنگی، بعد تاریخی، بعد اجتماعی، بعد زبانی، بعد سیاسی و بعد جغرافیایی می‌باشد.

به‌طورکلی می‌توان برخی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را شامل سازمان سیاسی واحد، پیشینه مشترک تاریخی و فرهنگی، زبان، دین و سرزمین مشترک دانست (منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

نقش آموزش و پرورش و کتب درسی در هویت‌بخشی

با توجه به این‌که بنیادهای اعتقادی و هویتی افراد از زمان کودکی و از دبستان آغاز می‌شود و مدرسه به‌عنوان تنها نهاد آموزش رسمی، ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با فراگیران دارد، آموزش و پرورش به‌عنوان زیربنایی‌ترین نهادی که مورد اعتماد خانواده هاست در جهت‌دهی به اهداف هویتی و دینی می‌تواند بسیار یاری‌رسان باشد. به همین منظور شایسته است به نقش این نهاد در نهادینه‌سازی و تثبیت هویت ملی و دینی توجه جدی داشته و نیز از نقش کتب درسی که مجرای اتصال و ارتباط بین نهاد آموزش و پرورش و فراگیران می‌باشد غفلت نکنیم. اگر آموزش و پرورش را جریان جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن اعضای جدید جامعه به حساب آوریم و از سوی دیگر به‌عنوان اصلی‌ترین نهادی که وظیفه درونی کردن ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه را برعهده دارد در نظر گرفته شود، لازم است در متن نظام‌های آموزشی، هویت ملی که یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت از نوع جمعی و دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی است و هم‌چنین فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است نقش پررنگی داشته باشد. به عبارت دیگر تلاش در جهت رشد و تقویت هویت ملی از نیازهای اصلی و اساسی در نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود (لقمان‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۱). آموزش و پرورش به دلیل ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با فراگیران و ثانیاً از جهت شرایط سنی و شخصیت انعطاف‌پذیر و در حال شکل‌گیری و تأثیرپذیری فوق‌العاده فراگیران، در نهادینه‌سازی و بسط ارزش‌های اسلامی و ایرانی در راستای هدف کلی فرهنگ‌سازی جامعه از جایگاه والایی برخوردار است (فیاض، ۱۳۸۷: ۱۵). به هر حال ما باید به کودکانمان توجه بیش از پیش داشته باشیم و با توجه به موقعیت کشورمان و این‌که از طرف بیگانگان مورد حمله و نفوذ است و همین‌طور با توجه به ویژگی‌های فرهنگی با استفاده از تکنولوژی‌های برتر و بکارگیری ابزار و وسایل آموزشی مناسب می‌توانیم با تغییرات اساسی در روش‌های تدریس و آموزش در مدارس کشور به آموزش و پرورش شتاب بیشتری در کمیت و کیفیت آموزشی بدهیم (باطنی، ۱۳۷۴: ۲۰۴). با توجه به این‌که ورود دانش‌آموز به عرصه اجتماعی از مدرسه و از کلاس اول آغاز می‌شود تا سرانجام به‌طور رسمی وارد جمع و جامعه شود، آنچه در این سال‌ها و در این مقطع به دانش‌آموز منتقل می‌شود برای تمام عمر در ذهن، رفتار و برداشت او پایداری می‌ماند. این مقطع اهمیت بسزایی در شکل‌گیری شخصیت وی دارد. با توجه به این‌که در این دو سال کودک هنوز

باسواد نیست و آنچه در ذهنش می ماند تصاویری است که در کتاب‌های آموزشی‌اش دیده است (خصوصاً کلاس اول ابتدایی) و با توجه به پایداری تصویر در حافظه و با نظر گرفتن این که تصاویری که هر فرد در دوران کودکی با آن ارتباط می گیرد حتی تا پایان عمر در ذهن او پایداری می کند بنابراین برخورداری محتوا و تصاویر این سال‌ها از مفاهیم اساسی فرهنگ و هویت، نقش بنیادی در شکل گیری شخصیت کودک دارد. سازمان یونسف نیز داشتن بینش وسیع درباره آموزش پایه را توصیه و تشویق می کند و آموزش ابتدایی همگانی را به عنوان اولویتی برای فعالیت‌های خود در زمینه آموزش برای همه برگزیده است (کومینگز، ۱۳۷۶: ۳۷). به دلیل پذیرش کودک در این سن، گنجاندن زمینه‌های وفاق، وحدت ملی، تقویت هویت دینی و خود باوری در کتاب‌های درسی به صورت مناسب در قالب‌های متنوع و متعادلی به دور از برجسته نمایی بعضی از شاخه‌ها اجتناب ناپذیر است (قبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). با توجه به درک بالایی کودکان، در تنظیم کتاب‌های دینی ابتدایی باید نیازهای کودک مورد توجه قرار گیرد و همین طور گنجاندن لطایف زیبایی شناسانه، بازی، جنب و جوش و فرح بخشی که نیاز اساسی هر کودک دبستانی است اهمیت بسزایی دارد و به دلیل وجود حس دینی در طبیعت و فطرت پاک کودک تنها زمینه‌سازی و آماده‌سازی روانی و عاطفی لازم است تا خود کودک بدون اجبار بیرونی به کشف و شکوفایی دست یابد و اگر آموزشی هم قرار است صورت گیرد فقط باید در جهت یاری کردن کودک برای کشف باشد (کشاورز، ۱۳۸۷: ۹۲). روش‌های شکل گیری و انتقال مفاهیم دینی و هویتی باید به صورت قصه‌گویی، مشاهده مستقیم، تمرین و یاداش به همراه پرسش و پاسخ صورت گیرد (بخشنده بالی، ۱۳۸۵: ۸۹). مطالب ارائه شده باید ساده و قابل فهم باشد تا میل و رغبت کودکان افزایش یابد (توکلی، ۱۳۷۹: ۵۷). کتاب درسی مهم‌ترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی است و در همه کشورهای مورد استفاده قرار می گیرد و در کشوری مثل ایران حتی نقش جهت‌دهی به فعالیت‌های معلم را نیز ایفا می کند (نوریان، ۱۳۸۶: ۳۶۴).

اگر در زمانی که نباید کودک یک چیز را فراگیرد با آن آشنا شود چون نمی‌تواند آن را درک کند نسبت به آن موضوع بی‌علاقه می‌شود و برای یادگیری هیچ چیز آمادگی نخواهد داشت (صمدی، ۱۳۷۷: ۱۶). همین طور دادوستد کودک با کودکان دیگر در مراحل رشد و در مدرسه به رشد عقلی آنها مدد می‌رساند و رشد عقلی زمینه را برای همکاری در تراز بالاتر و تفاهم با دیگران آماده می‌سازد. ژان پیاژه مراحل رشد را شامل مراحل حسی حرکتی، تفکر پیش عملیاتی، تفکر عینی و مرحله تفکر یا عملیات صوری

می‌داند (آقازاده، ۱۳۸۲: ۱۰). یادگیری و تعلیم و تربیت شرط اصلی آزادی یک ملت است و جهل مانع استقلال رأی انسان‌هاست و بی‌سوادی و کم‌سوادی باعث می‌شود انسان‌ها به بازی گرفته شوند. آموزش انسان را آزاد و مسئول می‌سازد (مشایخ، ۱۳۷۶: ۹۵). تافلر می‌گوید باید در سیستم آموزش و پرورش تجدید نظر شود و به مسائل آینده توجه شود و اطلاعات متنوع‌تری عرضه شود. باید به بچه‌ها حق انتخاب داد و برنامه‌ها براساس نیازهای انسان معاصر پی‌ریزی شود، در صورتی که در سیستم جدید هیچ درکی از آینده استوار نیست (تافلر، ۱۳۷۴: ۴۲۴). بنابراین توجه به تکوین هویت و حفظ آن و برطرف کردن عوامل ایجاد بحران امری حیاتی است که باید از طریق آموزش و به وسیله دستگاه‌های فرهنگی و در درجه اول آموزش و پرورش اعمال شود (ربانی، ۱۳۸۱: ۵۶). مطالب پیش گفته حاکی از وجود جدی یک دغدغه جمعی در مورد آموزش و به‌ویژه آموزش در مقطع ابتدایی است نظام آموزشی آمیزه‌ای است از آموزگار، دانش‌آموز، فضا و برنامه، در زمینه چهار چوب‌هایی مانند هدف‌های روشن، استمرار، نظارت، روزآمد بودن، انعطاف‌پذیری و تناسب. این ساختار به بلوغ و بالندگی منجر می‌شود. آنچه پیش‌روی ماست دسته‌ای از نگرانی‌ها و تهدیدها و تحدیدهاست و در عین حال مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و انگیزه‌ها که برخی از آنها ریشه‌های تاریخی دارند و برخی برخاسته از آرمان‌های جهانی دوران معاصر هستند. این همان موضوع با اهمیتی است که برای تجمیع ملی و وحدت دینی که تجلی‌بخش هویت ما است ضروری می‌نماید. این در وهله نخست به عهده نظام تعلیم و تربیت است که بستر تحقق آن را فراهم سازد. تجلی این خواسته را نیز قاعدتاً باید بتوان در عصاره مرام نامه‌های غیررسمی - یعنی کتاب‌های درسی - مشاهده کرد. و طبعاً کتب مقطع ابتدایی و خصوصاً دو سال نخستین این مقطع به دلایل پیش گفته، سرآغاز اجتماعی شدن دانش‌آموز و ورود به جامعه اصلی است. کتاب‌های مدرسه حامل بخش اعظم پیام‌هایی است که می‌تواند پیوند میان نسل‌ها را برقرار سازد، مشروط به آن‌که از بهترین ساختارهای منطقی، علمی، دینی و اخلاقی برخوردار باشد و در قالب‌هایی زیبا و آرمان‌گرایانه به برقراری بک رابطه پیوسته و مستحکم میان آحاد جامعه مبادرت نمایند. اما بررسی‌ها گویای داده‌هایی دیگر است.

یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل - تصویری محتوایی کتاب‌های درسی اول و دوم دبستان (سال ۹۰-۱۳۸۹) با توجه به اهمیت مقطع ابتدایی و کتب درسی آن در شکل‌گیری شخصیت و رفتار

کودکان و پایداری مطالب و به خصوص تصاویر به صورت دقیق و بلندمدت در ذهن کودک و لزوم هماهنگی و جهت‌مندی بیش از پیش این رسانه تربیتی و آموزشی گسترده (کتاب‌ها)، به بررسی و تجزیه و تحلیل کتاب‌های مقطع اول و دوم دبستان می‌پردازیم. در جدول زیر با طبقه‌بندی عناصر تصویری به گروه‌های عناصر (هماهنگ)، (متضاد)، (خنثی)، (هماهنگ و خنثی)، (متضاد، خنثی)، (متضاد و خنثی)، (متضاد و هماهنگ) تلاش شده است تصاویر مورد تحلیل قرار گیرد.

تعداد صفحات تصویر	عناصر متضاد و هماهنگ	عناصر خنثی و متضاد	عناصر هماهنگ و متضاد و خنثی	عناصر خنثی و هماهنگ	عناصر خنثی	عناصر متضاد	عناصر هماهنگ	نام کتاب	
								فراوانی	درصد
۱۱۷	۵	۱۴	۱۴	۲۰	۵۶	۲	۸	فراوانی	فارسی اول
	۴/۲	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۷/۱	۴۷/۸	۱/۷	۶/۸	درصد	بخوانیم
۱۰۹	۰	۱۰	۲	۴	۷۹	۹	۵	فراوانی	فارسی اول
	۰	۹/۱	۱/۸	۳/۶	۷۲/۴	۸/۲	۴/۵	درصد	بنویسیم
۲۸	۰	۰	۱	۷	۱۱	۰	۹	فراوانی	قرآن اول
	۰	۰	۳/۵	۲۵	۳۹/۲	۰	۳۲/۱	درصد	
۹۱	۰	۲	۲	۱۴	۵۵	۰	۱۸	فراوانی	علوم اول
	۰	۲/۲	۲/۲	۱۵/۳	۶۰/۴	۰	۱۹/۷	درصد	
۱۳۳	۰	۳	۰	۱۰	۱۱۷	۱	۲	فراوانی	ریاضی اول
	۰	۲/۲	۰	۷/۵	۸۷/۹	۰/۷۵	۱/۵	درصد	
۱۲۸	۱	۳	۴	۳۵	۶۴	۶	۱۵	فراوانی	فارسی دوم
	۰/۷۸	۲/۳	۳/۱	۲۷/۳	۵۰	۴/۶	۱۱/۷	درصد	بخوانیم
۴۶	۰	۰	۰	۲	۳۷	۰	۷	فراوانی	فارسی دوم
	۰	۰	۰	۴/۳	۸۰/۴	۰	۱۵/۲	درصد	بنویسیم
۸۲	۰	۴	۰	۴	۷۳	۱	۰	فراوانی	علوم دوم
	۰	۴/۸	۰	۴/۸	۸۹	۱/۲	۰	درصد	
۳۴	۰	۰	۳	۵	۵	۰	۲۱	فراوانی	قرآن دوم
	۰	۰	۸/۸	۱۴/۷	۱۴/۷	۰	۶۱/۷	درصد	
۱۰۷	۰	۲	۰	۲	۹۵	۰	۸	فراوانی	ریاضی دوم
	۰	۱/۸	۰	۱/۸	۸۸/۷	۰	۷/۴	درصد	

- قبل از تشریح داده‌های بدست آمده توضیحاتی پیرامون مفاهیم جدول داده می‌شود.
- ۱- **هماهنگ**: شامل آن دسته از تصاویر است که: ۱- به متن مربوط باشد. ۲- به لحاظ رعایت قواعد گرافیکی اشکال نداشته باشد. ۳- معرف ایران و یا بخش‌هایی از فرهنگ ملی و یا دینی و یا معرف خردمندی و آرمان‌های انسانی باشد.
 - ۲- **متضاد**: نقطه مقابل هماهنگ که جنبه تخریبی دارد (نتیجه تأثیرگذاری = تخریب هویت)
 - ۳- **خشتی**: فاقد پیام یا معنای روشن (نتیجه تأثیرگذاری = سردرگم‌کننده - بی‌معنا - سرسری)
 - ۴- **هماهنگ و خشتی**: ترکیب تصاویری که هماهنگ با تصاویر خشتی در یک صفحه (نتیجه تأثیرگذاری = بی‌دقتی - بی‌مسئولیتی - بی‌تفاوتی)
 - ۵- **هماهنگ، متضاد، خشتی**: ترکیب تصاویر به صورت آشفته (نتیجه تأثیرگذاری = آشفتنگی)
 - ۶- **متضاد و خشتی**: ترکیب تصاویر به صورتی که مفاهیم متضاد و خشتی را یکجا دارند (نتیجه تأثیرگذاری = بی‌تعهدی)
 - ۷- **متضاد و هماهنگ**: ترکیب تصاویر به صورت چالش برانگیز و تردید برانگیز (نتیجه تأثیرگذاری = پوچی)
- در جدول بالا رابطه تصاویر و محتوا به صورت تطبیقی انجام گرفته و عناصر متضاد، خشتی، هماهنگ و ترکیب این عناصر با یکدیگر مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در این جدول «شاخص» تصاویر و محتوای کتاب‌های مذکور و رابطه آنها با یکدیگر بوده و این که در این تصاویر چقدر به هویت ملی و دینی پرداخته شده است. به عنوان مثال در کتاب فارسی اول بخوانیم، تنها در ۶ درصد از تصاویر، عناصر صرفاً هماهنگ وجود دارد در صورتی که عناصر خشتی موجود در این کتاب نزدیک به ۵۰ درصد هستند. در کتاب بنویسم اول نیز وضعیت موجود روند نزولی داشته و از ۱۰۹ تصویر موجود در این کتاب ۷۲/۴ درصد عناصر خشتی هستند و فقط ۴/۵ درصد عناصر هماهنگ در این کتاب دیده می‌شود. در کتاب‌های دیگر نیز روند به همین ترتیب است. در کتاب ریاضی اول عناصر خشتی نزدیک به ۹۰ درصد کل تصاویر، و در مقابل ۱/۵ درصد عناصر هماهنگ است. کتاب‌های سال دوم دبستان نیز در مقوله هویت ملی و دینی بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. به عنوان مثال در کتاب‌های فارسی بخوانیم و بنویسیم با ۵۰ و ۸۰ درصد عناصر خشتی، مقوله هویت کتاب‌ها با چالش جدی مواجه گردیده است. در سایر کتاب‌ها نیز وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود و عناصر خشتی و متضاد به صورت قابل توجهی بیشتر از عناصر هماهنگ مشاهده می‌شود.
- ۳- در ذیل نمونه‌هایی از تصاویر موجود در کتاب درسی به همراه تحلیل هویتی آنها ارائه می‌گردد.



الف) عناصر هویتی تصویر: فرش، تابلوی تخت جمشید، کتابها (قرآن، مفاتیح، شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی، دیوان حافظ)

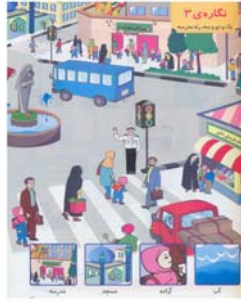
ب) ترکیب‌بندی تصویر: ترکیبی از خانه شلوغ، وسایل اضافی مثل چتر و... و عدم هماهنگی بین رنگ‌های بکار رفته در پنجره‌ها و لباس‌ها - عدم تطابق با سلیقه ایرانی چه در معماری و چه در تزئینات و چیدمان - سرسری بودن و بی‌دقتی در انتخاب و رنگ‌گذاری مشهود است.

ج) رابطه تصویر با هویت ملی: فرشی نامناسب با طرحی غیر از طرح فرش‌های اصیل ایرانی به دور از هرگونه زیبایی نه در فرم و نه در رنگ - این زیرانداز به‌هیچ‌عنوان نشان دهنده یک فرش ایرانی نیست. تابلوی تخت جمشید در جای نامناسب و بدون وضوح. رابطه با هویت دینی: حضور کتاب‌های دینی و ادبی، با توجه به این‌که این تصویر در صفحه اول کتاب فارسی است و در این زمان کودک هنوز باسواد نیست و برای او عنوان کتاب‌ها قابل خواندن نیست. مضاف بر این‌که چون کتاب‌ها اساساً مناسب سن او نیستند، توجیه چنین روشی دشوار است.

در زیر تصویر اصلی با چهار تصویر شخصیت‌های حاضر در تصویر آشنا می‌شویم. در برابر کلمه «بابا» باید کلمه «مامان» قرار بگیرد و نه مادر. این امر حاکی از بی‌توجهی به منطق و قواعد زبان فارسی است.

د) تأثیرگذاری تصویر: با توجه به نقایص موجود، این تصویر گیرایی و رسایی لازم برای انتقال مفاهیم هویت ملی و دینی را ندارد. دارای اغلاط منطقی است. به لحاظ هنری بی‌کیفیت است.

نقد و بررسی تصویر شماره ۲



- الف) عناصر هویتی تصویر: پرچم، مسجد
- ب) ترکیب‌بندی تصویر: ترکیبی از یک خیابان شلوغ که چراغ راهنمایی (که هر سه رنگ آن روشن است) در ابتدای میدان وجود دارد (نقص منطقی). اصرار بر گنجاندن چندین عنصر تصویری در یک صفحه کوچک، شهر ناآشنا و شلوغ.
- ج) رابطه تصویر با هویت ملی: تناقض تصویری زیادی در این صفحه وجود دارد. وجود میدان کوچک و چراغ راهنمایی، کتاب فروشی که روی خط عابر پیاده قرار دارد، پرچم کوچک و غیر واضح.
- د) رابطه تصویر با هویت دینی: قسمتی از یک مسجد (غیر واضح)
- ه) تأثیرگذاری تصویر: با توجه به آشفتگی، این تصویر نمی‌تواند معرف هویت ملی و دینی باشد و عناصر هویتی آن (پرچم و مسجد) به صورتی ناقص طراحی شده‌اند. هرچند تأثیرگذاری فراوانی می‌تواند در معرفی و تأکید بر ناهماهنگی و آشفتگی داشته باشد.

نقد و بررسی تصویر شماره ۳



الف) عناصر هویتی تصویر: هیچ عنصر هویتی دیده نمی‌شود.

ب) ترکیب‌بندی تصویر: ترکیب‌بندی تصویر کاملاً غیرایرانی و تمام عناصر، عناصر کارتونی‌های خارجی هستند.

ج) رابطه تصویر با هویت ملی: شکل ساختمان، نرده‌ها، دختر بچه و... کاملاً اروپایی و غیرایرانی است.

د) رابطه تصویر با هویت دینی: به هیچ وجه با هویت دینی مرتبط نیست.

ه) تأثیرگذاری تصویر: کل تصویر شماره ۳ معرف فرهنگ، پوشش و زندگی اروپایی و غیرایرانی است و نه تنها معرف هویت نیست بلکه در تضاد با هویت قرار می‌گیرد. البته منظور در اینجا این نیست که تمام تصاویری که کودک می‌بیند حتماً باید معرف هویت ملی باشد.

نقد و بررسی تصویر شماره ۴



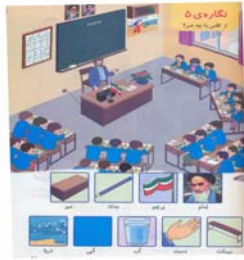
الف) عناصر هویتی تصویر: پرچم، عکس امام خمینی (ره)

ب) ترکیب‌بندی تصویر: ترکیبی قرینه با عناصر تصویری کوچک

ج) رابطه تصویر با هویت ملی: در اینجا پرچم و عکس امام خمینی که بسیار کوچک و ناواضح به تصویر درآمده‌اند معرف هویت ملی هستند.

د) رابطه با هویت دینی: امام خمینی (ره) به عنوان مرجع دینی و شخصیت روحانی می‌تواند معرف بُعد دینی هویت ایرانی باشد، لیکن به صورت کوچک و ناواضح به تصویر کشیده شده است.

ه) تأثیرگذاری تصویر: اشاره به پرچم در کل کتاب کوچک، غیرواضح و بدون نمایش جزئیات به کار رفته، در صورتی که می‌شد یک صفحه کامل را به معرفی پرچم که از عناصر بارز هویت ملی است اختصاص داد. در این تصاویر رویکردی صرفه‌جویانه در پیش گرفته شده که نمی‌تواند برای معرفی هویت ملی یاری‌رسان باشد.



- الف) ترکیب‌بندی تصویر:** ترکیب‌بندی شلوغ و نمایشی از کلاسی غیرمعمول و غیرعادی
- ب) رابطه تصویر با هویت ملی:** شکل پرچم، عکس مقام معظم رهبری رهبر و امام خمینی (ره)
- ج) رابطه تصویر با هویت دینی:** رابطه مستقیمی با هویت دینی دیده نمی‌شود.
- د) تأثیرگذاری تصویر:** شکل کلاس، نحوه چیدمان و... نوعی نیاز کاذب ایجاد می‌کند چون ما مدارس مختلفی در سراسر ایران داریم و این شکل از کلاس که ضبط صوت، پرچم، گلدان و قفسه کتاب و... در یک کلاس وجود دارد شاید برای دانش‌آموزان عشایر و... غیرمعمول باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های این پژوهش حاکی از آن است که تصاویر و محتوای کتب درسی در زمینه انتقال مفاهیم هویتی ضعیف عمل کرده‌اند. مهم‌ترین ایراد وارده به روابط میان تصاویر و موضوعات اعم از این که عناصرهماهنگ، متضاد و یا خنثی، به تنهایی و یا به صورت تلفیقی و ترکیبی دیده شوند نبودن یک منطق است پوشش گرم در فصل گرم، فضای غیرمتعارف کلاس، استفاده از محیط جغرافیایی و طبیعی متضاد با محیط کشور، استفاده از تصاویر شخصیت‌های کارتونی‌های خارجی به جای تصاویر حیوانات از جمله مواردی است که منطق ساده را به چالش می‌کشند. در این کتاب‌ها حتی یک تصویر درست که مبین قابلیت هنری، نظامی، سیاسی، علمی، تاریخی، فرهنگی، ادبی و یا آیینی ما ایرانیان باشد وجود ندارد. در دو جا از تصویر فرش استفاده شده که به هیچ وجه نمی‌توان حتی ذره‌ای بین طراحی و رنگ‌بندی آنها با فرش ایران ارتباطی یافت.

رویکرد مذهبی کتاب‌ها سطحی، عوامانه و به صورتی است که به روشنی مؤید و مصداق تبلیغ مستقیم است و در مورد تصویر پرچم که در چند جا به صورتی کوچک و در حاشیه و بدون مشخص نمودن جزئیات به کار گرفته شده، عملاً نمی‌تواند موجب تقویت انگیزه‌های وطن‌پرستی شود. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته و جمع‌نظرات پژوهشگران و صاحب‌نظران، «هویت» دارای اهمیت ویژه در برقراری و شکل‌دهی مقولاتی چون وحدت میان آحاد جامعه، اعضای جامعه و حتی ملل دیگر و نیز به‌عنوان محوری‌ترین خصلت و عنصر تاریخ‌ساز یک ملت با تکیه بر عناصری معنوی و مادی معرف هر ملت و فرهنگی است. این عناصر به دلیل تکرار و نیز فهم عمومی از آن، پایایی و دوام دارد و به واسطه تکیه‌ای که به نمادها دارد در شکل بصری و تصویری به سرعت شناسایی می‌شوند و کارکرد آن در حوزه تعلیم و تربیت به‌ویژه برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در سال‌های اول و دوم که هنوز با خواندن و نوشتن آشنایی ندارد و به شناسایی و به یادسپاری تصاویر بسیار تأکید می‌شود، نقش کارکردی فوق‌العاده‌ای دارد. با در نظر گرفتن این نکته که ۱۲ سال از عمر یک انسان صرف خواندن، دیدن و تجزیه و تحلیل این کتب می‌شود بنابراین نگاهی غیرعلمی می‌تواند نتایج زیانباری برای آینده یک کشور به دنبال داشته باشد. در اکثر موارد نقص در محتوا و تصاویر مشاهده می‌شود و این یعنی کم‌توجهی به مهم‌ترین مقطع سنی دانش‌آموزان یک کشور، آن هم کشوری که می‌تواند با این همه پیشینه فرهنگی و ادبی و قدمت بیش از این بدرخشد و یکی از راه‌های غنی‌تر کردن این کتب همین معرفی ایران به‌عنوان کشوری تاریخی، هنردوست، اهل شعر، دارای زیبایی‌های طبیعی، آداب و رسوم سنتی و آیینی کهن است.

پیشنهادات

- ۱- به کیفیت چاپ دقت لازم مبذول گردد.
- ۲- به بخش طراحی و تصویرسازی اهمیت لازم داده شود و با رویکرد صرفه‌جویانه مبادرت به طراحی و تصویرسازی نگردد.
- ۳- در تدوین مطالب درسی از کارشناسان ارشد و زبده تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم، هنر، روان‌شناسی و دینی استفاده گردد.
- ۴- مطالب و تصاویر هرچند ممکن است در گذر زمان دچار تحول شوند اما ساختار و بنیاد اصلی آنها می‌تواند حفظ شود. تکرار و بقای مطالب و تصاویر حداقل برای یک

- دهه و یا بیشتر موجب برقراری ارتباط مناسب میان نسل‌ها و سنین مختلف می‌شود بنابراین باید به زمینه‌های تغییراتی که موجب گسست نسل‌ها می‌شود دقت شود.
- ۵- به روان‌شناسی و نقش رنگ‌ها در طراحی‌ها و کاربرد آنها به صورت علمی توجه شود.
- ۶- از بیان مستقیم تبلیغ صرف پرهیز شود.
- ۷- میان هویت مذهبی و ملی پیوند بصری ایجاد شود و این دو مقوله از یکدیگر مجزا نشوند.
- ۸- اندازه برخی از عناصر هویت مانند پرچم کشور و یا نقشه ایران در ابعاد مناسب باشد و نیز دقت به مفاهیم متعالی اجتماعی مانند خدمت‌گزاری، رشادت، شهادت، ایمان و... به صورت مکرر و غیرشعاری به منظور حفظ در حافظه تاریخی مورد تأکید قرارگیرد.

منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷)، مؤلفه‌های هویت ملی بارویکردی پژوهشی، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۴، صص ۲۰-۵.
- باطنی، حافظ (۱۳۷۴)؛ *مجموعه مقالات سمپوزیوم نقش آموزش ابتدایی و جایگاه مطلوب آن در جامعه*، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- بخشنده بالی، عباس (۱۳۸۵)؛ *مراحل شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان*، چاپ اول، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- بخشی، علی‌آقا و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹)؛ *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- تافله، الوین (۱۳۷۴)؛ *شوک آینده*، ج ۲، ترجمه حشمت‌اله کامرانی، تهران: سیمیرغ.
- توکلی، مهین (۱۳۷۹)؛ *آموزش ابتدایی از دیدگاه تحقیقات تربیتی (گشت و گذاری در مدارس ابتدایی ایران)*، مدرسه.
- چیت‌ساز، محمدجواد (۱۳۸۷)؛ *فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده در مورد هویت دینی و ملی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتب درسی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)؛ «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۲، صص ۴۱-۲۸.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۱)؛ *هویت ملی*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- ستاری، جلال (۱۳۸۳)؛ *هویت ملی و هویت فرهنگی*، تهران: ج ۳، مرکز.

- شریعتی، علی (۱۳۷۶): *بازشناسی هویت ایرانی اسلامی*، مجموعه آثار ۲۷، الهام.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷): *درآمدی بر هویت ملی*، تهران: نوید شیراز.
- صالحی عمران، ابراهیم و شکیبائیان، طناز (۱۳۸۶): «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۱، صص ۶۳-۸۵.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۳): *فرهنگ معاصر فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷): «نقش هویت‌ساز دین در مهندسی فرهنگی نظام آموزش عالی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، س ۲، ش ۱۶ و ۱۵، صص ۳۷-۴۹.
- فیاض، ایراندخت (۱۳۸۷): «بررسی فراتحلیلی محتوای کتاب‌های درسی در رابطه با ارزش‌های اسلامی ایرانی»، *مجله راهبرد فرهنگ*، س ۱، ش ۱، صص ۱۱-۴۰.
- قبادی، علیرضا (۱۳۸۹): «بررسی میزان توجه به تعمیق و توسعه هویت فرهنگ ایرانی اسلامی با زبان هنر در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی و ارائه راهکارهای لازم»، *سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی*، ش ۶۱۳.
- قهرمان‌پورناب، رحمان (۱۳۸۶): «هویت ملی و توسعه اجتماعی در عصر جهانی شدن»، *پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی*، ش ۱۴، س ۳، صص ۵۴-۶۱.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۷): «تحول در امر تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی ایران»، *مجله راهبرد فرهنگ*، ش ۱.
- کومینگز، ویلیام.ک و دال، فرانک.پی (۱۳۷۶): *بهبودی کیفیت آموزش ابتدایی در کشورهای در حال گذر*، ترجمه مرتضی مشتاقی، تهران: عقیق.
- لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳): «سنجش رابطه هویت ملی و دینی دانش‌آموزان نوجوان ایرانی با نگرش آنان به جهانی شدن»، *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، س ۱۰، ش ۴۰، صص ۱۰-۳۱.
- لقمان‌نیا، مهدی و خامسان، احمد (۱۳۸۹): «جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۲، س ۱، صص ۹-۲۴.
- مشایخ، فریده (۱۳۸۶): *نگاهی به نظام آموزشی فرانسه*، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش.
- معین، محمد (۱۳۷۱): *فرهنگ فارسی*، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
- معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳): *هویت، تاریخ و روایت در ایران*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- منادی، مرتضی و صادق‌زاده، رقیه (۱۳۸۷): «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات و تاریخ دوره متوسطه رشته علوم انسانی»، *فصلنامه نوآوری آموزشی*، ش ۲۷، س ۷، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- نوچه‌فلاح، رستم (۱۳۸۳): *هویت واقعیت ثابت یا سیال*، تهران: مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی جهاد دانشگاهی.
- نوریان، محمد (۱۳۸۶): «تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی سال اول دبستان در ایران»، *روان‌شناسان ایرانی*، ش ۲۲، س ۱۲، صص ۳۵۷-۳۶۶.
- یعقوبی‌پور، مهدیه (۱۳۸۸): «تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، س ۲۴، ش ۲۶۷ و ۲۶۸، صص ۱۱۰-۱۲۱.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰): «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، صص ۱-۲۹.

شبکه اجتماعی فیس بوک و هویت ملی جوانان^۱

* صمد عدلی پور

** وحید قاسمی

*** مسعود کیانپور

E-mail: samadadlipour@gmail.com

E-mail: v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

E-mail: m.Kianpour@ltr.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۶

چکیده

با گسترش دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و استفاده فزاینده‌ای که جوانان از انواع مطالب و محتوای این رسانه‌های نوین می‌نمایند، هویت ملی به یکی از دغدغه‌های اصلی مرتبط با انسجام اجتماعی و یکپارچگی ملی تبدیل شده است. بدین لحاظ پژوهش حاضر، رابطه حضور و تعامل در شبکه اجتماعی فیس‌بوک را با هویت ملی جوانان مورد مطالعه قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی و با استفاده از روش نمونه‌گیری داوطلبانه و در دسترس و بهره‌گیری از پرسش‌نامه اینترنتی محقق ساخته، با تکیه بر نظریه‌های «کاستلز، هابرماس و ولمن» صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کاربران جوان فیس‌بوک شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ تشکیل می‌دهند و حجم نمونه برابر با ۴۲۴ نفر است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت کاربران در فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معنادار معکوس و بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان فعالیت و مشارکت کاربران در فیس‌بوک از سوی کاربران افزایش پیدا می‌کند هویت ملی کاربران ضعیف‌تر می‌شود.

کلید واژه‌ها: فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، فیس‌بوک، هویت، هویت ملی.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی

مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان» دانشگاه اصفهان می‌باشد.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول

** دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشکاه اصفهان

*** استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشکاه اصفهان

۱- مقدمه و بیان مسأله

امروزه ما در جهانی دستخوش دگرگونی چشمگیر و دائمی زندگی می‌کنیم؛ به طوری که شگفت‌انگیزترین رویدادهای دنیای معاصر را می‌توان سرعت بی‌سابقه تغییرات اجتماعی دانست. آنچه زمینه چنین تغییر سریع و شگرفی را پدید آورده، دستاوردهای فناورانه متأخر بشری با عنوان فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است.

یکی از جنبه‌های مهمی که از فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی جامعه اطلاعاتی تأثیر می‌پذیرد، هویت است. هویت، به‌عنوان یکی از منابع شناخت، از مسایل مهم جوامع بشری است. بدون تردید می‌توان گفت که هویت از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هر گونه زندگی جمعی است (قاسمی و قادری، ۱۳۸۸: ۱۹۴). منابع شکل‌دهنده هویت در جوامع گذشته از قبل مشخص بود و هویت افراد بیشتر جنبه انتسابی داشت و این امر باعث می‌شد که افراد یک جامعه از لحاظ هویت‌یابی چندان دستخوش تغییر و دگرگونی نشوند. در واقع در گذشته، مکان نقش کلیدی در خلق هویت اجتماعی افراد داشت؛ چون که افراد در محیط‌های کوچک و بسته زندگی می‌کردند و هویت اجتماعی آنها با ارتباط رو در رو با اطرافیان در یک محیط ثابت شکل می‌گرفت. افراد کمتر با دنیای خارج ارتباط داشتند و سنت‌های بومی - محلی بخش اعظم هویت آنها را شکل می‌داد. اما در پی ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نقش مکان در شکل‌دهی به هویت بسیار کم‌رنگ شد؛ زیرا رسانه‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند فرد را از مکان خود او جدا کنند و به جهان پیوند بزنند. در نتیجه افراد با منابع هویت‌یابی متشکری روبه‌رو هستند و هویت‌یابی شکلی غیرمحلی و جهانی پیدا کرده است (خانی‌جزینی، ۱۳۸۸: ۳۵).

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان گفت که افراد کره خاکی در هر نقطه‌ای که باشند به نحوی با این تحولات گسترده روبه‌رو هستند و ابعاد گوناگون زندگی افراد به‌طور همه‌جانبه‌ای تحت تأثیر رسانه‌های نوین از جمله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی قرار گرفته است، به طوری که نمی‌توان آثار و پیامدهای این فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی را انکار کرد. ایران نیز هم‌زمان با سایر کشورها در معرض دگرگونی قرار گرفته و ابعاد زندگی مردمان این مرز و بوم تحت تأثیر فرایندهای جهانی دستخوش تغییرات شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی افراد جنبه هویتی آنان است. با توجه به تغییرات به‌وجود آمده در سطوح ملی و بین‌المللی، شاخصه‌های هویت ایرانی به‌ویژه هویت دینی و ملی دچار چالش عمیقی شده‌اند. از میان آحاد ملت

ایران، قشر جوان بیشترین تأثیر را از این تحولات گرفته و به نحوی دچار چالش‌های هویتی و گسیختگی در امر هویت‌یابی گشته‌اند. در واقع، جوانان یکی از مهم‌ترین اقشاری هستند که به دلیل خصوصیات مربوط به دوره جوانی بیشترین تأثیر را از این رسانه‌های نوین دیجیتالی می‌گیرند. لذا مطالعه و تحقیق در مورد تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی هویت ملی امری مهم و ضروری قلمداد می‌شود. به همین دلیل هدف نوشتار حاضر بررسی دقیق و موشکافانه پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت ملی جوانان شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ است.

۲- پیشینه پژوهش

یافته‌های بهزاد دوران (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک»، وجود رابطه معنادار میان تجربه حضور در فضای سایبرنتیک و تغییر هویت ملی، خانوادگی، و گروه همسالان را تأیید نکرد و این نتیجه حتی با کنترل متغیرهای مداخله‌کننده تغییر نکرد. اما بحث در نتایج اصلی تحقیق، آشکار می‌سازد که صرف تأیید نشده فرضیه‌ها، به معنای نبود تأثیر و تأثر و حتی رابطه میان تجربه فضای سایبرنتیک و هویت اجتماعی نیست، بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی رابطه و بنابراین آثار متقابل و متفاوت سطحی، عمیق، کوتاه‌مدت و بلندمدتی است که میان این دو متغیر به‌ویژه در حضور دیگر متغیرهای زندگی اجتماعی می‌توان تصور کرد.

یافته‌های ملکی و عباس‌پور (۱۳۸۸)؛ حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهد افرادی که از رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت و ماهواره) استفاده می‌کنند، میانگین هویت ملی آنها به‌طور معناداری کمتر از جوانانی است که اصلاً از اینترنت و ماهواره استفاده نمی‌کنند.

مهدی‌زاده و عنبرین (۱۳۸۸) رابطه بین میزان، نوع و نحوه استفاده از اینترنت را با هویت فرهنگی جوانان بررسی کردند. هویت فرهنگی در این پژوهش براساس دو بعد هویت دینی و هویت ملی سنجیده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که اولاً اینترنت را می‌توان یک رسانه تأثیرگذار بر هویت فرهنگی تلقی نمود و ثانیاً هر چه میزان استفاده از اینترنت بیشتر باشد عام شدن هویت فرهنگی و یا به عبارت دیگر تضعیف هویت فرهنگی افزایش می‌یابد. نحوه استفاده از اینترنت نیز بر هویت فرهنگی تأثیرگذار است.

یافته‌های پژوهش حسونند عموزاده و همکارانش (۱۳۸۹) در مورد آثار اینترنت در تغییر هویت (هویت فردی، هویت گروهی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های مذهبی و

ارزش‌های ملی) دانشجویان دانشگاه ایلام، نشان داد که گرایش دانشجویان به استفاده از اینترنت در تغییر هویت فردی، هویت گروهی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های ملی و مذهبی آنان مؤثر است.

ساروخانی و رضایی‌قادی (۱۳۹۱) در مطالعه‌شان نشان دادند که میان میزان استفاده از اینترنت و هویت ملی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. هم‌چنین نوع استفاده از اینترنت نیز در میزان تعلق به هویت ملی تأثیرگذار است. در نهایت استفاده از اینترنت باعث تضعیف هویت ملی می‌گردد.

جانسون (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان می‌دهد که جامعه کنونی تحت تأثیر رسانه‌های نوین همچون اینترنت به فرهنگ مجازی رسانه‌ای و شبیه‌سازی گذر کرده است و در اثر این تغییرات، دولت‌ها با تضعیف هویت ملی روبه‌رو شده‌اند. هم‌چنین این اثرپذیری زمینه‌ساز تقویت هویت‌های قومی و محلی شده است.

پژوهش گراسموک و همکارانش (۲۰۰۹)، «ارائه خود» در یک محیط مجازی و هم‌چنین تفاوت گروه‌های مختلف قومی - نژادی را در این «ارائه خود» مورد بررسی قرار می‌دهد. بر مبنای تحلیل محتوای ۸۳ پروفایل فیس‌بوک و ۶۳ مصاحبه حضوری مشخص شد که هویت‌های قومی - نژادی در این محیط‌ها چشمگیر و شفاف هستند. سرمایه‌گذاری شدید و متمرکز در به نمایش گذاشتن صریح ابعاد اجتماعی و فرهنگی و روایت‌های شخصی بازتاب‌دهنده مقاومتی خاص در اقلیت‌های نژادی با ایدئولوژی برابری است. در محیط فیس‌بوک بسیاری از ابعاد هویتی ریشه در واقعیت‌های جهان بیرونی دارد. یافته‌های پژوهش تیلر (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی در ترکیب با نفوذ قدرت‌های غربی، حرکتی را به سوی همگن‌سازی جهان آغاز کرده‌اند که سبب ایجاد تضاد و ستیز در جهان و حرکت برخی ملت‌ها به سوی شکست و تضعیف هویت ملی و سنت‌ها شده است. هم‌چنین وی معتقد است که به واسطه این شبکه‌های اجتماعی مجازی افراد قابل توجهی در سراسر دنیا در تعامل با یکدیگر قرار گرفته و با فرهنگ و عقاید بیگانه روبه‌رو شده و در خصوص از دست دادن هویت‌های ملی و دینی‌شان احساس خطر کرده‌اند.

۳- سوالات پژوهش

پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های ذیل است:

- استفاده از فیس‌بوک چه تأثیری بر هویت ملی کاربران دارد؟
- آیا فیس‌بوک به‌عنوان یکی از ابزارهای جهانی‌شدن، تضعیف‌کننده هویت ملی است؟

۴- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

۴-۱- شبکه‌های اجتماعی اینترنتی

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی هستند که امکانی فراهم می‌آورد تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و ایسون، ۲۰۰۷: ۲۱۲).

در واقع شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند. به‌طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می‌گیرد مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق برقراری ارتباط تسهیل می‌گردد. کاربران می‌توانند پروفایل‌های دیگران را ببینند و از طریق برنامه‌های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پمپک و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۸).

در ادامه به معرفی شبکه اجتماعی فیس‌بوک می‌پردازیم که از جمله پرکارترین سایت‌ها در زمینه ترکیب و ارتقای ارتباطات اجتماعی موجود و هم‌چنین تشکیل گروه‌های اجتماعی جدید است. فیس‌بوک، یک سایت اجتماعی است که توسط سازنده جوان خود «مارک زاکربرگ» در چهارم فوریه سال ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد. این پایگاه هم‌اکنون از نظر تعداد کاربر عضو و نیز از نظر کارشناسان و در یک جمله در زمینه کاری خود، پایگاه شماره یک جهان محسوب می‌شود.

محیط فیس‌بوک در واقع مجلسی از دوستان و آشنایان یک کاربر به‌شمار می‌آید. این پایگاه با ارائه امکان عضوگیری در تعداد بالا، به کاربران اجازه می‌دهد تا در هر لحظه دوستان جدیدی را به مجموعه خود اضافه کنند. کاربران در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌عنوان یک عضو، می‌توانند عکس‌های خود را به اشتراک بگذارند، پیغام بفرستند، عکس‌ها را برای خود و دیگران علامت‌گذاری کنند، روی «وال»‌های خود و دیگران مطالبی بنویسند، عضو گروه‌ها شوند، گروه جدیدی ایجاد کنند، ایده‌های خود را در بحث‌های گروهی به اشتراک بگذارند، انواع درخواست‌ها را بدهند و بپذیرند و در فیس‌بوک بازی کنند (گوزین‌مازمن و یوزلول، ۲۰۱۰: ۴۴).

۴-۲. هویت ملی

دو معنای اصلی هویت، تمایز و تشابه مطلق است. جنکینز در کتاب «هویت اجتماعی» هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: هویت ریشه در زبان لاتین و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان می‌کند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می‌یابد. مفهوم هویت، همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد؛ شباهت و تفاوت (جنکینز، ۱۳۹۱: ۵). هویت داشتن یعنی یگانه بودن، ولی از دو جنبه متفاوت: همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان (هکمان، ۱۹۹۹: ۶).

هویت در سطوح و ابعاد مختلف واکاوی شده است. هویت ملی، هویت دینی، هویت جنسیتی، هویت شخصی و مواردی از این قبیل. هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست. ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها، به واسطه اشتراک داشتن در برخی عناصر فرهنگی و شبه‌فرهنگی (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۶۱). اسمیت هویت ملی را بازتولید و بازتغییر پایدار ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که عناصر تمایزبخش هر ملتی هستند. هویت ملی عبارت است از نوعی احساس تعلق فرهنگ‌محور، تمایزآفرین و تداوم‌بخش به یک ملت که دولت و گفتمان‌های مسلط با بهره‌برداری از منابعی معین آن‌را به وجود آورده و حفظ و تعریف می‌کند. وی اضافه می‌کند که هسته هویت ملی تداوم و تمایز است. در جایی دیگر اشاره شده که هویت ملی فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان تعلق، خاستگاه اصلی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و دولت ملی یا به عبارتی به کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد. به بیان دیگر، هویت ملی به معنای احساس همبستگی با کل اعضای ساکن در یک محدوده سرزمینی مشترک است، به طوری که نسبت به موجودیت کل آن آگاهی و احساس وفاداری دارند.

۴-۳. چارچوب نظری

اندیشمندان اجتماعی معتقدند که در جهان کنونی جدایی فضا و زمان از مکان شکل گرفته که به فشردگی فضا و زمان یعنی کاهش زمان و کوچک شدن فضا انجامیده است. در نتیجه ما شاهد برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان هستیم. در شرایطی این چنین انسان‌ها به بازسازی مفهوم زمان و فضا پرداخته‌اند و در نتیجه با گسست دوران مدرن با دوران سنتی مواجه هستیم. این شرایط گسست در سطح جهانی همگونی و درهم‌تنیدگی و آن‌گاه وابستگی متقابل را به وجود آورده است. تحت تأثیر این وابستگی متقابل، آگاهی تعلق به جهانی واحد و آگاهی از امر جهانی شدن شکل گرفته است. در بسیاری از جوامع سنتی و در حال توسعه، ایدئولوژی عامل هویت‌یابی در سطوح خرد و کلان است. اما فرایند جهانی شدن به یاری فناوری ارتباطات، منابع هویت‌بخشی دیگری را به افراد جامعه ارائه می‌کند. از جمله این منابع هویت‌ساز می‌توان به ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره کرد، البته دولت‌ها با استفاده از رسانه‌های ملی همچون روزنامه و تلویزیون به مقابله با منابع نوظهور عصر جهانی شدن برمی‌خیزند. در قرون اخیر، هویت ملی جوامع که مبتنی بر نهاد دولت - ملت بوده به ناگاه جایگاه منحصر به فرد خود را از دست داده و با رشد وسایل ارتباطی، فناوری ارتباطات و پوشش رسانه‌ای هویت‌های فراملی و جهانی موضوعیت پیدا کرده‌اند. در فضای مجازی بی‌کران اینترنت همه افراد حقیقی و حقوقی از طریق ایجاد نمایه (پروفایل) کاربری در شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان نقش‌آفرینی یافته و گستره پیام‌رسانی خود را جهانی می‌سازند. در این شرایط جهانی یا عرصه جهانی مرزها نفوذپذیر می‌شود و فضای اجتماعی گسترش چشمگیری می‌یابد. منابع و شرایط لازم برای هویت‌سازی و معنا‌یابی سنتی با چالش مواجه می‌شود و در نتیجه افراد به بی‌ثباتی، دوگانگی، چندگانگی و سیالیت هویتی دچار می‌شوند.

شبکه‌های اجتماعی مجازی فضای سیاسی متفاوتی را برای گروه‌ها، احزاب و تشکله‌ها و اقوام به وجود آورده‌اند. هم‌چنین ابزار اثرگذاری و دامنه دسترسی متنوعی را برای اعضا فراهم کرده‌اند و حس پیوستگی هویتی آنان را تقویت می‌نمایند. این وضعیت برای گروه‌های از نظر سرزمینی پراکنده، بسیار مؤثر است. دیپلماسی مجازی برای گروه‌های سیاسی و فرهنگی پراکنده، سرزمینی مجازی پیوسته به وجود می‌آورد در نتیجه تعاملات هویتی و فرهنگی آنان افزایش یافته و ارزش‌ها و باورها بُعد فرامنطقه‌ای و جهانی می‌یابند. از طرف دیگر قدرت در گستره جهانی شدن بر تولید دانش مبتنی است در این

گستره کشورهای قدرتمند محسوب می‌شوند که قدرت تولید بیشتر دانش را داشته باشند. بی‌گمان کشورهای غربی و حوزه‌های متأثر از فرهنگ آنها، کنشگران اصلی این گستره‌اند و کشورهای دیگر به نوعی دنباله‌رو آنها به شمار می‌روند. از این منظر است که زبان انگلیسی به‌عنوان زبان مسلط ظاهر شده است. بر این اساس هویت ملی براساس تغییر شکل نظام سیاسی، تحول در باورهای فرهنگی و گشودگی آن به روی آموزه‌های فرهنگی دیگر، دچار دگردیسی شده و به مقوله‌ای نسبی تبدیل می‌شود. آگاهی، هویت، نگرش و رفتار افراد جامعه در هر زمان ملهم از آگاهی و معرفت آنهاست که افزون بر شکل‌دهی به هویت آن جامعه به زیرساخت‌های تاریخی نسل‌های بعدی نیز تبدیل می‌شود. یکی از گرایش‌های هویتی افراد هویت ملی آنان به‌عنوان بنیاد شکل‌گیری ملت است. در عصر اینترنت، پیدایی فرهنگ دیجیتال و رسوخ پدیده اینترنت در تمام ابعاد زندگی بشری، اندوخته‌ها و آموخته‌های فرهنگی نیز تن به روایت‌ها و قرائت‌های مختلف داده و هیچ ایده، فرهنگ، گفتمان و کنشی از تکثرگرایی به دور نمانده است. در زمینه بررسی تأثیرات فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر هویت ملی، به دلیل پیچیدگی موضوع، یک نظریه به تنهایی قادر به تبیین مسأله نیست. از این رو برای پرداختن به تأثیر شبکه اجتماعی مجازی فیس‌بوک، از نظریه‌های کاستلز، هابرماس و ولمن استفاده خواهد شد.

۴-۳-۱. کاستلز

به اعتقاد کاستلز شبکه اینترنت ستون فقرات ارتباطات جهانی از دهه ۱۹۹۰ به بعد است، چرا که به تدریج بیشتر شبکه‌های اجتماعی را به یکدیگر پیوند خواهد داد. مسأله بدین جا ختم نشده بلکه انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری به تدریج فرهنگ کاربران شبکه و حتی الگوهای ارتباطی آینده را نیز شکل می‌دهد. از نظر کاستلز جامعه شبکه‌ای (که محصول اصلی اینترنت است) بر ساخته شدن هویت افراد مؤثر خواهد افتاد. به نظر وی، فرآیند جهانی شدن و به دنبال آن جامعه شبکه‌ای با تولید و رشد آگاهی در مردم به تضعیف مسائلی چون دولت ملی و هویت ملی مرتبط با آن منجر می‌شود، بدین صورت که با برجسته شدن بسیاری هویت‌های خاص‌گرایانه (همانند هویت‌های قومی و مذهبی) در داخل کشورها، سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده خواهد شد. بدین ترتیب کاستلز بر این باور است که فناوری‌های نوین با تضعیف پدیده دولت - ملت و ایجاد شکاف در هویت ملی

باعث تقویت هویت‌های فروملی (هویت مقاومت) می‌شود (کاستلز، ۱۹۹۷: ۱۷). هویت مقاومت در نگاه کاستلز یک نوع هویت ویژه است و غالباً به دست آن کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته شده و یا داغ ننگ به آنها زده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۵: ۵۲). از آنجایی که پژوهش حاضر در پی بررسی رابطه شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی است؛ و هم‌چنین طبق نظر کاستلز که معتقد است فضای مجازی می‌تواند زمینه تضعیف هویت‌های ملی را فراهم کند، بنابراین نظریه وی می‌تواند به‌عنوان بخشی از چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده و در جامعه مورد مطالعه مورد آزمایش و سنجش قرار گیرد.

۴-۳-۲. هابرماس

هابرماس جامعه اطلاعاتی و جهانی‌شدن رسانه‌ای را در قالب «حوزه عمومی» مورد توجه قرار داده است. وی اینترنت را محیطی می‌داند که یک حوزه و فضای عمومی را در جامعه فراهم کرده است. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن حضور افراد در مباحثات باز و علنی و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفتگو تحقق می‌یابد. این حوزه فقط در جامعه‌های باز و مردم‌سالار شکوفا می‌شود، قدرت در آن دخالتی ندارد و در این فضا گفتگوها به‌صورت آزادانه انجام شده و افراد می‌توانند مسائل مورد علاقه خود را مطرح کنند. در نگاه هابرماس شبکه ارتباطی اینترنت مدت‌هاست که به‌عنوان یک حوزه عمومی جدید مطرح شده و هر چند به‌نظر بعضی‌ها آن فقط یک حوزه عمومی مجازی است، ولی با این حال این حوزه به شدت در حال رشد است.

به‌زعم هابرماس در تمام انسان‌های آزاد یک‌سری نیازهای اساسی و اصیل وجود دارد و این نیازها زمانی که فرد با دیگران صمیمانه وارد گفتگو شود کشف خواهد شد. در محیط‌های تعاملی اینترنتی (ایمیل، وبلاگ، چت‌روم‌ها، شبکه‌های اجتماعی مجازی و غیره) در واقع شرایط آرمانی مورد نظر هابرماس به خوبی تحقق می‌یابد. در این محیط‌ها افراد معمولاً راحت‌تر می‌توانند نیازهای خود را مطرح کنند و این طرح کردن نیازها باعث شکل‌گیری یک فضای گفتگو و مباحثه می‌شود. کاربران در آن فضا به گفتگو می‌پردازند، احساسات خود را ابراز می‌کنند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند (زنجانی‌زاده و محمدجوادی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). با توجه به این‌که در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نوعی اعتماد و صمیمیت در میان کاربران شکل می‌گیرد، بنابراین آنها هم‌چنین ممکن است الگوهای هویت‌یابی خود را نیز در این محیط‌ها بگیرند و این دریافت‌ها احتمالاً بر احساس تعلق فرد به هویت ملی خود نیز می‌تواند مؤثر واقع شود.

و در این رابطه است که نظریه «حوزه عمومی» هابرماس را می‌توان جزیی از چهارچوب نظری تحقیق حاضر در نظر گرفت.

۴-۳-۳. ولمن

ولمن در یک گونه‌شناسی از اجتماعات انسانی از سه نوع اجتماع صحبت می‌کند که عبارتند از: الف) اجتماع از دست‌رفته، ب) اجتماع حفظ شده و ج) اجتماع آزاد شده. گونه سوم به موضوع پژوهش حاضر مرتبط است. «اجتماع آزاد شده» ولمن به معنای آن است که ظهور وسایل حمل و نقل سریع، و تکنولوژی نوین مثل تلفن همراه و اینترنت، تعلق و وابستگی فرد را به جغرافیا و محل کمتر ساخته و به تعبیری، نقش زمان و مکان در ارتباطات انسانی کمتر شده است. اما این بدان معنا نیست که اجتماع نابود شده است، بلکه اجتماع در اشکال جدیدی خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی، بازتولید می‌کند (ولمن، ۲۰۰۱).

به اعتقاد ولمن اینترنت تنها یک ابزار ارتباطی نیست. امکانات بسیار متنوعی در اینترنت وجود دارد از قبیل: سایت‌های خبری، وبلاگ‌ها، چت و ایمیل، و نیز سایت‌های موسیقی، فیلم، و بازی‌های اینترنتی که استفاده از آنها فعالیتی اجتماعی محسوب نمی‌شود. در واقع ولمن دو گونه استفاده از اینترنت را برمی‌شمارد: استفاده‌های اجتماعی مثل ایمیل، چت و استفاده‌های غیر اجتماعی مثل وب‌گردی و دانلود موسیقی و بازی. زمانی که اینترنت مردم را با فعالیت‌های غیر اجتماعی درگیر می‌کند، حتی بیش از تلویزیون می‌تواند آنان را از اجتماع، سازمان‌ها، مشارکت سیاسی و زندگی خانوادگی دور کند. در مقابل زمانی که مردم از اینترنت برای ارتباط با دوستان، خویشان و سازمان‌ها (دور یا نزدیک) استفاده می‌کنند، آنگاه اینترنت هم‌چون ابزاری برای ساختن و حفظ سرمایه اجتماعی خواهد (ولمن، ۲۰۰۱: ۳۰). در واقع، ولمن اثرات اینترنت را کاملاً در جهت افزایش ارتباطات اجتماعی ارزیابی نمی‌کند، بلکه آن را تابع نوع استفاده‌ای که از آن می‌شود، می‌داند. بدین ترتیب، نظریه ولمن نیز در تبیین برخی ابعاد موضوع تحقیق می‌تواند کمک نماید. براساس همین مباحث نظری در خصوص نقش رسانه‌های ارتباطی در شکل‌دهی به فرایند هویت است که در پژوهش حاضر به جایگاه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر هویت ملی کاربران می‌پردازیم.

فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱- بین مدت زمان عضویت کاربران در فیس‌بوک و تعلق به هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.

- ۲- بین میزان استفاده کاربران از فیس‌بوک و تعلق به هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین میزان مشارکت و فعال بودن کاربران در استفاده از فیس‌بوک و تعلق به هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از سوی کاربران و تعلق به هویت ملی رابطه وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که فضای مجازی دارای مکان خاصی در دنیای واقعی نیست، و فضایی است بین رایانه‌ای و سایبری، و با لحاظ کردن این نکته که دسترسی به کاربران متنوع و متفاوت شبکه اجتماعی فیس‌بوک عملاً در دنیای واقعی به علت پراکندگی جغرافیایی آنان امکان‌پذیر نمی‌باشد، و اصولاً مطالعه یک کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک در فضای کاربری و در محیط مورد مطالعه، مناسب‌تر و پربازده‌تر است، در این پیمایش از تکنیک پرسشنامه اینترنتی استفاده شده است. جمعیت آماری این پیمایش نیز شامل جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ است. در پیمایش فوق به علت موجود نبودن هیچ‌گونه چارچوب نمونه‌گیری مشخص و پراکندگی جمعیت آماری مورد نظر، از نمونه‌گیری غیراحتمالی با استفاده از نمونه‌های در دسترس و داوطلبانه استفاده شده است (بلیکی، ۱۳۸۷؛ فلیک، ۱۳۸۷). در واقع پرسشنامه این پژوهش ابتدا برای نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک شهر اصفهان فرستاده شد و در مرحله بعد، از پرسشنامه‌های بازگشته و تکمیل شده توسط کاربران، با توجه به تعریف جمعیت آماری پژوهش و پس از حذف پرسشنامه‌های مشکل‌دار و ناقص در نهایت ۴۲۴ پرسشنامه مورد ارزیابی و بهره‌برداری نهایی قرار گرفت. لازم به توضیح است که این حجم نمونه با توجه به عدم اطلاع درست از تعداد واقعی جمعیت آماری مورد مطالعه و متعاقب آن عدم امکان استفاده از فرمول‌های رایج تعیین حجم نمونه، به‌طور تجربی و با عنایت به حجم نمونه در پژوهش‌های مشابه انتخاب شده است و بالطبع در مورد تعمیم یافته‌های پژوهش باید با احتیاط عمل کرد.

۵-۱. مفاهیم و متغیرهای پژوهش

الف) متغیر مستقل

مدت زمان عضویت در فیس‌بوک: عبارت است از مدت زمانی که فرد به عضویت

فیس‌بوک در آمده است. در پژوهش حاضر؛ مدت زمان عضویت کاربران در فیس‌بوک در پنج طبقه: ۱- کمتر از شش ماه، ۲- از شش ماه تا کمتر از یک سال، ۳- از یک سال تا کمتر از دو سال، ۴- از دو سال تا کمتر از سه سال، ۵- از سه سال تا بیشتر، دسته‌بندی شده است.

میزان استفاده از فیس‌بوک: عبارت است از مدت زمانی از شبانه‌روز که فرد از فیس‌بوک استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر، میزان دسترسی کاربران به فیس‌بوک در شش طبقه: ۱- کمتر از پانزده دقیقه، ۲- بین پانزده دقیقه تا نیم ساعت، ۳- بیشتر از نیم ساعت تا کمتر از یک ساعت، ۴- از یک ساعت تا کمتر از دو ساعت، ۵- از دو ساعت تا کمتر از سه ساعت و ۶- از سه ساعت تا بیشتر، دسته‌بندی شده است.

مشارکت و فعال بودن کاربران در استفاده از فیس‌بوک: مشارکت و فعال بودن کاربران در استفاده از فیس‌بوک به میزان درگیری تعامل کاربران در فیس‌بوک اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر، برای سنجش میزان مشارکت و فعال بودن کاربران در استفاده از فیس‌بوک از شاخص‌های ذیل استفاده شده است:

- دیدن پروفایل‌ها، عکس‌ها و آلبوم‌های شخصی دوستان؛
- فقط خواندن وال‌ها و موضوعات به بحث گذاشته شده؛
- اغلب خواندن و گاهی نوشتن بر روی وال و موضوعات به بحث گذاشته شده؛
- شروع یک بحث تازه در بین گروه‌های عضو؛
- دنبال کردن لینک اخبار و موضوعات سیاسی؛
- دنبال کردن لینک اخبار و موضوعات اجتماعی و فرهنگی.

واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از دید کاربران: واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از دید کاربران به میزان شناخت و اعتقاد کاربران نسبت به صحت محتوای مطالب مورد استفاده در شبکه اجتماعی فیس‌بوک اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر، برای سنجش واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک از معرف‌های زیر استفاده می‌شود:

- ۱- اعتقاد کاربران نسبت به صحت و درستی اخبار و اطلاعات فیس‌بوک؛
- ۲- میزان اعتماد و خوش‌بینی کاربران نسبت به محتوای مطالب فیس‌بوک در مقایسه با رسانه‌های داخلی؛
- ۳- اعتبار و مقبولیت پیام‌رسانان فیس‌بوک از دید کاربران.

ب) متغیر وابسته

هویت ملی: هویت ملی را می‌توان هویتی مبتنی بر تشابه منظم و معنی‌دار بین

گروهی از افراد به نام ملت در یک سرزمین و یک دولت ملی مشخص و ارزش‌ها و اعتقادات دینی و فرهنگی متمایز از ملت‌های دیگر، تعریف کرد (عدلی‌پور، ۱۳۹۱: ۸۰). در واقع هویت ملی را می‌توان یک حس بالنده میان مردمی دانست که به‌طور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و دارای منافع مشترک و سرنوشت مشترک‌اند (صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰). بر این اساس هویت ملی در پژوهش حاضر با سه بعد فرهنگ ملی (به معنای تعهد؛ تعلق و ارزیابی مثبت و احساس علاقه به فرهنگ ایران)، سیاست ملی (وفاداری ملی و احساس تعهد، تعلق و احساس تکلیف در برابر کشور ایران یا همگامی ملی) و تعهد و عضویت در اجتماع ملی (به معنی نوع نگرش و کیفیت رابطه با سایر کنشگران در سطح ملی است. در این بعد مجموعه نگرش‌ها و برداشت‌های شخصی از جامعه ایران و میزان همدلی با سایر عناصر نظام اجتماعی در ایران مورد سنجش قرار گرفته است).

۲-۵. اعتبار و قابلیت اعتماد ابزار تحقیق

در پژوهش حاضر، برای تأمین اعتبار طیف‌های به کار رفته در سنجش متغیرها از اعتبار محتوایی و هم‌چنین اعتبار صوری استفاده شده است. بدین صورت که هر متغیر با استفاده از تعاریف نظری موجود و سازه‌های نظری به صورت یک سازه عملیاتی مفهوم‌بندی شده است (اعتبار محتوایی). هم‌چنین پرسشنامه را پس از طراحی دو نفر از اساتید جامعه‌شناسی تأیید کرده‌اند (اعتبار صوری). هم‌چنین برای سنجش میزان قابلیت اعتماد پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای تمام متغیرها میزان آلفا بیش از ۰/۷ به دست آمد.

۶- یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش قابل ارائه است: بخش توصیفی که به معرفی سیمای پاسخگویان می‌پردازد و بخش استنباطی که به آزمون فرضیات تحقیق اختصاص دارد.

۱-۶. نتایج توصیفی

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب گروه‌های سنی و جنس

			گروه‌های سنی				مجموع
			۱۵-۱۸ سال	۱۹-۲۲ سال	۲۳-۲۶ سال	۲۷-۳۰ سال	
جنس	زن	تعداد	۴۶	۵۷	۱۱۷	۲۸	۲۴۸
		درصد	۱۰/۸	۱۳/۴	۲۷/۶	۶/۶	۵۸/۵



	مرد	تعداد	۱۱	۳۶	۹۵	۳۴	۱۷۶
		درصد	۲/۶	۸/۵	۲۲/۴	۸	۴۱/۵
مجموع		تعداد	۵۷	۹۳	۲۱۲	۶۲	۴۲۴
		درصد	۱۳/۴	۲۱/۹	۵۰	۱۴/۶	۱۰۰

جدول ۱، ۴۱/۵ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۸/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. براساس آمار فوق، بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۶-۲۳ سال و کمترین تعداد در گروه سنی ۱۸-۱۵ سال قرار دارند.

جدول شماره ۲: میزان هویت ملی افراد و شاخص‌های آن بر حسب فراوانی و درصد

		فرهنگی	سیاسی	اجتماعی	هویت ملی
پایین	فراوانی	۲۸	۷۸	۲۶۶	۶۴
	درصد	۶/۶	۱۸/۴	۶۲/۷	۱۵/۱
متوسط	فراوانی	۸۵	۱۵۶	۱۱۸	۲۰۰
	درصد	۲۰	۳۶/۸	۲۷/۸	۴۷/۲
بالا	فراوانی	۳۱۱	۱۹۰	۴۰	۱۶۰
	درصد	۷۳/۳	۴۴/۸	۹/۴	۳۷/۸
کل	فراوانی	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در جدول ۲ میزان هویت ملی افراد و شاخص‌های آن، قابل مشاهده است. براساس اطلاعات این جدول مشاهده می‌شود که در متغیر هویت ملی، بیش از ۴۷ درصد پاسخگویان میزان هویت ملی شان در حد متوسط، ۲۱ درصد پایین و حدود ۳۰ درصد نیز بالا است.

۲-۶. تحلیل استنباطی

پیش از پرداختن به فرضیات پژوهش لازم است تا عوامل درونی طیف هویت ملی مطالعه شوند. بدین جهت از تکنیک آماری تحلیل عاملی سود جستیم. براساس تحلیل عاملی که در خصوص مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت ملی انجام گرفته (جدول ۴)، سه عامل اساسی وجود دارد و هر عامل متشکل از گویه‌هایی است که معنای مشترکی

دارند. براساس تحلیل عاملی، طیف هویت ملی مورد استفاده دارای سه بعد فرهنگی ملی، سیاست کلی و تعهد و عضویت در اجتماع ملی است. ضریب عاملی که در مقابل هر یک از گویه‌ها نوشته شده نشان‌دهنده اهمیت هر یک از گویه‌ها است. به‌طورکلی می‌توان گفت که با توجه به آماره K.M.O در تمام ابعاد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنادار است. در واقع میزان خطا دارای سطح معناداری بالا (۰/۰۱) و سطح اطمینان ۹۹ درصد است؛ به عبارت دیگر، تمامی عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر وابسته داشته‌اند.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل عاملی هویت ملی در بین جوانان شهر اصفهان

نتیجه آزمون KMO	ابعاد هویت ملی	عامل‌های هویت ملی			گویه‌های هویت ملی
		عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
K.M.O= ۰/۸۱ Sig= ۰/۰۱	فرهنگ ملی			۰/۷۰	به مفاخر علمی و ادبی ملت خود افتخار می‌کنم.
				۰/۷۴	فرهنگ و تمدن ما در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها از جایگاه خاصی برخوردار است.
				۰/۶۸	به ادبیات، شعر و زبان ملت خود علاقه‌مندم.
				۰/۶۹	موسیقی ملت‌ام را به سایر موسیقی‌ها ترجیح می‌دهم.
				۰/۶۳	این که عضوی از فرهنگ ایرانی باشم، نقش مهمی در زندگی من دارد.
				۰/۷۱	اکثر اوقات در زندگی از آداب و رسوم و ارزش‌های فرهنگی کشورم الگو می‌گیرم.
				۰/۷۲	به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم.
				۰/۶۵	از شنیدن سرود رسمی کشورم احساس غرور می‌کنم.
				۰/۶۴	از اینکه دارای فرهنگ ایرانی هستم به خودم می‌بالم.
				۰/۶۷	علم و دانش امروزی مدیون تلاش دانشمندان ایرانی همچون ابن‌سینا است.
	سیاست ملی		۰/۶۵	از این‌که در سایه جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنم، احساس غرور می‌کنم.	
			۰/۷۳	باید فرزندان‌مان را طوری بار بیاوریم که کشور ایران را از هر لحاظ (جغرافیا، تاریخ و ادبیات) کاملاً بشناسند.	



		۰/۶۶	اگر چه با برخی از مسائل در کشور موافق نیستم، اما احساس می‌کنم تعهدات قوی به ایران دارم.
		۰/۶۹	باید از قوانین فعلی اطاعت کرد، حتی اگر بعضی از این قوانین نادرست باشند.
		۰/۷۰	اشکالی ندارد که یک فرد ترک، کرد، عرب و... رئیس جمهور شود.
		۰/۶۴	در صورت وقوع جنگ حاضرم به جبهه (یا پشت جبهه برای کمک، در مورد خانم‌ها) بروم.
		۰/۶۸	شخصاً دوست دارم برای توسعه و پیشرفت کشورم تلاش کنم.
اجتماع ملی		۰/۶۷	بنظرم مردم دنیا تصور مثبتی از کشور ایران دارند.
		۰/۶۸	اغلب ایرانی‌ها فروتن، اهل عمل و صادق هستند.
		۰/۶۵	زندگی در ایران را بر هر جای دیگر در دنیا ترجیح می‌دهم.
		۰/۷۲	وضعیت رفاهی و درآمد اکثریت مردم ایران در مقایسه با کشورهای اطراف (ترکیه، عربستان، امارات و کویت) در وضعیت بدی است.
		۰/۶۶	امنیت و آرامش عمومی در ایران، در مقایسه با کشورهای منطقه، خوب است.
		۰/۶۹	اکثر نگرش‌های من به زندگی متأثر از ارزش‌های اجتماعی کشورم است.

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، پژوهش حاضر دارای ۴ فرضیه است که به منظور بررسی صحت و سقم آن از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده شده که در این قسمت، به آنها می‌پردازیم. در فرضیه اول پژوهش حاضر، می‌گوییم بین مدت زمان عضویت کاربران در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی آنها رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هرچه مدت زمان عضویت کاربران در فیس‌بوک بیشتر باشد، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها بیشتر است. برعکس هرچه مدت زمان عضویت کاربران در فیس‌بوک کمتر باشد، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها کمتر خواهد بود. برای آزمون این فرضیه از آزمون

تاو - کندال b استفاده می‌کنیم. در جدول ۵ در هر مورد مقدار آماره آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین مدت زمان عضویت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معناداری وجود دارد یعنی با افزایش مدت زمان عضویت در فیس‌بوک، هویت ملی کاربران تضعیف می‌شود. بنابراین فرضیه اول پژوهش با سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰ تأیید می‌شود.

جدول شماره ۴: بررسی رابطه مدت زمان عضویت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران

متغیر	مقدار	سطح معناداری	تعداد نمونه	آزمون فرضیه
مدت زمان عضویت و هویت ملی	-۰/۱۲۵	۰/۰۰۲	۴۲۴	تأیید فرضیه

طبق فرضیه دوم پژوهش، بین میزان استفاده کاربران از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی آنها رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هر چه میزان استفاده کاربران از فیس‌بوک افزایش یابد، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها بیشتر است. برعکس هر چه میزان استفاده کاربران از فیس‌بوک کاهش یابد، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها کمتر خواهد بود. برای آزمون این فرضیه از آزمون تاو - کندال c استفاده می‌کنیم. در جدول ۵ در هر مورد مقدار آماره آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش میزان استفاده از فیس‌بوک، هویت ملی کاربران تضعیف می‌شود. بنابراین فرضیه دوم پژوهش با سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰ تأیید می‌شود.

جدول شماره ۵: بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران

متغیر	مقدار	سطح معناداری	تعداد نمونه	آزمون فرضیه
میزان استفاده از فیس‌بوک و هویت ملی	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	۴۲۴	تأیید فرضیه

در فرضیه سوم پژوهش حاضر، مطرح می‌شود که بین میزان مشارکت و فعال بودن کاربران در استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی آنها رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هر چه کاربران در استفاده از فیس‌بوک فعال و مشارکت‌جو باشند، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها بیشتر است. برعکس هر چه کاربران در استفاده از فیس‌بوک



منفعل و غیرمشارکت‌جو باشند، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها کمتر خواهد بود. برای آزمون این فرضیه از آزمون تاو - کندال b استفاده می‌کنیم. در جدول ۶ در هر مورد مقدار آماره آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معنادار معکوسی وجود دارد و با افزایش میزان مشارکت و فعالیت کاربران در فیس‌بوک، هویت ملی آنها تضعیف می‌شود.

جدول شماره ۶: بررسی رابطه میزان فعالیت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران

آزمون فرضیه	تعداد نمونه	سطح معناداری	مقدار	متغیر
تأیید فرضیه	۴۲۴	۰/۰۵۱	-۰/۰۱۰	میزان فعالیت کاربران در فیس‌بوک و هویت ملی

طبق فرضیه چهارم پژوهش، بین واقعی تلقی کردن محتوای شبکه اجتماعی فیس‌بوک از سوی کاربران و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد. یعنی کاربران هرچه بیشتر محتوای فیس‌بوک را واقعی تلقی کنند، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها بیشتر است. برعکس هرچه کاربران بیشتر محتوای فیس‌بوک را غیرواقعی تلقی کنند، احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها کمتر خواهد بود. برای آزمون این فرضیه از آزمون تاو - کندال b استفاده می‌کنیم. در جدول ۷ در هر مورد مقدار آماره آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین واقعی تلقی کردن محتوای شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در فیس‌بوک، هویت ملی کاربران تقویت می‌شود. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش با سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود.

جدول شماره ۷: بررسی رابطه واقعی تلقی کردن محتوای شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی کاربران

آزمون فرضیه	تعداد نمونه	سطح معناداری	مقدار	متغیر
تأیید فرضیه	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵۱	واقعی تلقی کردن محتوا و هویت ملی

در ادامه به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تحلیل رگرسیونی می‌پردازیم. جدول ۸ مدل رگرسیونی چند متغیره هویت ملی کاربران را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: مدل رگرسیونی چند متغیره هویت ملی کاربران

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta		
مدت زمان عضویت	-۰/۱۲۹	۰/۰۳۲	-۰/۱۹۹	-۴/۰۱۸	۰/۰۰
میزان استفاده از فیس‌بوک	-۰/۰۴۰	۰/۰۲۹	-۰/۰۴۶	-۰/۳۳۰	۰/۷۴۲
واقعی تلقی کردن	۰/۱۷۷	۰/۰۴۱	۰/۲۰۷	-۴/۳۲۱	۰/۰۰
مشارکت و فعال بودن کاربران	-۰/۰۶۷	۰/۰۳۲	-۰/۱۰۸	-۲/۱۱۴	۰/۰۳۵

آماره‌های موجود در جدول فوق نشان می‌دهند که متغیر واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک با بتای ۲۰ درصد بیشتر از سایر متغیرهای مستقل دیگر بر هویت ملی کاربران تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت است و این مطلب را نشان می‌دهد که با افزایش میزان واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از سوی کاربران، میزان هویت ملی آنها نیز افزایش پیدا می‌کند. علاوه بر این، متغیر مدت زمان عضویت در فیس‌بوک با بتای ۱۹- درصد بعد از متغیر واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از سوی کاربران، بیشترین تأثیرگذاری را بر هویت ملی کاربران دارد. جهت تأثیر این متغیر منفی و معکوس است و نشان می‌دهد با افزایش مدت زمان عضویت در فیس‌بوک از میزان هویت ملی آنها کاسته می‌شود و برعکس با کاهش مدت زمان عضویت کاربران در فیس‌بوک بر میزان هویت ملی آنها افزوده می‌شود. هم‌چنین متغیرهای مشارکت و فعال بودن کاربران با بتای ۱۰- درصد، میزان استفاده از فیس‌بوک با بتای ۴- درصد به ترتیب بر هویت ملی کاربران تأثیر دارند. برای مشخص شدن این‌که متغیرهای مستقل تا چه حد توانسته‌اند واریانس متغیر وابسته پژوهش را تبیین کنند شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی هویت ملی کاربران در جدول ۹ نشان داده شده است.

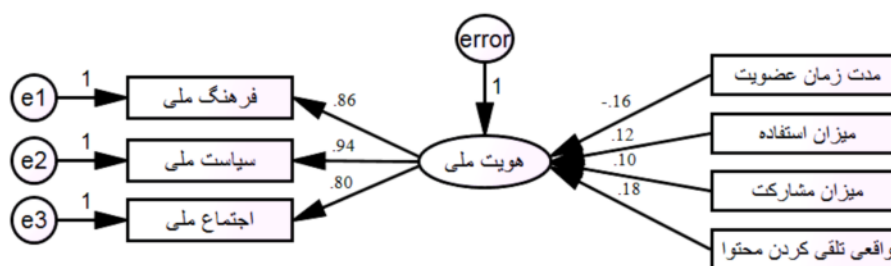
جدول شماره ۹: شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی هویت ملی کاربران

ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تصحیح شده (Adjusted R Square)	سطح معناداری (Sig)
۰/۱۱	۰/۰۹۸	۰/۰۰

همان‌گونه در جدول ۹، ملاحظه می‌شود، ضریب تعیین برابر با ۰/۱۱ است و این مطلب را بیان می‌کند که ۱۱ درصد از تغییرات هویت ملی کاربران را متغیرهای موجود در معادله (مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان فعالیت و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک) تبیین می‌کنند. هم‌چنین با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان به این نکته پی برد که متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی هویت ملی تأثیر داشته‌اند.

در ادامه، مدل معادله ساختاری پژوهش حاضر ترسیم شده است. مدل با استفاده از نرم‌افزار Amos رسم گردیده و ملاحظه می‌شود که متغیر پنهان وابسته یعنی هویت ملی از سه بُعد تشکیل شده است. در این مدل، چهار ضریب همبستگی مشاهده می‌شود که تأثیر متغیر مستقل یعنی شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت ملی کاربران را نشان می‌دهند. متغیر مدت زمان عضویت ۰/۱۶-، میزان استفاده ۰/۰۷+، واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک ۰/۱۸+، میزان مشارکت و فعالیت کاربران ۰/۰۵+ بر هویت ملی کاربران تأثیر دارند.

شکل شماره ۱: مدل معادله ساختاری



در جدول ۱۰، تعدادی از مهم‌ترین معیارهای برازش مدل آمده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که تمامی شاخص‌های برازش مدل قابل قبول هستند. بنابراین مدل ترسیم شده، نشان می‌دهد که داده‌های تجربی ما می‌توانند تا حدودی با نظریه‌ها پوشش داده‌شوند.

جدول شماره ۱۰: شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص‌های برازش مقتصد			
GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI	PCFI	PNFI	RMSEA	CMIN/DF
۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۰۴	۱/۹۶

۷- بحث و نتیجه‌گیری

فناوری‌های ارتباطی جدید و بزرگراه‌های اطلاعاتی آن، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی منجر به تحول در شدت و میزان ارتباط انسان‌ها در اقصی نقاط جهان شده‌اند و تحولی کیفی در نحوه ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ایجاد کرده‌اند. بدین معنی که امروزه با استفاده از اینترنت و با حضور در این بزرگراه، امکان بهره‌گیری از انبوهی از اطلاعات در کمترین زمان ممکن و برقراری ارتباط گفتاری، نوشتاری و دیداری با هزینه‌ای نسبتاً کم فراهم آمده است. ظهور این پدیده اگرچه خود معلول تحولاتی چند بوده اما پس از ظهور، خود منشاء تحولات زیادی گردیده است. یکی از این تحولات تحول در معنا و مفهوم هویت از یک‌سو و هویت اجتماعی و ملی افراد به‌ویژه جوانان از سوی دیگر است. در واقع، در دنیای کنونی که انفجار اطلاعات در آن به‌وقوع پیوسته و بخش عظیمی از انسان‌ها و به‌ویژه جوانان در معرض پیامدهای آن قرار گرفته‌اند، هویت مبنای گذشته خود را از دست داده است و شدت و دامنه تغییرات هویتی در نسل‌های جدید به حدی است که در برخی موارد چالش‌هایی را پدید آورده است و برخلاف گذشته، فرآیند انتقال هویت بیش از آن‌که در زمینه ارزش‌ها، باورها و رفتارها و خلاصه هویت‌شان از والدین خویش متأثر باشند از رسانه‌ها، صنعت فرهنگ، همسالان و جوانان دیگر که چه بسا از دیگر کشورها باشند، تأثیر می‌پذیرند.

هم‌چنین ارتباطات نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و شکل‌دهی هویت‌های ملی و اجتماعی ایفا می‌کند. در این ارتباط، نوع محتوای برنامه‌های رسانه با عرضه هنجارهای متفاوت و بعضاً متعارض، آثار متفاوتی در هویت شهروندان دارد. هم‌چنان‌که نتایج پژوهش حاضر نشان داده است در زمینه تأثیر و پیامدهای شبکه اجتماعی فیس‌بوک روی هویت ملی کاربران می‌توان گفت که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در فیس‌بوک رابطه معنادار معکوس و بین واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در فیس‌بوک افزایش پیدا کند هویت ملی کاربران ضعیف‌تر می‌شود. و هرچه کاربران محتوای فیس‌بوک را بیشتر واقعی تلقی کنند هویت ملی آنها تقویت می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر مطابق با یافته‌های مهدی‌زاده و عنبرین (۱۳۸۸)، حسنونند و همکارانش (۱۳۸۹)، ساروخانی و رضایی‌قادی (۱۳۹۱)، جانسون (۲۰۰۲) و تیلر (۲۰۱۲) است که در مطالعه‌شان به این نتیجه رسیدند که اینترنت و فضای مجازی عاملی تأثیرگذار در هویت ملی

کاربران است و کسانی که از تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی استفاده می‌کنند هویت ملی ضعیف‌تری نسبت به کسانی که از این فناوری‌ها استفاده نمی‌کنند، دارند. در واقع، براساس نظریه کاستلز در مورد نتایج پژوهش می‌توان استنباط کرد که میزان استفاده، مدت زمان عضویت و واقعی تلقی کردن محتوای شبکه‌های اجتماعی اینترنتی عاملی تأثیرگذار در تضعیف هویت ملی کاربران است. در واقع هر چه میزان استفاده و مدت زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی از سوی کاربران افزایش پیدا می‌کند احتمال تأثیرپذیری کاربران بیشتر می‌شود. و بر عکس هر چه میزان استفاده و مدت زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی کاهش می‌یابد احتمال تأثیرپذیری‌شان کمتر می‌شود. هم‌چنین با استفاده از نظریه ولمن می‌توان استنباط کرد که هر چه کاربران فعالانه و مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی مجازی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم می‌شوند و لذا احتمال تأثیرپذیری هویت ملی آنها افزایش پیدا می‌کند، ولی هر چه کاربران منفعلانه و غیرمشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم می‌شوند و احتمال تأثیرپذیری هویت ملی‌شان کاهش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش هم‌چنین با آنچه در زمینه همسان‌سازی فرهنگ کشورهای جهان سوم با کشورهای غربی صورت می‌گیرد نیز همخوانی دارد. از آنجا که ایجادکنندگان و پیام‌فرستندگان و برنامه‌سازان فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته غربی هستند تعجبی هم ندارد که انبوه فیلم‌ها و سایت‌های پرمخاطب آنها هویت فرهنگی و ملی کشورهای مصرف‌کننده را تحت تأثیر قرار داده و تضعیف نماید. با این حال در سال‌های اخیر در اینترنت مقاومت‌هایی در برابر این جریان به چشم می‌خورد که نشان از ظهور و احیای هویت‌های ملی در اینترنت و ماهواره است.

در تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک در تضعیف هویت ملی کاربران باید گفت که این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها و رفتار شهروندان تأثیر گذارده و باعث کاهش همدلی، احساس تعلق ملی و انسجام اجتماعی شوند. اینگلهارت با طرح مفهوم انقلاب خاموش، بر این نظر است که ورود سریع ارزش‌ها و ایده‌های جدید از طریق تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند گسست‌های جدی در مبانی هویتی جامعه ایجاد کند. هم‌چنان که کاستلز بیان کرده است که ماهواره و اینترنت با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت ملی شهروندان ایفا می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۳۸۳). علاوه بر آن، پاستر بر نقش اینترنت در گسترش فرهنگ و هویت و روش جدید ساخته شدن

هویت ملی تأکید کرده است. در این ارتباط، وی فرایند جهانی شدن رسانه‌ها را با افول هویت ملی تحلیل کرده است (پاستر، ۱۳۷۷: ۵۲). گیدنز اینترنت و ماهواره را عامل سردرگمی و بی‌ثباتی و بی‌نظمی فرهنگی قلمداد کرده است.

منابع

- بلیکی، نورمن (۱۳۸۷): *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- پاستر، مارک (۱۳۷۷): *عصر دوم رسانه‌ها*، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: مؤسسه ایران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: پردیس دانش.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸): *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵): «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۲، ش ۳، صص ۱-۲۱.
- حسوندعموزاده، مهدی و همکاران (۱۳۸۹): *بررسی تأثیر اینترنت بر هویت دانشجویان دانشگاه ایلام*، لرستان: مجموعه مقالات دومین همایش سراسری هجوم خاموش.
- خانی‌جزنی، جمال (۱۳۸۸): *هویت مجازی*، تهران: مهرتاب.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۱): *بررسی تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی*، «رساله دکترای جامعه‌شناسی»، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- زنجانی‌زاده، هما و محمدجوادی، علی (۱۳۸۴): «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، س ۶، ش ۲، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- ساروخانی، باقر و رضایی‌قادی، خدیجه (۱۳۹۱): «اینترنت و هویت ملی در میان کاربران»، *فرهنگ ارتباطات*، س ۲، ش ۵، صص ۵۱-۷۰.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴): *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۱): *تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان*، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات علوم و انسانی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷): *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قاسمی، وحید، قادری، مهدی (۱۳۸۸): «تحلیلی بر وضعیت هویت اجتماعی جوانان در شهر کرمانشاه»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، س ۱۲، ش ۲۴، صص ۲۲-۴۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵): *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

- (۱۳۸۹)؛ *عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴)؛ *گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ملکی، امیر و عباس‌پور، علیرضا (۱۳۸۸)؛ «بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه‌های آن»، *فصلنامه دانش انتظامی*، س ۱۰، ش ۲، صص ۱۵۹-۱۷۶.
- مهدی‌زاده، شراره و عنبرین، زینب (۱۳۸۸)؛ «بررسی رابطه میزان و نحوه استفاده از اینترنت و هویت فرهنگی جوانان»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۱۷، صص ۱-۲۸.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007); "Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), pp 210-230.
- Castells, M. (1997); *The Power of Identity*, Oxford: Blackwell.
- Grasmuck, S., & et al (2009); Ethno-Racial Identity Displays on Facebook, *Journal of Computer-Mediated Communication*, 15 (2), PP 158-188.
- Guzin Mazman, S., & Usluel, K. (2010); "Modeling educational usage of Facebook", *Computers & Education*, Vol 55, PP 180-192.
- Hekman, S. (1999); *Identity Crises*, In S. Hekman(ed), *Feminism, Identity and Differenece*, Frank Cass.
- Jansson, A. (2002); "The mediatization of consumption: towards an analytical framework of image culture", *Journal of Consumer Culture*, Vol. 2, No. 1, PP 14-25.
- Pempek, T., & et al. (2009); "College Students' Social Networking Experiences on Facebook", *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30 : 227-238, PP 18- 30.
- Thompson, J. (1998); *Community Identity and world Citizenship*, In Archibugi, Held and Kohler(eds), *Culture and global Change*, London: Routledge.
- Tyler, T. (2012); "Social networking and Globalization", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol. 4, No. 6, PP 32- 45.
- Wellman. B and Frank, K. (2001); "Network capital in a multi-level world: gettin Support from Personal Communities", Draft of article forthcoming in: *Social Capital: Theory and Research*, edited by Nan Lin, Ron Burt and Karen Cook. Chicago: Aldine De Gruyter.

چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر^۱

روح‌الله قاسمی*

E-mail: ghasemi_rohollah@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۱

چکیده

این مقاله در پی تبیین پدیده وفاق اجتماعی در بوشهر است. مبانی نظری این تحقیق بر سطح خرد تأکید دارد. یعنی تبلور جامعه‌پذیری در عواملی همچون پایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات، میزان تعاملات با سه بخش رسمی (دولتی)، غیررسمی (اقوام و خویشان) و نهادهای مدنی، رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی) و میزان مسافرت افراد (داخلی و خارجی). فرضیه‌های این تحقیق در پی آزمون وفاق اجتماعی با پایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات، نوع و میزان تعاملات افراد (با بخش رسمی - غیررسمی - نهادهای مدنی)، میزان مسافرت و استفاده از رسانه‌های جمعی است.

این پژوهش با تعداد نمونه ۲۵۰ نفر در شهر بوشهر انجام گرفت. شیوه نمونه‌گیری که این پژوهش از آن بهره گرفته، خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی منظم است. نتایج پژوهش مبین آن است که شاخص عام‌گرایی بیش از شاخص‌های دیگر قادر است تا وفاق اجتماعی را نشان دهد. تحلیل رگرسیونی، نیز نشان داد که نقش متغیرهایی همچون فعالیت در نهادهای مدنی، تفکر ذهنی، مسافرت به خارج و تحصیلات در تغییرات وفاق اجتماعی کارسازند.

کلیدواژه‌ها: وفاق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، بوشهر.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در بوشهر»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد.

* کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، مشاور مرکز آموزشی تیزهوشان علامه حلی تهران (وابسته به سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان)، نویسنده مسئول

مقدمه

وفاق اجتماعی، راه‌های نیل به آن، موانع تحقق و پیامدهای آن پیوسته ذهن و فکر اربابان معرفت و اندیشه‌های اجتماعی را به خود مشغول داشته است. عالمان اجتماعی همچون اگوست کنت، امیل دورکیم، زیمل، پارک، پاره‌تو، اسپنسر، پارسونز در مکتوبات خویش به پدیده وفاق اجتماعی توجهاتی قابل ملاحظه داشته‌اند.

در دیدگاه جانسون، کلی‌ترین مؤلفه کنش انسانی و بیان‌کننده حالت نهایی مطلوب، ارزش‌ها هستند که می‌تواند به مثابه راهنمای تلاش بشری به کار آیند. ارزش‌ها، اهداف نیستند ولی می‌تواند اهداف را تعیین کنند. لاجرم موجب ایجاد همبستگی بین افراد می‌شوند. چون که ارزش‌ها توانایی آن را دارند که وقایع را توضیح دهند و محیط خاص یک جامعه را تبیین کنند (آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۲۱). در یک جامعه آرمانی، ارزش‌ها برای توجیه همه نوع اختلاف اجتماعی، قادر به تبیین‌اند. در صورت تحقق این امر می‌توان چنین ادعا کرد که جامعه از تعادل و توازن بهرمنند است. پر واضح است که این تعادل و توازن منتزع از ارزش‌هایی است که قادر بوده بستر و زمینه انطباق رفتارها را فراهم آورد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۰۶). ظهور اعتماد و اطمینان، نسبت به نحوه رفتار متعارف، مولود ارزش‌های مشترک است. با تجلی اعتماد و اطمینان افراد ظرفیت آن را دارند که بتوانند کردار و کنش‌هایشان را توسعه بدهند؛ چرا که جامعه زمینه و بستر روابط متقابل متنوع و پیچیده‌ای را ایجاد کرده است که محصول آن فعالیت‌هایی مفیدتر و مولدتر از جوامعی است که به جای وفاق اجتماعی، جبر اساس و پایه حکومت را می‌سازد (پیوزی، ۱۳۷۹: ۴۲).

وفاق اجتماعی در زمان‌های مختلف، شرایط بحران یا در دوره شکوفایی و رشد، قابلیت همکاری شهروندان را افزایش می‌دهد و از این طریق در شکل بخشیدن به عملکردهای مثبت، ایفای نقش می‌کند (افروغ، ۱۳۸۴: ۱۴). در مسیر توسعه، وفاق اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش محتوای مشارکت مردم در نهادهای اجتماعی شود و راه را برای اصلاحات اجتماعی در جامعه همواره کند و از احتمال مخاصمات داخلی بکاهد (روان‌بخش، ۱۳۸۶: ۷۳). لذا با توجه به تأثیر وفاق اجتماعی در توسعه جوامع و این‌که وفاق، پایه و اساس هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جامعه محسوب می‌گردد (عباسعلی، ۱۳۸۵: ۱۲) شناختن آن می‌تواند کمک شایانی برای امر توسعه باشد.

بوشهر امروز بیش از هر زمان دیگری برای رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش محتاج و نیازمند وفاق اجتماعی است. در صورتی که ما در بوشهر شاهد طلوع وفاق اجتماعی نباشیم بدون شک رسیدن به اهداف زیربنایی در تمامی حوزه‌ها بعید به نظر می‌رسد. با

ظهور وفاق اجتماعی است که می‌توان انتظار توسعه‌ای همه‌جانبه را داشت. شایسته است و بجا که در مقام تمثیل پدیده وفاق اجتماعی را چونان بنیاد و اساس یک بنا و عمارت در نظر بگیریم که قوام و ثبات بنا بسته به قوام و دوام پایه و بنیاد آن است. با این مقدمات آنچه که اکنون قادر است دیار بوشهر را به توسعه و شکوفایی برساند چیزی نیست الا پدیده وفاق و انسجام اجتماعی.

اما تعریفی که برای این پژوهش مبنا قرار می‌گیرد، وفاق اجتماعی را چنین می‌نگرد که: «توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعامل اجتماعی که خود موجب انرژی عاطفی است بوجود می‌آید، انرژی عاطفی که همزمان نتیجه و موجد (علت و معلول) توافق اجتماعی است» (چلبی، ۱۳۷۳: ۱۷).

این تعریف دارای دو قسمت می‌باشد: بخش اول به معرفی نشانه‌های اشتراک ارزش‌ها می‌پردازد: توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که موجد انرژی عاطفی است. این انرژی عاطفی از طریق یک شاخص ترکیبی متشکل از: عام‌گرایی، اخلاق، خلاقیت و ارزش اکتساب سنجیده می‌شود. منظور از ترکیب تأکید بر دو شاخص عام‌گرایی و اخلاق است که جامع اندیشه‌های متفاوت است. عام‌گرایی یعنی در یک کنش متقابل قضاوت و ارزیابی دیگران مبتنی بر ملاک‌های مورد توافق است. فرد عام‌گرا درباره شی فیزیکی یا اجتماعی بر مبنای معیارهای عام که قابلیت تعمیم بر مجموعه‌ای از اشیاء را دارند، قضاوت می‌کند. به عبارتی دیگر احساس تعهد خود را به افراد غیر عضو گروه خود بسط می‌دهد و به هویت‌های فردی و تفاوت‌های شخصی و به‌طور کلی به اصول مشترک توجه دارد. اخلاق نیز عبارت است از هرگونه فعالیتی که غیرانتفاعی باشد و مطابق با اصول غیرشخصی و قابل تعمیم باشد. اخلاق به سبب همین عمومیت‌پذیری محور وفاق اجتماعی قرار می‌گیرد (نیک‌پی، ۱۳۸۲: ۲۲). اگر در جامعه اقتدار اخلاقی باشد، فرد تسلیم جامعه می‌شود، زیرا جامعه را موضوع احترام می‌داند. سرچشمه هرگونه فعالیت اخلاقی تبعیت منافع خصوصی از منافع عمومی است که متضمن روحیه فداکاری و ایثار است (چلبی، ۱۳۷۶: ۱۳). از سوی دیگر، برخی معتقدند وفاق اجتماعی در هر اجتماعی با استحکام اخلاقی آن جامعه پیوند دارد (فروند، ۱۳۷۲: ۴۴). بخش دوم تعریف به عواملی که واسطه ورود ارزش‌ها از نظام فرهنگی به نظام اجتماعی هستند، می‌پردازد. یعنی به تعاملات اجتماعی به‌عنوان موجد وفاق اجتماعی اشاره دارد که از طریق فرایند جامعه‌پذیری در سطح خرد و نهادینه‌شدن در سطح کلان قابل بحث است (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۱).

سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی

- وفاق اجتماعی در بوشهر به چه میزان است؟

سؤالات فرعی

- بین پایگاه اجتماعی و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بین نوع و میزان تعاملات اجتماعی و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بین میزان مسافرت و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد که بین پایگاه اجتماعی افراد و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد که بین سطح تحصیلات و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد که بین نوع و میزان تعاملات اجتماعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد که بین میزان بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد که بین میزان مسافرت و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

انواع وفاق اجتماعی

وفاق خودبه‌خود و غیر آگاهانه

«این وفاق حاصل جدامانندگی یک مجموعه انسانی است و در گذشته در آبادی‌های دور افتاده و شهرهای کوچک وجود داشته است.»

وفاق اجتماعی دستوری

در مواردی حکومت‌ها افسانه‌هایی را مبنای ارزش‌ها و باورها قرار می‌دهند و با زنده ساختن آنان کوشش می‌کنند که نوعی پذیرش عمومی بر مبنای آنها فراهم آورند.

وفاق اجتماعی توافقی

این وفاق اجتماعی حاصل و برآیند ارزش‌ها، باورها و هنجارهای زیر مجموعه‌هایی از جامعه است، که همواره تجدید می‌شود.

امروزه وفاق از نوع آگاهانه و توافقی آن مورد نظر است» (مجموعه مقالات، ۱۳۸۱: ۱۹۷) (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۵).

در دیدگاه هورتون، وفاق اجتماعی از نوع توافقی یا تدبیری یک موضوع جدید می‌باشد که مستلزم گونه‌ای خاص از نظم در آن می‌باشد و قابل ذکر است که در این نوع توافق اظهار نظرات و دیدگاه‌ها رسماً آزاد است ... و باید بدانیم که آنچه در این نوع وفاق واجب و مبرم به نظر می‌آید وجود فن ارتباطات پیچیده و همچنین محتاج انتقال پیام‌ها به گونه‌ای همزمان به اکثریت افراد جامعه می‌باشد (هورتون، ۱۹۹۱: ۵۱۶). «از جمله متفکران صاحب‌نام که به این نوع وفاق باور دارند، یورگن هابرماس است، که ایشان خود از دو نوع وفاق اجتماعی یاد می‌کند: ۱- وفاق هنجاری ۲- وفاق تفاهمی» (صیدایی، ۱۳۸۱: ۲۲).

نوع‌شناسی وفاق اجتماعی از منظر هابرماس

۱- وفاق تفاهمی، ۲- وفاق هنجاری

وفاق تفاهمی یا وفاق تدبیر شده مخصوص جامعه‌ای است که برخوردار از کنش معتبر، آزادی بیان و برخوردار از ارتباطات پیچیده است؛ زیرا چنین وفاقی مستلزم انتقال پیام به‌طور همزمان به اکثریت جامعه است (بیات، ۱۳۷۳: ۵).
نوع هنجاری خود بر دو گونه است:

۱- خودبه‌خود مبتنی بر سنت ۲- وفاق نوظهور که نتیجه آراء و اندیشه‌های متفاوت از آن چیزی است که تاکنون مرسوم بوده است، حکومت اکثریت نیز به آن می‌گویند (دولت، مردم و همگرایی، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

متغیر متبیین در این پژوهش وفاق اجتماعی است و متغیرهای تأثیرگذار و مستقل در ابتدا پایگاه اجتماعی می‌باشد (درآمد، میزان تحصیلات، نوع و مرتبه شغلی) که مهم‌ترین شاخص آن میزان تحصیلات است.

«دسترسی به فرصت‌های آموزش رسمی امکان جهش در سوگیری‌های ارزشی را برای شخص فراهم می‌آورد. لازم است که گفته شود در نظام خانواده انگاره‌های ارزشی اغلب خاص‌گرا، عاطفی و انتشاری است درحالی‌که در سازمان رسمی نظام آموزش انگاره‌های ارزشی بیشتر عام‌گرا، خنثی و ویژه است. کسب اطلاعات، دانش و مهارت و شناخت بیشتر از طریق آموزش رسمی به شخص کمک می‌نماید که افق هنجاری و نمادی خود را تعمیم بخشد و با تنسيق نمادی محیط و محاسبه دقیق‌تر، اهداف خود را در چارچوب

کلی جامعه به صورت شفاف‌تر تدوین نماید. افزون بر این آموزش رسمی یکپارچه احساس عضویت در اجتماع جامعه‌ای را در فرد تلقین می‌کند و به او اجازه می‌دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به آن تعمیم و تقویت نماید. با ایجاد و تقویت این احساس عضویت و تعلق است که شخص احساس تعهد عمومی به جامعه کل را کسب می‌نماید.

متغیر دیگر، نوع و میزان تعاملات اجتماعی است که در این پژوهش به سه حوزه و بخش تقسیم می‌شود؛ تعامل با بخش غیررسمی (اقوام و خویشان و...)، با نهادهای مدنی و بخش رسمی را شامل می‌شود. در باب تعامل با بخش غیررسمی که مراد از آن میزان مراوده با اقوام و خویشان و... است باید گفت که، هرچه افراد میزان روابط و تعاملات خود را فقط با اقوام و خویشان خود توسعه ببخشند، زمینه‌ی خاص‌گرایی را مهیا می‌سازند که خاص‌گرایی خود مانعی بر سر راه تعمیم ارزشی در سطح نظام فرهنگی است. هم‌چنین خاص‌گرایی در سطح نظام شخصیتی مانعی است بر سر راه تعریض افق نمادی و هنجاری کنشگران. عدم تعریض افق نمادی نیز می‌تواند موجب بکارگیری گسترده‌ی اصول فرهنگی در میدان‌های تعاملی جامعه گردد. عدم بکارگیری اصول فرهنگی در عمل موجب تضعیف آنها می‌گردد. خاص‌گرایی عملاً رتبه ارزشی یا سلسله مراتب اصول فرهنگی در سطح جامعه را مخدوش می‌سازد و در عمل اصول خاص خرده‌فرهنگ‌ها در مقابل اصول عام فرهنگی عمده می‌شود. اگر افراد صرفاً پهنه تعاملات خود را با اقوام و خویشان و یا به عبارتی درون‌گروهی محدود نکند عام‌گرایی را مژده می‌دهد. عام‌گرایی، میزان قداست و برتری اصول و ارزش‌های عام، شامل اصول و ارزش‌های مشترک و عام انسانی، مذهبی و ملی نسبت به اصول و ارزش‌های خاص خرده‌فرهنگ‌های درون جامعه است. قداست و برتری اصول عام و مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهیم فرهنگی در سطح جامعه می‌شود. به‌علاوه این برتری کمک می‌نماید تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت تعهد عمومی اعضای جامعه، هم‌زمان تقویت می‌شود و هم تعمیم می‌پذیرد. این نیز به نوبه خود، باعث افزایش اعتماد دو جانبه تعمیم یافته در جامعه می‌شود. بدیهی است اعتماد دو جانبه تعمیم یافته می‌تواند تأثیر علی متقابل روی تعهد عمومی داشته باشد. درخصوص تعامل با نهادهای مدنی باید اذعان کرد که منظور از این عنوان امکان شکل‌گروهی به‌صورت داوطلبانه و عضویت داوطلبانه در گروه به‌منظور شرکت در قالب‌های فرهنگی مختلف است. انجمن‌های داوطلبانه انواع گوناگونی را شامل

می‌شوند و قادرند در ابعاد چهارگانه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کارکرد داشته باشد. عضویت در انجمن‌های داوطلبانه آزادانه انجام می‌شود. چون انجمن‌های داوطلبانه یک سازمان غیرانتفاعی است و عضویت در آنها نه تنها حاوی نوعی مستمری و حقوق مادی نیست بلکه پرداخت مبلغی به‌عنوان حق عضویت معمولاً یکی از شرایط عمومی عضویت در این نوع گروه‌ها است. در این نوع انجمن‌ها روابط متقارن گرم کم و بیش حاکم‌اند و شیوه تنظیم آنها عمدتاً بر مجاب‌سازی و تعهد استوار است و نه بر اساس اجبار میزان تعامل با بخش رسمی (دولتی) نیز بر وفاق اجتماعی تأثیرگذار است» (بیات، ۱۳۷۳: ۳۳؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۴؛ صیدایی، ۱۳۸۱: ۲۲).

اما در باب رسانه‌های جمعی باید گفت که به اعتقاد لنسکی رسانه‌های جمعی در جامعه‌پذیری مؤثر هستند. رسانه‌ها در عین این‌که خبردهنده و سرگرم‌کننده‌اند، آرا و افکار ما را در مورد دنیای پیرامون خود و چیستی آن، باورهای ما در باب درست یا نادرست یا خوب و بد را شکل می‌دهند. این فرآیندها، نه تنها از طریق گزارش‌های سیاسی و تفسیر نمایش گونه رویدادهای تاریخی، بلکه از طریق برنامه‌های تفریحی نیز اعمال می‌شوند (لنسکی، ۱۳۷۵: ۴۹۲).

پژوهشگران برای رسانه‌ها (مطبوعات و رادیو و تلویزیون) در جوامع معاصر وظایف گوناگونی را تصور می‌کنند:

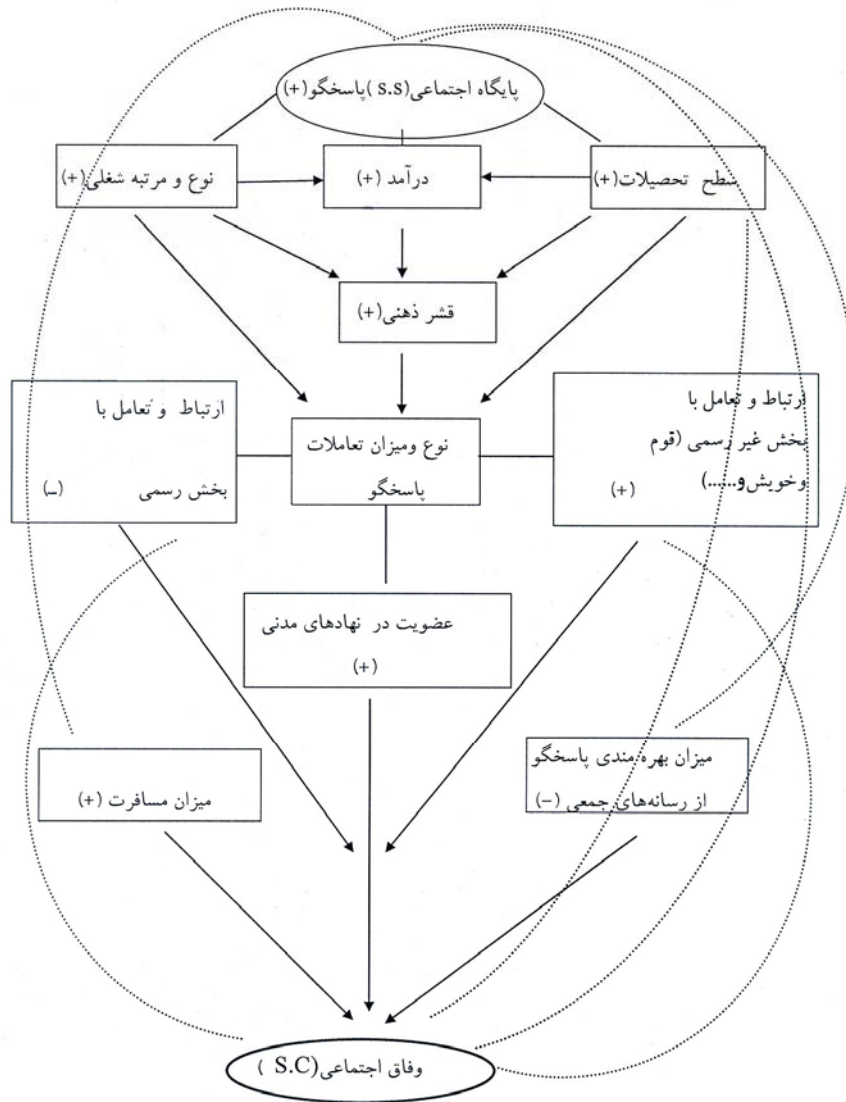
اول: وظایف ارتباط فکری

۱- اطلاع و آگاهی، ۲- پرورش، شامل: الف) پرورش اندیشه‌ها و احساسات، ب) پرورش عقاید. ج) پرورش حرفه‌ای. ۳- بیان، شامل: الف) معرفی فرهنگ و تمدن. ب) تشریح ایدئولوژی‌های جاری. ج) استدلال ۴- اجبار، شامل: تبلیغ تجاری و تبلیغ سیاسی.

دوم: وظایف روانی - اجتماعی

۱- همبستگی اجتماعی، ۲- سرگرمی، ۳- درمان روانی (معمدنژاد، ۱۳۷۱: ۲۹).
نقش و جایگاه میزان مسافرت در تبیین وفاق را نباید نادیده گرفت: امکان سیاحتی به فرد مجال می‌دهد تا تحرک فیزیکی خود را افزایش دهد و از این طریق با محیط‌های اثباتی، فرهنگی، اجتماعی در عرض جامعه آشنا شود. این خود احتمال تعریض افق هنجاری و بسط عام‌گرایی را افزایش می‌دهد (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۵) (عظیمی، ۱۳۷۵: ۲۴).

شکل ۱: مدل مفهومی



روش‌شناسی پژوهش تکنیک گردآوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. برای تهیه پرسشنامه تحقیق، شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق استخراج و برای سنجیدن هر شاخص از طیف لیکرت استفاده گردید. لازم به ذکر است که در این مطالعه، برای به دست آوردن اعتبار پرسشنامه، از اعتبار سازه‌ای استفاده شد، ضمن این‌که از متخصصان و اساتید صاحب‌نظر نیز کسب اطلاع و اعتبار گردید. گویه‌های پرسشنامه نهایی حاصل پیش‌آزمون پرسشنامه‌ای با ۱۲۰ سؤال است. اکثر گویه‌ها در بیش از یک کار تحقیقی مورد آزمون قرار گرفته بودند. با وجود این، با ترکیب جدید مراحل همسازی درونی، تحلیل سنج و هم‌چنین تحلیل عاملی مجدداً اعمال شد و مناسب‌ترین گویه‌ها انتخاب شدند. در ضمن مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

سال انجام تحقیق

این پژوهش در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه

این تحقیق با روش پیمایشی در سال ۹۱ در شهر بوشهر به اجرا در آمد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۵۰ نمونه (تعداد جامعه آماری: ۱۶۱۶۷۴) که شامل یکی از سرپرستان خانوار می‌شد، به دست آمد. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک انجام شد.

یافته‌های پژوهش متغیر وابسته (وفاق اجتماعی)

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان وفاق اجتماعی

درصد	تعداد	میزان وفاق اجتماعی
۱۲/۸	۳۲	کم
۶۰/۸	۱۵۲	متوسط
۲۷/۲	۶۸	زیاد
۱۰۰	۲۵۰	کل

توزیع فراوانی نشان می‌دهد که بیشترین درصد وفاق به گروه متوسط که ۶۰/۸ درصد می‌باشد و پس از آن گروه زیاد ۲۷/۲ درصد و گروه کم ۱۲/۸ کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. با این تفاسیر نمونه مورد مطالعه به لحاظ میزان وفاق اجتماعی در سطحی متوسط به بالا قابل ارزیابی است، که این نتیجه با توجه به متغیرهایی همچون، میزان تحصیلات، مهاجرپذیر بودن منطقه به دلایل اقتصادی - تجاری و هم‌چنین ارتباط تنگاتنگ با کشورهای حوزه خلیج فارس چندان بعید به نظر نمی‌رسد. البته شایان ذکر است که نتیجه طرح ملی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان (در بوشهر) نیز مؤید یافته فوق است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان براساس متغیرهای مستقل

توزیع داده‌ها		متغیرها	
زن ۴۵/۵ درصد		مرد ۵۴/۵ درصد	
جنسیت			
سن		حداقل ۲۱ سال	حداکثر ۷۵ سال
میانگین ۴۳ سال			
تحصیلات		ابتدایی ۲۵ درصد	متوسطه ۶۲ درصد
تحصیلات دانشگاهی ۱۳ درصد			
پایگاه اجتماعی		پایین ۳۲/۱ درصد	متوسط ۵۳/۷ درصد
پایین ۱۴/۲ درصد			
تفکر ذهنی		پایین ۲۲/۵ درصد	متوسط ۶۵/۵ درصد
پایین ۱۲ درصد			
نوع و میزان تعاملات		بخش غیررسمی	زیاد ۲۴/۳ درصد
کم ۲۵/۵ درصد		متوسط ۵۰/۲ درصد	
بخش رسمی		زیاد ۷/۸ درصد	متوسط ۴۴/۱ درصد
کم ۴۸/۴ درصد			
نهادهای مدنی		زیاد ۲۴/۲ درصد	متوسط ۲۶/۱ درصد
کم ۴۵/۷ درصد			
رادیو داخلی		زیاد ۱۵/۴ درصد	متوسط ۴۳ درصد
کم ۴۱/۶ درصد			
رادیو خارجی		زیاد ۸/۵ درصد	متوسط ۴۰/۳ درصد
کم ۵۱/۲ درصد			
رسانه‌های جمعی		زیاد ۲۷/۹ درصد	متوسط ۴۲/۶ درصد
کم ۲۹/۹ درصد			
تلویزیون داخلی		زیاد ۱۵/۷ درصد	متوسط ۳۵/۳ درصد
کم ۴۹ درصد			
مطبوعات داخلی		زیاد ۱۷/۸ درصد	متوسط ۴۶/۹ درصد
کم ۳۵/۳ درصد			
مطبوعات خارجی		زیاد ۵ درصد	متوسط ۲۵/۲ درصد
کم ۶۹/۸ درصد			
مسافرت داخلی		زیاد ۳۳ درصد	متوسط ۴۵/۴ درصد
کم ۲۱/۶ درصد			
مسافرت خارجی		زیاد ۲۷/۵ درصد	متوسط ۳۳ درصد
کم ۳۹/۵ درصد			

آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۳: آزمون فرضیه‌ها و تحلیل چند متغیری

نوع آزمون جداول توافقی	سطح معنی داری r	با وفاق همبستگی	عوامل
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۰	پایگاه اجتماعی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۵	تفکر ذهنی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۸	تحصیلات
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۶	تعامل با بخش غیررسمی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۲۱	فعالیت در N.G.O
تاو b کندال	۰/۹۲	۰/۰۰۴	تعامل با بخش رسمی
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۰۵	رادیو داخلی
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۰۹	رادیو خارجی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۰۱	تلویزیون داخلی
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۰۷	تلویزیون خارجی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۰۸	مطبوعات داخلی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۰۹	مطبوعات خارجی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۷	مسافرت داخلی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۲۱	مسافرت خارجی

این پژوهش به بحث در باب عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی پرداخته است. لذا به اقامه فرضیاتی پرداخته است که نتایج آنها را به شرح ذیل تحلیل می‌شود:

اول، رابطه پایگاه اجتماعی و وفاق اجتماعی: با عنایت به چارچوب نظری، افرادی که در پایگاه اجتماعی بالاتری قرار گرفته‌اند، رفتار آنان بیشتر با وفاق اجتماعی قرین و توأم است. تحلیل رگرسیونی نشان داد که تفکر ذهنی نسبت به تفکر عینی از تعیین‌کنندگی بیشتری برخوردار است. لذا هر چه از شکاف طبقاتی در جامعه کاسته شود و از طرف دیگر رفاه اجتماعی در کنار افزایش قدر و مرتبه‌ای که افراد برای خود قائل هستند روبه فزونی رود می‌توان امید بیشتری به تبلور و ظهور وفاق اجتماعی در جامعه داشت.

دوم، نقش و جایگاه تحصیلات و نظام آموزش رسمی: همان‌طور که در سطور پیشین ذکر آن رفت رابطه بین وفاق اجتماعی و تحصیلات بواسطه آزمون تاو B کندال تأیید شد. بنابراین، نقشی که آموزش رسمی در یک جامعه ایفا می‌کند آن است که پدیده‌هایی همچون تمایلات شخصیتی عام را به ارمغان می‌آورد، نهادینه کردن قابلیت‌ها و نگرش‌های اخلاقی که آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی را تقویت می‌کند، تفاهم و همدلی و قابلیت پذیرش تغییر و آگاهی از استعدادهای افراد را می‌پروراند.

سوم، نوع و میزان تعاملات اجتماعی: باید ابتدا به میزان تعاملات با سه بخش رسمی، غیررسمی و نهادهای مدنی اشاره کنیم.

رابطه وفاق اجتماعی و میزان تعاملات با بخش غیررسمی (اقوام و خویشان و...) بواسطه آزمون تاو B کندال تأیید شد. همان‌طور که در مبانی نظری مشخص شد، تعدد و تکرار تعامل با اقوام و خویشان به دلیل آن‌که زمینه روابط درون‌گروهی را تقویت می‌کند لذا افراد را به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی به طرف خاص‌گرایی سوق می‌دهد. بنابراین، انتظار می‌رفت که رابطه بین وفاق و میزان تعامل با بخش غیررسمی منفی باشد یعنی هر چه افراد به میزان بیشتری با اقوام، خویشان و... تعامل داشته باشند، میزان وفاق اجتماعی آنان رو به کاستی رود. اما در آزمون فرض این قضیه اثبات نشد و رابطه وفاق اجتماعی و تعامل با بخش غیررسمی مثبت بود هر چند که میزان همبستگی ناچیز بود. رابطه وفاق اجتماعی و میزان تعاملات با بخش رسمی (دولتی) بواسطه آزمون‌های آماری در این پژوهش مورد تأیید واقع نشد. رابطه وفاق اجتماعی و میزان تعاملات با نهادهای مدنی بواسطه آزمون تاو B کندال تأیید شد. از آنجا که نهادهای مدنی حلقه واسطی میان بخش رسمی و بخش غیررسمی هستند، لذا قدرت تنوع بخشیدن به تعاملات اجتماعی را دارند، به‌ویژه تعاملات برون‌گروهی که به رواج اخلاق عملی منجر می‌شوند و نهایتاً پدیده وفاق اجتماعی را غنی‌تر می‌کنند.

چهارم، استفاده از رسانه‌های جمعی و تأثیر آن بر وفاق: باید گفت همان‌طور که در حوزه نظر گفته شد یکی از کارکردهای رسانه ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی است. با این وصف همان‌طور که در جدول فوق مشخص شد نقش رسانه‌های نوشتاری در تقویت وفاق به مراتب بیش از دیگر رسانه‌ها است. پر واضح است که رادیو و تلویزیون به وسیله سرمایه مادی این جامعه اداره می‌شوند، لذا در زمینه تأمین برنامه‌ها باید به‌صورت مداوم مورد بازنگری قرار گیرد. این تغییر لازم است در جهت انجام گیرد که بتواند کارکرد فعلی این دو رسانه را بهبود بخشد. بنابراین، مطالعات

گسترده‌تری در این حوزه باید توسط پژوهشگران انجام گیرد. پس، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که: مطبوعات هم که یکی از رسانه‌های جمعی است (داخلی و خارجی) تأثیری متفاوت از دیگر رسانه‌ها بر میزان وفاق بر جا می‌گذارد چرا که مطبوعات یک رسانه نوشتاری است و باعث تقویت وفاق اجتماعی می‌شود. افراد بر وفق میل و اراده و نیاز خود، متن و مطلب مورد مطالعه را انتخاب می‌کنند، لذا بیشتر می‌تواند با آن همدلی کند و نهایتاً با میل بیشتری پیام مندرج در آن را نهادینه می‌کنند. خود مطبوعات به دلیل پهنه وسیعی که دارند، بیشتر آشنایی افراد با فرهنگ‌ها و گروه‌های متنوع را ایجاد می‌کند که این خود از مقدمات و مقومات افزایش و تقویت وفاق اجتماعی است.

پنجم، رابطه وفاق اجتماعی و میزان مسافرت‌ها اعم از داخلی و خارجی در این پژوهش بوسیله آزمون تاو b کندال مقبول واقع شد و چنین نتیجه‌گیری شد که هرچه میزان مسافرت افراد (داخل و خارج) افزایش یابد، بر میزان وفاق اجتماعی نیز افزوده می‌شود. و این بدین دلیل است که میزان مسافرت‌ها (داخلی و خارجی) به سبب فراهم نمودن زمینه برخورد‌های برون‌گروهی می‌تواند عامل تقویت تعهد و علقه اجتماعی شود که از بایسته‌های وفاق اجتماعی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی آن بود تا عواملی را که در تبیین وفاق اجتماعی کار سازند معرفی کند. بنابراین، با توسل به دیدگاه‌های نظری این حوزه، مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد. پر واضح است که نقش و جایگاه دیدگاه‌های نظری در مسئله‌یابی و فرموله‌کردن پدیده‌های بومی بسیار مؤثر است. آنچه که به این ایده قوت می‌بخشد آن است که دیدگاه‌های موجود می‌بایست در رابطه با پدیده‌های بومی مورد آزمون قرار گیرند تا در نهایت مسائل و دیدگاه‌ها بومی شوند. بنابراین، امروزه محافل آکادمیک جامعه ما اگر قصد مشارکت علمی و پیمودن راه توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را در سر دارند، می‌بایست دیدگاه‌ها و رویکردهای موجود را بومی و با فرهنگ جامعه خود نقد و بررسی کنند، تا از این میان راه به جایی ببرند.

آنچه را که این پژوهش در نظر دارد این است که با آنچه از تجربه (بررسی جامعه نمونه) بدست می‌آورد به کارگاه ذهن برده و در آنجا به کشف روابط و تعمیم آنها پردازد. با این تفاسیر، متغیری که در این پژوهش بیان می‌شود وفاق اجتماعی است و متغیرهای

تأثیرگذار و مستقلى که از مبانی نظری متنوع و به عاریت گرفته شده پایگاه اجتماعی است، که از سه شاخص متشکل شده، درآمد، شغل و تحصیلات. از این سه شاخص آنچه که تأثیر شایانی بر وفاق دارد میزان تحصیلات یا نقش نظام آموزش رسمی است. در سازمان رسمی نظام آموزش انگاره‌های ارزشی عمدتاً عام‌گرا و ویژه است. کسب اطلاعات، دانش و مهارت و شناخت بیشتر از طریق آموزش رسمی به شخص کمک می‌نماید که افق هنجاری و نمادی خود را تعمیم بخشد و با تنسيق نمادی محیط و محاسبه دقیق‌تر، اهداف خود را در چارچوب کلی جامعه به صورت شفاف‌تر تدوین نماید. افزون بر این آموزش رسمی یکپارچه احساس عضویت در اجتماع جامعه‌ای را در فرد تقویت می‌کند و به او اجازه می‌دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به آن تعمیم و تقویت نماید. با ایجاد و تقویت این احساس عضویت و تعلق است که شخص احساس تعهد عمومی را به جامعه کل کسب می‌نماید.

اما نقش نوع و میزان تعاملات اجتماعی در این پژوهش به سه حوزه و بخش منقسم می‌شود و تعامل با بخش غیررسمی (اقوام، خویشان و...) با نهادهای مدنی و بخش رسمی را شامل می‌شود. در باب تعامل با بخش غیررسمی که مراد از آن میزان مرادبه با اقوام، خویشان و... است باید گفت که به لحاظ نظری هرچه که افراد میزان روابط و تعاملات خود را فقط با اقوام، خویشان خود توسعه ببخشند زمینه خاص‌گرایی را مهیا می‌سازند، که خاص‌گرایی خود مانعی بر سر راه تعمیم ارزشی در سطح نظام فرهنگی است. هم‌چنین خاص‌گرایی در سطح نظام شخصیتی مانعی است بر سر راه تعریض افق نمادی و هنجاری کنشگران. عدم تعریض افق نمادی نیز می‌تواند موجب به کارگیری گسترده اصول فرهنگی در میدان‌های تعاملی جامعه گردد. عدم به کارگیری اصول فرهنگی در عمل موجب تضعیف آنها می‌گردد. خاص‌گرایی عملاً رتبه ارزشی یا سلسله مراتب اصول فرهنگی در سطح جامعه را مخدوش می‌سازد و در عمل اصول خاص خرده‌فرهنگ‌ها در مقابل اصول عام فرهنگی عمده می‌شود و اگر افراد صرفاً پهنه تعاملات خود را به اقوام، خویشان و یا به عبارتی به روابط درون گروهی محدود نکند عام‌گرایی را مژده می‌دهد. قداست و برتری اصول عام و مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهمه فرهنگی در سطح جامعه می‌شود. به علاوه این برتری کمک می‌نماید تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت، تعهد عمومی اعضای جامعه، همزمان تقویت می‌شود و هم تعمیم می‌پذیرد. این نیز به نوبه

خود، باعث افزایش اعتماد دو جانبه تعمیم یافته در جامعه می‌شود. بدیهی است اعتماد دو جانبه تعمیم یافته می‌تواند تاثیر علی متقابل روی تعهد عمومی داشته باشد. اما آنچه در حوزه عمل رخ داد با حوزه نظر متفاوت است به نحوی که می‌توان گفت رابطه تعامل با بخش غیررسمی و وفاق اجتماعی دارای همبستگی مثبت هرچند ناچیز می‌باشد. راجع به نقش رسانه‌های جمعی در تبیین وفاق اجتماعی همان‌طور که گفته شد نقش مطبوعات با رادیو و تلویزیون متفاوت است به نحوی که می‌توان گفت مطبوعات در ارتقاء میزان وفاق اجتماعی نقش مثبت‌تری را ایفا می‌کنند. در تحلیل این گفته‌ها باید گفت که مطبوعات برعکس این دو است یعنی در مطبوعات به خاطر آزادی در انتخاب مطالب فرد بهتر می‌تواند پیام‌های آنها را درونی کند (دادگران، ۱۳۷۷: ۶۸).

نقش و جایگاه میزان مسافرت در تبیین وفاق را نباید نادیده گرفت: امکان سیاحتی به فرد مجال می‌دهد تا تحرک فیزیکی خود را افزایش دهد و از این طریق با محیط‌های اثباتی، فرهنگی، اجتماعی در عرض جامعه آشنا شوند. این خود احتمال تعریض افق هنجاری و بسط عام‌گرایی را افزایش می‌دهد.

راهکارها و پیشنهادات

بنابراین در این پژوهش آنچه که می‌تواند وفاق اجتماعی در بوشهر را قوت و غنا بخشد از این قرار است:

- ۱- عدم یکپارچگی آموزشی و پایین بودن سطح آن در جامعه تحقق وحدت نمادی را دشوار می‌سازد. بنابراین، افزایش میزان تحصیلات، به واسطه آن که افق دید افراد را توسعه می‌بخشد، می‌تواند وفاق اجتماعی را تقویت کند. قدر مسلم، گسترش محیط‌های آموزشی (همچون دانشگاه آزاد، پیام‌نور و فنی حرفه‌ای ...) نقش به‌سزایی در ظهور و قوت وفاق اجتماعی در جامعه دارد. در منطقه بوشهر ایجاد دانشگاه‌های بین‌المللی در حوزه صنعت نفت و گاز و پتروشیمی می‌تواند مبشر توسعه فرهنگی و اجتماعی شود.
- ۲- توجه بیشتر دولت به مناطق محروم و به خصوص مرزی و استراتژیک، افزایش و ارتقای سطح رفاه گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و کم درآمد، می‌تواند وفاق اجتماعی بیشتری را به ارمغان بیاورد که نهایتاً امنیت اجتماعی و سیاسی را نیز به دنبال دارد.
- ۳- تقویت و حمایت از نهادهای مدنی که نقش به‌سزایی در ایجاد وفاق دارد، چرا که این نهادها زمینه مناسبی برای هرگونه تعامل سازنده است. مشارکت مؤثر و داوطلبانه در نهادهای مدنی به فرد اجازه می‌دهد که تعهدات خود را در ورای خانواده

تعمیم دهد و با اعیان فرهنگی و اجتماعی در عرض جامعه به صورتی بیشتر عام‌گرایانه برخورد نماید. عضویت در نهادهای مدنی مشارکت‌های ذهنی و اشتغال ذهنی فرد را در امور اجتماعی افزایش می‌دهد و به او اجازه می‌دهد تا نقش شهروند مسئول را به صورت منطقی و آزادانه در چهارچوب نمادی جامعه ایفا نماید (کوثری، ۱۳۸۵: ۸۵). هم‌چنین فرد در چنین نهادهایی می‌آموزد که چگونه با برخورد با تفاوت‌ها و رأی اکثریت حلم و بردباری خود را افزایش دهد و در مورد مخالفت و اختلاف‌نظر شیوه مجاب‌سازی را در پیش گیرد.

۴- میزان مسافرت چه به داخل و چه خارج در ایجاد وفاق مؤثر است. لذا می‌بایست تمهیداتی فراهم کرد که سازوکار مسافرت چندان توأم با مشکل و مسأله نباشد. اگر امکانات سیاحتی به‌عنوان بخشی از برنامه‌های نظام آموزش رسمی برای مقاطع مختلف تحصیلی فراهم گردد به صورتی که دانش‌آموزان یا دانشجویان بتوانند به‌صورت دسته جمعی به اقصی نقاط کشور سفر کنند و از نزدیک با آداب و رسوم، هنر و سبک زندگی اقوام مختلف جامعه آشنا شوند در این صورت از خود محوری، قوم‌مداری و خاص‌گرایی آنها کاسته می‌شود و در عوض می‌آموزند و به این باور می‌رسند که دیگران را در هر نقطه‌ای از جامعه به اصطلاح به یک چشم نگاه کنند.

۵- امروزه رسانه‌های ارتباط جمعی نقش حساس و سرنوشت‌سازی در تضعیف یا تقویت وفاق اجتماعی هر جامعه‌ای دارد. رسانه‌های گروهی می‌توانند با فرهنگ‌سازی و تقویت یا تضعیف برخی هنجارها، ارزش‌ها و باورها، نوعی همبستگی اجتماعی را برای رابطه مردم با مردم و پیوند مردم با حکومت و نظام سیاسی پدید آورند یا به وفاق آسیب برسانند. اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی در زمینه همبستگی و وفاق اجتماعی، کوتاه‌مدت و بلندمدت است (بنت و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۹).

گرچه تأثیرگذاری‌های این وسیله همانند خنجر دو لبه است و در کنار افزایش سطح مشارکت‌ها و تقویت همبستگی پیوندهای اجتماعی می‌تواند تأثیرات منفی همچون تضعیف پیوندهای سنتی و ایجاد اختلاف و اختلال در وحدت ملی داشته باشد؛ شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی استانی می‌تواند سیاست‌هایی در پیش گیرند که مانع از فرهنگ خاص‌گرایی و در عوض ترویج فرهنگ عام‌گرایی شود.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۵)؛ «وفاق اجتماعی از چند منظر»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، ش ۲۵، صص ۱۴-۳۱.
- افروغ، عماد (۱۳۸۵)؛ «خرده فرهنگ‌ها و مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی»، *فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه*، س ۹، ش ۳۶، صص ۱۲-۳۲.
- بیات، فریبرز (۱۳۷۳)؛ *رابطه عام‌گرایی با اخلاق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی و روان‌شناسی.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۹)؛ *یورگن هابرماس*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس، ج ۶.
- چلیپی، مسعود (۱۳۷۳)؛ «وفاق اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، س ۹، ش ۳، صص ۱۵-۳۴.
- ----- (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی، ج ۴.
- ----- (۱۳۷۶)؛ «تعهد کار»، *نامه پژوهش*، س ۴، ش ۵، صص ۱۰-۳۸.
- ----- (۱۳۷۶)؛ *بررسی نظام شخصیت در ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، مرکز پژوهش‌های بنیادی، چاپ اول.
- حسین‌زاده، فهیمه (۱۳۷۳)؛ *الگوهای فرهنگی حاکم بر نظم و وفاق به‌عنوان پیش شرط توسعه در جاجرم و بجنورد*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- روانبخش، محمدحسین (۱۳۸۶)؛ «بررسی تطبیقی میزان انسجام اجتماعی اقشار اجتماعی شمال و جنوب شهر تبریز»، *مجله سخن*، س ۸، ش ۸، صص ۶۵-۸۱.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷)؛ *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: آگه.
- صیدایی، علی (۱۳۸۰)؛ «نقش ساختار قومی استان چهارمحال و بختیاری و اثر آن بر وفاق اجتماعی»، *مرکز پژوهش‌های بنیادی*، س ۳، ش ۲، صص ۱۹-۴۱.
- عرب، عباسعلی (۱۳۸۵)؛ *نقش وسایل ارتباط جمعی در انسجام و وفاق اجتماعی اقوام*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- عظیمی، مژگان (۱۳۷۵)؛ *عوامل مؤثر بر عام‌گرایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی و روان‌شناسی.
- فروند، ژولین (۱۳۷۲)؛ *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: رایزن، ج ۲.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۵)؛ *بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- لسنکی، گره‌ارو (۱۳۷۵)؛ *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: آموزشی انقلاب اسلامی، ج ۳.
- مجموعه مقالات (دولت، همگرایی و مردم) (۱۳۸۱)؛ ج ۱، تهران: *آن*، ج ۳، صص ۱۹۲-۲۱۵.
- موسوی، میرظاهر (۱۳۸۴)؛ «تحلیل مشارکت در تهران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۵، ش ۱۹، صص ۸-۲۹.
- نیک‌پی، مسعود (۱۳۸۲)؛ *جامعه‌شناسی معرفت*، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- هاشمی، مژگان (۱۳۸۵)؛ «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و سوی‌گیری عام‌گرایانه در تعاملات اجتماعی»، *فرهنگ عمومی*، شورای انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی، س ۷، ش ۱۸، صص ۱۰-۳۱.
- Bennett, Richard & Ralph Blaney (2002); "Social Consensus, Moral Intensity", *Journal of Economic Psychology*.
- Paul B.Horton (1998); *Sociology*, Mac Graw Hill.

نمایه سال ۱۳۹۲

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ملی (شماره ۵۳ الی ۵۶)

فصلنامه شماره ۵۳، سال چهاردهم، شماره یکم از سال ۱۳۹۲

مقالات

۱. ایران، ایرانشهر و ایرانزمین در شعر فردوسی / پیروز مجتهدزاده / ابوالفضل کاوندی کاتب / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۲۲-۳.
۲. خلیج فارس و نقد تحریف‌های متعصبان عرب / یحیی معروف / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۲۲-۵۰.
۳. همگرایی در آذربایجان / عطاءالله عبدی / مجتبی مقصودی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۷۲-۵۱.
۴. استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران / یعقوب فروتن / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۷۳-۹۶.
۵. نقش جهانی‌شدن و هویت اسلامی در جنبش‌های اسلامی منطقه / فرهاد حصاری / عزالدین نوروزی / افشین منوچهرآبادی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۹۷-۱۲۰.
۶. عناصر و نمادهای هویت اسلامی در قالی ایرانی / محمد افروغ / بهاره براتی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۱۲۱-۱۴۲.
۷. آموزش زبان فارسی، فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی / نگار داوری اردکانی / طاهره محمودی / سمیه نواب / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۱۴۳-۱۶۰.
۸. سنجش رابطه هوش هیجانی با ابعاد هویت / مریم قربانی / حمید کاظمی / هاجر مساح / سیدمیثم دیباجی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۱) (۵۳): ۱۶۱-۱۷۶.

فصلنامه شماره ۵۴، سال چهاردهم، شماره دوم از سال ۱۳۹۲

مقالات

۱. حافظه جمعی و فرایند هویت‌یابی: تأملاتی سیاست‌گذارانه/ علی کریمی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۳-۲۶.
۲. حوزه فرهنگی - تمدنی ایران در آسیای مرکزی/ ابراهیم خدایار / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۲۷-۴۸.
۳. بازنمایی عناصر اساطیری - حماسی همبستگی ملی در شعر دفاع مقدس/ مهوش واحد دوست / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۴۹-۷۲.
۴. تحلیل گفتمان‌های هنر در ژئوپولیتیک جهان اسلام/ محمدرضا مریدی/ معصومه تقی‌زادگان/ هادی عبداللهی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۷۳-۹۷.
۵. سواد رسانه‌ای راهبرد استحکام هویت فردی و ملی/ سیدبشیر حسینی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۹۹-۱۲۰.
۶. ارتباط همبستگی ملی با کارکرد ارتباط اجتماعی تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران (از نگاه کارشناسان وزارت کشور)/ مهدی بیگدلو/ عبدالرضا باقری / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۱۲۱-۱۴۴.
۷. شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و هویت ملی و اسلامی جوانان (مطالعه موردی شهرستان اراک ۱۳۹۰)/ محمد نیک‌ملکی / حسن مجیدی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۱۴۵-۱۶۸.
۸. درون‌مایه‌های اساسی شعر مذهبی ایران در دهه‌های (۴۰ و ۵۰ ش.) / رضا بیگدلو / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۲) (۵۴): ۱۶۹-۱۹۶.

فصلنامه شماره ۵۵، سال چهاردهم، شماره سوم از سال ۱۳۹۲

مقالات

۱. تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی / محمود ابوالقاسمی / عباسعلی نوروزی / محسن طالب‌زاده نوبریان / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) (۵۵): ۳-۲۴.
۲. بررسی دیدگاه مدیران دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه درباره هویت ملی /

- ابراهیم صالحی عمران / میمنت عابدینی بلترک / حلیمه کنطورچی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۲۵-۴۹.
۳. سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی و ارتباط آن با هویت ملی: نگرش معلمان زبان انگلیسی / محمدعلی شمس / سعیده شمسانی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۵۱-۷۵.
۴. مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی / سارا شهیدی / پروین احمدی / پروین صمدی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۷۷-۱۰۶.
۵. کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه و بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی (دیدگاه دبیران) / یحیی معروفی / صادق پناهی توانا / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۱۰۷-۱۲۲.
۶. رسانه‌ها و هویت فرهنگی: مطالعه دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج / آرمان حیدری / سیدمحمدالله اکوانی / محمدباقر کشفی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۱۲۳-۱۴۸.
۷. جهانی‌شدن، اینترنت و انسجام ملی در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان) / حسین مسعودنیا / عاطفه فروغی / زهرا صادقی نقدعلی / محمودرضا رهبرقازی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۱۴۹-۱۷۱.
۸. ارزیابی عملکرد شبکه اشراق در تقویت هویت و همبستگی ملی / حسین نوروزی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۳) ((۵۵): ۱۷۳-۱۹۲.

فصلنامه شماره ۵۶، سال چهاردهم، شماره چهارم از سال ۱۳۹۲

مقالات

۱. از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه)؛ نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت ملی / سیدمجید امامی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴) ((۵۶): ۳-۳۴.
۲. رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان / علیرضا بخشایش / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴) ((۵۶): ۳۵-۵۰.
۳. مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی / عزت‌اله کیشانی فراهانی / محسن فرمهینی فراهانی / اکبر رهنما / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴) ((۵۶): ۵۱-۷۴.

۴. کارکردهای هویتی پیشداوری و تصورات قالبی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران/ علی اشرف نظری/ محسن نظری مجد/ ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴ (۵۶)): ۷۵-۹۴.
۵. هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)/ میثم بلباسی/ شهرام اسفندیار/ ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴ (۵۶)): ۹۵-۱۱۹.
۶. تصاویر کتاب‌های درسی و رابطه آنها با هویت ملی و دینی مطالعه کتاب‌های اول و دوم دبستان/ سعید زاویه/ سیده مهدیه عزیزی/ ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴ (۵۶)): ۱۲۱-۱۴۰.
۷. شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان/ صمد عدلی پور/ وحید قاسمی/ مسعود کیانپور / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴ (۵۶)): ۱۶۱-۱۶۴.
۸. چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر/ روح‌الله قاسمی / ۱۳۹۲؛ ۱۴ (۴ (۵۶)): ۱۶۵-۱۸۱.



The Research of Social Cohesion in Boushehr¹

Roohollah Ghasemi *

E-mail: ghasemi_rohollah@yahoo.com

This essay tends to examine effective factors upon social cohesion in Boushehr. The theoretical foundation of this essay pay to micro-level or factors such as social position, interaction with the official section (government), informal section (family and relatives), education and civil institutions as mass media (internal and external) and trips (internal and external). The essay' hypotheses wants to analysis and test the relation of social cohesion with mentioned variables.

The study sample is 250 in Boushehr. The method of sampling is multi-phase clustering and ordered random. The findings show that in social cohesion, general indexes are more important than the others. The regression analysis, also, shows that variables as activity in civil institutions, external trips and education are more important.

Keywords: Social Cohesion, Social Solidarity, Boushehr, Education System.

1. Allameh Tabatabaai University, Tehran, M.A. Thesis, Corresponding Author.

* M.A. in Sociology - Allameh Helli's high school counsellor



Facebook Social Network and National Identity of the Youth

Samad Adlipour *

E-mail: samadadlipour@gmail.com

Vahid Ghasemi **

E-mail: v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

Masoud Kianpour ***

E-mail: m.Kianpour@ltr.ui.ac.ir

With the enhancement of Internet accessibility and the development of Internet social networks, and because of young people's increasing use of various materials in these modern media, national identity has become one of the principle concerns pertaining to social cohesion and national integrity. Therefore, this research studies the relation between presence and interaction on the social network Facebook and the youths' national identity.

This study is a survey research using voluntary and convenience sampling and researcher-made Internet questionnaires. The study is based on Castells, Habermas and Wellman theories. The population comprises all Facebook users of Isfahan city in 2012. The sample size is 424 individuals.

According to the findings, membership period, amount of use, and amount of users' participation and activity on Facebook have a significant inverse relation to the users' national identity. The findings also reveal that there is a significant positive relation between using Facebook and the users' national identity. Also, as the membership period, amount of use, and amount of activity and participation of the users on Facebook increases, national identity has been weakened.

Keywords: Cyberspace, Virtual Social Network, Facebook, Identity, National Identity.

* M.A. Student of Sociology, University of Isfahan

** Associate Professor of Sociology, University of Isfahan

*** Assistant Professor of Sociology, University of Isfahan



Pictures of the School Books and Their Relation to National and Religious Identity Study of First and Second Grade Books

Saeed Zavieh *

E-mail: sssazavieh@yahoo.com

Seyedeh Mahdieh Azizi **

E-mail: azizi.mahdie@gmail.com

This paper aims to examine the national and religious components of the identity in first and second elementary school text books 2010-2011.

In this study books of first and second grades of elementary school totally including over 875 visual pages, have been studied using the descriptive and analytical method, employing techniques such as observation, library study and interview with the experts and managers. Information obtained from review of the pictures were analyzed and classified into seven categories including "coordinated visual elements", "neutral elements", "contrasting elements" and combinations of these three categories.

The findings show that there is a lack of balanced attention to the elements and components of religious and national identity in the studying books and even though proper images in some pages have been faded away and lost their influence by positioning beside contrasting and neutral elements. There were 93 coordinated pages versus 592 neutral and 19 contrasting pages.

It can be concluded that religious and identical concepts are conveyed obviously weak in the pictures of these books.

Keywords: National Identity, Religious Identity, School Books, Pictures of the School Books.

* Assistant Professor of Art University

** M.A. in Graphics, Azad university of Tehran Markaz



***Optimal Identity in the Context of Indigenous Progress Pattern
(With the Approach to Constitution on of the Islamic Republic of Iran)***

Meisam Belbasi *

E-mail: Belbasi.Meisam@yahoo.com

Shahram Esfandiyar **

E-mail: Shahram_Esfandiyari@yahoo.com

Many scientific inquiries have been done on progress patterns, but one of the neglected areas in the field is about identity relationship with the Islamic-Iranian progress pattern. Hence, it is necessary to express an identity pattern compatible with the spirit of Iranian society underlying the formation of national identity and cohesion. In this respect, the main question is what are the indicators and dimensions of the identity pattern compatible with the indigenous progress pattern mentioned in Constitution of the Islamic Republic of Iran (CIRI). Research results show that the optimal identity pattern in the constitution is a combination of three aspects. The first is Islamic identity with components such as: Rules and principles of Islam (that is, Quran and Sunnah); Development and strengthening of Islamic brotherhood and public cooperation between the people (via state); Islam and Shiism; Believing the Guardianship of the Jurist; and paying attention to the Islamic nation. The second is Iranian identity with components such as: Fusion of Islam and Iran; the common language; the common handwriting; Acceptance of local cultures; the flag; shared land and history; Acceptance of the solar date; and paying attention to national-cultural heritage and intellectual property of the nation. The third is modernist and universal identity with components such as: Using the advanced science and technology and human experience; Training of skilled personnel to achieve development; and Encouraging the spirit of initiative. They all together, can accelerate the Islamic-Iranian progress pattern. Here, we use of the content analysis method to answer the research questions.

Keywords: Indigenous Progress Pattern, Islamic Identity, Iranian Identity, Modern Identity, Constitution.

* M.A. Student of Political Science, Mazandaran University (Corresponding Author)

** M.A. in Political Science, Mazandaran University



*Identity Functions of Prejudice and Stereotypes A Case Study
of Tehran University Students*

Ali Ashraf Nazari *

E-mail: aashraf@ut.ac.ir

Mohsen Nazari Majd **

E-mail: nazarimohsen2012@yahoo.com

Understanding of how people interact with each other as a main matter in society is the main basis for a community coherence. How do we understand and evaluate others, Avoiding or relationship with them is an important role in communicating with others or deny or remove them.

One of the most effective ways to understand each other's feelings and perceptions of individuals and groups in relation to the identification, is analysis of the processes that through which social perceptions and judgments of individuals and groups can be evaluated on each other.

The main subject of this paper is studying the functions of stereotypes and prejudice between social groups and it's impact on social identity. In this paper the concepts of stereotypes and prejudices are explained, and the relationship between them and the identity functions of them will be discussed.

Keywords: Stereotypes, Prejudice, Identity, Differentiation, Iran, National Cohesion.

* Faculty Member of Tehran University, Corresponding Author

** MA in Physical Education and Sports Science



The Basic Components of Islamic-Iranian Citizenship Education

Ezzat Allah Kishani Farahani * E-mail: Kishni_farahani@yahoo.com
Mohsen Farmahini Farahani ** E-mail: Farmahinifar@yahoo.com
Akbar Rahnama *** E-mail: Rahnama_akbar43@yahoo.com

The aim of this research is recognition of Islamic-Iranian citizenship education basic components, so challenge and problem have focused on recognition of Islamic-Iranian citizenship education basic components. The method of research is a combination of two methods include Delphi method and analysis of documents. The study has been applied in some Islamic sources such as; Quran, Nahjalbalaghe and Ravayat, and many books of poetries, philosophers and thinkers. The opinions of thirty professors from five universities in Iran (Shahed University, Shahid Beheshti University, Tehran University of Tarbiyat Moalem, Azad University of Arak, Arak University of Tarbiyat Moalem) have valued by questionnaire that was passes its validity formerly. Information have checked with interpretational analysis method and descriptive statistics has used in it. Generally results have shown that twelve citizenship education basic components have recognized, include; valuability, Objectively, method oriented, health, democracy, patriotism, moderation, adequacy, altruism, individual independence, probability, and aristocracy. Results indicate that, "democracy" has been greatest as an Islamic - Iranian citizenship education basic component.

Keywords: Citizenship, Citizenship education, Islamic - Iranian citizenship education.

* M.A. in History and Philosophy of Education, Shahed University, Corresponding Author

** Associate Professor in Philosophy of Education, Shahed University

*** Assistant Professor in Philosophy of Education, Shahed University



***The Relationship Between Religious Beliefs, Identity Crisis
and Identity Styles among Students***

Ali Reza Bakhshayesh^{*}

E-mail: abakhshayesh@yazduni.ac.ir

This research was done on students with the purpose of investigating the relationship between religious beliefs, identity crisis and identity styles. 330 people have been selected among grade four students of Sirjan secondary schools with cluster sampling and completed Basic Religious Beliefs Questionnaire, Identity Crisis Questionnaire and Identity Style Inventory.

The research method was descriptive-correlation. Data was analyzed with statistical indicators like Pearson correlation and independent-samples t test. Results indicated that there is a negative significant correlation between religious basic beliefs and identity crisis ($r = -0/459$) and religious beliefs had a significant correlation with all of the identity styles. Identity crisis showed a negative significant correlation with identity commitment ($p < 0/01$, $r = -0/433$). Female and male students are not different in religious beliefs and identity crisis.

Keywords: Religious beliefs, Identity Crisis, Identity Styles, Students.

* Ph.D. in Clinical Psychology Assistant Professor of Yazd University

***Historical sociology of Iran & the Policy Theory of
Development; Role of essential Approach at Construction of
Islamic-Iranian Model of National Identity***

Seyed Majid Emami *

E-mail: sm.emami@isu.ac.ir

Historical sociology of Identity & civilization is an important field of "Identity", "history" & "civilization" studies that forms the collective consciousness from subjectivity to objectivity, which is the subject of this article. The historical & civilizational Identity of Iran from pre-Islamic to the contemporary era has always been the subject of study of Western Iranologists and inner scholars. In this article after introducing of the three main approaches to historical and civilizational identity of Iran (Devolutionist approach, Multiplicitic approach, essentialist approach) and the result of each view about the demeanor & pattern of development in Iran is explained and analyzed. Taken requirements of the historical & civilizational identity of Iran for theoretical model of development, based on essentialist approach seven principal components, including ("Spirituality, devoutness, consolidation", "pure Islam", "VELAYAT", "Territories & motherland", "Persian language and script", "Historical civilization" & "historical mission & messianism") is examined.

The main problem of this article is the study of types of approaches to historical identity of Iran and attitudes to the overall pattern of development and civilization evolution. The method applied is Documentary & Library research.

Keywords: Historical identity, Iranian Civilization, essentialist Approach, Islamic-Iranian Model of Development, Historical sociology.

* Lecturer and Dean of Department of Religion, Culture and Communication at Imam Sadeq University

Table of Contents

Articles :

- *Historical sociology of Iran & the Policy Theory of Development; Role of essential Approach at Construction of Islamic-Iranian Model of National Identity/* Seyed Majid Emami3
- *The Relationship Between Religious Beliefs, Identity Crisis and Identity Styles among Students/* Ali Reza Bakhshayesh35
- *The Basic Components of Islamic-Iranian Citizenship Education/* Ezzat Allah Kishani Farahani/ Mohsen Farmahini Farahani/ Akbar Rahnama.....51
- *Identity Functions of Prejudice and Stereotypes A Case Study of Tehran University Students/*Ali Ashraf Nazari/Mohsen Nazari Majd..75
- *Optimal Identity in the Context of Indigenous Progress Pattern (With the Approach to Constitution on of the Islamic Republic of Iran)/* Meisam Belbasi/ Shahram Esfandiyar95
- *Pictures of the School Books and Their Relation to National and Religious Identity Study of First and Second Grade Books/* Saeed Zavieh/ Seyedeh Mahdieh Azizi121
- *Facebook Social Network and National Identity of the Youth/* Samad Adlipour/ Vahid Ghasemi/ Masoud Kianpour141
- *The Research of Social Cohesion in Boushehr/* Roohollah Ghasemi 165

فرم اشتراک

حق اشتراک سالانه (چهار شماره) همراه با هزینه پست:

تهران: ۱۸۱۶۰۰ ریال (هزینه فصلنامه ۱۶۰۰۰۰ ریال + هزینه پست عادی ۲۱۶۰۰ ریال)
شهرستان: ۱۹۴۰۰۰ ریال (هزینه فصلنامه ۱۶۰۰۰۰ ریال + هزینه پست عادی ۳۴۰۰۰ ریال)
تهران و شهرستان: ۲۶۰۰۰۰ ریال (هزینه فصلنامه ۱۶۰۰۰۰ ریال + هزینه پست پیشتاز ۱۰۰۰۰۰ ریال)
اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۱۵۰۰۰ ریال می‌باشد.
خوانندگان محترم در صورت تمایل به اشتراک می‌توانند با تکمیل فرم زیر و واریز مبلغ حق اشتراک به حساب جام ۷۴۲۳۴۳۲۷۷۱ بانک ملت، شعبه چهارراه ولیعصر به نام مؤسسه مطالعات ملی و یا به شماره کارت ۶۰۳۷۶۹۱۷۴۱۸۳۶۵۴۸ بانک صادرات به نام کاوه امیرخانی شهرکی واریز و اصل فیش بانک همراه با اصل این فرم را به نشانی: تهران: صندوق پستی ۹۱۹-۱۳۱۴۵ مؤسسه مطالعات ملی ارسال نمایند.
امور مشترکین فصلنامه با شماره تلفن ۶۶۴۱۵۴۸۸ و شماره نمابر ۶۶۴۱۵۴۶۷ آماده پاسخ‌گویی به سؤالات محققان خواهد بود.

نام و نام خانوادگی: شغل و میزان تحصیلات:
نشانی:
کد پستی: نمابر: تلفن:

In the Name of God



National Studies Institute

National Studies Quarterly

Founder : The Institute for National Studies

Managing Editor : Ali Karimi Associate Professor of Political Science,
Mazandaran University

Editor-in-Chief: Ebrahim Barzegar Professor of Allameh Tabatabayee University

Editorial Board Members :

Ali Bigdeli	Professor of History, Shahid Beheshti University
Hossein Goudarzi	Assistant Professor of Sociology, Research Istitute of Social and Cultural Studies
Mohammad Reza Hafez Nia	Professor Geopolitics of Tarbiat Modarres University
Seyed Zeia Hashemi	Assistant Professor of Sociology, Tehran University
Ali Karimi	Associate Professor of Political Science, Mazandaran University
Mohammad Bagher Khorramshad	Associate Professor of Political Science, Allameh Tabatabayee University
Mirjalaloddin Kazzazi	Professor of Persiane language and literature Allameh Tabatabayee University
Mojtaba Maghsoodi	Associate Professor of Political Science, Azad Islamic University (Central Tehran Branch)
Davoud MirMohammadi	Instructor of Social, Payam-e-Noor University
Ahmad Saii	Associate Professor of Political Science, Tehran University
SeyedMohammadKazem Sajadpour	Associate Professor in International of Department of International Relations

Assistant of Editor-in-Chief: Aliashraf Nazari Assistant Professor of Tehran
University

Editor : Kazem Firoozmand

Typist : Mahmoud Gharehdaghi

Address : No. 43 – Shohada-e-Jandarmeri St., Daneshgah St., Enqelab Av.
Tehran, IRAN

Post Code: 1315695715

Web Site: www.rinsweb.org / www.rinsweb.ir **Web Site:** www.rjnsq.org

Email: info@rinsweb.ir , motaleatmeli@yahoo.com

P.O.Box : 13145-919

Tel : + 9821 – 66415488-66415708-66499916 **Fax :** + 9821 – 66415467

Price : 40000 Rials

Number of Pages : 198

Articles :

- *Historical sociology of Iran & the Policy Theory of Development; Role of essential Approach at Construction of Islamic-Iranian Model of National Identity (3)/ Seyed Majid Emami*
- *The Relationship Between Religious Beliefs, Identity Crisis and Identity Styles among Students (35)/ Ali Reza Bakhshayesh*
- *The Basic Components of Islamic-Iranian Citizenship Education (51)/ Ezzat Allah Kishani Farahani/ Mohsen Farmahini Farahani/ Akbar Rahnama*
- *Identity Functions of Prejudice and Stereotypes A Case Study of Tehran University Students (75)/ Ali Ashraf Nazari/ Mohsen Nazari Majd*
- *Optimal Identity in the Context of Indigenous Progress Pattern (With the Approach to Constitution on of the Islamic Republic of Iran) (95)/ Meisam Belbasi/ Shahram Esfandiyar*
- *Pictures of the School Books and Their Relation to National and Religious Identity Study of First and Second Grade Books (121)/ Saeed Zavieh/ Seyedeh Mahdieh Azizi*
- *Facebook Social Network and National Identity of the Youth (141)/ Samad Adlipour/ Vahid Ghasemi/ Masoud Kianpour*
- *The Research of Social Cohesion in Boushehr (165)/ Roohollah Ghasemi*



National Studies Quarterly

56

Vol. 14 No. 4 1392 (2014)

National Studies

QUARTERLY

Articles

- **Historical sociology of Iran & the Policy Theory of Development; Role of essential Approach at Construction of Islamic-Iranian Model of National Identity** / Seyed Majid Emami
- **The Relationship Between Religious Beliefs, Identity Crisis and Identity Styles among Students** / Ali Reza Bakhshayesh
- **The Basic Components of Islamic-Iranian Citizenship Education** / Ezzat Allah Kishani Farahani / Mohsen Farmahini Farahani/ Akbar Rahnama
- **Identity Functions of Prejudice and Stereotypes A Case Study of Tehran University Students** / Ali Ashraf Nazari/ Mohsen Nazari Majd
- **Optimal Identity in the Context of Indigenous Progress Pattern (With the Approach to Constitution on of the Islamic Republic of Iran)** / Meisam Belbasi/ Shahram Esfandiyar
- **Pictures of the School Books and Their Relation to National and Religious Identity Study of First and Second Grade Books** / Saeed Zavieh/ Seyede Mahdieh Azizi
- **Facebook Social Network and National Identity of the Youth** / Samad Adlipour/ Vahid Ghasemi / Masoud Kianpour
- **The Research of Social Cohesion in Boushehr** / Roohollah Ghasemi